



کتابه

۳

کال

۱۳۴۶

شهریار بزرگ افغان اعلیٰ حضرت شهید سعید محمد نادر شاه که مجاهدات
وفدا کاریهای آن مرد نامدار در حرب استرداد استقلال افغانستان همیشه تاریخ
مبارزات مارا برجسته و درخشان ساخته است

فهرست مضامین این شماره

صفحه	نویسنده	مضمون
۱	فیض محمد عاطفی	طبیعت آزادی
۳	تورن جنرال محمد نعیم وزیری	سرکوبی اشرا
۵	دگروال ارکانحرب عبدالقدیر «خلیق»	ماواستقلال
۷	امری بریدمن زبیح الله	تعرض در اراضی کمپسار
۹	دگرمین ارکانحرب مهدیحی نوروز	اتحادیه های نظامی
۱۲	دگروال عبدالقیوم ترین	اخلاق یک انسان
۱۴	جگتورن اختر محمد لودین	تأمین ارتباط مخابره
۱۹	« فضل ربی	طرز حمایه توبیجی
۲۵	عبدالواسع روئین	ماجرای کمر بند اتومی
۳۰	توریالی عثمانی	فرانسه واردو های آن
۳۴	مهد اسمعیل اختیاری	شرحی از ساعت های تاریخی
۳۸	عبدالواسع «نبی»	حرب در طول تاریخی محاربات
۴۱	حسین علی «غرج»	راکت های بالستیکی امریکا
۴۳	. . .	ژندگی ناپلیون
۵۰	دوکتور خلیل الله «آفتاش»	تشخیص و معالجه در قیل مشکلات
۵۵	فیض محمد عاطفی	مطالعات اجمالی در ژئوپولیتیک
۶۰	عزیز «غیور»	یک موفقیت جدید علمی
۶۲	دوهم بریدمن عبدالله	قربانیان اتومی
۶۷	پیغله صالحه اثر یفتلی	کشف عجیب
۷۲	دگروال محمد نعیم انوری	با جغرافیای جهان
۷۶	شکریه (الف)	جلوگیری از آتش
۷۸	میر جمال الدین «فخری»	آتیلا یا بالای آسمانی
۸۲	عبدالرزاق «توخی»	هیپنوتیسم
۸۴	دگرمین ارکانحرب غلام نبی	اساسات تکنیکی و تکنیکی
۸۷	آقا محمد «بیغرض»	زما دمطالبو خوتکی...
۹۰	دوهم بریدمن رحمت الله	صنعت و تاثیر آن در تمدن
.	داردو خپرونه
.	در جهان عسکری
.	ما و خوانندگان



شہر یار دانا ، پادشاہ عسکر پرور و نگہبان استقلال کشور اعلیٰ حضرت محمد ظاہر شاہ



نویسنده: فیض محمد
(عاطفی)

طلیعه آزادی

بالکل روز ۶ جوزا یکبار دیگر خون های مردم سر زمین ما بجوش می آید و روح حماسی در پیکر فرد فرد این قلمرو بیدار می گردد. ما درین روز بزرگ، آزادی از دست رفته را بقیمت خون سرخ ملت خویش خریدیم همه مردان و زنان این کشور در راه استرداد استقلال دست اتفاق بهم داده و با قربانی های قهرمانانه بجنک دشمنان آزادی شتافتند راد مرد بزرگی عنان احساسات خشمگین ملت را بکف داشت و رهبری این قوای پیکار جو و فداکار را در عرصه رستاخیز ملی و در صحنه جدال و مبارزه بعهده گرفته بود، اعلی حضرت شهید قاید بزرگ افغان با جذبات اسلامی و روح سلحشور افغانی آنقدر بردشمن غاصب آزادی، فشار آورد و آنچنان حملات و ضربات پیاپی بردستگاه قدرت استعمار گران وارد ساخت که دیگر دیو استعمار نتوانست بمقاومت خویش ادامه دهد ناچار میثاق آزادی را به پیشگاه ملت افغان تقدیم نمود و امروز کشور ما در قطار ملت های زنده و آزاد جهان مقام و مرتبه والا ئی داشته و هر روز در صحنه تحولات اجتماعی و سیاسی قدمهای بزرگتری در راه رشد و انکشاف آزادی برمیدارد.

ملت ما پیوند های عمیق و ناگسستنی با آزادی دارد صفحات تاریخ کشور شاهد گویائی است که در طول رویداد های تاریخی همه جا مردمیکه خواسته اند بحریم آزادی ملت افغان تجاوز کنند، با طغیان عظیم معنوی و احساسات آتشین ملت مواجه گردیده و بالاخره طومار تسلط بیگانگان پاقیام عمومی مردم درهم پچیده است این روح سرکش و رام نشدنی در برابر زور و تجاوز، خاصه فطری افغان ها است و ازینجا است که فصول برجسته تاریخ وطن ما را همین پیکارها و مجادلات ملی، علیه غاصبان آزادی تشکیل میدهد.

امروز شرایط عصر و محیط و زمان با جریانات سابقه فرق بارزی دارد و بنا بران مفهومی که از آزادی در ادوار گذشته مدنظر بود با استنباطی که امروز از آزادی داریم خیلی تفاوت دارد با توجه بهمین مطلب بود که ملت افغان با درک شرایط زمان و روحیه عصر حاضر بطرح قانون اساسی جدید اقدام نمود و این افتخار بزرگ در سرنوشت ملت ما بنام نامی شهریار دانا و دیموکرات افغان ثبت گردید امروز ارزش های بزرگ سیاسی و اجتماعی و آزادی های فردی و حقوقی در قالب قانون اساسی مملکت بشکل موثر و متکامل گنجانیده شده و بر مردم ما است که بتوانند با واقع بینی و تعقل و دور اندیشی ازین موهبت بزرگ استفاده های معقول کنند.
(لطفآورق بزنید)

آنچه حافظ واقعی آزادی است نخست آن است که مردم بدانند آزادی چیست. دوم آنکه از جان و دل خواهان آن باشند و سوم آنکه همت و شجاعت داشته باشند تا بدفاع از آزادی برخیزند، از شرایط آزادی آنست که مردم حاضر باشند بی آشوب و جدال با بردباری و انصاف، دور از افتراها و دشنام ها و بهتان ها دور همدیگر جمع شوند و سخنان یکدیگر را بشنوند و نیک و بد را از هم تمیز دهند و آنچه اکثریت بدان توافق کند به صورت قانون مقدس و مقبول بپذیرند، بقول یکی از دانشمندان مقدمه چنین امری (تربیت ملی) میباشد منظور از تربیت ملی تنها آموختن و خواندن و نوشتن نیست بلکه منظور تربیت افراد برای همزیستی و برای شناختن و قدر دانستن آزادی و برای بی بردن به حقوق خود و برای آموختن احترام به حقوق همسایه، برای تنفر از ظلم و چاپلوسی و عشق به انصاف و عدالت است این نوع تربیت اجتماعی و سیاسی است که پایه حکومت دیموکراسی بشمار می رود.

اردوی افغان بادرک این حقایق که واجد شرایط علمی و واقعی است عنصر اساسی و قدرت فنا ناپذیر ملت دلیر ما است که در راه حراست و حفاظت استقلال کشور در همه ادوار تاریخی مصدر فدا کاری و قربانی گردیده است امید داریم منسویین اردوی افغان وظیفه خطیر و بزرگ خویش را در همه جا و همه وقت

بشکل شرافتمندانه انجام داده و مشقت آهنین اراده ملت در مقابل دشمنان آزادی باشند همچنان یقین داریم فرزندان برومندان سرزمین باچشمائی بینا و دل های آگاه روز بروز درخت آزادی را با رورتر و پرترتر ساخته در عرصه اجتماع و در پیشگاه تاریخ مملکت امتحان فرزاندگی و مردی و مردانگی را بشایسته ترین وجهی ادا کنند ما امید داریم با رهبری و قیادت مردان بزرگ کشور، افغانستان عزیز روز بروز مراحل بزرگ تحول و تمدن را پیموده و مقام شامخ خویش را در قطار ملل جهان خوبتر باثبات برساند.

با استفاده از وقت بروح شهدای راه آزادی که در چنین روز هائی دشت و دامان وطن را بخون خویش رنگین ساختند و آنها نیکه بانندیشه و توان مادی و معنوی خویش پرچم آزادی افغان را در آسمان مملکت بر افراشتند درود و تحیات بی پایان می فرستیم.

یابنده باد آزادی ما

عزت نفس

مرد باید که هر کجا باشد
عزت خویش را نگهدارد
خود پسندی و ابلهی نکند
هر چه کبر و منی است بگذارد
همه کس را ز خویش به داند
هیچکس را حقیر نشمارد
«ابن یمن»

اگر من در بهشت باشم ولی بمن بگویند توحق نداری جهنم را باین بهشت ترجیح بدهی من از این بهشت بیرون میروم. «ژان روستاند»

در محیط آزاد يك قطعه نان همیشه پیدا می شود.
چنین نانی هزار بار از طعام لذیذی که باید با ترس و تحقیر و اهانت خورد بهتر است.

در محیط آزاد يك زاغه و پناهگاه هر قدر هم تنگ و حقیر باشد،
هزار بار بر قلاع و استحکاماتی که مخاطرات پیچ در پیچ دور تابدور آنرا گرفته ترجیح دارد. «اسمعیل ایرونی هندوستانی»



والاحضرت مارشال شاه وليخان غازي فاتح كابل آبه در حوب استرداد
استقلال افغانستان فداكار يهائ بزرگي بيمادگار گذاشته اند

سرکوبی اشرار

برای اینکه قطعات نظامی عسکری اشرار (اشقیا) را به اسرع وقت و بصورت و معنی مؤثر سرکوبی بتواند لازم است که از خصوصیت و سیستم محاربات متمردین شقی واقف باشند . از آنرو توضیح این مطلب را جهت مزید معلومات علاقه مندان مفید دانسته مینگارم اینک :

- ۱- مقصد اشقیا چیست ؟
۲- قوت و قدرت اشقیا بچه اندازه است ؟
۳- از کجا حمایه و تقویه میشوند
۴- معنویات شان به کدام درجه است ؟
۵- مهارت و بلدیت شان در اراضی بچه اندازه است ؟
۶- سلاح مهیات و تجهیزات آنها چیست ؟
۷- حیلہ های آنها از چه قرار خواهد بود ؟
ب- احوال و اوضاع قطعه یکہ با اشقیاء مقابلہ خواهد کرد :
۱- درجہ تعلیم و تربیہ .
۲- قدرت و قابلیت محاربه وی (طول رفتار . استعمال سلاح رفع انقطاع فعالیتہای تاکتیکی ..)
۳- مورال و معنویات .
۴- وضع قیافہ و تجهیزات .
۵- درجہ و منابع اکمالات .
۶- چگونگی اہالی (بمقابل قواد انتظامیہ و اشقیا و غیرہ)
- در منطقہ یکہ اشقیاء بہ مقصد خصوصی فعالیت میکنند غرض بدست آوردن مطلوب خیلی جرئت کارانہ سعی میکنند اگر اشقیاء بمقابل خود قطعہ نظامی بی امنیت لاقید و ضعیف بہ بینند بہ چند حملہ بسیط قطعہ را از پا در می آورند و بعد از اینکہ سلاح مہیات اعاشہ و غیرہ را تاراج کردند اضافہ تر جسور و تقویہ میشوند . و در صور تیکہ قطعہ متصف بصفات حاضر مبارزہ باشد انقراض اشقیاء البتہ طبعی قبول خواهد شد .
اشکال مصادمہ اشقیاء
۱- تعرض .
۲- مدافعہ (اکثر یا مقاومت اشغال)
۳- تعقیب .
۴- رجعت .
۵- کمین .
۶- شب خون (حملہ ناگہانی)
۱- در ابتدای مصادمہ اگر اشقیاء بصحت انداخت ، قوت ، معنویات و فائزیت ہا را بہ نفع خود تقدیر نمودند حتماً تعرض میکنند . فقط محاربه دو امدار نکرده در زمان اندک بہ استحصال نتیجہ قطعی کوشش واگر
- مقابلہ مفیدانہ بہ بینند بی درنگ فرار میکنند . اشقیاء اگر مجبورنہ شوند در اراضی ہموار محاربه را قبول نکرده اراضی پوشیدہ ، جنگلزار ، بریدہ ، عارضہ دار و امثال آنرا برای اجرای محاربه تر جیح میدہند تا اینکہ راہ فرارشان بازماندہ بتواند .
قوت اشقیاء اگر زیاد شد باز ہم کوشش میکنند کہ قطعات عسکری برای اجرای محاربه در اراضی متذکرہ کشانیدہ شوند در عین حال میکوشند تا قطعات پراگندہ گردند تا بہر پارچہ آن علیحدہ علیحدہ حملہ نمودہ محاربه را بہ نفع خود انجام دہند اگر زمینہ را برای خود مساعد نتوانستند فرار را برقرار تر جیح دادہ اراضی حاکم را اشغال نمودہ آمدن قطعات را انتظار میکشند .
چون اکثر یا قطعات اشقیاء را از پل شان تعقیب مینمایند زمانیکہ قطعات در اراضی محکوم داخل گردید زمان بی امنی ، بی انتظامی و بی تدبیری قطعات را مترصد بودہ و در ظہور فرصت بہ حملہ ناگہانی آشکار قطعہ می پردازند . اگر در وقت روز این مطلب را حاصل نتوانستند از تاریکی

شب و یا زمان فجر استفاده کرده به حمله می پردازند .

بقطعه ای که خیال تعرض را داشته باشد روز آن قطعه را کشف و انتخاب کرده و از اراضی بیچ و خمدار و طور ماهرانه خود رانزدیک آن قطعه نموده قبل از تعرض به قطع کردن و سائط مخابره کوشیده اگر قطعات فراموش کرده و جاه های حاکم را ضبط نکرده باشد نقاط حاکمی را که قطعات باثر منزل سلاح شان داخل باشد اشغال و بوقت مساعد بشکلی که قطعه محاصره شود به تعرض می گذرند . با وصف این فعالیت های اشقیاء اگر قطعه مقتدر باشد از عمل متذکره اشقیاء متأثر و متضرر نگردد به مقابله ماهرانه خود اشقیاء را محاصره کرده ایشان را اسیر میگیرد و یا به آنها تلفات زیاد وارد مینماید .

اگر تعرض اشقیاء انکشاف کرد کوشش میکنند که قوماندانان را اسیر بگیرند و یا بقتل رسانند اسلحه جات ثقیله داخل مواضع را محاصره و خاموش و در قطعه پراکنده گی ها بوجود آورده معنویات پرسونل قطعه را خراب ساخته محاربه را به نتیجه برسانند .

اگر به محاصره قطعات موفق شده نتوانستند بعضاً تعرضات خود را به سه خط اجراء میدارند به این ترتیب :

۱- خط اول : نفری جوانیکه به اسلحه جات ناریه و جارحه خفیه به شمول م . خ

۲- خط دوم : پرسونل و وسائطیکه خط اول را اکمال بتواند .

۳- ذریعه خط سوم : جبهه خانه ، خوراکه و آب خطوط اول و دوم را اکمال زخمی ها ، مرده ها و غیره چیزهای بسیار مهم خود را تهیه مینمایند .

در خط اول و دوم از جوانان و در خط سوم کهن سالان ، زنان و حیوانات را استعمال و استخدام مینمایند . اگر بدیگر وضعیت و احوال محاربه را قبول کنند هم تدابیر تخلیه را اهمال نکرده و خصوصاً از اسیر شدن و گرفتاری زخمی و مرده بدست قطعات جداً احتراز نموده آنها را دفن و یا داخل مغاره ها محافظه میکنند در اوضاع و احوال مشکل مرده و زخمی ها را در چاه ها و گودال ها می اندازند تا بدست قطعات نیفتند . . .

تدابیر قطعات بمقابل تعرض اشرار :

وقتیکه باقطارها و گروپ های قوی اشقیاء تماس محاربه حاصل میشود نسبت اینکه اشرار محاربه جبهه دوامدار را قبول نمیکند و محاربات شب را ترجیح میدهند بنابراین باید قطعات در مصادمه نخستین مغلوبیت هرچه کاملتر اشقیاء را وظیفه اول خود بدانند ورنه به حيله بازی ها و حمله های ناگهانی و غیر مترقب مواجه و باعث مغلوبیت و پریشانی خود شان خواهد گردید .

تدابیر بمقابل مقاومت اشرار :
بمقصد استحصال نتیجه همراه اشرار از جبهه زور آزمائی کردن هم مشکل

بیمورد و نیز ضایعات زیاد را موجب میشود پس از آنجائیکه تسلیحات ثقیله اشرار اکثریاً که نسبت به اسلحه قطعات کمتر خواهد بود نظر به آن از طرفی می باید اسلحه ثقیله آنها تحت هر نوع آتش و بمباران قرار داده شود و از جانبی به محاصره و سرکوبی شان اقدام باید گردید . چون اشقیاء در این اوضاع فرار را برقرار ترجیح میدهند و به احتمال قوی قبل از قبول محاربه راه های گریز را برای خود تثبیت کرده میباشند پس برای قوماندانان قطعات لازم است تالیپش از پیش همچو استقامت های خروج و فرار اشرار را کشف و تثبیت و برای سد نمودن همچو استقامت ها ذریعه آتش یا قطعه (قطعه تعالیم یافته یک مورال قوی داشته باشد) تجاوز لازم را اتخاذ نمایند .

برای اینکه قطعه از تاثیر دیگر گروپ های اشقیاء مصئون مانده بتواند اگر در جناح و پهلو قطعه تقرب قواه دوست هم متصور باشد حین تقرب همچو گروپ ها باید متوقف و مکملاً معلومات دوست بودن شان خواسته شود ورنه بعضاً واقع شده که اشرار حيله بازی کرده بدست دوست یابی طرف نزدیک شده دفعتاً به حمله های ناگهانی می پردازند .

عشق باندازه مرگ قوی است ، حسادت باندازه قبربی رحم است .
آوازه سلیمان

عشق کور نیست ، عشق بیشتر می بیند نه کمتر ، ولی چون بیشتر می بیند حاضر است کمتر ببیند .
ژولیوس گوردون

عشق وقتی شدید و قوی میشود که در راه باعوائق و شکنجه ها تصادم کند .
رومان رولان

عشق دریائی از احساسات است که از هر طرف محاط شده از مخارج رنگارنگ .
طامس رابرت ده ور



مرحوم و الاحضرت شاه محمود خان غازي مرد مجاهد و نامدار
در حرب استر داد استقلال وطن

ما و استقلال

بشر امروز که در پرتو انکشافات ماینس و تکنالوژی توانسته است راه پیاده شدن را به دیگر سیارات پیدا نموده و در پرتو کیهان نوردی های خویش فضای کاینات بس به این بزرگی و پهناوری را جولا نگاه سیر و سفر خویش ساخته است، صرف از ناحیه ایست که او میخواهد حلقه ها و موانع و مشکلاتی را که طبیعت بر او از سالیان متعادی بدینطرف وضع و سلطه اقتدار و صلاحیت او را در حصه پرواز از کره خاک کی زمین تحدید نموده بود شکستانده و حاکمیت خود را در نقاطی که تا کنون دست بشر رسائی در آن نداشته است تاسیس نماید همه و همه برای ایست که خلقت بشر و عزیزه طبیعی او طوری طرح و ریخته شده است که دوستدار آزادی خویش بوده و نمیخواهد درین راه موانعی در پیش روی او عرض اندام نماید پس اگر به تاریخ انکشافات و پیشرفت های عالم بشریت غور و

ششم جوزای هر سال که ما را همواره از روز استرداد استقلال ملی ما یادآوری مینماید ایام بس پر افتخاریست که اوراق تاریخ این مملکت باستانی را مزین ساخته و دور تاریخ و گذشت ایام هر آئینه به قداست و قشنگی آن می افزاید بلی! حقیقتاً جای بس افتخار است که ملت افغان تقریباً نیم قرن پیش قیمت آزادی و حریت پسندی را مدرك شده و بقره شمشیر اولاد های صالح خود توانستند بوغ ننگ آور اسارت را از گردن باشمامت این ملت دور نمایند در حالیکه بسا ممالک خورد و بزرگ این مهد آسایش بشر و دنیا بیکه مادران زیست مینماییم هنوز هم مقتدر به دور ساختن حلقه های غلامی نگر دیده و یا خود عده چند در این سالهای اخیر توانسته اند عروس آزادی را در آغوش خود کشیده و از نعمت های بزرگی که در نهاد این موهبه قیمتدار نهفته است مستفیض گردند.

نویسنده : عبدالقدیر خلیق
دگروال ارکان حرب

تعمق نمایم به مشاهده می رسد که بشر تاچه اندازه توانسته است جولانگاه آزادی و حوزه حاکمیت خود را نسبت به سابق وسعت بخشیده .

علت یگانگی اینهمه مجادله های بشر از آن منبعی سرچشمه گرفته است که بشر آزاد خلق شده و میخواهد آزاد زیست نماید پس اولاد های افغانستان عزیز که دائماً به آزادی ما در وطن خویش علاقه مفرطی داشته و دار نند نخواسته اند و نخواهند خواست که آر اسگاه اجداد و معیشت گاه خودشان در زیر یوغ اسارت بسربرد ما اولاد های امروزی هم به آزادی خود مانند نیاکان خویش علاقه و عشق مفرطی داشته و آرزو مندیم این امانت گذشتگان را تارمق آخرین محافظه نمائیم زیرا زیستن به غلامی بدتر از سرگ است سرگ با افتخار رامیتوان بر حیات دنی ترجیح داد زیرا این نوع زندگانی جز نام مفهوم حقیقی حیات شر افتمندانه را دارا نمی باشد .

ایتک سایادو بود فداکاری های اجداد خویش بیاد گشته گان و غازیان راه آزادی بیاد تشنه گان معرکه استقلال و بیاد آوری و اتحاف درود بر روح شهید ای راه آزادی این روز میمون و مقدس ملی راهمه سانه تجلیل نموده و شادمانی می نمائیم در معرکه آزادی و در لبرد های خونین این گیر و دار عا یگانه چیزیکه مایه فنخارات ملی ارانشکیل می عهد عمدتاً عز و اراده آهنین ، معنویات عالی عقیده و ارادت به نیروی توده وی و بالاخره

همت جوانان مابوده که توانسته اند با اسلحه بس ناچیز و بیسظی در مقابل قوای عصری دشمن بجنگند و بالاخره شاهد مؤفقت و عروس آزادی رادر آغوش کشند در اینجا لازم می بینیم تاپیکبار از نام نامی قوماندان مدبر این دسته جوانان اعنی اعلیحضرت شهید سعید (رح) که با قوه تدبیر زور شمشیر و داشتن اوصاف ممیزه و بزرگ لید رشپ خویش یکعمده جوانان فداکار را بمقابل یک هدف مقدس ملی رهبری نموده و بالاخره سرام خویش را بکف بادر ایت خود در آوردند یادآور شویم؛ وهم باید گفت :

زنده جاویدماندهر که نکونام زیست کز عقبش ذکر خیر زنده کند نام را باری بیاس شکران و قدردانی از خدمات آنها تیکه در معرکه آزادی وطن سهیم بودند و باری برای تشویق نسل جوان امروزی و نسل هائیکه مارا دنبال خواهد کرد از خدمات شان یاد آور گردیده و به روح پاک آنها

درود می فرستیم وهم از خدای پاک استرحام مینماییم تا به جوانان امروزی و آینده مملکت قدرتی ارزانی بخشد تا نظری به ایجابات وقت و زمان مملکت را انکشاف داده و آنرا برای حمایه و صیانت استقلال خویش بر ای همیشه حاضر و آماده گرداند .

پس درقبال اینهمه آرزوها اگر اولاد های صالح مملکت در تحت قیادت ماه جوان و بادر ایت خود دست بکار زده و با خلوص نیت و عشق و علاقه به مملکت در وظائف محوله خودها جدوجهد مینمایند شکنی نخواهد بود که آنها هم در حفظ نوامیس ملی و شعار اسلامی خودها مؤفق گردیده و دائماً در آغوش عروس آزادی و نعمت های که از آن متصور است زندگانی پرافتخار و آبرو مندانه را سپری نمایند .

در خاتمه می گوئیم خوشنود باد روح شهیدای آزادی و پاینده باد استقلال افغانستان عزیز

اندیشه های نیچده

شما اعتقاد بخود را بیاموزد . وی از نگاه های شما تغذیه می کند و از دست های شما تعریف و تمجید نسبت به خود را میبلعد .

ضعیفترها از راه های مخفی همواره به داخل حصن حصین و زوایای قلب اشخاص قویتر خزینده و در آنجا برای خود بازدی کسب قدرت میکنند .

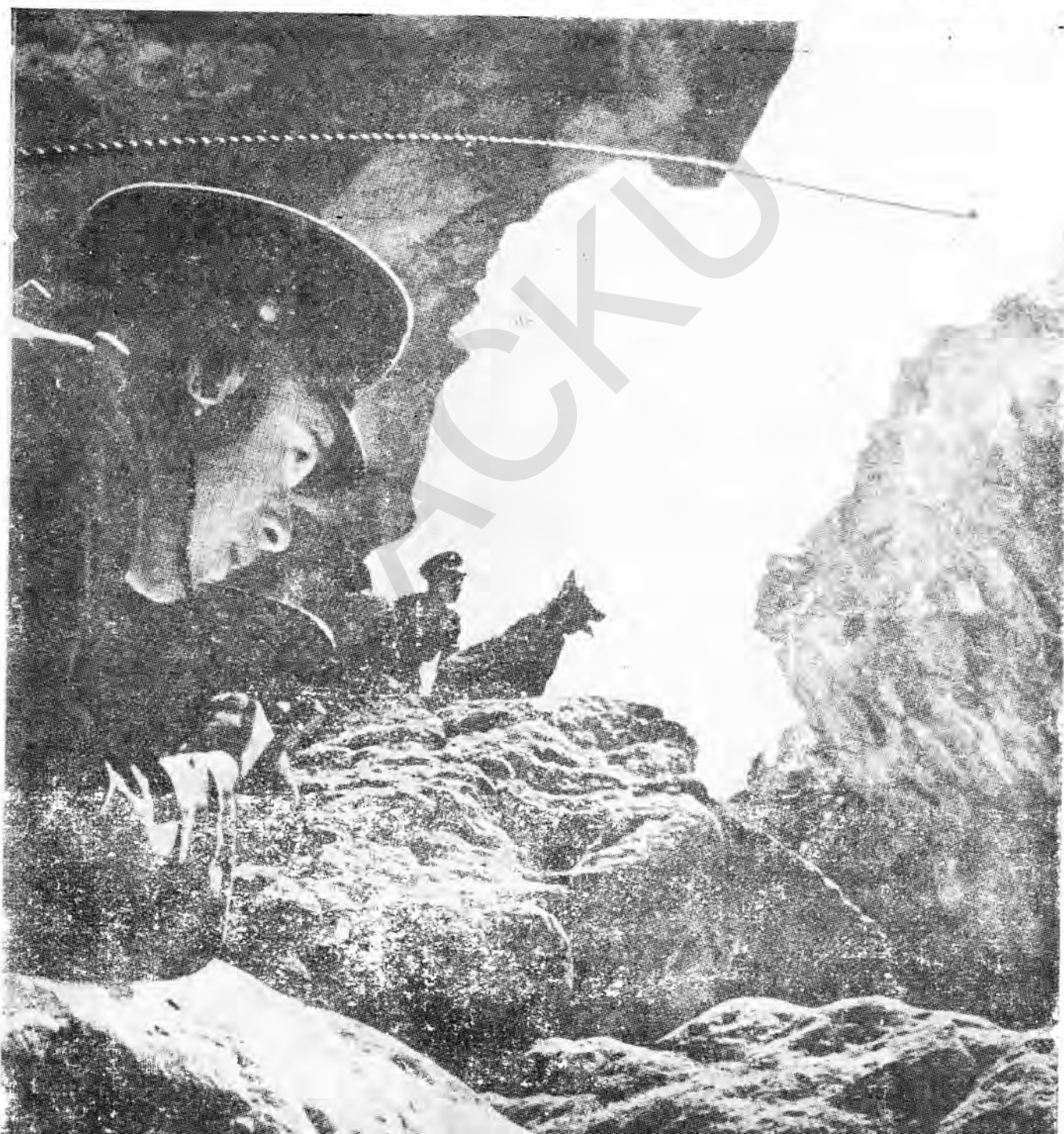
آرامترین کلماتند که طوفسانی را با خود به همراه میاورند . افکاری که با پای کبوتران پیش میایند جهانی را مسخر میسازند .

کیست که عمق واقعی فروتنی یک شخص خود دستار را اندازه تواند گرفت ؟ من بمناسب فروتنی او نسبت بوی خیلی رحیم و بخشاینده می باشم خود ستامایل است که بوسیله

ترجمه و تلخیص
لمری بریدمن پیاده
ذبیح‌الله ازقوای مرکز

تعرض در اراضی کوهسار

جزو تاسمهای عسکری که در اراضی کوهستانی، چار به مینمایند بانواع زیاد شرایط مشکل مواجه میشوند. نشیب‌ها، بعضاً سرپایانی‌های جنگلزار، دره‌های تنگ عمیق، چغری‌ها و بریدگی‌ها قابلیت مانور



متعرض پیشرفت و انبساط آنرا برای تعرض از حال حرکت محدود میسازد در عین حال راه‌های مستور تقرب، خالیگاه‌های اشغال نشده و پوشیده در سیستم مدافع دشمن، متعرض را قادر میسازد که بجناح‌های دشمن مواصلت نموده و بعقب ترتیبات مدافعه آن نفوذ نماید بناً در ارانی کوهسار تعرض به استقامت‌های جداگانه صورت میگیرد.

خصوصیت اصلی فعالیت‌های مجاروبی در اراضی کوهسار استخدام وسیع جزو تاسمها بحيث اجزای يك قوه بزرگ برای اجرای احاطه وسیع میباشد. برای قوه اصلی در جریان تعرض این موضوع يك امر عادی است که به جناح یا عقب دشمن ضربه را وارد آورد. در نتیجه عساکر از تقریبگاه‌های مستور و خالیگاه‌ها در سیستم مدافعه دشمن استفاده مینماید طور مثال، يك تولى پیاده موثر دار قادر است که فعالیت مجاروبی را دور از قسم کلی کند انجام دهد. تولى در عمق سیستم مدافعه دشمن دخول توانسته و مانور دور خوردن از جناح دشمن و احاطه وسیع را اجرا کرده که به تعقیب این حرکت تعرض ناگهانی به جناح و عقب آن اجرا شده میتواند. جبهه تعرض اولتر از همه بخصوصیت اراضی مربوط می‌باشد در يك وادی تنگ و دره گود تولى قاعدتاً يك جبهه ۱۰۰ الی ۳۰۰ متر تعرض میکند. لیکن در يك سطح مرتفع و یادر يك وادی وسیع فراخی جبهه تا ۱۰۰۰ متر و زیاده تر از آن زیاد شده میتواند. نظام مجاروبی تولى پیاده موثر دار هکذا به اراضی و وظیفه مجاروبی مربوط میباشد. تولى نظام راست قدمه دار ویا چپ قدمه دار، قاما ویا تحت شرایط مساعد نظام خط بلو کهما را اتخاذ نموده میتواند. در موارد معین يك قسمت قوه در احتیاط قوماندان تولى باقی میماند.

میتود اجرای وظایف مجاروبی در اراضی کوهستانی برای خود خصوصیتی دارد. به این ترتیب که در اراضی که دارای ساحه‌های صعب‌المرور ویا کاملاً غیر قابل عبور باشد دشمن قاعدتاً مدافعه خود را بیک جبهه فراخ تاسیس نموده، ارانی حاکم، معبرهای کوهی، خالیگاه تلافی سرک‌ها، تقاطع راه‌ها و دیگر نقاط و محلات تکتیکی را اشغال مینماید در این صورت، سیستم مدافعه در بین محلات مقاومت جزو تاسمها دارای خالیگاه‌ها میباشد. دشمن احتیاط‌های قوی سیار و سیستم مسکمل موانع مصنوعی را متحداً با موانع طبیعی استخدام مینماید. در این شرایط جزو تاسمهای متعرض اصولاً ارتفاعات حاکم، کوتل‌ها، معبرها و تلافی سرک‌ها را ضبط نموده و اراضی ضبط شده را تحکیم مینماید. در نتیجه این طرز فعالیت دشمن از راه‌های رجعت آن محروم خواهد گردید. علاوه بر دشمن را احاطه مکمل تهدید نموده، که در آن صورت جزو تاسمهای متعرض به پیشرفت سریع قادر خواهد گردید.

در برجستگی‌های اراضی کوهی تاسیس ترتیبات قوی مدافعه بایک سیستم چند طبقه ای آتش جناحی و آتش سرتیر در پیشروی مواضع آسان میباشد. از آن جهت غرض جاوگیری از ضایعات زیاد، متعرض باید سعی بخرج دهد که با قسمت اعظمی قوه خود احاطه وسیع ویا دور خوردن از محلات مقاومت دشمن را غرض يك هجوم همزمان از جبهه، جناح و عقب اجرا نماید.

در اراضی که امکان مانور احاطه ویا دور خوردن را نهد، متعرض مجبور خواهد بود که از جبهه هجوم نماید. لیکن در این صورت نیز قوه متعرض باید تلاش نماید که حتی ذریعه گروپهای خورد نفرهای

ماشیندار خفیف امکان مواصلت را بجناح و عقب هدف تعرض حاصل نماید ظهور ناگهانی اینچنین گروپها توأم با فعالیت جسورانه آنها روحیه دشمن را خراب و عزم مقاومت آنرا ضعیف مسازد.

بمقصد از زیاد بخشیدن قدرت آتش و استقلال تکتیکی جزو تاسمهای پیاده موثر دار تقویه آنها با وسایط آتشدار زیاد تر نسبت به اندازه مقرره مصلحت آمیز است تجربه تطبیقاتهای تکتیکی نشان میدهد که يك تولى پیاده موثر دار بیکه در اراضی کوهسار فعالیت مینماید باید با يك بلوک توپ بی پسگد، يك یا دو بلوک توپ خورد چاپ، يك بلوک هاوان، يك یا دو دنگی علوانداز خفیف، جزو تاسمهای انجنیری و کده یاوی - و در اراضی که برای حرکت تاسمها مساعد باشد - با يك بلوک ویا تولى تانک تقویه شود. اگر يك تولى پیاده موثر دار بطور مستقل فعالیت نماید، بطور مثال بحيث يك مفرزه بیکه احاطه وسیع را اجرا مینماید، غرض فعالیت در عقب دشمن با وسایط آتشدار خفیف تر و زیادتر که بمسافه‌های کوتاه برده شده بتواند تقویه میگردد.

قوماندانان جزو تاسمهای پیاده موثر دار وظایف تعرض و هدایات تشریک مساعی، کور دیناسیون و امنیت مجاروبی و حمایت آنها را مستقیماً بالای اراضی اخذ مینمایند. اگر بیک تولى پیاده موثر دار وظیفه داده شده باشد که در مفرزه بیکه مانور احاطه را اجرا مینماید فعالیت کند، وظیفه آن بالای خریطه بیک عمق زیاد تر نسبت به شرایط نورمال بطور مختصر داده میشود. قاعدتاً برای آن هدف تعرض (کوتل، تلافی سرک‌ها، محلات مقاومت جداگانه بالای اشکال حاکم اراضی) و استقامت (بقیه در صفحه ۹۴)



محمد یحیی نوروز
دگر من ارکان حرب

توضیح

بعد از حرب عمومی دوم موضوع اتحادیه های نظامی ناتو ، سنتو و ارسا و غیره از نگاه تاثیرات مختلفی که موجودیت آن ها بالای زندگی اقتصادی ، اجتماعی و افکار عمومی مردم جهان و دول عضو تاثیر بارز داشته که بالخاصه نقش موثر آن ها در جریان حرب سردمدتهادر محافل سیاسی و نظامی جهان همیشه مورد بحث و دلچسپی بوده است ، و برای روشن گردیدن اذهان خوانندگان مجله اردو و پی بردن به علل بوجود آمدن اتحادیه ها و تحول تدریجی آن ها در طی سال های بعد از حرب عمومی دوم تا امروز ، آرزو داشتیم مقاله جامعی با تدقیق و تحلیل کامل بدسترس ماقرار گیرد . خوشبختانه دگر من ارکانحرب محمد یحیی نوروز این زحمت مهم را بعهده گرفتند و مقاله موجوده را که شاید نظیر آن تاکنون در مجله اردو انتشار نیافته ترتیب و احضار فرمودند. البته شما با مطالعه این مضمون جنبه های مختلف اجتماعی و سیاسی و افکار مردم جهان را در پیرامون پیمانهای نظامی ، تاثیرات ، تحول و طرز زندگی و بالاتر از همه اثرات نظامی این اتحادیه ها را بوضاحت درک خواهید فرمود .

این مقاله بکدام دکترین و عقیده معینی ارتباط نداشته بلکه زمینه را برای بحث و مطالعه عمیق تر مطالعه کنندگان محترم فراهم نموده میتواند ، خواندن آنرا بهمه خوانندگان ارجمند توصیه می کنیم .

ناپولئون حربها را از شکل ملی به شکل بین المللی در آورد ، و در حربهای عمومی اول ۱۸-۱۹۱۴ و دوم ۱۹۳۹-۴۵ شکل حرب از جنگ بین ممالک منفرد به شکل حرب بین کتله های ممالک و اتحادیه های

نمود. بمرور زمان ، انکشاف مواصلات و مخابره بین دول ، کتله های بشری را بیکدیگر نزدیک تر ساخته مفاد و ضرر شانرا که حربها بالاتر آنها به وقوع میرسد اشتراک بیشتر بخشید تا که بعد از حلول قرن ۱۹ ، دوره

با سیر تدریجی تکامل حرب ها در دوران تاریخ محاربات از شکل های تصادمات بین افراد منفرد و فامیل ها به صورت مجادلات قبیله وی و قومی و از آن به شکل حرب های بین حکومت ها و ممالک تحول

نظامی تغییر نمود .

بعد از خاتمهء حرب عمومی دوم اتحادیه های نظامی با ساس دسته بندیهای بعد از جنگ و مستند به عوامل سیاسی اقتصادی و ایدیالوژیک جدید بمیان آمدنند ناتو، پکت وارسا سنتو، سیاتو و غیره .

آیا در حربهای محتملهء آینده این اتحادیه های نظامی شکل و تأثیر خود



ترومن رئیس جمهور امریکا (از ۱۹۴۴ - ۱۹۵۲) که پیمان اتلانتیک شمالی را به کانگریس آن کشور تقدیم نمود .

را حفظ خواهد کرد؟ سوالی است که در زمان حاضر مورد مناقشهء اکثر محافل سیاسی و نظامی ذی علاقه جهان میباشد . نادر اینجا از مهمترین اتحادیه های نظامی موجوده بحث نموده علل بوجود آمدن، سیر تکامل بحرانت و آمده بر آنها و بالاخره دور نمای آینده شانرا مورد مطالعه قرار میدهیم .

اتحادیه پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو)

بعد از ختم حرب عمومی دوم جهان در اروپا، که در آن متحدین بدون در نظر داشتن ایدیالوجی های متفاوت، موقعیت های جغرافیایی، ایزیکدیگر و مفاد اقتصادی و سازمان اجتماعی جداگانه بمقابل دول محور جنگیدند و غالب شدند. تسلیم شدن و از بین رفتن دشمن مشترک که عبارت از المان و کشورهای متحد آن بود طبعاً زمینه را برای تبارز

اختلافات ایدیالوژیک، اقتصادی و تاریخی بین آنها مهیا نمود . اگر چه محافل محدود دیپلوماسی و حلقه های ملی افراطی در ممالک متحدهء امریکا و انگلستان در ماه های آخرین حرب در سال ۴۵ - ۱۹۴۴ که شکست المان محقق گردیده بود صدای خود را بلند نموده از حکومت های انوقت شان مطالبه مینمودند تا اتحادی را که نظر باقتضای زمان با اتحاد شوروی بسته بودند از بین برده فوراً بعد از شکست المان حساب خود را باشوروی یکطرفه نمایند تا آن مملکت امکان و قدرت تقویء مزید را حاصل کرده نتواند و برای این مقصد اردو های دول غرب که جبهه دوم را کشوده بودند به پیشرفت خود ادامه بدهند و اقلاً ممالک اروپای شرقی را تا بسرحد روسیه تحت سلطهء خود در آورند حتی پیشتر از آن در سال ۱۹۴۳ که هنوز جبهه دوم در غرب اروپا کشوده نشده بود در کنفرانس یالتا چرچل صدراعظم انگلستان که از نفوذ آیندهء شوروی در اروپا اضطراب داشت آرزو نمود که جبههء دوم در بالقان کشوده شود تا بدین طریق در این قوت های پیشرفت کنندهء شوروی بطرف غرب و ممالک اروپای شرقی که از فرط گرسنگی و تشوش اوضاع طبعاً به کمونیزم مایل شده بودند حائلی بوجود آورده شود . اما این پیشنهاد با مخالفت ستالین صدراعظم شوروی و عدم موافقت روز ولت رئیس جمهور امریکا مواجه گردیده و در نتیجه کنفرانس تصمیم گرفته شد که جبهه دوم در اروپای غربی باز گردد .

بالاخره در حالیکه طرفین دول غرب و شوروی هر دو عقیده داشتند که اتحاد در بین شان بیش از یک موافقت اقتضائی چیزی دیگری نبوده اسباب و عوامل مخالفت و دشمنی در بین شان خیلی قوی تر از عوامل دوستی

و اتحاد میباشد حرب خاتمه یافت و نمایندگان شان در می ۱۹۴۵ پروتوکول تسلیم المان را امضا کردند بشاء آدر اساس هستهء مخالفت و دسته بندیهای سیاسی و نظامی نظر به وجود ایدیالوجی های مختلف در بین بلاک شرق و بلاک غرب قبل از حرب عمومی دوم موجود بوده، در سالهای جریان حرب المان و شوروی بنا بر



آیزنهاور رئیس جمهور امریکا (از ۱۹۵۲ - ۱۹۶۰) که مؤسس و اولین قوماندان پیمان نظامی اتلانتیک شمالی میباشد .

ضرورت زمان موقتاً از سحنه بیرون مانده ، در صفحات اخیر حرب که غلبهء شوروی محقق گردید دو ناره بنای تبارز را گذاشت . چنانچه بروز مشکلات در جریان کمک های نظامی امریکا و برطانیه با شوروی بعد از ۱۹۴۴ را میتوان به آن مربوط دانست .

در سالهای متعاقب حرب عملی شدن مواد معاهدهء تسلیم المان و اشغال آن مملکت توسط قوت های دول فاتح، مشاجره های لفظی در بین قوماندانان و منسویین عسکری قوای دول اشغال کنندهء المان، تدابیر ممانعت و کنترول مساویات دول غربی سا برلین، و در صحنهء سیاسی موقف مخالفانهء نماینده گان شوروی بمقابل نمایندگان دول غرب در ملل متحد و حتی عدم موافقت قضات طرفین در محکمهء عالی نورنبرگ در مورد جزا برای سران بزرگ نازی که تحت محاکمه گرفته

شده بودند ، اگر چه منفرداً دارای اهمیت فوق العاده نبود اما همه نشان دهنده همان اختلافات ذات الیینی بین شوروی و دول غرب میباشد .

با گذشت زمان این اختلافات بدفعات و شدت بیشتر تبارز کرد . دولت شوروی در خلع سلاح قوتهای خود و آزاد گذاشتن ممالک تحت اشغال نظر بملاحظات که نزد خود داشت از تعجیل کار گرفت بنادول غربی بالخاصه دول اروپائی که جریان جنگ شش ساله آنها را نهایت ضعیف ساخته حتی قدرت دفاع از خود را هم ازایشان سلب نموده بود ازین پیش آمد ها مظنون و پریشان گردیده برهنمائی و قیادت امریکا بتاسیس یک اتحادیه نظامی که روزی بتواند به مقابل تهدید خطرناک شوروی جواب مناسب بدهد اقدام نمودند و در سال ۱۹۵۱ اتحادیه اتلانتیک شمالی را تشکیل نمودند .

در این اتحادیه که در بدایت امریکا، کانادا ، انگلستان ، فرانسه ، ناروی ، دنمارک ، هالیند ، بلژیک ، لکسمبرگ ، پرتگال و آیسلند شمولیت داشت بعداً ، ایتالیا ، یونان جمهوری فدرالی المان و ترکیه هم بان پیوستند علت بوجود آمدن و دوام اتحادیه اتلانتیک شمالی بسد ماده آتی خلاصه میشود :

۱- هراس و نگرانی از سیاست مرموز دولت شوروی و بالخاصه موجودیت قوتهای مسلح قوی شوروی در اروپای شرقی و المان شرقی به وضعیت ستراتیژیک بهتر نسبت به قوتهای مسلح امریکا و متحدین آن ،

۲- اشتراك عقیده اید یالوژی و عنعنات .

۳- ضعف بنیه اقتصادی وعدم اقتدار دول عضو (باستثای امریکا) به تجهیز و آماده نگه داشتن قوای مسلح که اقلاً موجودیت آنها را بمقابل خطرات احتمالی خارجی و داخلی

محافظه نموده بتواند و با این ترتیب لزوم یک اتحاد دسته بندی بعد از رویکار آمدن اتحادیه اتلانتیک شمالی تا سالیان متعدد بار اصلی مصارف نظامی را در ممالک متحده امریکا که از نظر اقتصاد و موجود داشتن قوتهای مسلح بالخاصه قوای هوائی تقریباً یگانه مملکت امداد کننده محسوب میگردد بعهده داشت . ممالک دیگر هر کدام نظر بقدرت خود سهمی در این اتحادیه گرفته و قوای مسلح خود را بختیار قوماندانی مشترک اتحادیه گذاشتند . سالهای اول عمر اتحادیه اتلانتیک شمالی به تشکیل مجدد اردوهای ملی که در چوکات اتحادیه فعالیت نمایند تجهیز و تعلیم و تربیه ، بوجود آوردن قرارگاههای مختلفه آن سپری گردید و بادر نظر داشتن اختلافات ملیت ، زبان و کلتور در این راه پیشرفتهائی بعمل آمد .

در دوران سالهای ۱۹۵۱ - ۶۰ باشمول اعضا جدید ایتالیا ، یونان ، ترکیه ، جمهوریت فدرالی المان ، اتحادیه تقویه گردید . پیشرفتهائی در راه توحید تشکیلات ، تعلیم و تربیه ، اسلحه و تجهیزات بعمل آمد و چنان پیش بینی میشد که در آینده قریب قوتهای ناتو بشکل یک اردوی هم آهنگ و متحد عرض اندام نماید اما در عین د ۶۰-۱۹۵۱ دو عامل مهم بالای پکت نظامی ناتو شروع باجراي تأثیر نمود :

۱- خاتمه دوره قیادت ستالین در اتحاد شوروی .

۲- انکشاف اجتماعی ، اقتصادی سیاسی و نظامی فرانسه .

دولت شوروی که بصرف انرژی فوق العاده از وضعیت اضطرار و ترمیم خرابی های جنگ جهانی دوم شروع بفارغ شدن گذشته سوت بالخاصه بعد از فوت ستالین در ۱۹۵۲ بجدیت به بلند بردن سوئے زندگی مردم و انکشافات بزرگ اقتصادی ، هواپیمائی

و کیهان نوردی پرداخت این امور که در آن ترقیات بی سابقه نصیب آن کشور شد . مسلزم آرامش جهانی و مهمتر از آن صرف انرژی ملی و مشغول شدن بداخل اراضی و امکانات خود شان بوده طبعاً آرزو و پشتیبانی شانرا از یک سیاست جهانی مسلح ضعیفتر گردانید . اگر چه اتحاد شوروی متعادياً به تجدید تشکیلات و تجهیز قوتهای مسلح خود و تحول آن بشکلی که در حربهای اتومیک آینده وظیفه خود را بهتر و اقتصادی تر اجراء کرده بتواند مساعی بخرچ داده است اما این موضوع که علاقه و مداخله آنها در امور چین المللی همان شیوه و طرز دوره ستالین را ندارد محقق و قابل درک است .

این تحول در شوروی تأثیرات خود را در ممالک اروپائی بالخاصه در اروپای غربی ظاهر ساخت پیمان اتلس که ذاتاً برای مقابله باتهدیدات احتمالی شوروی بوجود آمده بود اهمیت و ضرورت اولیه خود را بتدریج از دست داد . اعضا ناتو با اینکه در اعلامیه های رسمی و مجالس سالانه بقاء اتحادیه اتلانتیک را بحیث یک قوت نگاه کننده صلاح در جهان غرب تبلیغ نموده و تذکر دادند اما در حقیقت از آتش شوق پشتیبانی شان از آن باندازه زیاد کاسته شد و اینکه ضرورت مبرم بچنین اتحادیه و مراعات تعهدات آنرا دیگر حس نکرده نمیکند از خلال جریانات روزمره در ممالک آنها بخوبی مشهود بوده و میباشد انکار ناروی و ممالک اروپای شمالی از تمرکز اسلحه اتومی بحری پولاریس در آبهای شان عکس العمل غیر مساعد اکثر اعضا ناتو نسبت بسقوط یک طیاره B-۵۲ حامل بم اتوم در سواحل اسپانیه در ۱۹۶۵ و سستی در بر و گرام های تساند متقابل و هم رلک ساختن تجهیزات نمونه های بارز چنین حس عدم میلان اعضا

اتحادیه بسوی این پیمان میباشد .
تأثیر بزرگ منفی دیگر برعلیه
اتحادیه اتلانتیک را انکشاف وقوی
شدن فرانسه بوجود آورد . مملکت
فرانسه باشکست غیر منتظره و سریع
خود بمقابل آلمان در ۱۹۴۰ قوای
نظامی خود را عملاً از دست داد .
بتدریج امپراطوری اش منحل قدرت
اقتصادی و حتی کلتور و قدرت معنوی
ملت دستخوش هرج و مرج و تأثیرات
نامطلوب خارجی گردیده کمک های
بزرگ اقتصادی امریکاء و مجاهدات
حکومت های متعدد بعد از حرب عمومی
دوم منجمله کوشش های اولیه
شخص جنرال دو گول در دوره
صدارت وی نتوانست عفاقت سابقه
آنها بر قرار ساخته حتی موقعیت
مناسبی در جامعه اروپائی برایش
تمهیه کند با گذشت زمان تأثیرات
پسیکولوژیک شکست نظامی ناکامی
های بی دریبی در مستعمرات آسیا و
افریقا تحمل حقارت های سیاسی و
اجتماعی، ملت فرانسه را مجبور نمود
تا بخود جنبشی داده از قابلیت های
مادی و معنوی اش مکملاً استفاده
نماید این احیای مجدد بعد از ۱۹۵۸
تحت قیادت و با تأثیر شخصی جنرال
دوگول بتدریج بملت فرانسه چنان
قدرت بخشید که در ساحت اقتصاد از
نظر قوای نظامی و حتی اسلحه ذروی
از کمک ممالک متحده امریکاء خود
رابی نیاز حس نماید . بالاخره در
۱۹۶۵ حکومت فرانسه رسماً اعلان
نمود که از ناتو خارج میشود و دفاع
مملکت خود را تماماً خودش بعهده
میگیرد خروج فرانسه که حلقه اساسی
در این اتحادیه بوده قرار گاه عالی
پیمان و مهم ترین مراکز لوژستیک
آن در آنجا وقوع داشت عامل
بزرگترین تضعیف پیمان گردید .
اختلافات خورد و بزرگ دیگری

در داخل اتحادیه اتلانتیک شمالی
براستحکام پیمان مذکور بی تأثیر
نبوده است از آنجمله اختلافات نژادی
در قبرس آتش مخالفت های تاریخی
بین ترکیه و یونان رادامن زده چون
دو دولت مدکور هر دو عضو ناتو
هستند اعضاء دیگر پیمان را باین
تشویش دچار نمود که مبادا تشدید
این اختلافات همکاری این دو کشور
دارای موقعیت جغرافیائی ستراتیژیک
رادر چوکات ناتو متأثر گرداند جهت
رفع این اختلافات تدابیر لازمه را
اتخاذ و ملل متحد را به مداخله
مجبور ساختند اما حقیقت مسلم اینست
که هیچکدام از طرفین موقف نژادی
و تاریخی خود را ندای اتحادیه
اتلانتیک شمالی ساخته نمیتوانند و
تازه انیکه این اختلافات نژادی ادامه
دارد و دلیلی هم برای خاتمه آن
موجود نیست همکاری مرثر این دو
کشور رادر هر ساحت صدمه خواهد زد
II اتحادیه پیمان وارسا :
تاسیس پکت نا تو طبقاً نزد اتحاد
شوروی و ممالک بلاک شرق
بدون عکس العمل باقی نماند
آنها این اتحادیه نظامی دول غربی
را از بدایت با سؤظن و اعتراضات
فراوان استقبال نمودند . در عین زمان
به مقابل اقدامات نظامی دول غرب
خواستند قوت های خود را انتظام
و هم آهنگی بخشیده اتحادیه در برابر
پیمان اطلس بوجود آورند . لذا در
۱۹۵۲ تمهیدات پیمان وارسا گذاشته
شد . ممالک پولیند، رومانیه ، بلغاریا
چکوسلواکی و هنگری و آلمان شرقی
در پهلوی اتحاد شوروی باین اتحادیه
پیوستند .
در حقیقت پیمان وارسا مانند پیمان
رقیب خود یعنی پیمان اتلس کدام
چیز جدید که روابط سیاسی و نظامی

دولت های عضو را بشکل کاملاً
تازه در آورده تغییراتی عمیق در آنجا
بوجود آورد نبود . بلکه این اتحادیه
ممالکی را که ذاتاً از نظر
ایدیالوژی و سیستم اقتصادی و اجتماعی
هم رنگ بوده و بکمک نظامی اتحاد
شوروی متکی بودند دور هم جمع
نموده به آن نام رسمی و تبلیغاتی داده
به تشکیل قوماندانی مشترک و توحید
تعلیم و تربیه ، اسلحه ، تجهیزات و غیره
پرداختند . این کار نسبت به اتحادیه
اتلس در آنجا آسانتر عملی گردید
چونکه از دوهای ممالک عضو تقریباً
هیچگونه سوابق و عنعنات اردو های
زمان حرب عمومی دوم را حفظ نکرده
بلکه بعد از حرب اردو های جدید
که بمودل اردوی شوروی و با کمک
مادی و معنوی آن کشور بوجود آمده
بود تشکیل نموده بودند .

چون این پیمان يك عکس العمل
اقتصادی پیمان ناتو بوده است تحولاتی
که در اتحادیه اتلانتیک شمالی بحرور
زمان بوجود رسیده آنها بی تأثیر
نگذاشته است . نظر بقانون طبیعی
که قوت عکس العمل متناسب با اصل
عمل است اگر اتحادیه اتلانتیک نظر
بجریانات جهانی لزوم و قوت خود
را از دست داده می رود ، احتیاج بوجود
پیمان وارسا نیز برای اعضاء آن کمتر
میگردد .

لذا تقلیل تدریجی تساند و تعاون
نظامی بین اعضاء پیمان وارسا که در
سالهای اخیر واضحاً مشهود است
قسمتاً زاده انکشاف صنعتی و اقتصادی
و بناء اتخاذ موقف های آزادتر سیاسی
و نظامی ممالک عضو آن که اکنون
احتیاج کمتر بکمک ها و حمایت نظامی
شوروی احساس میکنند و قسمتاً ناشی
از ضعف پیمان اتلس میباشد .
(با قید دارد)

اخلاق یک انسان را باید در راستی و راست کاری آن جستجو نمود

این را نمیتوان انکار کرد که یکی از او صاف برجسته یک اسلام در اجتماع استوار و پایه دار بودن آن با شرایط اخلاق حمیده بوده است که یکی از رکن مهم اخلاق راستی و درست کاری او به جامعه، وطن و در برابر عهده، شغل و وظیفه اش میباشد. چنانچه یک عالمی درین مورد چنین توصیه مینمایند:

(جرئت کن راست بگو و درست کار کن مطمئن باش که به هیچ وجه به دروغ گفتن و خلاف رفتاری احتیاج پیدا نخواهی کرد) این را باید نیز تذکر داد که اگر کسی یک شخص راست گفتار و راستکار را به شغل و وظیفه گماشته است در جامعه اعتماد بوجود آورده است. چرا که بیش از همه احتیاج اولیه هر کس در جامعه امر و زه راستی و درست کاری است.

دروغگوئی در نظر دروغ گویان یک امر عادی و عمومی است. ولی این را باید در نظر داشت که دروغگوئی در نزد همه کس و در همه جا منفور است. حتی کسانی که راستکار نبوده در نظر اجتماع ارزش خود را از دست داده بالاخره پرده از روی ریاکاری آن برداشته خواهد شد. پس درین صورت بیایید با عزم راسخ

بخود تنقین کنیم که بعد ازین راست گوی و راست کاری باشیم. چرا که راستی و راستکاری با انواع و اقسام خود بالاخره آشکار میشود و مراعات به آن عدالت و وفاداری را در برابر جمعیت به بار میآورد.

شخصی به فرزند خود چنین حکایت کرد: (پسر من تو به دنیا آمده ئی ممکنست به تو ظلم شود اگر چنین اتفاقی روی داد سعی کن بجای آنکه کلاه سرت برده شود بر سر دیگران کلاه بگذاری) دیگری گفته است (پول بدست آور اگر از راه شرافت نمیتوانی بدست آوری بهر حال پول بدست آور.) سومی گفته است.

« راستی بهتر از ناراستی است من هر دورا امتحان کردم. »

باجملات فوق خوب دقیق شویم کسیکه در ظلمت ثروت از راه نامشروع شتاب میکند بان چه اهمیتی را قایل باید شد او دارای افعال بد است و فکر میکند که ممکن روزی فقر به او روی بیآورد با ثروت دست داشته نامشروع اش هر دری بر روی آن گشاده گردد و عالی ترین مقامی در جامعه داراست.

و اگر در صحبت او شان دقت نمائیم عظمتی در آن دیده نمیشود

بلکه گفتگو او شان اغلب دور محور افعال نامشروع و یا عمارات باشکوه دور میزند. ولی غافل اندازینکه روزی پرده از روی کلیه اسرارشان برداشته میشود شکست میخورند بی ارزش میگردند. در نتیجه هزاران خانه را بر باد داده و اکثرآ از فرط بیچارگی مرگ خود را از خدا میخواهند در آن زمان از گریه های بی درپی او شان چه سود!

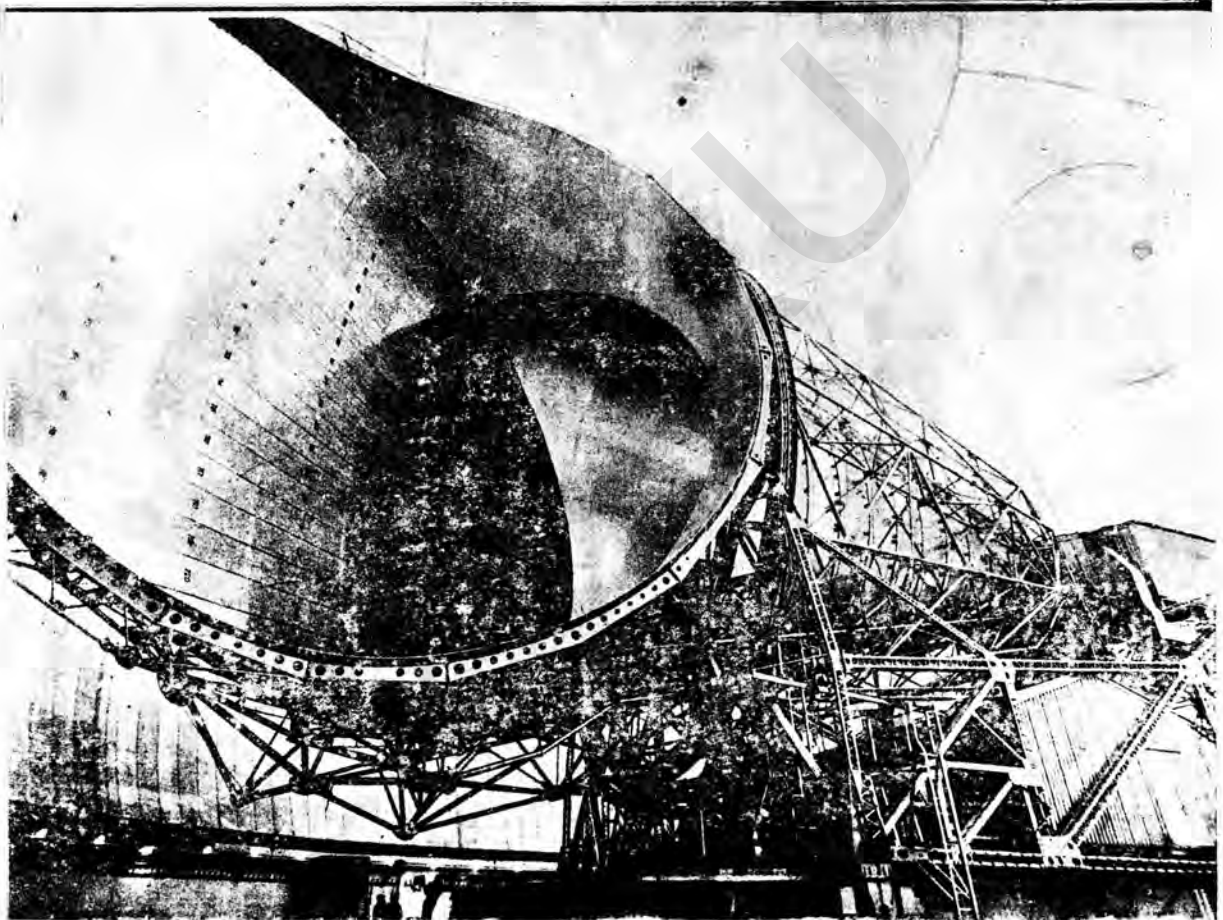
این را فراموش نباید کرد که زندگی به آدمی از دارا بودن چیزهای زاهد تشکیل نشده است. شخص باید راست گفتار و راست کار باشد که این اوصاف به ذات خود از تو اتای اخلاق حمیده یک انسان است چنانچه درین مورد گفته یک عالم را تدقیق کنیم.

(یک قلب بزرگ در یک خانه کوچک ار همه چیزهای که در روی زمین است احساساتم را بیشتر برمی انگیزد و خوشبحال مردیکه بزر آن نیکی و راستی میباشد بالاخر خرم آن را خواهد دروید .

ای جوان و کسانی که میخواهید در جامعه تان برای نسل آینده از خود چیزهای خوب به ارث گذارید همین حالا در افعال خود نظر اندازی کنید (بقیه در صفحه ۲۹)

تامین ارتباط مخابره بکمک

اقمار مصنوعی



قمر مصنوعی تلستار

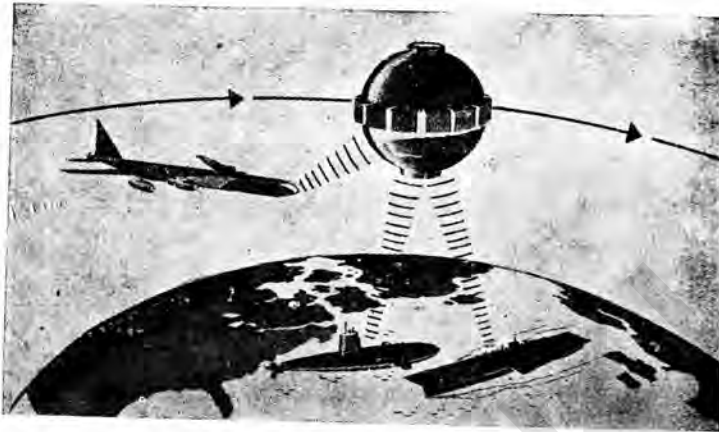
تلستار مانند ریلی یک پروژه تجربی است که از اعمار «شده فعال» برای ارتباط قاره وی استفاده می‌گردد. این دو قمر مصنوعی

از نگاه ساختمان و شکل تکنیکی فرق بسیار مهم را دارا میباشند. تلستار ۱ در ۱۰ جولای ۱۹۶۲ به هوا پرناب گردیده تاریخ ارتباط را بواسطه ریلی نمودن عکس اولین

تلویزیونی از ایالات متحده امریکا باروپا قائم نموده مدار اولی آن از ۲۹۳ الی ۳۵۰۳ میل بالای زمین موقعیت داشت. تلستار ۲ بتاريخ ۷ جنوری



اقمار مصنوعی کوریر



سیستم ترانزیت به منظور کمک به هوانوردی طرح شده

۱۹۶۳ در مدار بلندترین ۳ - ۶۷۱۳ میل و پست‌ترین ارتفاع ۶۰۴ میل به‌هوا پرتاب گردیده مطلوب اولین ارتفاع زیاد آن ازدیاد زمان ارسال بین ایالات متحده امریکا و اروپا و تقلیل زمان در منطقه کمر بند تشعشعی و آن لن بوده است .



قمر مصنوعی ارتباط بنام نلستار

قمر مصنوعی کوریر .

قمر مصنوعی کوریر ۱ - ب يك قمر مصنوعی اردوی زمینی بوده که بتاريخ ۱۴ اکتوبر ۱۹۶۵ به هوا پرتاب و بمقصد تامین ارتباط مخابراته در مسافت بعید تحت تجربه قرار داده شده . در جمله وزن عمومی آن ۱۳۰۰ ترانزیستور بوده و منبع تغذیه آن از بطری آفای ۱۹۲۰۰ حجره‌ئی آفتابی تامین میگردد . بر علاوه این چهار عدد مرسله ، چهار آخذ ، پنج عدد تیپ ریکارد ، دو عدد آنتن امواج میکروئی ، چهار عدد آنتن وهب ، یکدانه دینکسرفره کانس بسیار بلند و . . . از مرمه دیگر مخابراته در آن گنجانیده شده بود این قمر مصنوعی راهورهارا از چندین نقطه اراضی اخذ ، ثبت و ارسال نموده و طرز استفاده عملی را از اقمار در مساحت ارتباط مخابراته با اثبات رسانید .

قمر مصنوعی ترانزیت

ترانزیت یکی از پروگرام ایالات متحده امریکا بوده که سیستم اماران برای هوانوردی تحت استفاده قرار میگردد . سیستم امار ترانزیت حاوی چهار قمر مصنوعی در مدار خواهد بود که برای طیارات ، کشتی ها در تمام گیتی بعد از هر چهار ساعت بصورت متوسط یک دفعه معلومات لازم را برای هوانوردی تهیه خواهد نمود .

ترانزیت ۱ - ب : بتاريخ ۱۳ اپریل سال ۱۹۶۰ به‌هوا پرتاب گردیده محمولات آن ۲۶۵ پوند بوده در جمله محمولات آن او سلا تور های فوق العاده ثابت ، یک آله انفرید ، دو عدد آخذ و مرسله تلمتری و بر علاوه آن حجره آفتابی و بطریهای تکلی کادوم برای منبع تغذیه شامل بود این قمر مصنوعی سیستم امار مصنوعی هوانوردی هوا را با اثبات رسانید .

متعاقباً امار مصنوعی ترانزیت ۲

و ترانزیت ۳ ترانزیت ۴ و ترانزیت ۵ پرتاب گردیدند .

و هکذا قمر مصنوعی وست فوورد بمقصد تامین ارتباط در مسافت بعید بعداً پرتاب گردید .

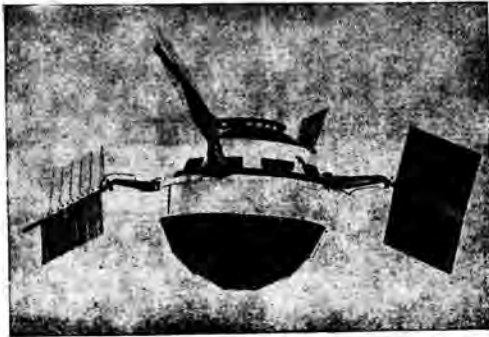
قمر مصنوعی تاپروس

اقمار مصنوعی تاپروس بمنظور عکاسی کردن ابرها به‌هوا پرتاب گردیده و سلسله آن از سال ۱۹۶۰ آغاز والی حال ادامه دارد و سایطیکه در قمر مصنوعی تاپروس وضع میگردد کمردهای تلوزیونی برای اخذ عکس ابرها و دیگر عکاسی ها و مالزمه انفرید جهت اندازه نمودن انعکاس تشعشعی آفتاب . . . و غیره میباشد . ترصدا ت مزید انموسفر توسط تاپروس ممکن گردید که یشگوئی

وسایل تحقیقاتی بدون انسان مهتاب و بین السیارات وسایط ذیل شامل میباشند:

پاینر

در جمله وسایل تحقیقاتی مسافت بعیده خلا جهت تحقیقات محیط بین السیارات پاینر میباشد که پاینر ۱ در ۱۱ اکتوبر ۱۹۵۸ به هوا پرتاب گردیده تا در باره کمر بند تشعشعی وان ان وغلظت مواد مکرو میتر و واید خلائی تحقیقات نماید .
پتعیب آن پاینر - ۵ و دیگر بهوا پرتاب گردیده تا تحقیقات لازمه را درین مورد عملی بدارد .



وسیلۀ تحقیقاتی پاینر - ۵

نگهداشتن آن و در آوردن آن بمدار مهتاب از مدار زمین اکمال خواهد نمود . رنجر - ۴ در ۲۳ مه اپریل ۱۹۶۲ بهوا پرتاب گردیده اولین واسطه خلائی ایالت متحده امریکا بوده که بالای ماهتاب فرود آمد .
رنجر - ۶ ایالت متحده بتاريخ ۳۰ جنوری ۱۹۶۴ بصورت موفقانه در بالای یت منطقه که بام بحیره تراکیولیتی ماهتاب یاد میشود ۶۶ ساعت بعد از پرتاب نمودن فرود آمده فعالیت مالز مه تلوزیونی آن بنا کاسی مواجه گردید .

رنجر - ۷ بتاريخ ۳۱ جولائی ۱۹۶۴ در بحیره ابر ماهتاب فرود آمده (و کتاب رهنمای) پرواز ب ماهتاب را اکمال نمود .

قبل از اصابت ماهتاب ۴۳۱۶ عکس های فوق العاده خوب رایک ارتفاع ۱۳۰۰ الی ۱۰۰۰ میل بعید از سطح ماهتاب بزمین ارسال نمود .

سروی یر

بعد از رنجر سروی یر در مورد تحقیقات ماهتاب خدمت بزرگ انجام خواهد نمود .

پروژه رنجر یک سلسله از وسایل خلائی بوده که بمنظور جمع آوری معلومات درباره مهتاب و تجربه وسایل خلائی که از اکمال تکنالوژی آن در مستقبل جهت ایفای وظایف مختلف محیط ماهتاب و بین السیارات استفاده خواهد گردید .

رنجر ذریعه کمره های متنوع تجهیز گردیده تا از قسمت های مختلف محیط سطح ماهتاب عکس برداری نماید عکس برداری آن از مسافه ۱۰۰۰ بعید از سطح آفتاب شروع وبصورت دو مدار عکس ها را ارسال نموده تا اینکه بسطح ماهتاب اصابت و تخریب گردد .

اطلاعاتیکه از ماهتاب بدست میآید ممکن بمعلومات بشر ارجع بچگونگی ماهتاب و تحقیق بخشیدن پلانیهای مربوطه بتحقیقات ماهتاب به پیمانانه زیاد بیفزاید .

تجربه رنجر اولی مقصد راتامین نموده نمیتواند اما تکنالوژی وسایل خلائی را مانند تصحیح خط السیر در نصف راه، کنترل ارتفاع وثابت

اوضاع جوی بصورت صحیح عملی گردد معلومات های انفرید و عکس هر دو در بهبودی پیشگویی اوضاع جوی کمک شایان نمود بر علاوه این اقمار مصنوعی تایروس معلومات های زیادی را در مورد دریاها ، یخ ابحار ، برف ، سیلابهای بهاری بکمک اقمار مصنوعی مترو لوژی تامین نموده وامکانات دیگری ذریعه آن تجربه گردید .

سلسله تجربوی تایروس از ۱ شروع الی تایروس ۸ و ... وغیره ادامه نموده معلومات مفید و قیمت دار از ان بدست و برای انکشاف آن اقمار مصنوعی نیمبوس نیز پرتاب گردیده است .



سائنسدانان قمر مصنوعی مترو لوژی تایروس را معاینه میکند

(وسایط تحقیقات خلائی بدون انسان ماهتاب و بین السیارات)

منجمله پروگرامهای علمی خلائی ایالات متحده امریکا یکی هم تحقیقات در زمینه ماهتاب و کشف حقایق در بزه سیارات دیگر میباشد پیاده نمودن وسایط بدون انسان و با انسان در ماهتاب یکی از وسایل بهترین دریافت حقایق راجع باجرام سماوی میباشد از دریافت انچنین اطلاعات بشر قادر خواهد شد تا در ماهتاب و دیگر سیارات نظام شمسی پائین آید . در زمره دیگر

پروژه این واسطه به منظوری سر دست گرفته شده است که ؛ سرعت واسطه را حین مواصلت بماهتاب از ۶۰۰۰ میل فی ساعت و یا ۹۰۰۰ فت فی دقیقه را ب سرعت ۱۵ فت فی ثانیه تنقیص بسازد .

سروریر با کمره تلوزیونی مجهز بوده بعد از فرود آمدن تمام وسایط داخل آن را اداره و شکل ماهتاب را عکاسی خواهد نمود سروریر مواد سطح ماهتاب را تحلیل و سطح ماهتاب را معاینه ، ثبات ، بمبارد مان شهاب ثاقب و غیره خصوصیات ماهتاب را اندازه خواهد نمود بر علاوه این تکامل تکنالوژی آرام فرود آمدن بشر بسطح ماهتاب را که هدف نهائی آن میباشد معاونت خواهد نمود . و همچنان باساس معلومات مستحصله از بمبارد مان شهاب ساقب لباس مخصوص را برای کیهان نوردان و پوش مخصوص برای وسایط خلائی اعمار خواهد گردید .

بمرینر - ۲ غیب گردید تقریباً شش ملیون میل قریب به زهره و ۹ - ۵۳ ملیون میل بعید از زمین موقعیت داشت .

ارتباط با زهره در مسافه ۹-۵۳ ملیون میل بعید قایم گردید که ریکارد جدید در تاملین ارتباط بمسافات بعید بشمار میرود .
در جمله معلومات های مفید که توسط مرینر - ۲ در باره خلائی بین السیارات بدست آمد قرار ذیل میباشد :

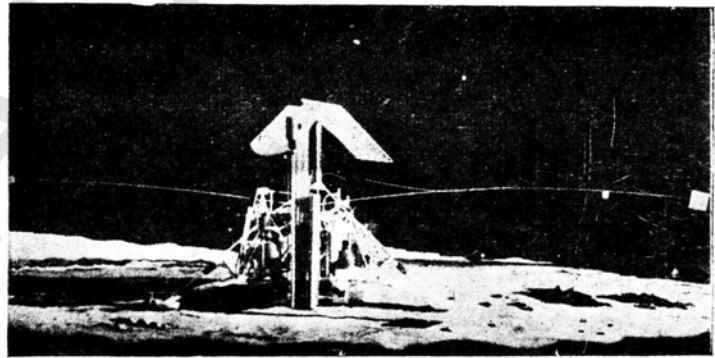
- ۱ - باد شمسی ، عبارت از گاز های الکتریکی بوده که بصورت دوامدار از سطح شورش آفتاب بیرون می آید .
- ۲ - غلظت ، سرعت و درجه حرارت باد آفتابی با تبدلات فعالیت های شمسی مخصوصاً بوقوع شعله های آفتاب تحول مینماید .
- ۳ - باد شمسی بمقدار ، غلظت

۶- مقدار و غلظت تشعشع گاز میکی در بین زمین و زهره عینی میباشد .
۷ - ارتباط مخابره بیسیمی قابل اعتماد بین زمین و واسطه خلائی اضافه از مسافه بین السیارات ممکن میباشد .
۸ - تعداد مکرو مترو رایید (پارچه های خورد ماده در خلا) در بین السیارات نسبت بمحیط ارضی کمتر میباشد .

۹ - تصفیة مقیاسات مهم : واحد قیاسی استرونومیکی (AU) که مسافه اصلی بین زمین و ماهتاب میباشد .
بر علاوه مرینر - ۲ سلسله دیگر مرینر ها بمریخ و دیگر سیارات ارسال شده و معلومات های قیمت دار درین زمینه بدست آمده است .

قمر مصنوعی ارلی برد (پرنده سحر گاه) ارتباط

این قمر مصنوعی ارتباط مخابره ذریعه را کت دو گلاس دلتا باحمله ۸۵ پوند از کیپ کندی در مدار بیضوی طور موفقانه قرار گرفت .
قمر مصنوعی ارلی برد نخستین که ذریعه کمسات (مؤسسه اعمار ارتباط) بهوا پرتاب گردید از زمین ۲۲۳۰۰ میل ارتباط را بخود اخذ و بعداً انحنای لازم را بارتفاع ۷۷۶ میل اتخاذ نمود در زمانیکه این مدار تحلیل گردید ارلی برد در مدار نهائی خویش قرار داشت . یک اشاره از زمین بقمر مصنوعی ارسال گردیده تا موتور خورد را کت آن فعال و قمر مذکور اندازه سرعت را بخود اتخاذ نماید که حرکت دایره وی را در مدار زمین گرفته و زمان دوران معادل حرکت ۲۴ ساعت زمین گردد .
بالتیجه این آله پیچیده الکترونک الة بزرگ بالای خط استوا در بین برازیل و افریقاییک نقطه بالا گذاشته شده و درین زمان بچرخ زدن وظیفه را آغاز و راه راه شبکه ارتباط مخابره بین المللی باز نمود .



شکل سروریر

مرینر

تشنع سیستم نظام شمسی تاثیر وارد می نماید .
۴ - باد شمسی در بین السیارات ساحه مقناطیسی را تولید و ساحه مقناطیسی ارضی را تبدیل و تقلیل میسازد .
۵ - ساحه مقناطیسی ضعیف همیشه بین السیارات وجود دارد .

مرینر - ۲ بتاريخ ۱۴ دسمبر ۱۹۶۲ از طرف ایالت متحده امریکا در مسافه ۲۱۶۴۸ میل بجوار زهره که همسایه قریب زمین میباشد به پرواز در آورده شده و ابر های آن را ترصد نمود اسرار زهره را فاش و بعلمیت بشر درین مورد بیفزود .
۳ جنوری ۱۹۶۳ ارتباط از زمین

ارلی برد از ۶۰۰۰ عدد حجره آفتابی تغذیه شده. مدار آن از مدار زمین خیلی بعید بوده سایه ارضی نادراً بالای آن تاثیر وارد میکند «مالز مه الکترونک آن اشارات (راديو تلفونی) «تلویزیونی» را از زمین اخذ، آنرا تشدید و دوباره بزمین اضافه تر از ساحه مخابره نورمال خویش ارسال نماید.

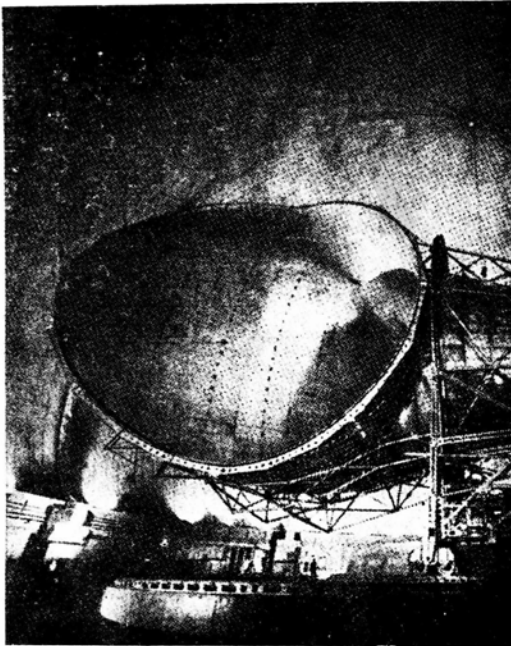
حتی قبل از آن که استیشن ارلی برد بمدار اصلی خود مواصلت نماید به فعالیت خود آغاز نمود. آنتن بزرگ تلفون و تلگراف امریکا در (اندور-می) که فعلاً بکسماست تعلق گرفته است. شکل تلویزیونی را بمقصد معاینه بقمر مصنوعی مذکور ارسال نمود شکل دوباره باندور با کیفیت خاص دوباره ارسال نمود. معاون تخته‌بندی کسماست بصورت مغرور در کنفرانس مطبوعاتی اظهار نموده که: «قابلیت تلویزیونی قمر ارلی برد تا مین گردید.»

قیمت ارتفاع: مفاد بزرگ یک قمر مصنوعی در مدار معادل مانند قمر مصنوعی ارلی برد متناسب بیک نقطه سطح زمین بوضعیت ثابت میباشد. استیشنهای زمینیکه آرزوی استعمال آنرا بحیث ریلی داشته باشند همیشه موقعیت آن را داشته و یک قمر مصنوعی کفایت خواهد نمود که مکالمات تلفونی و تلویزیونی را در تمام ممالک دو طرف اتلا تیک پخش نماید. سه قمر مصنوعی سنکرونوس (معادل سرعت زمین) بتمام زمین کفایت نموده مستثنی قریب هر قطب ساحه های قلیل ازان باز خواهد ماند. لکن اقمار مصنوعی سنکرونوس دارای معاذیر نیز میباشد. ارتفاع زیاد، پرتاب نمودن به نقطه بلند و ضایع شدن طاقت اتاره آن حین سیر بمسافت بعید از جمله نواقص آن شمرده میشود. امواج رادیویی که از زمین بقمر مصنوعی و از قمر مصنوعی واپس بزمین بسرعت

ضیاً سیر مینماید زمان ۲۴ ر. ثانیه را در بر خواهد گرفت. این وضع بالای پروگرام های تلویزیونی تاثیر ندارد زیرا امواج تلویزیونی صرف بیک استقامت معین در عین زمان حرکت نموده لیکن مکالمه کنندگان تلفون از طریق قمر مصنوعی با فرق زمان نیم ثانیه تاخیر بین سؤال و جواب تعجیز خواهد گردید.

کسماست ترتیب گرفته است که دو عدد استیشن دیگر ارلی برد را در بالای بحرالکاهل و بحرهند که تمام ارض را در بر خواهد گرفت پرتاب نماید و اما این اقمار صرف اقمار سنکرونوس نبوده بلکه توسط وسایط مخابراتی در مدار های پایانی تر فعالیت خواهد نمود. تعقیب این اقمار تعداد زیاد دستگاه و سیستم پیچیده را ایجاب مینماید تا وضعیت های آن همیشه تبدیل گردد بان هم این چانس خیلی خوب برای تجارب عملی بشمار میرود.

خطرات از آفتاب: با این هم مشکلات در پیشرو قرار دارد. مخصوصاً در اثنای فعالیت پر بود لکه های آفتاب که زمین مکرراً توسط مواد آفتابی حاوی انرژی عالی بمبارد میگردد خطر بزرگ محسوب میشود. لیکن کسماست در وضع فعلیه ارتباط مخابراتی را در گیتی قائم نموده است ارلی برد بمقصد انشمار پروگرام های تلویزیونی و یا ۲۴۰ مکالمه همزمان تلفونی اعمار شده است. پنج عدد قابلوی تلفونی که اکنون از بحر اتلا تیک عبور داده شده است. میتوان ۴۱۲ مکالمه را منتقل سازد. هر گاه تمام امور بروفق مرام پیش برود قمر مصنوعی ارلی برد برود کاست های تلویزیونی را بین امریکا و اروپا و مکالمات تلفونی را نیز در مدت قریب آغاز خواهد نمود زمان «انقلاب مکالمه‌وی» که ذریعه بعضی متخصصین ارتباط مخابره قبل پیشگوئی شده بالاخره مواصلت ورزید.



آنتن کسما : راندور
۲۴۰ مکالمه تلفونی
در نیم ثانیه

بحث اقمار مصنوعی را درین جا خاتمه داده امید وارم در آینده معلومات مختصری در مورد کشتی های خلانی، رهنمائی و تعقیب اقمار در خلا را تدبیر نمائیم.

طرز حمایه توپچی

در اردوی ویتنام

خوانندگان گرامی موضوعات و حقایق بی شمار مربوط به جنگهای غیر منظم و گوریلائی رادر ویتنام از جراید، مجلات و رادیو مطالعه و یا شنیده اند و شاید نتایجی از آن استحصا نموده باشند برای اینکه یکفکر راجع به طرز فعالیت مشترک اردوی ویتنام و امریکا بالخاصه از اینکه قوت های حمایه و از جمله رول توپچی در ادامه فعالیت های شان به چه شکل صورت می گیرد داده شود مطالبی ازین فعالیت ها درین شماره تقدیم می گردد، امید است که مورد استفاده صاحب منصبان اردوی شاهانه و ضابطان فعال توپچی واقع شده بتوانند. چون محاربه در ویتنام یک محاربه غیر منظم است طرفین به هر تعدادیکه قوای لازم را در اختیار دارند نمی توانند بصورت کتلوی و طبق اساسات محاربه مودرن امروزه استعمال نمایند. بتأدیرینجا صرف فعالیت های آن توپچی تذکر داده می شود که بداخل چوکات کندک توپچی درین محاربات سهیم شده اند.

از چند سال به اینطرف قوماندانان هر يك از كندك های ویتنام جنوبی برای اداره و ادامه فعالیت های تكتیکی توسط يك نفر مشاور نظامی اضلاع متحده امریکا همراهی شده و مشترکاً ایفای وظیفه می نمایند اما درین اواخر يك عضو دیگر نیز در آنها افزود گردیده است این عضو عبارت از بسته مترصد پیش رانده شده توپچی امریکائی برای جزو تام های اردوی ویتنام می باشد این تیم آتش های لازمه مورد ضرورت را در وضعیت و شرایط مختلفه درخواست نموده و به اساس آن بدون معطلی و ضیاع وقت بصورت مؤثر و دوام دار از طرف آن جزو تام های توپچی که درین ساحه فعالیت می نمایند و آتش های آن مساعد باشد بمقابل اهداف مهم تمرکز داده می شود.

این حمایه علاوه گی نه تنها برای این صورت می گیرد که فعالیت های مؤقتانه جزو تام های را که توپچی در حمایه آن حصه می گیرد تأمین شود

بلکه فعالیت های مشترک شان در راه تقویه پروگرام هائیست که قدرت و قابلیت توپچی ویتنامی ها را تزئید بخشد، از زمانیکه توپچی امریکا به ویتنام موصلت نموده است قسمت اضافه تر از نصف آن فعالیت قوای ویتنام را حمایه نموده است.

وظیفه :

وظیفه نورمال توپچی اضلاع متحده درین فعالیت ها عبارت از تقویه توپچی قوت های مانور اردوی ویتنام و یا حمایه عمومی منطقه محاربه می باشد و وظیفه تقویه معنی این را دارد که در اردوی ویتنام جزو تام های توپچی دیگر نیز وجود دارد که وظایف حمایه را و یا تحت امر انجام میدهد به این لحاظ تا حال برای جزو تام های توپچی امریکا کدام وظیفه حمایه را سابقاً داده نشده است شاید برخی از جزو تام های بیاد ویتنام بدون توپچی باشد و با اینکه جزو تام های توپچی حمایه مذکور نسبت داشتن وظائف

سنگین و متعدد دیگر به اجرای مانور موفق نگردند و یا آرزوی مانور را نداشته باشند و یا اینکه وضعیت ایجاب نماید تا توپچی از يك محل به محل دیگر از طریق هوا (که تا حال اردوی ویتنام مالك چنین قابلیت نمی باشند) انتقال نماید، بدین لحاظ در محلات که حمایه توپچی اضلاع متحده مساعدت کندا کثراً وظایفی را انجام می دهد که توپچی حمایه مستقیم عهده دار انجام آن وظایف می باشد برای این مقصد ضابطان ارتباط و مترصد به قدمه های لازم افزاز گردیده حمایه آتش و طلب های آتش را جهت اجرای وظایف آتش مسنقماً به مرکز اداره آتش جزو تام های مربوطه خویش تقدیم می نمایند و همچنان جهت حمایه مانور قوت ها به تبدیل موضع می پردازند.

حمایه :

زمانیکه وظیفه حمایه به يك جزو تام توپچی اطلاق می گردد معنی



اوس های ۱۰۵ میلی متری از جمله اسلحه ستندرد توپچی در اردوی ویتنام محسوب می شود

مشاور امریکائی راجع به مشخصات هدف به مترصد هوائی معلومات لازم را ارسال می نماید .

پلان گذاری و تشریح مساعی:
زمانیکه کندک به اقامت گاه شبانه میگردد ضابط مترصد آتش های لازمه تجمع را بمقصد مدافعه در جوار مواضع کندک احضار نموده و بداخل پلان آورده در صورت لزوم اجرا می دارد بمقصد تأمین تحفظ بیشتر و جلوگیری از اجرای آتش بمقابل قطعات دوست و پرسونل ملکی قوماندان کندک اردوی ویتنام از طریق مترصد پیش رانده شده منطقه که در آنجا آتش باید اجرا نشود بمركز اداره آتش و محل سوق و اداره خبر می دهد این ساحه تنها شامل مواضع خودشان می باشد بلکه قریه های را که در هم جواریت شان قرار دارد و فعالیت های تدافعی آن بصورت پسیف قبلا انجام داده شده است نیز احتوا می نمایند .

خواه وظیفه بصورت حمایه آتشی و یا تقویه آتشی باشد جز و تامه های توپچی امریکائی آتش های لازمه را کوردیننه و پلان گذاری می نماید

تولی به مقصد تحت فشار گرفتن اهداف برای نامبرده داده می شود اهداف مذکور راتحت فشار و آتش قرار می دهد همچنان در خواست های آتشی را اجرا می کند که صلاحیت تحت فشار گرفتن آن از طرف قوماندان کندک برایش داده شده باشد .

در حالیکه تولی اداره به حمایه آتش ضرورت داشته باشد قوماندان تولی مذکور در خواست های لازم را به قوماندان کندک تقدیم نموده و قوماندان کندک نظر بوضعیت محاربه خصوصیت هدف و اهمیت آن درخو است مذکور را تصویب و یا تردید مینماید . اجرای تنظیم انداخت به اصول ترصد علامات انفلاق سرمیات ز طرف قوماندان تولی به کندک و بعد به مترصد پیش رانده شده انتقال داده شده و مترصد مذکور آنرا به مرکز اداره آتش می فرستد . این طرز عمل در تمام انواع حمایه آتش قابل تطبیق می باشد . قوماندان کندک قرارخویش را در باره استعمال آن اتخاذ نموده و فعالیت های مربوط از محل قوماندان آن سوق و اداره میگردد در صورتیکه حمایه قریب هوائی مساعدت نماید

اینرا می دهد که توپچی مذکور به انجام وظایف آتش يك قوه معینی (جزوتام یا قطعه) موظف می باشد، درینصورت جزوتام توپچی تحت امر قوماندان جزوتام ما فوق می باشد . قاعدتاً وظایف آتش به جزوتامهای داده می شود که وظیفه توپچی تحت امر را اجرا نماید در صورتیکه او امر و هدایات جداگانه داده نشده باشد امور مربوط به ارتباط اشغال و تبدیل موضع، پلان گذاری آتش و غیره طبق تعلیمات توپچی حمایه راساً انجام داده می شود .

بصورت نورمال يك پسته مترصد پیش رانده شده، باهریک از کندک های ویتنام جنوبی و يك ضابط ارتباط باهر يك از قرار گاهای بزرگ و قرار گاهای که مانور را کنترل و اداره می نماید افزای می گردد . در حالیکه در خود اردوی ایالات متحده امریکا باهر تولی پیاده يك مترصد پیش رانده شده توپچی و باهر کندک پیاده (تانک) يك نفر ضابط ارتباط توپچی فعالیت مینماید ازین معلوم می شود که مهم پرسونل توپچی امریکا با جزوتامهای توپچی ویتنام به پیمانه نسبتاً کوچک صورت گرفته است .

قاعدتاً در اردوی ویتنام مانند تشکیلات سایر اردو های دیگر هر کندک به دو عنصر (تولی اداره و تولی های پیاده) جدا شده است که قوماندان کندک در راس تولی ها فعالیت کرده و قوماندان مذکور توسط يك مشاور امریکائی معاونت می شود هر گاه مشاور مذکور دارای معاون باشد این معاون یکجا با تولی اداره فعالیت می نماید، مترصد پیش رانده شده قاعدتاً همراهِ قوماندان کندک و مشاور امریکائی آن می باشد مترصد پیش رانده شده علاوه بر اینکه نظریه ابتکار خود یابه اساس در خواستهای آتشی که از طرف قوماندان بلوک و یا

ویتنامها را به انگلیسی ترجمه و از کانال ارتباطی امریکا به جز و تامهای مربوطه توپچی ارسال می نمایند طریقه دیگری که درینجا مورد استعمال قرار گرفته عبارت از جادادن ترجمانها به مرکز اداره آتش و مواضع آتش می باشد .

پل فولی :

برای اولین مرتبه توپچی امریکا وظیفه حمایه اردوی ویتنام را در عملیاتیکه در اکتوبر ۱۹۶۵، رخ داد به عهده گرفت درین عملیات به جز و تامهای فرقه بیست و دوم ویتنام وظیفه محافظه نمودن پل «فولی» به امتداد شاهراه نمبر ۱ که در حالت ترمیم بود داده شد درین فعالیت یک بطریه توپچی امریکا به تقویه توپچی که یک جز و تام ویتنامی را حمایه می نمود موظف گردید . مواضع آتش هردو توپچی در یک منطقه موقعیت داشت ، ارتباط های لازمه بین مواضع آتش ، مرکز اداره آتش و محلات ترصد تأسیس گردیده و مترصدین برای مدافعه پل آتش های تجمع لازم را بداخل پلان آورد تعرضاتیکه در دو شب مختلف بمقابل پل صورت گرفت به کمک آتش های مذکور دشمن را دفع و طرد نموده و یکبار دیگر برای ویتنام صورت مدافعه یک منطقه مهم را واضح ساخت درین فعالیت توپچی تقریباً به اندازه ۲۵۰ متر نزدیک پیاده های دوست داخل موضع شده بودند بمشاهده این وضعیت قوماندان کندک ویتنام گفت «مواضع بسیار نزدیک انتخاب و اشغال شده بود . اما بهترین نتیجه از آن بدست آمد»

وادی له درانگ :

در آغاز این محاربه که در نوامبر ۱۹۶۵ ، در وادی له درانگ بعمل آمد در حدود دو کندک از لوی فرود آورده شده اشتراك نموده است . بعداً



مترصد پیشرانده شده ، مشاور اضلاع متحد ، نفر بیسیم مترصد و قوماندان کندک فرود آورده شده اردوی ویتنام در عملیات «ماشر» باهمدیگر تشریک مساعی می نمایند

های ۱۰۵ ملی متری توپچی ویتنام در نتیجه هجوم ویتکانگها با استفاده از کمین گاه ها به غنیمت برده شد از طرف قوماندانهای ویتنام تأیید و تقویه گردیده و تدابیر احتیاطی فوق العاده را برای امنیت توپچی های خویش آغاز نمودند بناءً در فعالیت های اولی این خصوصیت در نظر گرفته شده و مواضع توپچی نه تنها توسط قوای پیاده امریکا بلکه از طرف قوای اردوی ویتنام نیز تحت امنیت قرار گرفته شده و قوت های لازم بهر یک از کندک های توپچی موظف می شود تا مدافعه با الذات و امنیت قریب شان را تقویه و تأمین نماید .

بصورت عمومی مشکلاتی که از ناحیه اختلاف شان در بین دو قوه متحد موجود بوده و می باشد به سهولت مرفوع شده میرود . بدین ترتیب که مشاورین امریکائی بکمک معاونین ویتنامی شان ارتباط را از طریق لسان انگلیسی ادامه می دهند طوری که مشاورین امریکائی ضابطان ارتباط و مترصدین خواهشات آتشی

ضابط ارتباط و مترصدین جز و تامهای توپچی امریکا از ادامه حمایه دوامدار و مؤثر جز و تامهای اردوی ویتنام به پیمانته وسیع مسؤلیت دارند بقرارگاه های که از آنجا حرکات سوق و اداره می شود جز و تامهای توپچی امریکا قطع نظر از وظایف مخصوص شان نماینده های خویش را بقرارگاه مذکور به صفت نماینده ارسال میدارد در زمان حاضر برای پیشبرد امور سوق و اداره و کنترل آتش توپچی در هر نوع فعالیت محاربه بوی بداخل قدمه های فرقه ، لوا ، غنند و کندک یک یک نفر مشاور امریکائی موجود می باشد .

قوه امنیت :

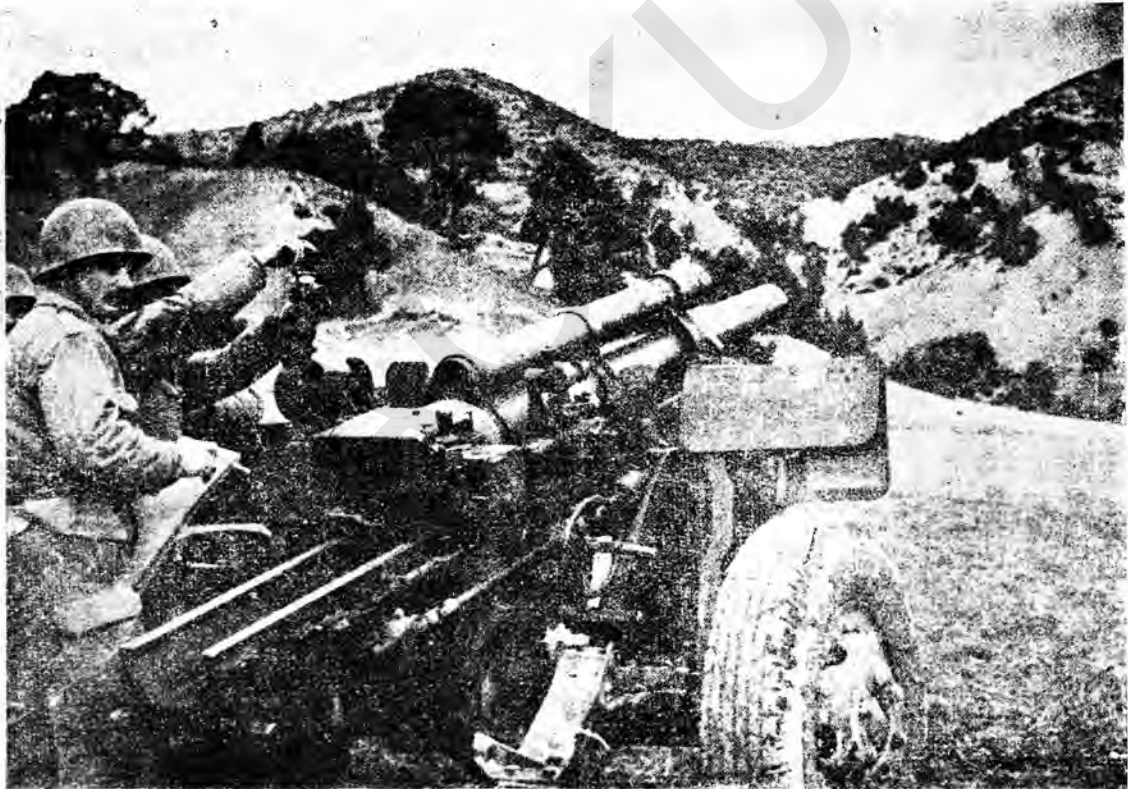
زمانیکه توپچی ایالات متحده به ویتنام مواصلت کرد احساس می گردید که مواضع توپچی بمقابل آسیب های دشمن دارای حساسیت خاصی بوده و باید از طرف یک تعداد پیاده های که به اطراف هر موضع آتش توپچی جا بجا میگردند امنیت قویب موضع مذکور تأمین شود . این مفکوره بعد از آنکه يك تعداد ابوس

یک کندک دیگر نیز بمحاربه سوق داده شده قوماندان لوا قرار گاه خویش را در منطقه که بنام (دک کو) یاد می شد و از طرف اشخاص ملکی بصورت غیر منظم مدافعه می گردید تأسیس نمود. کندک دوم توپچی زمبر، ۱۷، قرار گاه و مرکز اداره آتش خود را به فعالیت گذشتانده یک بطریه خویش را به حمایه مستقیم لوای مذکور و بطریه های باقیمانده خویش را بحیث توپچی تقویه موظف ساخت.

ضابط ارتباط و مترصدین پیش رانده شده برای کندک موظف شد قوماندان لوا که محل قوماندان آن در حدود ۱۵ کیلومتر و بیشتر از

آن از ساحه فعالیت محاربه دورتر بود نخواست که سوق و اداره آتش را بدست بگیرد. درین صورت اداره آتش وامور مربوط به پلان گذاری آن از طرف مرکز اداره آتش کندک وضابط ارتباطیکه درین ساحه فعالیت می کرد، اجرا گردید قسمت اعظم آتش از طرف یک بطریه اجرا شد لاکن در بعضی اوقات آتش های بطریه های بیشتر از طریق مرکز اداره آتش کندک بمقابل اهداف لوای مذکور تمرکز داده می شد. این عملیات سبب بوجود آمدن بعضی نتایج خصوصی گردیده و ثبات ساخت که استعمال توپچی حمایه در پلان مانور غند مذکور قابلیت

خاصی از خود نشان داد. به چاشت تاریخ ۲۰ نومبر ۱۹۶۵ قوماندان کندک نمبر ۶ فرود آورده شده مشاهده کرد که کندک سوم فرود آورده شده از طرف غرب به شرق به امتداد جبهه آن مانور را اجرا نموده و ذریعه یک کندک تقویه شده پیاده دشمن تعقیب می شود به قوماندان کندک ششم امر داده شد تا به جناح دشمن ضربه وارد نماید بعد از آنکه بادشمن تعاس حاصل گردید. آتش های لازم به مقصد تحت فشار گرفتن دشمن در خواست گردیده و بکمک مترصد و مرکز اداره آتش در یک زمان کوتاه آتش های کثیف و موثر جهت حمایه حرکات بعمل آمد



صحنه از فعالیت های توپچی در محاربه

ضایعات سنگین :

بعد از اجرای انداخت تنظیم تقریباً در حدود ۱۰۰۰ مری بالای یک ساحه که قطر آن در حدود ۵۰۰ متر بود در مدت یک ساعت فیرو ساعت

۱۶۰۰ تماس قطع گردید و قبل از حلول تاریکی ضایعات وارد بدشمن در اندازه ۸۰ نفر حساب شد فردای آن زمانیکه منطقه انداخت شده معاینه گردید بیشتر از ۲۰۰ جسد بمشاهده

رسیده و گمان می شد که تعداد حقیقی مقتولین به دوچند این رقم بالغ شده باشد درین فعالیت در قسمت ضایعات وارد به توپچی ۵۰٪ اعتبار داده شد. اما قطع نظر از تعداد حقیقی

ضایعات موالد واضح گردید . که
حمایه آتش توپچی درین فعالیت
حائز قیمت واهمیت خاصی بوده دو
روز بعد دو کندک به استقامت جنوب
در یای درانگ حرکت نموده وبعد
از آنکه از طرف توپچی اضلاع متحده آتش
های احضارات بعمل آمد کندک های
مذکور هدف تثبیت شده خویش را
مورد هجوم قرار داده که در نتیجه
آن هدف ضبط گردید به دشمن ضایعات
سنگین داده شد .

عملیات ماسر :

عملیات ماسر در ماهای جنوری
و فبروری ۱۹۶۶ از طرف يك فرقه
امریكائی (که توسط طیاره انتقال
می شود) و از طرف يك فرقه فرود
آورده شده ویتنام جنوبی بعمل آمده
است درین عملیات ساحه فعالیت فرقه
امریکابه غرب شاهراه نمبر ۱ واز
فرقه ویتنام بشرق شاهراه در منطقه
شمال شرق ایالت بن دن تخصص
داده شده بود در فعالیت مذکور يك
کندک توپچی امریکائی بحمایه عمومی
و تقویه آتش جزو تاسمهای توپچی
فرقه فرود آورده شده موظف گردید
فرقه مذکور مرکز کوردینه حمایه
آتش خویش را تأسیس نموده وضابط
ارتباط کندک توپچی درین مرکز از
کندک مربوطه خود نماینده گی
می نمود وضابط علاوه گی ارتباط قرار گاه
های غنند ها وضابطان مترصد به کندک
های خط اول که در فعالیت متذکره
اشترک داشتند فرستاده شد هم چنان
زمانیکه به فرقه مذکور يك قطعه
زره پوش الحاق نمود یک مترصد
دیگر نیز از طرف توپچی امریکائی
به این قطعه فرستاده شد در صفحه
اول آتش احضارات توپچی بداخل
پلان آورده شده و از طرف توپچی
وسط و عمیل امریکائی بالای هدفی
که بمقابل ساحه محاربه فرقه فرود
آورده شده کشف ، تثبیت و بداخل

پلان آورده شده بود . آتش های
لازم اجرا گردید . در صفحه دوم آتش
های حمایه بشکل آتش تجمع برای
حمایه کندک های فرود آورده شده
بصورت مشترک از طرف ضابطان
ارتباط مترصدین و مرکز اداره آتش
احضار و اجرا شد .

نسبت اینکه جزو تاسمهای خورد
در عین زمان به استقامت های مختلف
در حرکت و فعالیت بودند وهم چنان
موجودیت اشخاص مسلکی و فعالیت يك
تعداد زیاد طیارات در هوا در بعضی اوقات
برای تامین امنیت انداخت های
توپچی وقت زیاد را ضایع می کرد
چنانچه در صفحه اول آتش احضاراتیکه
بداخل پلان آورده شده بود دو ساعت
بعد از وقت معینه اجرا شد .

در یک فعالیت دیگر یک کندک ،
پیاده و یک قطعه زره پوش در اثنای
بدست آوردن سه هدف محوله از
حمایه آتش بصورت بهترین برخوردار
دار شدند ضایعات دشمن سنگین بوده
و در هدف سوم بعد از شروع ضربه
آتش توپچی دشمن از مواضع خویش
برآمده و به اشغال نمودن بدون
مقاومت هدف مذکور رضائیت نشان
دادند .

توپچی حمایه اضلاع متحده :

به شب ۳۰ جنوری ۱۹۶۶ یک
کندک پیاده از سه استقامت مورد
حمله تخمیناً یک کندک ویتکانگها
واقع شد مترصد اضلاع متحده امریکا
آتش های لازم را بمقابل دشمن و در
محلات تجمع که قبلاً بالای آن
تنظیم اجرا گردیده بود طلب نموده
و توپ های امریکائی که در آنجا
موجود بود و امکانات آتش شان
مساعدت می کرد درین اشترک
نموده و در مدت ۵ دقیقه بیشتر از
۷۵۰ عدد مرمی رابه مصرف رسانیده
و حمله دشمن را دفع و طرد نمودند
کشفیات که فردای آن شب در منطقه

مذکور بعمل آمد معلوم گردید که
به دشمن تلفات زیاد وارد نموده اند .
یک نفر از دهائی هادوروز بعد راپور
داد به شبی که کندک مورد حمله
واقع شد ویتکانگها از راه تورید فشار
۴۰۰ نفر از اهالی ما را به خدمت
مجبور گردانیده و جسد ۸۲ نفر مقتول
را از منطقه که بالای آن آتش اجرا
گردیده بود تخلیه نمودند با اینکه
این آتش به صورت مطلوبه کوردنه
نشده و طبق آرزو داخل پلان آورده
نشده بود و استخدام آن هم جنبه عالی
نداشت با وجود آنهم حمایه آتش
مذکور یک سهم حیاتی را در فعالیت موفقانه
کندک مذکور د ارا بوده است .
علاوتاً یک گروه محاربه فرود آورده
شده دیگر موفق گردید تاسه مراتب
جزو تاسم های ویتکانگ را که قوه آن
به اندازه سه کندک بود از مواضع
که بصورت قوی مدافعه می نمودند
و این مواضع در مدت ۱۸ ماه مورد
استفاده شان قرار میگرفت عقب براند .
به اینصورت توپچی امریکا علاوه
بر اینکه رول مهم ، فعال و حیاتی را
در هر نوع فعالیت بازی کرده است
قابلیت و قدرت واقعی خود را نیز تبارز
داده است .

تشکیمات توپچی :

در زمان حاضر در تشکیمال هر فرقه
بیاده اردوی ویتنام دو کندک ابوس
۱۰۵ میلی متری (هر کندک دارای
سه بطریه شش توپه) موجود است .
اما در تشکیمال توپچی هر قول اردو
چندین کندک ابوس ۱۵۵ میلی متری
وجود دارد . توپچی مذکور وظائف
حمایه ذیل را اجرا می نماید :

- امحا و تحت فشار گرفتن دشمن
- در حین انجام وظائف تعرضی و تدافعی .
- مدافعه بالذات و ثابت مناطق
- که در آنجا توپچی موقعیت دارد .
- اشترک در فعالیت های منطقه
- وی و عمومی قوتها .

دو فعالیت اخیرالذکر به صورت عمومی از طرف قوماندان فرقه اداره نشده بلکه سوق و اداره آن از طرف قوماندان جبهه انجام داده می‌شود. تشکیلات توپچی فوق عبارت از قوه اصغری ایست که بادرنبار گرفتن درجه فعالیت دشمن و کنترل نمودن مناطق بانفوس جامعه عمل پوشیده است در عین زمان از لحاظ عنعنوی استخدام توپچی بیشتر برای حمایت یک فعالیت خصوصی (به پیمانۀ کوچک) مناسب دیده نمی‌شود. عدم تمایل به مانور توپچی از نقطه نظر ضعف تشکیلاتی و درجه رسیدن ضابطان ارتباط و مترصدین بعیدان می‌آید هم چنان قوماندانان اردوی ویتنام از اینکه جزو تام‌های توپچی را در محل مناسب استخدام و توظیف نمایند از خود تردد نشان می‌دهند. با اینکه بطریقه آتش و فعالیت‌های مربوطه توپچی گیری به صورت عمومی صحیح بوده و مرتباً توپ از نقطه نظر تعلیم و تربیه خوب رسیده اند و بسرعت برای اجرای وظائف آتشی حاضر می‌گردند، اما سوبه تعلیمی شان از نقطه نظر تکنیک و تکنیک در بطریقه، کندک و بالاتر از آن نسبت به توپچی امریکا خیلی‌ها پست‌تر اند.

ازین سبب موجب بسی فعالیت‌های می‌گردند که در آنجا اصلاً استخدام توپچی مورد ضرورت نمی‌باشد درین اواخر تدابیر لازمه اتخاذ گردیده است تا قابلیت و قدرت توپچی خویش را توسعه و انکشاف بخشند و برای این مقصد به تعداد کافی صاحب‌منصبان به صف ضابطان کشف و ترصد تحت تعلیم و تربیه گرفته شده است.

در عین زمان یک دو کتورین عمومی برای توپچی ویتنام نیز بمیدان کشیده شده نبودن توپچی کافی جهت حمایت فعالیت‌های متعدد مجبوریتی را بوجود آورده است تا به حمایت آتس کندک پیاده از طرف

از اندیشه‌های ناپلین

* آنچه در اسکندر مجذوبم میکند، نبرد‌های او که غیر قابل درک است نیست بلکه روش‌های سیاسی اوست وی در ۳۳ سالگی، یک امپراطوری عظیم و پابرجائی که ژنرال‌هایش بین خود قسمت کردند، بر جای گذاشت او هنر جلب محبت مللیکه مغلوب او میشدند، داشت او حق داشت فرمان اعدام پارمینو را که احمقانه در ترک آداب یونانی با اسکندر مخالفت میکرد. صادر کند موقعیکه اسکندر به آمو ن رفت تا خود را خدا اعلام کند، یک نقش سیاسی بازی کرد. وی باین طریق مصر را متصرف گردید. اگر من در شرق می‌اندم شاید بارفتن زیارت مکه و نماز خواندن و سجده کردن در آنجا مانند اسکندر یک امپراطوری تأسیس میکردم

* من دارای یک قلب آهنین هستم، من هرگز کسی را براستی دوست نداشته‌ام شاید ژوزفین را یک خورده دوست داشته‌ام. در آن موقع ۲۷ ساله بودم من بعقیده کامیستون معتقدم که میگفت: زندگانی را آنقدر دوست نمیدارم تا آنرا بدیگری تقدیم کنم.

جزو تام‌های تکنیک‌های هوائی اعتماد نماید. مفکوره استخدام قوای هوای وارد آوردن ضربات بالای دشمن جهت حمایت حرکات در بعضی حالات به صورت مستقل و در بعضی حرکات بصورت مشترک با توپچی نتایج سودمند را بوجود آورده و فوائد زیادی از آن استحصال شده است. نمایشات عملی جزو تام‌های توپچی ایالات متحده امریکا ثابت ساخت که حمایت موثر قوای ویتنام از طریق تشکیلات ثابت و معین ارتباط و کشف و ترصد بدست آمده میتواند برای اینکه قابلیت توپچی در ویتنام بیشتر گردد و به امور تکنیک‌های عملی قدرت بهتر کما می‌نموده بتواند، حمایت دوامدار قوای ویتنامی از طرف جزو تام‌های توپچی امریکا بعمل می‌آید. در چنین حالات کشف آتش طوری تأمین میگردد که امریکائی‌ها آرزوی تطبیق آنرا در محاربات مودرن بدل می‌پروراند. گفته میشود که با گذشت ایام همان پرنسیب‌های واقعی در اردوی ویتنام تطبیق خواهد شد چطوریکه اکنون در اردوی امریکا قابل تطبیق میباشد مثلاً در آینده احتمال دارد که در هر تولی پیاده یک ضابط کشف و ترصد و در هر کندک پیاده یک ضابط ارتباط اشترک نماید تا بدین وسیله یک سیستم تشریک مساعی موثر و نزدیک بین جزو تام‌های حمایت (توپچی) و پیاده تأمین شده بتواند. از با عموم توپچی‌هاییکه فعلاً در ویتنام موجود است توقع می‌رود تا قوای زمینی را به طریقه‌های مختلف حمایت نماید. برای مثال فعلاً آنها از یک طرف وظیفه حمایت و از طرف دیگر وظیفه پیشبرد تعلیم و تربیه را اجرا و ادامه میدهند.

ماجرای کمر بند اتومی مکارتر

غم و تأثر دسته جمعی آمریکا ملت که مختص به سوگواری یک قهرمان نظامی داده شد با اینهمه همه بزرگواری بین راد مرد را منعکس نکردند.

دگلاس مکارتر همیشه بمبارزه وجدال علیه دشمنان ملی، کسانی که نظام عدالت را مختل، یا قضاوت و فیصله او را منحل می ساخت با طبع آتشین خود برمیخواست و در این راه پافشار می بود که نمونه از رشادت و دلاوری مخصوص بخودش بود ده سال ادامه یافت سه روز پیش از مرگ او اسرار پلان اتمی اش افشا گردید. در ۱۹۵۴ روزنامه ها این طرح را نیز تصدیق و تأیید داشته اما جنرال پس از مرگ خودش این اسرار را بر همه واضح ساخت.

گرچه سوگواری ملت او انجام پذیرفت. مگر انعکاس مبارزات، نگرانی ها، و کشمکش ها سالیان متمادی و جاوید خواهد بود چه هیچگاه تاریخ مردان اجتماع را از خود دور نمیراند.

نشرات جیم لوکاس و سکرپ ها وارد، واضح ساخته که مکارتر از عقیم گزاردن پلان های جنگی اش در جاپان از طرف رئیس جمهور و شاغلی ترو من نسبت باینکه جنگ آتشین و مستقیم را عوض بجنگ سرد کند خیلی متأثر نشان می داد از خشم زیاد ناقرار می شد از اضطراب بر خود می جوشید.

به نظر ترو من این پلان نامطلوب و خطا بود. این نشریه میگوید: مکارتر ریختاندن ۵۰-۳۰ بمب اتومی را در پایگاه هوایی و مرکز اعمال در عقب دریای بالی که یک



طوری که مکارتر می خواسته غالب بدر آید.

قطعه ۵۰،۰۰۰ نفری متمکن بود ،
پیمم اصرار می ورزید . و بکمک
دو فرقه بحری میخواست این شبهه
جزیره را مغلوب و فتح کند . مقصد
عظیم مکارتر این بود میخواست
بعرض ۵ میل یک ساحه کوچکت
راديو اکتيفی در عقب دریای یالی
بکشد . تا از حملات شمال به آن
جلو گیری بعمل آید .

عظمت جلال :-

امامکارتر از افشای این پروگرامها
اباورزید و بیه نظریه ترومن پشت پا زد
از جنگ سرد استنکاف ورزید . گفت
من «از پلانهای غیر آتشی و تسلیحاتی
حرف نظر دارم » باو کافی آشکار بود
که در کجا مسئولیت بدوش او تکیه
میکند تا آنرا تعقیب کند . تطبیق این
پلان ۷۵ دقیقه را دربر می گرفت برای
هایزن آور و جان فاستر دالس در
(دسمبر ۱۹۵۲) پلان طرح نموده
خود را تشریح میکرد ، سخن را آغاز
نمود ، احساسات می غرید ، چهره اش مثل
روی سکه مظلوم درخشیدن گرفت میز را
باست کوبید ، از آنجا جست ، روی
میدان بنای قدم زدن نهاد ، از اطوارش
عظمت و جلال می بارید سراسر نمونه
از شکوه و بزرگواری بود .

امادالس سخنش را قطع کرد ،
زیرا او باین پروگرام مکارتر توافق
نداشت مکارتر نزد دالس شتافت
تایخ های را که زیرسوزش سخنانش
بنای آب شدن گذاشته آشکارا سازد
و توضیح بخواهد . آرزوی مکارتر
این بود که پلان های آینده از طرف
هایزن آور بایست تعقیب شود .

هایزن هاور با همه فتح و نصرت
و پروگرام های نظامی که امریکارا
سر برافراشته می ساخت دایما سازگار
بود . مکارتر و هایزن هاور با احساسات
و جوش عجیبی با هم روبرو شدند
هایزن آور گفت :
« بخت بزرگ یافتی که روز عید

مسیح با هم فیصله میکنند . در فرمان دهی
مردد میباش گرایش به سخنان من ،
کن ، که روزی بد نیک نامی
یاد خواهی شد » .

اشک روی چشم هایزن آور ریخت
خاموشانه بر یکدیگر میدیدیم از فرط
احساسات روی سخن بسته شدیم
و مهموت ماندیم . این آرامش سرد را
بد آواز گیرنده خود واپس شکست
گفت « بسیار دلچسپ و مهیج است »
رو به هایزن آور در گفت « شما بدانید
که مکارتر را از تصمیم اش منصرف
کنیم مقابل شما بدستنی ایستادگی
خواهد کرد . در هر قدم بر تو خواهد
تاخت » بالعکس ترا عادی و سرد
تصور میکنم .

من دست را بگردن هایزن آور
حلقه کردم گفتم « تمام گفتنی ها
و سوال هارا حل و قیاس کردیم »

شبهات جرئت :

مکارتر در رد معرفی از منزلت
رفیق کهن خود میکاهد . هایزن آور را
چنین وصف میکند .
هایزن آور « یک دفعه آدم
درست کار می بود . »

جنرال بگریده لو کاس گفت
« گرچه رئیس صرف از انتخاب نشدن
هایزن آور بریاست جمهوری منحل
شدن کانگره جمهوریت خواهان »
مواظبت داشت .

همچنان یک نوع احترام کینه
آمیز برای « شبهات ناپخته » رئیس
جمهور بناغلی ترومن رئیس جمهور
اسبق از خود نشان داد . در عین حال
اورا « یک جنگجوی رخنه گر »
می نامید .

مکارتر در جریده لو کاس افزود
اکثر آ مهیج می شد « طوری که یک
حراه زاده درست کار بود بوطن پرستی
هم عقیده داشت . »

واقعا مکارتر ایکه عالم نازناپتیها
و کینه توزی های که علیه او می شد

معمولا دوست میداشت و آماده بود
قا در صفت کسانی باشد که درین
هنگام میخواستند امریکارا تشکیل
بدهند .

راجح به موقوف مکارتر در زمان
ریاست جمهوری بناغلی روزولت یک
سلسله مردمان عالی مقام تبصرو عا
و قضوت های مختلف داشته اند
و میگویند :

جنرال چارچ مارشل : « یک
پسر بچه عامل وعده بردار « اصلاح
متحده » که مشاور دفاع امریکا
در جاپان شد بنا بر پلان « حا کمانه »
اتومی اش ذریل دریای یالی
از وظیفه اش کنار رفت .

جنرال جان هیول : قوماندان
سابق شرق بعید جنرال مکارتر که
آهنک رحم و مروت را آمیخته با
اهانت نواخت .

جنرال ماکسول تایلر : يك
سر کرده عالی قطعه توأم با نهایت
رحم و اهانته ، منش و کرکترش : مرد
جوان جاه طلب نزدیکتر بود تا آنکه
باند همت باشد . هرگز مرتکب آنچه
نمیشد که تندروی او را بخطر اندازد .

جنرال میتاد رادوی :- کسیکه
مکارتر و قوای امریکارا در کوریا
سوق داد . او به بهترین وجه خود
را به موقیت رسانید . اما در ۲۴
ساعت دو باره با دلیل و برهان از
واشنگتن این پلان را نقض کردند
و مراجعت واشنگتن مجبور شد جنرال
به نمایندگی همه شخصا اخطار دید
البته این حماقت های (واشنگتن بود .

میخواستند او را از پیروزی هایش
و جنگ کوریا منصرف نمایند . از
طرف اصلاح متحده ، وزارت دفاع
وسران سیاسی ، حتی مشاورین نظامی
سورد غضب و تهدید قرار گرفت .
در بعضی موارد مکارتر جواب داد .
« من در کف دست خود دشمن
را میدیدم » تمام این نیرنگ ها گول



ربی ها و پلان شکنی های بریتانیا بود «
چنانچه او گفت : هر خبر تازه که
بواشنگتن می فرستادم آنها بر بریتانیا
ارائه میکردند اما بریتانیا با چین
کمونست بهمان میگذاشت. در آخرین
تصمیم که مجبور به ادامه جنگ کوریا
شدم «پس از آن بریتانیا مطمئن شد
که مکارتر هیچگاه مقابل آنها اقدام
نخواهد کرد . »

با وجود این انگلوسکوفیل ها
در اصلاح متحده بیک سلسله نارضایتی ها
اقدام نمودند .

مکارتر این حادثه را بزرگترین
«نمک حرامی» خواند. اشاره کردیک
داستان ناگفتنی در تاریخ زندگی خود
دارم تا که زنده ام بصراحت نخواهم
گفت. اما در ۱۹۵۱ چینی که مظفرانه
از کوریا بر گشت همه اسرار و
واقعیات را سیر عملیات نظامی او در
سالهای متعاقب در چندین وهله آشکارا
ساخت .

البته هیچ یک شک و تردید نمیتواند
که او یک پلان جنگی طرح نمود ،
ادامه داد ، پیروزانه بانجام رسانید
اما حکومت امریکا و متفقین ملی او
این پلان را نسخ کردند اگر هنوز
هم جنگ فاتحانه ختم نمی شد اختراآت
عجیبی با وی پیوست .

یک سوال بی معنی :

درس نظامی او ورزیده ترین
معیشت بعدی نظامی را خلق کرد
با آن همه زخم های انتقاد ها
برداشته اند تعرضات و رقابت های
که علیه مرد عالی مقام واقع شده
انسانانه در برابر همه اش عکس العمل
نشان داده بدون تأثر عالیجنابانه
بر همه تهمت های بی معنی تاخته ورد
نموده اما این دشوار است که مرگ
را رد کند قهرمان مرگ نامغلوب
کردن اشخاص هیچ دلیل و برهان
نمی پذیرد . تا آنجا و مبارزه میکند
روی زمینش زنده آنوقت از اشتباهاتش

ملاقات مکارتر در کوریا با ریجوی ، چینی که او را یک سوسمار ناتج خواند

بر مکارتر بسته بودند ناشی از دسایس
خیانت آمیز شخصی بعضی اعیان
زادگان مثل دو ناله میکسلان ،
گی برگس است که متعاقباً از طرف
شوروی عم رده شد .

واتینی همچنان روش خشم آمیز
او را علیه نظامیان و افسران تکذیب
نمود . تقریباً نیم قرن مکارتر موتفی
در بین مردم واردوی امریکا داشت
که حتی کوچکترین دشمنی مثل
(حرامزاده) غیر از ترومن دیگری
در برابرش استعمال نکرده بود
در ویتنام نشریه لوگاس پاسخ داد
« واتینی در غوکوست . »

یاد داشتی که از جنرال پولر
قوماندان قول اردو در کوریا بود
چنین ارائه کرده : در اینجا صرف
دو فرقه تحت البحری در کوریا بود
و فرقه دیگر در بندر مروارید وجود
نداشت و مقصد مکارتر این بود که
دو فرقه بحری باید میداشت و برهنمایی
۵۰۰/۰۰۰ افراد در فرار موسایاده شود
من نفییدم که از کجا دو فرقه تهیه
میکرد .

همچنان ریختن ۵۰ بمب اتمی
را در چین سرخ شک دارم گمان نمیکنم

می پرسد .

آسانترین استقبال بریتانیا این بود
که میگفت مکارتر از زمره محبوبین
شمرده نمی شود .

کلمنت اتلی صدراعظم دوران
جنگ کوریا با حملات جدی ، شتابانه
مکارتر را یک (تکمیل کننده
بی معنی) خواند .

روز نامه لندن گفت : « بخت دنیا
را به نمایندگی مردم بیاعلی ترومن
با وج افتخار و عزت برد نزلش داد
و به حقیقت خالکاش نشاند . و از آن
متاثر نبود »

دین رسک رئیس ایالات متحده گفت :
بگذارید که رهبری های مکارتر
غیر مستقیم برای بریتانیا بی معنی
پنداشته شود . زیرا آن زمان یک
وهله بحرانی بود بهر صورت تبصره های
سوزنده علیه پلان های مطروحه
نظامی او صورت می گرفت .

فائزوی :- جنرال واتینی که
آنگاه رئیس ایالات بود تمام تبصره
هی نشرات لوگاس را علیه مکارتر
انکار نمود تمام حواشی بریتانیا را
در قسمت اطلاعات و نشرات یک منش
(واهی) خواند. تمام این اتهامات که



واشنگتن : رئیس جمهور امریکا شاغلی جانسن باخانم وپسر جنرال
مکارتز در عقب تابوت او اشك میریزد .

اما وی نسبتاً خود را ضعیف میدید
حینیکه جنرال ریجوی این قوماندانی
را با او محول نمود .

ریجوی دستش را بگردن مکارتز
حمایل کرد و روی اش را بطرف شمال
گشتاند گفت «بزرگترین قوماندان
محصل و مکمل». همان بود که
ایدالوژی نظامی اش را مکارتز بسر
رسانید و نامش جاوید و اشتهار ابدی
یافت. نه تنها در خلال این مبارزات
پیرشد بلکه احساس تعرض او برای
زنده ساختن مدافعه او آقدر قوی
است که سرگ برای ابد نمی تواند
او را بیژمرد .

وطن و پناهگاه عسکر :-

روز معتدل مایل بسردی و آفتابی
است آسمان فلکوا بکلی روشن وصفا
است. این روز خلاف انتظار برای
اولین بار در یک هفته صاف شد شمال
سرد بیرق با عظمت جدید را لرزنده
می درخشاند. اما هیچ سرور و نشاط
در سراسر شهر و کوچه ها نیست

بهمیدان بر آید به نبرد حاضر باشد .
و آرزو و مقاصد خود را تحقق بخشد
از لابلای گیر و دارها موقف مکارتز
بصفت یک قهرمان جنگ کوریا قرار
گرفت. «مکارتز خودش از هجوم
چین کمونست مبهوت بود زیرا اردوی
هژدهم بو حشت اقتید قوماندانی شرق
بعیدر عشه در وجود مکارتز انداخت



نیویارک : گادی مخصوص که با سپان سیاه کشانیده میشود با تجلیل
خیلی عالی جنازه مکارتز را در حضور مردم ، واردوی امریکا بصوب
آرامگاه اش می گذرانند .

اخلاق يك...

(بقیة صفحه ۱۳)

بعضاً افعالی را که ملاحظه میکنید که خلاف شرائط اخلاق حمیده است آن را کنار گذارید درین دنیای چندروزه حیات که حقیقتاً تقدیر خوب و بد کار و عمل اوصاف شمار انسل آینده خواهد نمود از خود افعال، اعمال و کردار نیک، راستی درست کاری (صداقت) را که حقیقتاً سبب افتخار شما و سر بوطین شما شود به ودیعه گذارید این را موقع نباید داد تا ترا بعد از کناره گیری از عهد و یا بعد از حیات بیک فرد خلاف رفتار و ریاکار خطاب نمایند. چرا که بنیان گذار آینده مملکت تو میباشی پس بدان که تهداب هر قدر متین و مکمل باشد آینده آن همان قدر متین و طرف اطمینان خواهد بود در عکس صورت فلاکتی که متوجه به جمعیت میشود به یقین بدان که جبران آن باز بیک نسل مکمل دیگر نخواهد شد. چنانچه گفته یک عالم دیگر رادرین جایی مورد نمیدانم. «اگر در جمعیتی راستی و راست کاری حکم فرما باشد لزوم فعالیت تسلیحاتی در آن محسوس نمیگردد.»

درین مورد تو باید از همین حالا متوجه به افعال و کردار خود شوی و باید قدمی به اطراف و اکناف خود ننگر اندازی کنی بتوثاب خواهی شد که این همه ترقیات روز افزون در ساحه اجتماع محول چه کسانی است در آن صورت البته در انتحاب راهی که حقیقتاً ترا به هدف عالی ات توصل خواهد نمود کدام تردیدی باقی نخواهد ماند. در اخیر بی مورد نخواهد بود که گفته متذکره فوق را باز تکرار کنم. «راستی بهتر از ناراستی است بن هر دو را امتحان کردم.»

تاجانه مرار و بروی مردم امریکا در نیویارک (شهر نور فلکوا) بگذارید تا یکبار دیگر بدور کا اید من بچرخند خواهند بگیرند یا از مرده ام انتقام بکشند. زیرا هر چه مرز امریکا، مردم امریکا، اردوی امریکا قضاوت کند در تاریخ حیاتم حکم نماید بعد از مرگش در شفاخانه و التری جنازه اش را به نیویارک آوردند. موزیک معروف، آهنگ عزامی نواخت ۳۵۰۰۰ نفر از برابرش رژه رفت.

اردو: - حینیکه مرگش اعلام شد جنرال هایزن آور در تفریحگاه کلفورنیا بود فوراً برای مشایعت آخرین دیدار از رفیق کهن نظامی اش در نور فلکو آمد. همه لباس سیاه سوگواری مثلیکه در سرگ جان کنیدی فقید بتن کردند. یکبار دیگر پوشیدند جنازه اش را گادی مخصوص با اسپان سیاه می کشاند. از عقب، جنازه از طرف جانسن رئیس جمهور با بیوه و پسرش مشایعت می شد.

آوازها همه گیرنده و منائر است، ملالت این روز نشانی از سرگ جنرال با عظمت کهن سال است که بعمر ۸۴ سالگی بطرف پناه گاه ابدی اش میگردد این مرد قسمت اعظم عمر خود را در خارج از وطن به مصروفیت های نظامی سپری نمود اکثر آزاخانه خود دور می بود. نجیبانه ترین یادگارهای اخیر عمرش را خاطره های زندگی ۱۱ ساله فامیلی اش را در نور فلکو میساخت اما در این روزها، آزمایشات جراحی های مکرر اضطرابی اجازه نداد تا شهر اسلاف خود را (خانه مادری اش) را یکبار دیگر به بیند.

جنرال مقرر ۱۳ سال اخیر عمر خود را که متواری بود نیز فراموش نمی تواند آنجا گاهی بر شالوده افتخارات و گاهی بر افتراآت خود می جنگید.

وزارت دفاع چار روز در برابر مسئولیت و حق پرستی ملی که ازین مرد بزرگ دارد سوگواریش را اعلام کرد اما مکارتر در زندگی اش این سوگواری را هفت روز گفته بود



نور فلکو: بعد از آخرین رسم گذشت و تشریفات از روی بروی کالبد مکارتر که برای ابد او را در آرامگاه اش گذاشتند

فرانسه واردوهای آن

مترجم: توریالی عثمانی از ح. پ



تشکيلات مدافعه ملی :

نظامنامه ۷ جنوری ۱۹۵۹ یک تشکيلات قابل اعتباری را برای زمان حرب مانند زمان صلح پیش بینی نمود این نظامنامه واحدهای سوق و اداره قوای اردوهای فرانسه را با خطوط درشت نشانی کرد .
زامداران سیاسی و پست هائیکه مسئول امور دفاعی میباشد :

رئیس جمهور : رئیس جمهور عبارت از آمر عمومی اردو ها بوده وی ریاست مجلس عالی دفاع ملی ، کمیته دفاعیه و کمیته رسترن دفاعیه را به عهده دارد. رئیس جمهور بگانه شخصیتی بوده که صلاحیت استعمال و بکار انداختن قوای هوائی ستراتیژیکی را دارا میباشد .

صدر اعظم : صدر اعظم مسئول امور دفاع ملی بوده و تمام اجراآت و قرارهای اتخاذ شده مجلس وزراء و کمیته دفاعی را نظارت مینماید .

وی يك مساعی مشترکه را در باره امور دفاعی بین وزرا برقرار نموده و صدر اعظم بواسطه سکرتر جنرال دفاع ملی که قرار های کمیته دفاعی را مرتب میسازد معاونت میشود .

مجلس وزراء : مجلس وزراء سیاست دفاع ملی را در کادر سیاست عمومی مطالعه کرده و آنرا تثبیت مینماید .

مجلس عالی دفاع ملی : مجلس عالی دفاع ملی متشکل از زامداران ملکی و نظامی بوده عبارت از يك اورگان مشاورتی میباشد .

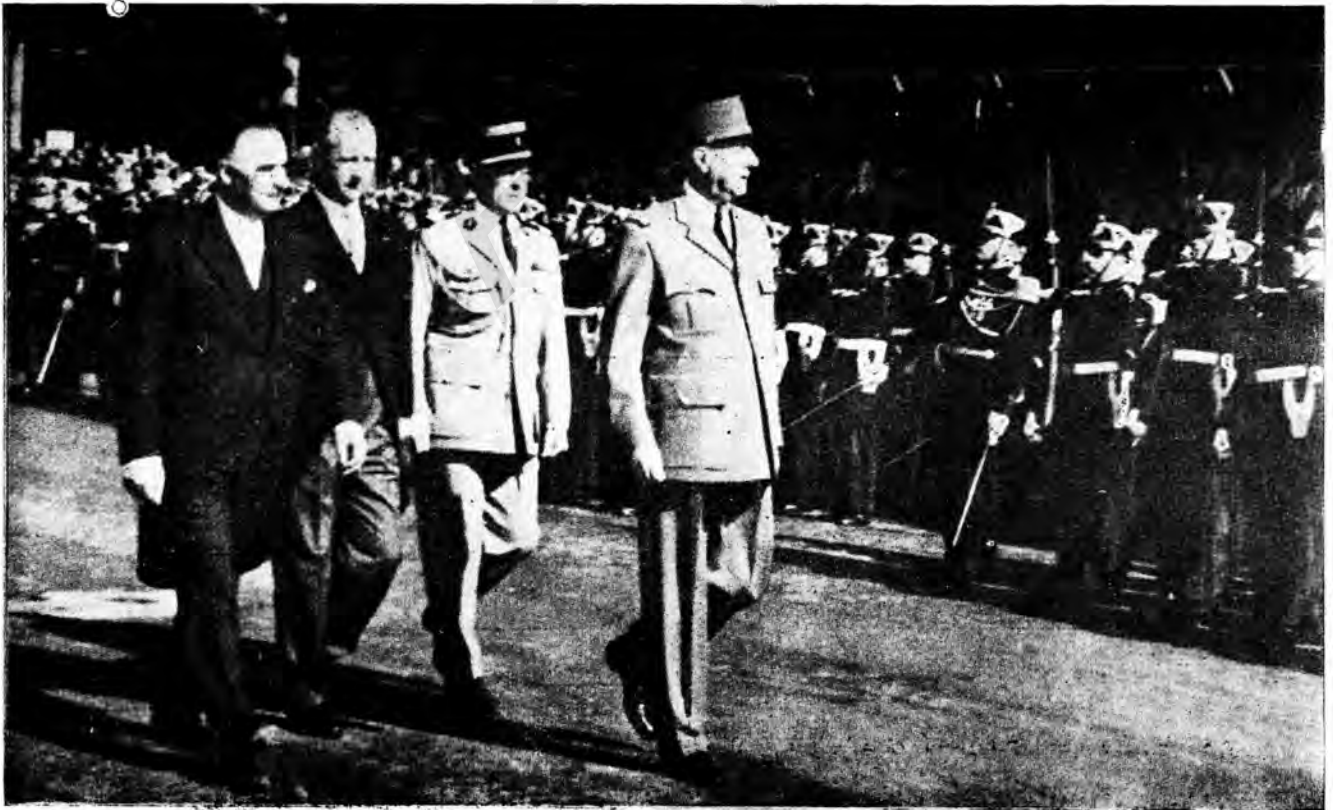
کمیته دفاعی : کمیته دفاعی اتخاذ قرار های که مربوط و متعلق به دایرکشن عمومی دفاع ملی بوده در داخل کادر سیاسی که از طرف دولت تثبیت میگردد بعهده دارد .
کمیته دفاع ملی بدور صدر اعظم وزیر امور خارجه ، وزیر اردو ها (وزیر دفاع ملی) ، وزیر داخله

(مسئول دفاع ملکی) ، وزیر مالیه احتمالا بدور وزرای دیگر و بلاخره بدور سکرتر جنرال دفاع ملی جلسه مینماید .

کمیته دفاع رسترن : این کمیته مقاصد و پروژه های مربوط به دایرکشن نظامی دفاع ملی (اتساع و انبساط قوا و پرو گرام های طرح شده طرف ضرورت اردو ها را) تعیین و منظور مینماید .

در وقت اجلاسیه از طرف صدر اعظم هریک از اعضائیکه برای هر مجلس انتخاب شده باشند دعوت میشود .

طبق نظامنامه ۷ جنوری ۱۹۵۹ در حالات رخصتی برای اینکه اجلاسیه دفاع ملی از بین نرود ترتیب ذیل اتخاذ شده است : ز مانیکه رئیس جمهور ، رئیس مجلس سنا و صدر اعظم برخصتی رفته باشند ، امور مجلس دفاع ملی از طرف وزیر اردو ها (وزیر دفاع ملی)



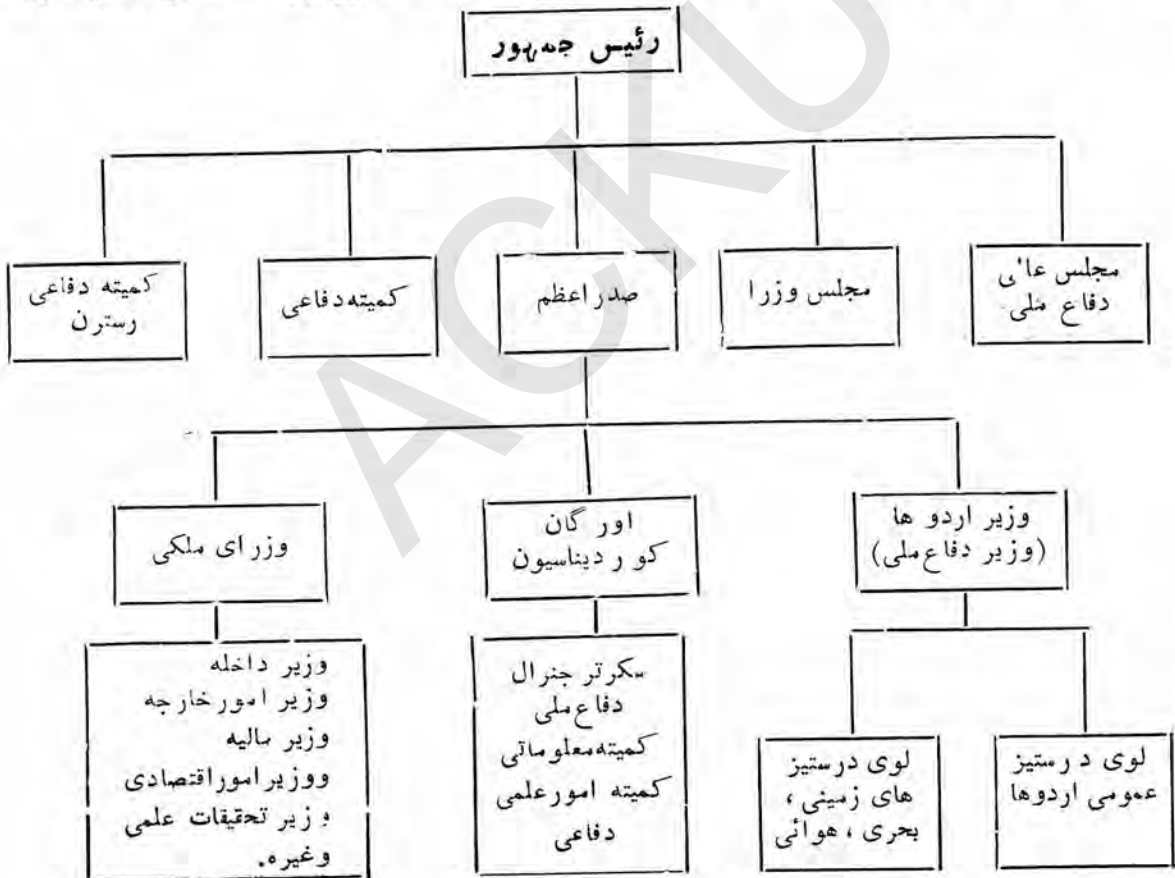
جنرال دو گول در حال معاينه سگان در اختيار ام - دو فرانسه .



وسایط میکانیزه نوع A-1 که مخصوص حمل و نقل گروپ ها می باشد

وبعد از آن از طرف وزرائیکه است آنها قبل از طرف دولت ترتیب میگردد سوق و اداره میشود .
سکرتر جنرال : سکرتر جنرال امورات مالی واجتماعی را نظارت می نماید .
لوی درستیز : لوی درستیز مسئول بکار انداختن قوا و عملیات های نظامی میباشد .
 همچنین لوی درستیز وظیفه دارد تا پروبلم های مربوطه نظامی را در قسمت های تولیدات، انکشاف علمی تخنیکی و اقتصادی مطالعه نموده و طرف حل و بندی آنرا جستجو نماید .

اورگانیکرام ذیل پست های سیاسی که مسئول امور دفاعی میباشد ارائه میدارد



از نقطه نظر جغرافیائی سرزمین فرانسه ده منطقه نظامی را دارا بود، که هر یک از مناطق به قسمت های مختلفه جدا گردیده اند. از جمله مناطق فوق الذکر که سه منطقه آن بحری و چهار منطقه آن هوائی میباشد. باید همچنین متذکر شد که تمام مناطق به شش زون دفاعی گروپ بندی گردیده است.



هاوان ۱۲۰ میلیمتر

یک قسمت از این قوا حاضر بدین می باشد که فوراً بیک تیا تر عملیاتی بعید نیز مداخله کند .

ترکیب قوای مانور:

اردوی زمینی: اردوی زمینی

قوای مذکور مرکب از ۶ فرقه بوده که تا کنون پنج فرقه آن تشکیل گردیده است . از جمله پنج فرقه مذکور چهار آن دارای سه لوی میکانیزه و موتوریزه بوده و پنجمی آن بیک تیپ خفیف بوده که مجهز به پراشوتیست ها، امفیبی ها و غیره میباشد . فرقه های فوق متدرجاً بواسطه ادوات و وسایط مدرن مجهز میگردد .

بحری: قوای بحری دارای

۳۰۰،۰۰۰ تن و اسطه محاربوی و ۵۰ هواپیما بوده که از جمله مذکور شصت طیاره ثقیل ضد تحت البحری می باشد .

وظائف قزای بحری امر و زی عیارتند از :

الف - سهم گرفتن در محاربات زمینی و هوائی .

ب - مدافعه نمودن خطوط ارتباطی بحری .

ج - مدافعه و وساطت نمودن در چوکات ماورای ابجار از ۱۹۷۰ به بعد قوای بحری نظر به پلان پیش بینی شده تماماً مجهز به قوای ذروی شده و تحت البحری های ذروی قادر خواهند بود که مرمیات قاره پیمارا پرتاب کنند . بقیه در شماره آینده

در فوتوی فوق طیارات میراژ III در IIII IIII IIII نشان داده

➔ شده است

رادار بوده که می تواند اهداف را بصورت دقیق تثبیت کند . و همچنین دارای تریبات الکترونیکی می باشد که واسطه را از خطر را دار دشمن نجات می بخشد .
ز مانیکه اکمالات آن در هوا صورت نگیرد شعاع تأثیر

آن ۲۵۰۰ کیلومتر و در صورتیکه اکمالات روغنیات و اسطه مذکور در هوا اجرا شود شعاع تأثیر آن ۸۰۰ کیلومتر می باشد .

قوای مانور:

قوای مذکور مرکب از اردوی زمینی ، بحری و هوائی بوده و این قوا سرعاً در اروپا و یارچ از اروپا در هر آن استعمال شده می تواند همچنین



هیلیکوپتر الویت III که مجهز به مرمی رهبری شده نوع SS-11 میباشد

نظری به تشکیل قوای اردوهای فرانسه

اردوی فرانسه روز بروز بدین سبب مجهز تر و عالی تر شده میرود تا بتواند که امنیت تمام خاک فرانسه و همچنین زندگی مردم آنرا در تمام لحظات ، در کلیه شرایط و بمقابل هر نوع تجاوز ضمانت کند . در همین زمان در ساحه ستراتیژیکی قادر باشد تا به متحدین خویش کمک نماید . از شروع سال ۱۹۶۲ فرانسه روی سه سیستم ذیل قوا استوار گردید :

- قوه ذروی ستراتیژیکی .

- قوای مانور .

- قوای دفاعی عملیاتی محلی .

قوه ذروی ستراتیژیکی

وظیفه این قوه عبارت از خشی نمودن هر نوع تهدیداتی که متوجه فرانسه بوده و کمک به متحدین آن میباشد .

ترکیب کنونی قوه ذروی

ستراتیژیکی فرانسه

بمب های ذروی کنونی فرانسه توسط طیارات بمبار دمان میراژ IV حمل میگردد . میراژ IV دارای سرعت دو چند صوت بوده و باریاکتور های آتار Atar مجهز می باشد . و کابین و ماشین آن در خود فرانسه تر میم ساخته شده است .

میراژ IV قادر به انداخت یک بمب اتمیک 60 KT (کیلو تنه) بوده یعنی سه چند قویتر از واسطه ایکه در بالای هیروشیما بمب پرتاب نموده بود می باشد . واسطه مذکور دارای



شرحی از ساعت‌های تاریخی جهان

در سابق، مفکوره ساعت‌سازی را کدام صانع بوجود آورده است؟

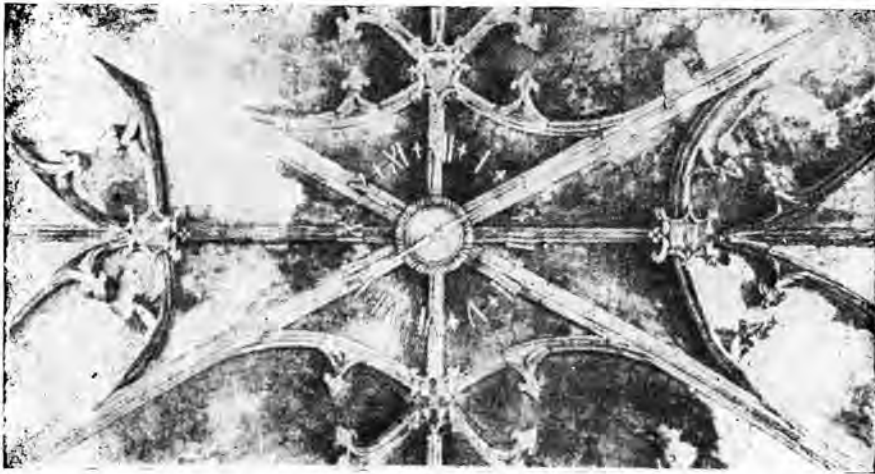
در سال ۱۳۴۰ میلادی يك ساعت اوتوماتیکی دارای زنگ به پیرده شالیو راهب شهر کلین هدیہ داده شده بود. اولین ساعت کلیسای استراسبورگ در سال ۱۳۵۲ بوجود آمده، بعد از آن ساعت فلورنتینی در اوایل سال ۱۳۵۴ ساخته شده



ساعت آفتابی کلیسای شرترسکی
را که در قرن سیزده میلادی وجود
داشته نشان میدهد.

است. کارل پنجم فرانسه چندین ساعت رادر دسترس داشته است. اما طوریکه کریستیان دهبیزان روایت میکند کارل پنجم بیشتر از همه ساعت‌های خود به يك ساعتی که توسط شمع روشن میگردد علامت نشان میداد. «طوریکه فروسار نویسنده در کتاب خود تحریر نموده» کارل پنجم به فرمانداران خود امر داده بود تا يك ساعت بزرگ را که صدای زنگ آنرا تمام نفوس شهر پاریس شنید بتوانند در یکی از برج‌های دروازه لور نصب بدارند کار نصب نمودن این ساعت در نتیجه زحمات يك نفر صانع شهر جرمنی موسوم به «هنریخ دی‌وی» و یا اینکه «فون و یک» به انجام رسیده بود و برای اجرای امورات ساختمانی آن هشت سال تمام را از دست داده بود! با تجدید ساختمان این ساعت که در سال ۱۸۴۸ بوسیله «لیسپوت» صورت گرفته ساعت موصوف تا هنوز هم يك برج ساعت رادر قصر صدارت عظمی شهر پاریس تزیین می‌بخشد. نمونه اولین ساعت‌های ابتدائی که انسان می‌خواهد آنها را مشاهده نماید متأسفانه مقنن‌الایر میباشند. از جمله ساعت‌های قدیمی که در فرانسه موجود است بدون تردید همانا ساعت ساخت «دراونس» (که در سال ۱۳۸۹ بوجود

آورده شده) به حیث قدیمی‌ترین ساعت بشمار می‌آید. ساعت‌های کلیسای سالزیبری (انگلستان) سه سال قبل از آنها میباشند پرزه جات جداگانه ساعت‌های استرونومی در شهر بورژی تاحال باقی مانده است که توسط جان فیوزبری قانون گذار ما در آلمه پاریس ایجاد گردیده بود اما واقعه تأسف انگیزی در آنجا بوقوع رسیده. در سال ۱۴۱۵ یعنی در بجموحه جنگی که تخمین یکصد سال جریان داشت فیوزبری يك مشوره طالع بینی را برای پادشاه انگلیس در همان وقتی که آن عازم فرانسه میشد بمیان گذاشت. در اثر همین عمل‌وی اساسی را برای تعقیب و محاکمه کردن فیوزبری به نسبت آنکه وی با پادشاه انگلیس که دشمن فرانسه خوانده میشد متاسبات را برقرار داشت فراهم آورد. در قرن پانزده اولین ساعت‌های دیواری که در روی دیوار آویزان میگرددید و یا اینکه بالای پایه دان مخصوص قرار داده میشد بوجود آمد اینگونه ساعت‌ها دارای رقاصه نبوده زیرا که تا همان زمان آله رقاصه هنوز اختراع نشده بود اما به حیث متنوع بودن ساعت‌های برجکی بشمار می‌آید. در جریان سال‌های قرن شانزده مرکز تولیدی ساعت‌ها از مملکت



ساعت کلیسای «سینت دیزی» در لیون (مربوط به قرن شانزدهم میلادی)

در حالیکه لوسنرها (و یا چهل چراغ ها) در زیر گنبد کلیسای بیژانسک مشاهده گردد گالیله در سال ۱۵۸۳ موضوع تساوی المدت جنبش رقاچه را کشف کرده است وی این امر را با مقایسه کردن آن با آله تنظیم کننده فریکونسی طبیعی که عبارت از جنبش نبض وی بود تحت آزمایش قرار داده این فریکونسی بطور تخمینی بشمار میرفت اما بطور کافی منظم بوده و در تجارب اولیه از آن استفاده بعمل می آید.

تساوی مدت جنبش رقاچه با داشتن آن گونه طول آن چنان است که در موقع انحراف رقاچه از حالت تساوی مدت با یک جنبش کامل از انحراف اولیه بستگی نداشته، رقاچه شعاع قلیل دائره را در وقت زیاد عبور میکرد. این فاصله دائمی وقتی که تنها از خواص آن گونه رقاچه بستگی دارد بنام «زمان» یاد میشود.

طوریکه ابات میرسن و هیو گنس خاطر نشان میسازد این معادله مدت جنبش رقاچه ها تنها به جنبش های کوچک قابل استعمال است. اما این موضوع یعنی تساوی مدت تخمینی جنبش های کوچک رقاچه در استعمال نمودن برای تنظیم دقیق ساعت ها کفایت میکند... گالیله تخمین بعد از

و گاهی بسوی چپ حرکت میکردند. نا آنجائی که جنبش ساعت «فالیو» متساوی المدت نبوده اند بررسی و مطالعه آنها مانند آلات تنظیم کننده فعلی ساعت ها مبالغه آمیز خواهد بود زیرا که تنظیم کننده آن: بول بطنی کننده حرکت وزنه را ایفا میکرد در همه حال خیلی اهمیت دارد که این موضوع مفکوره میخانیک را برای اقدام در کار ایجاد آلات اندازه کننده وقت توسط رقاچه عمودی بیدار ساخت. اینگونه پیشنهادات کاملاً توسط «لیوناردا داوینچی» قبل از گالیله و هو گنس معلوم و بیان گردیده بود.

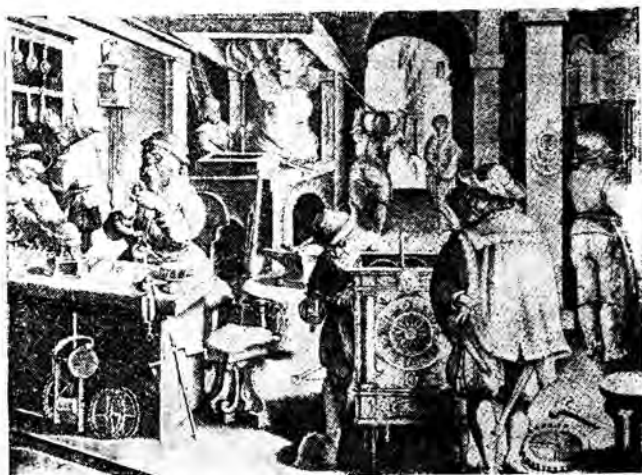
طبق حکایات نویسنده گان و همچنان

ایتالیا بسوی جرمنی انتقال نموده که آنهم عبارت از شهر نیورنبرگ بوده قرن شانزدهم یک جنس سهم دیگری را نیز بمعرض وجود می آورد. یعنی وزنه ساعت به اسپرنگ تبدیل میگردد که اندازه ساعت ها را تقلیل داده و ساختمان کارخانه جات تولید کننده آنرا خیلی آسان میسازد. در سال ۱۵۲۳ فرانسوی اول دو ساعت را در دسترس خود داشت که بدون وزنه بوده و در اطاق آن قرار داده شده بود. تقلیل یابی اندازه ساعتها که بصورت تدریجی جریان داشت راههای جدیدی را برای اجرای کارات ایجاد ساعت های بند دستی هموار می ساخت که در همان وقت آغاز گردیده بود.

قبل از آنکه ایجاد ساعت های را که دارای رقاچه تنظیم کننده بوده مورد ستایش قرار دهیم باید آنچه را که به زحمات و فروتنی «فالیو» در قرون وسطی متعلق است مورد تذکر قرار بدهیم، اگرچه این موضوع هنوز هم در آنوقت بحیث حل نهائی پرابلم بشمار نمیرفت اما شاهد معلومات واضحی در آنبار هم میباشد. ساعت های که دارای وسایل خیلی قدیمی یعنی وزنه «فالیو» میباشد در کمبازش این افعی بوده اند که گاهی بطرف راست



آلات و پیرزهاج ساعت دارای وزنه را در قرن پانزدهم بملاحظه شما میرساند.



ورکشاپ ترمیم ساعت در قرن شانزدهم

شصت سال پس از اکتشاف «پیزه» و قبل از فوت آن یعنی در سال ۱۶۴۱ میلادی به همین مفکوره وارد گردید به اساس پرنسیپی که توسط گالیله بیان گردیده بود پسروی يك ساعتی را بوجود آورد که بدون شک به حیث اولین ساعت دارای رقاصه عمودی در تاریخ وسایل اندازه گیری وقت بشمار رفته است. متأسفانه که این وسیله از بین رفت اما نقشه آن باقی ماند که از روی همان نقشه با یکون در قرن ۱۹ ساعتها ساخت که احتمالاً با ساعت های ساخت گالیله شباهت داشت.

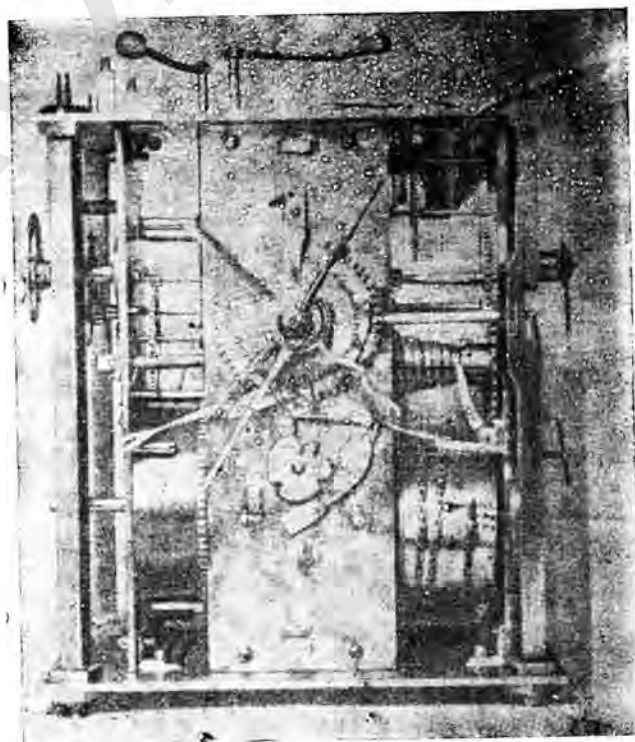
بر آورد و سنجش کردن علمی وقت را افتتاح کرده است. ماهیت کر وی در تحلیل و تجزیه عمیق جنبش های میخانیکی، تحقیقات و اخذ متساوی المدت نهائی ساعت ها شامل میباشد. اکتشاف رقاصه دائر وی شکل و اختراع اسپرنگ ساعت مساعی هیوگنس را بصورت سر فرازانده انجام بخشید.

اما میتوان اظهار نظر نمود که این شخص از کسان زیادی که ثمره ای را در تاریخ وسایط اندازه گیری وقت وارد کرده تفوق و برتری داشت. بایک سلسله انکشافات برجسته نظری بدون مساعی خاصی در اختراعات عملی منعکس میگردد هیوگنس اساس نهائی را برای تولیدات ساعتها گذاشته و عصر

بالاخره هیوگنس پایه عرصه جهان نهاد. این مرد غیر عادی و صانع مانند گالیله متعلق به اشخاص دانشمندان در یای علوم بوده و دارای استعداد زیادی شده است که میتواند منبع هر گونه خاک را بوسیله تماس دادن يك پارچه یا زنبوغ خود کشف کند.

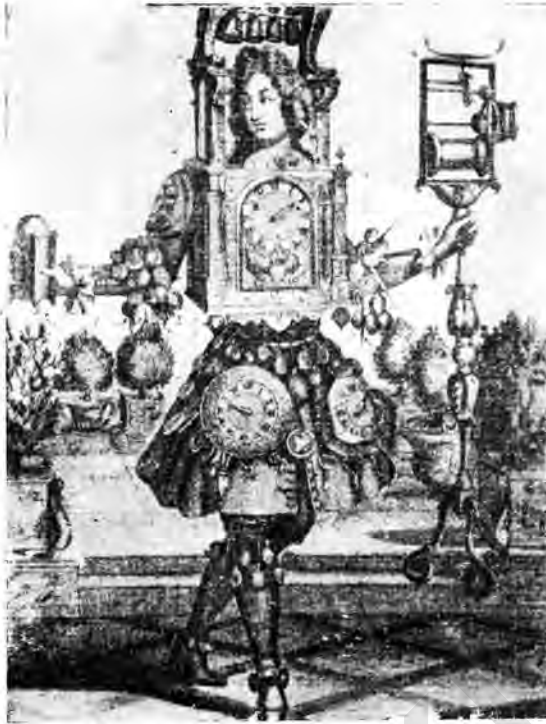
با تجدید مطالعات رقاصه که گالیله و مکتب آن چگونه باقی گذاشت هیوگنس نشان داد که جنبش زیاد بهر صورت متساوی المدت نمیباشد اما جنبش درجه کم به همین ترتیب تنها بصورت خیلی عنقریب شمرده شده میتواند. متساوی المدت نظری بوده و بطور حقیقی تنها برای رقاصه ایکه بطور سیکلوئید جنبش دارد شمرده می شود.

سیکلوئید عبارت از خط منحنی است که با آن در همه روزهای زندگی خود مصادف میشویم زیرا که اینگونه شکل را اساساً خط السیرهای مستقیم دارند. اینگونه راه که توسط نقطه به دایره حلقه عبور کرده و قتیکه این حلقه حرکت میکند و بدون لغزش بالای قطعه راه مستقیم بگردش می افتد اکنون چنین تصور میکنیم که مثلاً تأثیر بایسکل که وال آن (ویانیزل آن)



آلات ساعتی را نشان میدهد که نه تنها ساعت و دقیقه بلکه فاز های ماهتاب و دیگر حوادث نجومی را وانمود میساخت. (این ساعت در سال ۱۶۰۰ میلادی در جرمنی بوجود آمده است.)

برای پمپ کردن هوا در وقتیکه تابر به حرکت می افتد به نزدیکی زمین قرار دارد، حینیکه تابر دوره کامل خود را طی میکند وال مذکور یک خط منحنی رادر هوا ترسیم نموده و مجدداً به نزدیک زمین به نظر میرسد . بادر نظر نگرفتن بعضی مشابهن آن با قوس دایره که بنام اولی خود بستگی داشته باشد این خط سیر و حقیقت بحیث قوس سیکلوئید بشمار میرود که دارای خواص برجسته ای میباشد و آنرا بنام «شاخه بر جسته هندسی» می نامند. اما این شاخه را تنها منکوره انسان اسیر خود ساخته میتواند . طبیعی است که رقاصه شکل سیکلوئید را نمیتوان بطور عادی یعنی با آویزان کردن وزنه جنبش کننده آزاد به انجام تار ویا اینکه استوانه بوجود آورد . حقیقتاً که « شعاع » مختلف سیکلوئید مساوی نمیشاند و طول تار یا اینکه استوانه باید تغییر یابد . بطور مثال میتوان گلوله کروی شکل را که بیک خط السیر سیکلوئیدی حرکت کرده و به سطح عمودی قرار گرفته باشد تحت تصور قرار داد. اما نسبت به اصطکاک گلوله کروی در موقع حرکت در این جا رقاصه بدست نمی آید. همانا از نقطه نظر تحلیل ریاضی و عملی این پرابلم به هیوگنس مدیون میباشدیم. وزنه به انجام تار آویزان میشود اما تار بصورت آزادانه جنبش کرده نمیتواند. این تار توسط دو سیکلوئید احاطه شده و بدرجه زیاد ویا کم آنها تماس دارند، به تناسب آنکه به چه اندازه این تار از حالت عمودی دور میباشد. راهی که توسط بار طی میگردد نیز دارای شکل سیکلوئید بوده و تاثیر مورد ضرورت میتواند بدون اصطکاک اخذ شود. ریاضی دان ها این موضوع را عجایب کوچک می گویند و چنین اظهار نظر مینمایند که حرکت پیچیده



سمبول تولید
ساعت ها
(گراوری قرن
هجده میلادی)

آن اجازه میدهد تا جای رقاصه های ساعت بر چکی را عوض کند. ساعت های عصری درین اواخر ساخته شده است . مقایسه کوچک بودن ساعت همه صفات آنرا نشان میدهد که اهمیت زحمات هیوگنس در رشته اندازه گیری وقت چگونه میباشد .

قبل از این مرد خردمند بهترین ساعت های که در بند دست بسته میشد ویا اینکه ساعت های که در برج ها نصب گردیده بود از قرار متوسط یک ساعت پیش میرفتند و یا عقب می ماندند اما بعد از اختراعات آن دقیق بودن ساعت ها (اشتباه اندازه گیری ساعت ها) تا چند دقیقه تقلیل یافته و سپس تدریجاً این اشتباهات از دقیقه به ثانیه پائین آمده است . مردمان ثروت مند مجبور نبودند همه روزه ساعت های خویش را بیک ساعت عقب ویا اینکه یک ساعت پیش تنظیم کنند مانند آنکه پدران ایشان این کار را با مشاهده نمودن گردش آفتاب اجرا میکردند . زمان حکم فرمائی ساعت های آفتابی و آبی به آخر رسید . « پایان »

آنها نیز به حیث سیکلوئید بشمار میرود .

اولین ساعت ساخت هیوگنس که دارای رقاصه سیکلوئید بود در ماه دسامبر سال ۱۶۵۶ ساخته شده است آن گونه ساعت ها توسط کارکنان هالندی به نمایش گذاشته شده بود. تقریباً در همان وقت یعنی در سال ۱۶۵۷ در ماه جون هیوگنس یادداشت های برجسته و سرگذشت ساعت سازی خود را بار قاصه آن مورد مطالعه قرار داده بود .

رقاصه سیکلوئید هیوگنس پرابلم متساوی المدت را برای ساعت های ایستاده شکل که دارای اندازه های بزرگ میباشد حل نموده بود .

هنوز هم جستجوی راه های برای تحلیل و بررسی این گونه پرابلم برای ساعت های دارای اشکال مختلف و ساعت های جیبی باقی مانده بود .

در سال ۱۶۷۵ این مرد دانشمند اسپرنگ مار پیچ شکل را که جنبش های آن بطور متساوی المدت تنظیم میگردد اختراع کرد . اما اندازه کوچک

عرب در طول تاریخ محاربات و دور باستان

نویسنده: مونتراس مؤرخ نظامی امریکا

مترجم: عبدالواسع «نبی» اردو هم برید من پیاده

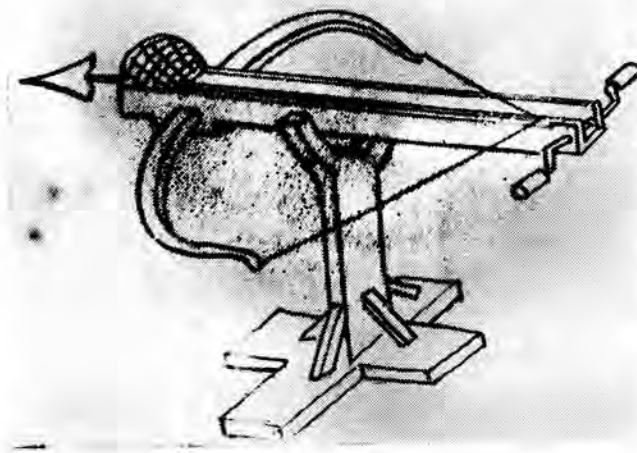
اتر و پولوجست ها به این عقیده اند که جنگ ها عمر دراز نداشته و در اثر پیدایش مدنیت ها تبارز نموده یعنی در زمانهای خیلی قدیم در بین انسانهای وحشی و مغاره نشین اغلب جنگ بمقابل هموع وجود نداشت مگر بعداً در اثر بوجود آمدن تمدن ها و کشفیات و پیشرفت در امور سائنس تکنیک جنگ ها و محاربات را از ابتدا تا به امروز پیچیده تر و مدهش تر نموده است چنانچه اگر در واقعات تاریخی حرب ها دقیق شویم خواهیم دید که در ابتدا جنگ ها و محاربات بصورت بسیار ساده و بعد از کشف بارود که هفت قرن قبل صورت گرفت علاوه بر آنکه صفحه جدید در زندگی بشر کشود هما نظور در تکامل سلاح ها اهمیت بسزا داشته و با نتیجه باعث تغییرات در

صنعت تکنیک جنگ های دوران باستان شد. همچنین بمب های اتمی انواع متنوع راکت ها و طیارات جت از جمله ابداعات جنگ بین المللی دوم بشمار میرود که اثر فوق العاده در تمدن کنونی نسبت به کشف مواد منفلقه قرون وسطی وارد آور دوشاید هم پیشرفت در علوم و مدنیت باعث بوجود آوردن سلاح های مدهش تر نیز شود که صورت جنگ ها و محاربات آینده را شکلی به تماماً معنی مختص و موزی بخود تغییر دهد.

در ذیل بخوانندگان ارجمند مجله اردو اینکه محاربات در دوران باستان به چه نوع تشکیلات، تعلیم و تربیه و سلاح های آنها چه بود به صورت مختصر از یکی از تألیفات مونتراس مؤرخ نظامی امریکا ترجمه و امید است طرف علاقه و دلچسپی قرار گیرد. (مترجم)

موقعیت و وضع جغرافیائی جنوب اروپا که باعث آب و هوای گوارا و آفتابی آن منطقه شده مردمان سلحشور جنگجو و صحتمند به بار آورده و به این صورت مردانی تقدیم عالم بشریت نموده که زیر بنای تمدن کنونی ما را فراهم آورده اند. چنانچه یونان باستان علاوه به مشاهیر بزرگ مردان رزمی مانند الکساندر کبیر فیلیپ مقدونی و بسی دیگر از شخصیت های نظامی و سیاسی را در دامن خود پرورانده که فنون و تکنیک های نظامی ایشان صفحات نوین در تاریخ حرب ایجاد نموده است و ما میتوانیم موضوعات این مقال را درین خطه جستجو نمائیم.

تشکیلات اردوی مقدونیه:
تشکیلات اردوی مقدونیه از نگاه تعلیم و تربیه و داشتن سلاح های متنوع همانوقت نسبت به بسیاری از ایالات یونان تفوق داشت اگر چه تعلیم و تربیه بیشتر به بالای حرکات جمناستیکی اتکاء مینمود مگر فیلیپ مقدونی زیاده تر به حاکمیت به بالای سلاح و داشتن تکنیک جنگ استناد میکرد صورت پذیرفتن افراد در اردوهای یونان بصورت آزادواجیر بود اما برای اولین مرتبه فیلیپ مقدونی به تأسیس اردوی دائمی که از مردمان شهری و طبقات بالامشتمل بود تشکیل نمود. همچنان در تشکیلات اردوی مقدونیه قوای احتیاط که از مردمان شهرهای باج ده و تحت نفوذ



اسکار پیون
سلاح که
قابل حمل و نقل
بود و در -
محاربات تعرضی
از آن استفاده
بمعمل میآمد



نمونه‌ای از محافظین سوازی قلعه های مستحکم

ها استعمال میشده‌سیم و تریه میشدند
حموله یک سر باز رومی مشتمل از
بلاوع لباس مخصوص مبارزه، سپری
که بصورت نشسته تماماً وجود را
مخفی مینمود کلاه فولادی، تبر
یکنوع داس، ظرف جهت یخت غذا
اعاشه چندین هفته‌ئی و دو عدد چوب
جهت برافراشتن خیمه های که از



سرباز مسلح لژیون رومی ها

پوست حیوانات بود که بصورت عمومی
حموله یک نفر بالغ به ۷۵ پوند میرسید .
همچنان ترتیب خوردن غذا از حالت
ایستاده ودولا و رفتار های طولانی
و حفر چقوری از جمله تعلیم و تربیت
آنها شمار میرفت .

نبود بدین ملحوظ بقدرت ناز و قوای
فیزیکی جسمی بیشتر اتکا مینمودند
و در قسمت انتخاب افراد نظریه گفته
ویجیتوس نویسنده رومی اوصاف
ذیل مدنظر گرفته میشد .

دارای چشمان نافذ ، سر بلند ،
سینه کشاد، پنجه های کلان، دندان
دراز، عضلات تنومند و به اینصورت
اگر اوصاف مذکور را دارا می بود
کدام تردید در قسمت بلندی قد
در میان نبود. در تعلیم و تربیت
مقدماتی کوشش بعمل می آمد تا قدرت
فیزیکی افراد را به وسیله دویدن ها
جمناسٹیک و بلند شدن به ارتفاعات
انکشف داده چنانچه طبق گفته
پولی بوس عسکر رومی توسط سلاح
های که دو چندسلاحی که در نبرد

و عساکر اجیر که برای بعضی از
امور فرعی استخدام میشد بمشاهده
میرسد .

برای مقاصد اداری مانند اردوهای
مدرن امروزی قطعات مذکور از دو
عنصر اداری و قومانده متشکل
بود چنانچه نظام که دارای شانزده
لیک و هر لیک مذکور مشتمل از شانزده
افراد که معادل به یک تولی دوصد -
و پنجاه و شش نفر میشود عبارت بود
و بالترتیب چهار ، هشت و شانزده
تولی فوق تشکیل کندک، غند و لوآ
اردوی مقدونیه را تشکیل میداد .

قرارگاه اردوها مشتمل از
صاحب منصبان ورزیده و متجرب که
در امور نظامی مشورت و پیشنهادات
به قوماندانان اعلی ارائه مینمودند
عبارت بود و عموماً قوماندانی اعلی
بدوش پادشاهان می بود.

تعلیم و تربیه یک سرباز رومی :

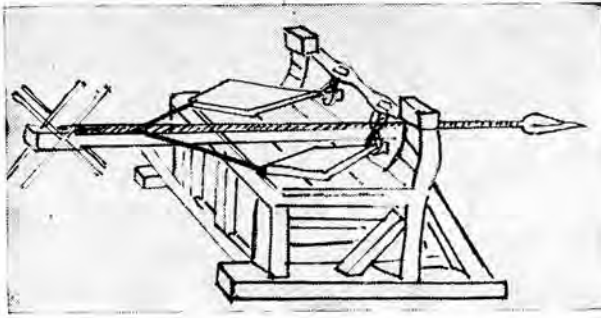
جوان رومی به سن هفده سالگی
به اساس قوانین بخدمت نظام پذیرفته
میشد و الی سن شصت نظر به ابراز
لیاقت و شجاعت در جات عسکری را
احراز مینمود که مدت پنجاه سال
مذکور منجبت یک فرد محارب
و متباقی اش را در خدمات متفرقه
اجرای وظیفه مینمود. خدمت نظام
مربوط به طبقات بالا بود چون در
آنوقت ها وسایط ماشینی در دسترس



سربازان مسلح رومی

تكتيك جهان قدیم :

در طول قرن‌ها محاربات بصورت حرب‌های ناحیوی و منطقی صورت میگرفت قسمی که دو قوای بزرگ در مقابل هم قرار میگرفتند بدون آنکه از برنسیب‌های اختفا و باصقین استفاده بعمل آرند نظام محاربوی خود را بر قسمی بوجود می‌آوردند که قوای سواری بدو طرف قوای کلی و پیاده که قدرت حرب را تشکیل مینمود در مرکز و عراضه‌های جنگی را در پیشروی جنبه تعبیه نمودند در عقب پادشاه و یا سردار قواء به همراهان خود که بیشتر در محاربات شرقی سروج بود قرار میگرفت و



سلاح حرکت
مستقیم که
بصورت ثابت
انداخت می‌شد

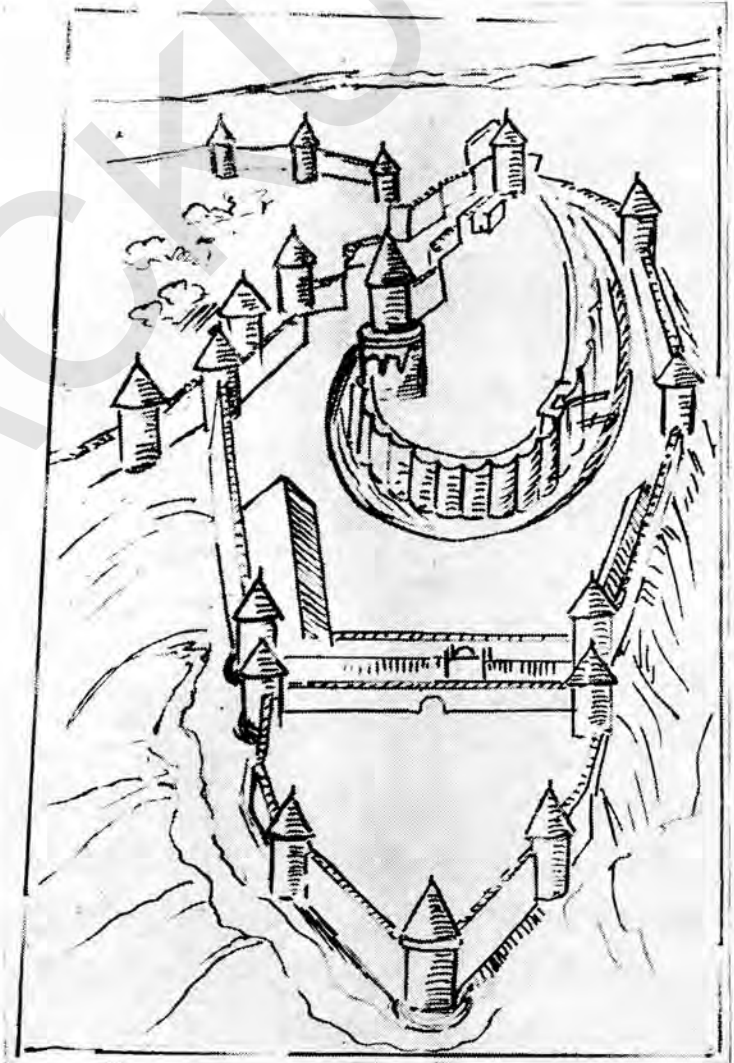
منحیث یک اورگان حیاتی حرب محافظه میشد چنانچه فرار یا محاصره اش مندمه شکست و انهدام تصور میرفت .

صورت آغاز و اجرای محاربه قسمی بود که بمجرد دیدن یکی از تلامات مخاصمانه طرف مقابل با

پرتاب نمودن تیر، نیزه و قلعمان قوای دشمن را تحت تاثیر میگرفت و بعداً عراضه‌های جنگی، سرعت فوق‌العاده زیاد به پیشرو و قوای سواری به جناحین حمله می‌آوردند بالاخره قوای پیاده با نیزه، شمشیر و سپر با یک یورش و حمله شدید با دشمن مصاف مینمودند احتمال ظفر و کامیابی بطرفی می‌بود که زودتر داخل جنبه مقابل می‌شد و از نگاه عددی تفوق میداشت. ناگفته نماند که در دوران باستان هنگامیکه دو قواء باهم در یک میدان وسیع مقابل می‌شدند صرف ازور آزمائی و دست و پنجه نرم کردن دو سردار قواء که از همه قوی و نیرومند و شجاع می‌بود به نتیجه غالبیت و مغلوبیت ایشان اکتفاء میشد .

در دوران باستان قوماندانان از اینکه یکطرف قواء بکدام مانع طبیعی ممتد شود و یا احتیاطی را که در صورت ضعف در کدام حصه از جنبه استعمال نماید مدنظر نداشتند و صرفاً به قوای عددی استناد مینمودند . مگر بعداً در اثر تجارب حرب‌ها قوماندانان خدعه‌ها و نیرنگ‌های نظامی را آموختند که باعث فتوحات و تشکیل امپراطوری‌های بزرگ شد .

قوماندانان دوران باستان به این نتیجه رسیدند که نظام حرب دارای سه شکل اساسی میباشد و میتوان یک قوای که مرکب از چهار و یا چهار (بقیه در صفحه ۴۹)



محاربات قلعه‌های مستحکم

راکت‌های بالستیکی مواد مایعی امریکا

ترجمه: ب حسین علی غریج
لمری بریدمن پوهنهی آخنیک

در زمان امروزی علاقه و دلچسپی اردوی امریکا زیاد تر به راکت‌های بالستیکی تمرکز یافته به این نسبت که حرب آینده را یک حرب اتمی فکری میکنند. در اینجا راکت‌های بالستیکی پرواز متوسط و پرواز دور توجه عمده گان را جلب نموده است. که معلومات تخنیکی آنها را در جدول زیر مشاهده کرده می‌توانیم.

شماره	اسمای راکت	مارك عسكري	نوع اجن	تعداد مرحله	طول	وزن	سرعت	منزل اعظمی
۱	Corporal	SSM-A117	مایعی	مرحله	14 متر	5,5 تن	M3	Km 160-120
۲	Redstone	SSM-A14	»	»	20,7	25	M5	الی 500
۳	Jupiter	SM-87A	»	»	18,4	50	Km16100	2400
۴	Thor	SM-75A	»	»	19,8	50	16100	2400
۵	Atlas	SM-65A	»	2	26,4	118	25750	102 200
۶	Titan 1	SM-68	»	»	27,6	99	25750	102 200
۷	Titan 2	SM68B	»	»	33	122	27800	زیاد از 12000

از جمله این راکت‌های بالستیکی پرواز متوسط جوپیتر و Thor میباشد که در شکل ۱ دیده میشود. در حالیکه به پلان Chrysler شروع به تکمیل راکت‌های بالستیکی ریدستون به تحت اسم جوپیتر به پلان Douglas شروع بکار نموده راکت Thor را تولید و مورد آزمایش قرار داد. راکت‌ها نسبت بر راکت‌های بالستیکی تاکتیکی پرواز آیرودینامیکی فرق مینمایند.

سمت پرواز آنها توسط مائل ساختن انجن محرکه که در قسمت مسامت سرو موتور قرار دارد اداره میگردد.

سیستم اداره کننده آن یعنی راکت‌های جوپیتر و دور که قبلاً خط السیر پرواز آن حساب شده نظر به پروگرام ترتیب شده فعالیت مینماید آله اداره کننده آن از Akcelerometr و گیر و سکوپ کروم سکوپ انتظامی تشکیل شده است اینک را جع به ساختمان و اوصاف راکت جوپیتر و تشریحات ذیل تقدیم می‌گردد:

راکت مذکور توسط جک هایدرو لیکی چوکات پرتاب خود به حالت عمودی قرار گرفته و بطور مختصر آلات و تانکی مواد سوخت آنرا مورد آزمایش قرار میدهد. به قومانده (پرتاب شود) انجن

محرکه راکت ساختمان قله ئی آن باترتیبات الکتریکی یک جانبه شده راکت به فعالیت شروع مینماید در اثنای پرواز راکت جوپیتر و آلات اداره کننده آن تمام انحرافات آنرا از خط السیر اصلی توسط مایل ساختن انجن آن اداره می‌شود.

بعد از صرف شدن مواد سوخت قسمت مخروطی راکت جدا شده و انجن خورد باروتی که در قسمت تحتانی راکت موقعیت دارد و وظیفه را بدوش می‌گیرد. طرز فعالیت انجن سمتی آن که توسط آلات اداره کننده که وظیفه را اخذ نموده شروع بکار مینماید.

بعد از اخذ موقعیت اصلی و سرعت

معینه بالای خط‌السیر خود از قسمت ابتدائی توسط تالیك تخریب قسمت خربی آن که در آن حق انفلاق موقعیت دارد جدا میگردد .

راجع به ساختمان راکت بالیستیکی جوپیتر بعضی نظریات موجود است که راکت مذکور شکل عصری رانداشته بازهم نسبت به راکت های بالستیکی دیگر نوع اطمینان بخش میباشد هر سونل زمینی آن نسبت به راکت *Thor* نسبتاً کمتر موثر ریزه شده میباشد با وجودیکه تمام آلات آن ساده بوده تقریباً ۸٪ پرسونل معاونه را ضرورت حس میکنند .

طوریکه دیده میشود هر پایگاه راکت جو پیتر دارای پانزده عدد راکت که هر سه عدد آن در پنج دستگاه پرتاب جایجا گردیده است . در هر پایگاه پرتاب یک راکت بحالت عمودی آماده بوده بعد از ۱۵ دقیقه آماده پرتاب می گردد و راکت دومی فوراً حمل شده به پایگاه پرتاب بصورت عمودی آماده میگردد و راکت سومی آن در دیوی حفاظتی جاگزین میباشد .

راکت جوپیتر و از سال ۱۹۵۹ به این طرف بداخل اردوی امریکا در آمده و از سال ۱۹۶۰ به پایگاه نظامی ایتالیا نیز روی کار گردیده است . و چون معلومات تخنیکي راکت های *Thor* با راکت جوپیتر مشابه بوده به اردوی امریکا و بر طانیه خدمت مینماید .

راکت های بالستیکی پرواز دور که نظریه *Pentagen* زمان کوتاه از جمله قادرترین سلاح نظامی امریکا بشمار میرود .

درعین زمان در فابریکات نظامی امریکاهمیشه مورد آزمایشات و تکامل سه نوع راکت پرواز دور که عبارت اند از اطلس، تیتان و تیتان ۲ میباشد مورد توجه آنها قرار گرفته است .

راکت بالستیکی اطلس نسبت بدگر نوع راکت ها خوبتر و خواص بهتر را داراست و راکت تیتان ۱ درعین زمان مودرن بوده اما باز هم بعضی نواقص در آن موجود میباشد .

در نیمه اول سال ۱۹۶۰ بعضی عوامل پیشرو قرار گرفت که سبب بعضی نظریات گردید که آیا به تکمیل راکت های تیتان ۱ دوام داده شود و یا اینکه تکامل آن توقف داده شده و به تولید راکت های اطلس غور بعمل آید .

راکت های تیتان ۲ که به اثر سعی و کوشش انجیران و متخصصین امریکائی ها بسیار بسرعت بمیدان آمد به مقابل راکت های بالستیکی اتحاد شوروی انکشاف و پیشقدم گردیده است . عیناً مانند راکت های جوپیتر و *Thor* که ساختمان مشابه دارند درینجانب نیز ساختمان راکت های اطلس و تیتان ۱ مشابه اند .

مادر اینجا تنها از راکت های اطلس و تیتان ۲ بحث بعمل می آوریم . راکت اطلس امروز تقریباً بیست سال عمر داشته و در لابراتوارها و ورکشاپهای آزمایشی کانویر *Convar* سیر و تکامل نموده است .

درین زمان کوتاه چندین نوع تیپ راکت اطلس مورد مطالعه قرار گرفته که عبارت از اطلس *DC, B, A* و *E* میباشد که درین خودشان فرق جزئی موجود میباشد .

طول راکت اطلس نظریه ش ۲ تقریباً ۲۷ متر که ۱۸ متر آن به تانکی مواد سوخت تصادف میکند و قطر تانکی مواد سوخت سه متر دارای حجم ۳۰۰۰۰ لیتر مواد سوخت نوع *RP-I* و ۵۰۰۰۰ لیتر مواد اوکسیدیشن (اوکسیجن مایع) میباشد . راکت اطلس دارای پنج انجن بوده که آنهم دو انجن محرکه ، یک انجن اصلی و دو انجن سمتی میباشد .

راکت اطلس در حقیقت دو مرحله بوده بعد از فعالیت و باز ماندن انجن محرکه آلات پمپی و کره عقبی جدا شده و راکت بجز راکت خود بسرعت فوق العاده زیاد دوام میدهد که این سرعت را انجن اصلی اداره مینماید . ساختمان خصوصی آن این است که در اثنای پرتاب سه انجن آن در عین زمان فعالیت را شروع نموده اما انجن اصلی آن دو دقیقه زیاد تر فعالیت را دوام میدهد . هر دو انجن سمتی آن یک زمان کوتاه فعالیت نموده بعد از سقوط انجن محرکه به راکت سرعت آخری داده میشود . بعد از آن قسمت خربی راکت جدا شده به قوه عظالت خود در بالای منحنی بالستیکی بجز راکت دوام میدهد .

در شروع مرحله ارتفاع اعظمی را گرفته و سرعت آن به ۲/۸ کیلومتر فی ثانیه تنزیل داده میشود در پرتاب فاصله ۸۰۰۰ کیلو ارتفاع اعظمی آن ۱۲۵۰ الی ۱۲۸۰ کیلومتر از سطح زمین میرسد بعد از گذشتن نقطه اعظمی پرواز آن دوباره سریع شده تقریباً به ۶/۵ کیلومتر در ثانیه میرسد .

امریکائی ها نظر به پلان دست داشته خود باید در سال ۱۹۶۳ دارای ۲۷۰ عدد راکت های پرواز دور که قسمت اعظمی آن را راکت اطلس تشکیل میدهد باشد .

در سال ۱۹۶۳ باید راکت های نوع اطلس در مملکت امریکا پانزده پایگاه پرتاب که هر کدام آن سیزده قطعه مخصوصه و هر قطعه دارای ۹ عدد راکت باشد تکمیل گردیده است . مشکلات بزرگی که در راکت های اطلس و تیتان ۱ دیده شده پر کردن مواد اوکسیدیشن میباشد که در ش ۳ مشاهده میشود و چون مواد اوکسیدیشن (اوکسیجن مایع) مواد انفلاقی بوده (بقیه در صفحه ۴۸)

سرانجام روز رستاخیز فرا رسید
 ناپلیون در مقابل عرش الهی قرار گرفت
 شیطان دفتر خود را گشود
 شرح جنایات ناپلیون را قرأت کرد
 آنگاه خدای بزرگ خدای پدر و خدای پسر
 کلام شیطان را قطع کرد و گفت
 بیجهت بخود زحمت نده
 و ما را با قرأت این سطور خسته مکن
 اگر در خود آن جسارت را سراغ داری
 که با ناپلیون بنا بارت روبرو شوی
 برو و او را در قلمرو خود جای بده

« گوته »

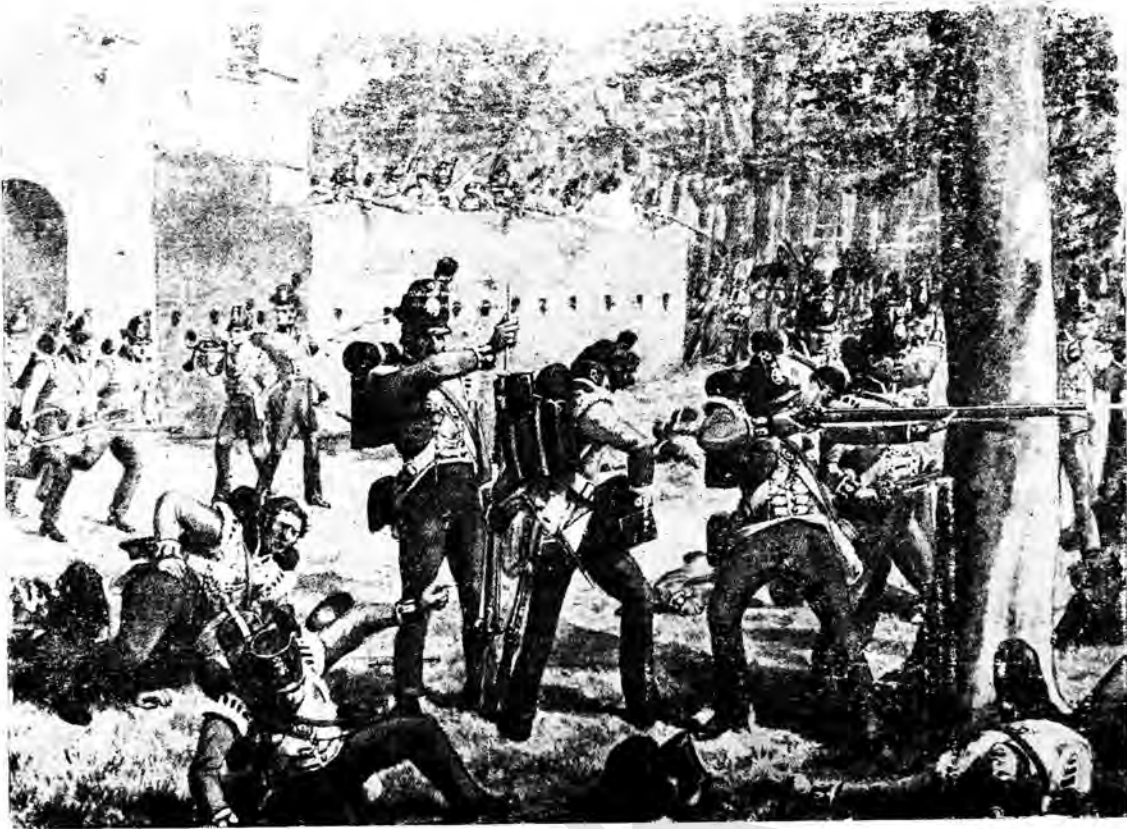
— ۵ —

دهاتیان بین راه او را شناختند و
 بیکدیگر می گفتند :
 امپراتور :
 این صدا از قریه ئی به قریه دیگر
 می پیچید . مردم از خانه های خود
 بیرون می آمدند و نمی توانستند آنچه
 رومی شنوند باور کنند . پیرمردان از

قبل از اینکه ناپلیون بفرانسه
 بیاید فکر میکرد که مردم چگونه
 از او استقبال خواهند کرد . راهی که
 او در پیش داشت از ولایت های
 می گذشت که در دست طرفداران
 سلطنت بود و او نمی خواست شدت
 عملی بخرج دهد .

خبر استعفای ناپلیون يك هفته بعد
 در اروپا رسید و در اکثری جاه ها
 بمناسبت شکست ناپلیون جشنی بزرگی
 را برپا ساختند . اما در همین احوال ،
 ناپلیون که در جزیره آلب بسر می برد
 کوشش میکرد تا زندگی تازه ای
 برای خود بوجود آورد امپراتوری
 بزرگ او اینک بصورت آن جزیره
 کوچک در آمده بود که از آن در
 روز های که هوا صاف بود ، میتوانست
 کوه های جزیره کرس را بنگرد .
 او هنوز قطعه قدیمی خود را که
 پیروزی های زیادی برای او فراهم
 کرده بودند ، در اختیار داشت و هنوز
 بر قطعه کوچکی فرمانروائی میکرد
 در پاریس درست بعکس انتظار
 مردم ، اوضاع صورت دیگری داشت
 پایتخت شکست خورده فرانسه روز
 های بدی را زیر فرمان لوئی ۱۸
 می گذراند و همه از آن ناراضی بودند
 در همین اثنا بود که ناپلیون خود
 را بفرانسه رساند و بزودی مردمان
 فرانسه خبر شدند که ناپلیون از جزیره
 آلب فرار کرده بود .

ناپلیون بانووع نظامی که داشت در جنگ ها دایم
 پیروز میگرددید



صحنه دیگری از جنگ های ناپلیون در دوره امپراطوری اش

داشت اما هنگامیکه به اردوی خود می‌نگریست که از مردان فوق‌العاد جوان و بسیار پیر تشکیل شده بود، دچار حیرت می‌شد با همه اینها هنوز چهل هزار نفر از افراد گارد قدیمی گرد او بودند، همان کسانی که روزگاری قهرمان بزرگترین جنگ‌ها بشمار میرفتند.

شاید اگر ناپلیون در این جنگ پیروز می‌شد، دیگر هرگز روانه کارزار نمی‌شد اما حیف با وجود دلیری‌های بی‌نظیر سربازان ناپلیون نتوانست پیروزی را بدست بیاورد در این نبرد افراد ناپلیون مانند غولهای افسانه‌ای می‌جنگیدند مانند فرشته‌ها مبارزه میکردند ولی هر چه بود آنان نیز فنا ناپذیر نبودند و سرانجام شکست خوردند. متفقین که از بی‌باکی و قهرمانی

که بهر تقدیر باید به جنگ دشمنان بروند در این موقع اتحادیه نیرومندتری برخیزد او بوجود آمده بود و متحدین سوگند خورده بودند که بهر قیمتی شده از دست او خلاص شوند. اما فرانسه دیگر تاب و توان جنگیدن را نداشت اما ناپلیون نیز کم‌کم بفکر صلح افتاده بود.

می‌گویند روزی گفته بود: من دیگر باین علاقه ای ندارم که وقت خود را صرف جنگ‌های تازه‌ای نمایم پیشترها، این خیال در مغزم نقش بسته بود که در اروپا مملکتی بنام کشورهای متحد اروپا به وجود آورم ولی اکنون من تنها بفکر صلح و وحدت فرانسه هستم. اما دیگر دیر شده بود متفقین اعلام جنگ داده بودند. ناپلیون به پیروزی امید زیادی

کلبه‌های خویش بیرون می‌آمدند تا مگر نگاهی بدو بیاندازند. مادرها کودکان خود را سردست می‌گرفتند تا آن‌ها امپراتور را به بینند و بعداً بتوانند بگویند: «ما هم امپراتور را دیده‌ایم.»

هرچه که ناپلیون پاریس نزدیک می‌شد شادی و سرور فزونی میگرفت سربازان قدیمی او یک‌یک بدومی پیوستند و مانند کودکان می‌گریستند جنرال‌ها همه نیروی خود را بدو تحویل میدادند و تماماً در عقب آن صف می‌بستند لوئی هجدهم یک شب پیش از ورود ناپلیون به پاریس گریخته بود. پاریس و در واقع تمامی فرانسه از اقدام تهور آمیز ناپلیون برای بدست آوردن مجد و قدرت، خوشحال و مسرور بود ولی خود ناپلیون هنوز در غم تلخی بسر می‌برد او می‌دانست



صحنه از پیکار های خونین سر بازان ناپلیون با قوای دشمن



سر بازان ناپلیون دچار وحشت شده بودند
 آنان را دعوت به تسلیم کردند ولی...
 « افراد ناپلیون می مرد ، اما تسلیم
 نمی شد . »

و آنها هم مردند. و با آنان شکوه
 وعظمت ناپلیون نیز جان سپرد.
 درین نبرد که بنام « جنگ واتر »
 معروف است ناپلیون در آخرین لحظات
 نبرد واترلو ، بصف افراد قدیمی خود
 پیوست و تصمیم گرفت تا در جبهه از
 پای در آید. او چون قهرمانان
 بزرگ تاریخ می جنگید می کشت ،
 نعره می کشید اما آن مردمان دلیر
 که سر بازان ناپلیون بود ، هرگز
 پروای جان خویش را نداشتند ، از
 دلیری های او وحشت زده شدند و
 یکی از آنان با مهربانی توأم با خشونت
 بوی گفت: « برو ، برو مگر نمی بینی

ولینگتن قوماندان بزرگ
 انگلیس در محاربه واترلو ←

که مرگ از تورو گردان است .
 آنگاه یکی از صاحب منصبانش دهانه
 اسب او را گرفت و وی را بکناری
 کشید. مرگ از او رو گردان بود زیرا
 ناپلیون هنوز کارهایی در پیش داشت .
 او برای بار دوم استعفا کرد
 و لوئی ۱۸ مجدداً پتخت شاهی فرانسه
 نشست که ناپلیون بوجود آورده
 بود . لوئی ۱۸ خانواده ناپلیون را
 به تبعید فرستادند .

ژوزف برادر ناپلیون به امریکا
 گریخت . ژوزفین همسر اویش در
 این موقع جان سپرده بود و ماری لوئیز
 هم هیچوقت شوهر خود را دیده
 نتوانست سه هفته پس از نبرد واترلو
 انگلیس ها او را بجزیره « سنت هلن »

فرستادند جزیره ای که در جنوب
 اقیانوس اطلس واقع بود و گاهی
 اوقات کوه های آتش آن می غریبند .
 ناپلیون شش سال آخر زندگی
 خود را به همراهی دوستان وفادارش
 در آن جزیره گذراند . او همواره
 می گفت : « وقتی که من مردم ،
 جهانی در غم مرگ من افسوس خواهد
 خورد . » و واقعاً هم چنین شد .

ناپلیون پس از مرگ ، درس
 بزرگی برای بشریت برجای نهاد .
 او نماینده این واقعیت شد که انسان
 می تواند با پایداری ، اراده و شهامت
 و قدرت تصور به هر جا که می خواهد رسد
 او آخرین بقایای ملوک الطوائفی
 را در اروپا از میان برد . دستگاه

تفتیش آراء و عقاید را در اسپانیا ملغی
 کرد ، او برای تدوین کتاب قانون
 جدید جهان ، همت زیادی بخرج داد
 و برای پیشرفت هنر و علوم و صنایع
 و سبیل مربوط به تعلیم و تربیه ،
 کوشش بسیار کرد .

ولی وقتی بقدرت رسید آنرا با
 غرور و جاه طلبی بی بند و لبرز خویش
 همراه ساخت . و این دو ، درست
 مانند دو اسب سرکش هر یک از
 سوئی رفتند و امپراتوری او را از
 هم گسیختند . شکست او در واترلو
 چنان عظیم بود که از آن پس شکست
 های دیگر او را فراموش کردند و
 جنگ واترلو را پایان داستان ناپلیون
 شناختند .



حمله دشمنان ناپلیون در محاربه واترلو



لمحضات درد ناك ناپليون كه بحال فرار ديده مي شود

ناپليون سه هفته پيش از مرگش وصيت نامه خود را بدین گونه شروع ميکند:

« من درحالی از این دنیا رخت برمیبندم که معتقد به مذهب رومی وحواری هستم. آرزوی من اینست که جسد من در کنار رود سن ودر میان ملت فرانسه همان ملتی که تا آن اندازه محبوب من است بخاک سپرده شود.

من زودتر از موقع مرگ طبیعی خود میمیرم مرابطه اشرف و آدم کش های اجیر این طبقه بقتل رسانده اند بهر صورت من آنها را می بخشم امید

وارم فرانسه - فرانسه ایکه هنوز وجود ندارد. نیز آنها را مانند من خواهد بخشید »

پس از این موضوع افکارش متوجه پسرش میگردد یعنی فرزندیکه تمام امید و آرزویش معطوف اوست و نگران میباشد که پس از مرگش بر سر این کودک چه خواهد آمد به «همسر محبوب» خود توصیه میکند « میدانید که احساسات عطفوت آمیزم نسبت شما تاچه اندازه است از شما تمنی دارم که مواظبت فرزند مان باشید زیرا این طفل را بعنوان یک شاهزاده اطریشی بار میآ ورنه هرگز

نباید اجازه دهید که پسر من آلت مقاصد دول سه گانه ای شود که مردم اروپا را اسیر ظلم و شقاوت خود نموده اند و ظالم ترین آنها جد مادری همین کودک است. »

ناپليون بعد از آنکه بعضی اشیای قیمتی و پول خود را در بین دوستان خود تقسیم میکند تا کبد مینماید. شمشیری که در نبرد استرلیس-ژژونا-ایلو و فریدایند و غیره استفاده کردم، ساعت شما طه دار - یک پتلون آبی رنگ همان که در نبرد مارنگو پوشیده بودم - پس از آنکه پسر من بسن شانزده سالگی رسید بوی تحویل دهید. »

راکت‌های بالستیکی

(بقیه صفحه ۴۲)

حوالی خود را به 183^o سرد میسازد و هم باید در اثنای پرتاب پرکاری آن صورت گیرد به این سبب آماده ساختن این راکت به پرتاب وقت زیاد را در برمی گیرد.

و هم متخصصین امریکا کوشش دارند که مواد سوخت آنرا از اوکسیژن مایع تهیه نکنند تا حالت حرابی آنرا تنزیل ندهد از این سبب بساختن راکت دگری یعنی راکت تیتان ۲ اقدام نموده و راکت‌های تیتان ۲ مواد سوخت یعنی اوکسیدیشن آن N_2O_4 استعمال گردیده است شش؛ . خواص اصلی این راکت همانا مواد سوخت میباشند که در تانکی آن تا یک‌زمان زیاد و طویل‌المدت گذاشته میشود و بزودی به پرتاب آماده می‌گردد.

در معلومات تخنیکی این راکت مشاهده میشود که قوه کشش راکت تیتان ۲ نسبت بر راکت تیتان ۱-۲۲٪ زیاد تر میباشد.



آخرین لحظات زندگی ناپلیون که به تنهایی بحال تبعید حیات بسر می برد

صحیح‌ترین و دقیق‌ترین عدالت‌ارضا کنند ...

فرزند من باید مرد افکار تازه و مترقی باشد و از اصولی پیروی نماید که من در همه جا آنرا گوشزد کرده‌ام. امید اروپا را باقی‌بود محکم و ناگسستی جاودانی کرد اروپا بسوی یک تغییر شکل حتمی پیش می‌رود کوشش در جلو گیری از این پیشروی یک مبارزه بی فایده است بلکه باید در تقویت آن سعی نمود که نتیجه اش نیرومند ساختن آمل و آرزو هاست.

اگر در سال ۱۸۱۲ در روسیه پیروز شده بودم مسئله صلح برای

«فرانسه کشوری است که رهبران احزاب کمتر از هر جای دیگر میتوانند نفوذ داشته باشند» اکثراً باین اشخاص مانند تهداب خانه ایست در روی ریل متحرک. انجام کارهای بزرگ فقط با همکاری توده‌های مردم امکان پذیر است من تمام توده مردم بدون استثناء متکی بودم.

ملت فرانسه همواره اسیر دو احساس است که این دو بسیار نیرومند است یکی عشق بازادی و دیگری بافتخار این دو عشق با اینکه مخالف یکدیگر میباشند هر دو از یک سر چشمه نیرو میگیرند دولت می‌تواند این دو خواهش را فقط با یک‌بار بردن

یکصد سال دیگر حل شده بود ...

خصوصت‌ها یادشمنی‌های شخصی از بین می‌رود منافع توسعه پیدا میکند و تشکیلات بوجود می‌آید راه‌های تجارتهی چند برابر میشود و از این پس ممکن نیست که یک ملت به تنهایی قادر باشد تجارت‌را در انحصار خود نگاهدارد.

فایده آنچه که رسماً به فرزندم میگوئید یا آنچه که خودش می‌آموزد بسیار ناچیز خواهد بود مگر اینکه در اعماق قلبش آن آتش مقدس و آن عشق بخوبی وجود داشته باشد تا بدان وسیله بتواند در کارهای بزرگ توفیق بیابد.

در حال امیدوارم که شایستگی تقدیر خویش را داشته باشد اگر نگذاشتند شما به وین بروید... من سرزمین و مردم فرانسه را دوست داشتم...»

این وصیت نامه بدین گونه قطع می شود قوای ناپلیون رو به تحلیل رفته و کلمات پند دهنده اش مانند الهامات کاهنان مقدس در میان این جمله پایان می پذیرد و حتی این یک جمله هم ناقص می ماند.

بالاخره مرگ ناپلیون لحظه به لحظه نزدیکتر می شود. در حقیقت این چشمه پر جوش و سرشار پس از فوران حیرت بخشی خشک میشود رؤیا های دلپذیری در مقابل چشمش مجسم می شود گویا اراده تقدیر آنست که این مرد همواره از لذاتهای تصور و تخیل برخوردار گردد روز بعد پس از آنکه وصیت نامه خود را تکمیل میکند بدوستان خود که در اطرافش جمع شده است میگوید: «پس از مرگ من هر یک از شما به بازگشت به اروپا تسلی خواهید یافت یکی از دیدار خویشان و دیگری از ملاقات با دوستان و من هم بدیدار دلیران میدان نبرد های خود خواهم رفت و در آنجا بر علاوه سر بازان خود با «هائیتال، سزار و فرد ریک» راجع به نبرد هایمان صحبت خواهیم کرد چقدر مسرت آمیز خواهد بود...»

در آن لحظه چهره ناپلیون فوق العاده تغییر خورده بود ریشش را تراشیده بود و خیلی هم لاغر شده بود بهر طرف مینگریست اما چهره

ماری لوئیز (همسرش) را نمیدید زیرا ماری لوئیز را از حد زیاد دوست داشت لحظه بعد کشیش می آید. این دقیق در حقیقت آخرین مرحله زندگیست. لیکن خیلی وحشتناک است سحر گاهان که در حال بیهوشی

حرب در طول تاریخ

(بقیه صفحه ۴۰)

هزار نفر باشد جهت مقاصد تکتیکی آنها را به شکل صف یا قطار رفتار و یا شکل مربع استعمال نمود اگر چه هیچ یک از اشکال فوق برای تمام مقاصد رضایت بخش نیست زیرا نظام صف فاقد عمق و سیالیت و نظام رفتار به نسبت نداشتن جبهه کلان و جناح های باز و نظام مربع به سبب اینکه امنیت چارپیرا تأمین مینمود و امکان تعرض را بحسن صورت نداشت احتمال ظفر کم تر می رفت.

به این صورت تقریباً تماماً قبایل جنگجو شکل فلنکس *Plaloux* (در تاریخ یونان قشون مخصوص مقدونیهها که مرکب از چندین صف پیاده نظام که نیزه های هر صف از نیزه های صف جلو بلندتر بود عبارت است) را در محاربات اختیار مینمودند تا نواقصی که در سه شکل فوق تذکر بعمل آمد تا اندازه مرفوع شده بتواند عرض و عمق این شکل به اندازه بود که یکنفر پیشرو و عقب خود را تشخیص کرده میتوانست. و این شکل در استحکام و بلند ساختن مورال افراد رول مهم داشت.

(بقیه در شماره آینده)

است باز هم سخن میگوید یکی از دوستانش میشوند: فرانسه - اردو خاطره اردو همسرش. این آخرین کلمات نا پلیون است و نام همسرش آخرین کلمه ایست که بزبان می آورد یک لحظه بعد با نیروی حیرت آواز تخت خواب بیرون می پرد به دوستش «مونتولن» که در آنجا نشسته است حمله میکند بر او غالب می شود هر دو بروی زمین در میغلطند و مونتولن را چنان با قوت در چنگال میگیرد که حتی قادر بقریاد کشیدن و استمداد نیست.

ارشیو که در اطاق مجاور است از شنیدن سر و صدا داخل شده و مونتولن را نجات میدهد کسی ندانست که امپراطور در این نبرد آخر کدام یک از دشمنان را میخواست خفه کند بقیه روز را خوابیده و به آرامی نفس میکشید و با اشاره آب میخواست دیگر راه گلو بسته شده و آب فرو نمیروید. باران بشدت میبارد و ابر غلیظی اطراف اطاق را فرا گرفته دوستانش بر کنار بستر مرگش نشسته اند ساعت پنج صبح وزش باد موسمی جنوب شرقی دوبرابر می شود در این لحظه مردیکه در بستر خوابیده دچار لرز طولانی شدیدی است اثری از درد در چهره اش مشهود نیست چشمانش فراخ شده و به نقطه نامعلومی خیره شده است خرخر مرگ در گلویش پیچیده است هم آهنگ با فرورفتن آهسته آفتاب در دریا قلب بزرگترین قهرمان عسکری از کار باز می ماند. «ختم»

تشخیص و معالجه در قبال مشکلات

نورن دکتور خلیل الله (آفتاش)

خارش جلد (Pruritis)
اکزما (Eczema)
التهاب مفاصل (Arthritis)
مرض شکر (قند) (Diabetis)
و غیره بارهاچه از لحاظ سریری (Clinic) وچه از لحاظ
تجربی به ثبوت رسیده است .
علاوتاً به تجربه ثابت شده است که پی بردن به نگرانی‌ها
و مشکلات مریض و برطرف کردن آنها با خصوص در مریضاتی
که مبتلا به امراض مزمن هستند تا کدام اندازه تاثیر
دوار تقویت ومدت معالجه را کوتاه می نماید .

اسرو جسم و روح را دو فکتور مجزا از یکدیگر نمی توان
دانست . شخصیت انسان (Personality) شالوده از
عواطف و احساسات و شعور و حرکات و عکس العمل‌هاست ،
عمل و عکس العمل انسان نتیجه فعالیت همه این عوامل است
اشترک مساعی در بین نیروهای مختلف انسانی بطور هم‌آهنگ
همیشه وجود دارد و در صورت بروز ناراحتی و کسالت نه تنها
عضو مخصوصی مریض است بلکه تمامی شخصیت او مریض
میباشد شخصی را در نظر بگیریم که مبتلا به سینه و بغل
(Pneumonia) است این مریض از وجاع جنب (خله)
عسرت تنفس ، تب ، سرفه و خستگی شکایت دارد ، تشخیص
و معالجه و دوام مریضی قریباً معلوم و مشخص است ولی اگر
علاوه بر علائم و اعراض ظاهری این مریض به تمامی شخصیت
او توجه کنیم علائم دیگری نیز پیدا خواهیم کرد که نشانه
عکس العمل مریض نسبت به مریضی خود میباشد که بادر
نظر گرفتن آنها در اظهار نظر خود نسبت به روش معالجه
وی دقیق تر خواهیم شد .

بطور مثال این مریض به علت استراحت اجباری که از
طرف دکتور معالجه توصیه شده است از مسئولیت‌های
اجتماعی و پیشه وی خود بازمانده است ، احیاناً آشوش و نگران
است که ضرر مالی و اقتصادی متوجه او شود .

ملاقات مبهمی را از دست داده است و فرصت مناسب
استفاده از بین رفته است ، در نتیجه این کسالت و استراحت
ممکن است نظمه‌ئی به مقام وی وارد شود و موقعیتی را از
دست بدهد یا اجیر و روزمزد است و پس اندازی ندارد
زندگی خود و خانواده اش دچار اشکال شده است . نگران

از نظر فکتورهای بیولوژیکی اجتماعی ، روحی ، اقتصادی و محیطی
Bio - Socio - Psycho - Economic -
Environmental - Factors

پسیکیاتری (Psychiatry) هر چند ارزشته های جدید
طب محسوب می شود و بیشتر از نیم قرن نیست که توجه
اطباء و علما را بخود جلب نموده است ولی در خور اهمیت
آن بجای رسیده است که برای تشخیص و معالجه بیشتر اکثر
امراض داشتن اطلاعات و معلومات طب روانی واجب
و لازم به نظر می رسد .

امروز همه میدانند که روحیه و شخصیت مریض ،
شرایط اجتماعی و فامیلی او ، انتقاراتی که مریض از
اطرافیان خود و از دو کتور آن دارد و حتی سود معنوی یا مادی
که از کسالت و ناراحتی خویش در ذهن می پروراند و هم
چنین روحیه و طرز تفکر و استدلال و اطلاعات عمومی
اطرافیان تا چه حد در تغییر شکل علائم و اعراض و معالجه
امراض موثر است .

هیجانانامی (Emotions) که در ضمن مریضی بوجود
می آید تغییرات و تحولات عمده ئی در اعراض (Symptoms)
مریضی ایجاد می کند هیجان ممکن است درجه حرارت مریض
را بلند ببرد فورمول خون (White blood ceus counts
و اندازه مواد خلطی و کیمیاوی خون (materials -
Humoral) و هم چنین مقدار هورمون‌ها را تغییر دهد
(Hormones) هورمون به معنی من تنبیه می کنم
میباشد) هیجانانامی ممکن است تغییرات نسجی را ایجاد نمایند
و این تغییرات در حال ادامه یافتن و مزمن شدن ممکن است
تبدیل به ضایعات عضوی (Organic) غیر قابل ترمیم بشوند .
ارتباط تحریکات عصبی (Hyperexcitability)
و هیجانانامی بنا اکثر امراض از قبیل قرچه معده -

(Ulcer of the stomach)

التهاب تقرحی کولون (Ulceratf Colitis)

اسهال های مزمن (Chronic Diarrhea)

التهاب انف (Rhinitis)

ضیق تنفس (Bronchial Asthma)

قرط تضیق شریانی (Hypertension)

صلابت در شراین (Arteriosclerosis)

شفافخانه ماهی ها



در ساحل اقبانوس آرام به قسمت خلیج کوچک «جاپان» از سال ۱۹۶۵ به این طرف يك تعداد شفاخانه ها برای تداوی ماهی های بخری تأسیس گردیده است، در ظرف های مخصوص و شفاخانه ها در حدود چهار هزار ماهی های بخری گذاشته شده است (که از ۲۵۰ تا ۳۰۰ شکل ماهی ها میباشد).

دانشمندان و دکاتور انیکه وظیفه تداوی ماهی ها را بدوش داشته و مصرف فعالیت میباشد از جمله کسانی هستند که تجارب کافی دارند. اجرای این گونه امورات اهمیت زیاد علمی و عملی دارد. وظیفه پرسونل شفاخانه بطوری تعیین گردیده که وسایل تداوی و طرق جلوگیری از انتشار امراض زنده جان های بخری تکثیر تعداد ماهی ها و توسعه بهره برداری منابع دریائی جستجو گردد.

در عین زمان امکانات عادت دادن ماهی ها به اقامت جدید در بین آب شیرین مورد آزمایش قرار گرفته است. در جریان آزمایشات چنین به نظر رسیده که بعضی ماهی ها شرایط جدید موجودیت و زندگی را بخوبی تحمل کرده میتوانند، حتی قابلیت ادامه دادن حیات را بطور کامل در میان آب شیرین دارد. در عکس فوق شما يك عمارت قشنگ یعنی شفاخانه ماهی را که در جاپان موجود است مشاهده می فرمائید. و يك نوع ماهی دریائی نیز است که تحت تداوی قرار میدهند، و قابلیت مخصوصی برای ماهی میدهند. و يك نوع ماهی دیگری هم است که مواد پئسیدین به آن تزریق میشود. ادویه پئسیدین که به ماهی پیچکاری میشود آنرا از مرض چشم نجات داده میتواند.

علت اینگونه اشتباهات شباهت ظاهری اعراض و علائم این امراض و توجه نداشتن به اعراض و علائم هیجانی مرض است. شکی نیست که چنین تشخیص ها گذشته از آنکه کمکی به بهبود وضع مریض نمی کند بر اضطراب او می افزاید و در نتیجه سبب تشدید علائم مرض می شود.

است که کسالت او باطرافیاننش سرایت کند نمی خواهد به علت کسالت خود مزاحمت دیگران را فراهم آورد، اقارب او متوجه حال او هستند، کارها و وظائف او بر عهده دیگران می ماند و به همین ترتیب هر کس نظر به موقعیت شخصی و شرایط زندگی خود کم و بیش آرامش روحی خود و اطرافیان خود را مختل می سازد.

واضح است که مریضی هرچه شدیدتر و طولانی تر باشد این نارامش روحی زیاد تر شده علائم هیجانی و روحی بر تاراحتی اصلی بیشتر اضافه می شود و شدت این اعراض گاهی ممکن است بدرجه ای برسد که ناراحتی اصلی را تحت الشعاع خود قرار داده مریضی جسمی بصورت اختلال روحی تظاهر نماید در اکثر موارد طبیب آنرا بیک آفت روحی التباس نماید عکس حالات ذکر شده نیز بسیار دیده می شود یعنی مریضانی هستند که شکایات عضوی دارند (*Organic Troubles*) در حالیکه در اصل مبتلا به مریضی روحی یا عصبی هستند.

يك تعداد مریضانی اند که از سبب سردرد، تلخی دهان، بی اشتهائی، عسرت بلع، سرچرخشی *Disphagia and vertigo Palpitation and Precordial pair* تپش قلب و درد ناحیه قلب

تنگی نفس *Dyspnea* خواب رفتن دست و پا و گرفتگی صدا و غیره شکایات مراجعه می کنند اکثر این نوع شکایات رابه ناراحتی ها و کسالت های عطف می کنند که خود آنها جز علائم مریضی اصلی که عصبی روحی است (*Neuro - Psychique*) میباشد. مثلاً اسباب سرچرخشی (*Vertigo*) که از سبب آفت عضوی، عصبی یا داخلی نمی باشد از دیاد فشار خون یا تفریط آن مشخص می شود و یا همین ناراحتی باضعف عمومی (*General Fatigue*)

نقصانیت های تغذی و سوء تغذی (*Malnutrition*) عطف می شود. در صورتیکه بالارفتن یا پائین افتادن تضییق شریانی و همچنان احساس ضعف و بی اشتهائی (*Anorexia*) و اختلالات و تشوشات هضمی ممکن است خود علامت همان مریضی باشد که ایجاد سرچرخشی (*Vertigo*) کرده است واضح و هویدا است که با چنین تشخیص ناراحتی اصلی (*Basal Discomfort*) از نظر پنهان مانده و معالجه بی حاصل است، همچنین دیده شده که این نوع شکایات به امراض از قبیل نارامشی کبد (جگر) روماتیسم، کم خونی و کرم معانستت داده می شود و یا اسباب آنرا اپاندیسیت مزمن (*Chronic Appendicitis*) التهاب جیب مزمن (*Chronic Sinusitis*) التهاب لوزه قیچی (*Pyogenous Tonsillitis*) تشخیص داده مبادرت به عمل جراحی می شود در صورتیکه دقت به اعراض تظاهر نموده امراض بشود از مریضان معاینات دقیق آزمایش - های لابراتواری بعمل آید این تشخیص ها رد می شوند.

گاهی هم به این چنین مریضان گفته میشود که هیچ نوع ناراحتی ندارند همه‌اچیزه سالم است و یا به ایشان گفته می‌شود که «اعصاب تان ضعیف است» طوریکه فعلاً این سخن و کلام بین مریض و دو کتور خیلی مروج و معمول است فلهمذا ویتامین های گروه B را اکثراً بمخواستن مریض تجویز میکنند یا اعصاب شان مریض است، ناراحتی از اعصاب قلب شان یا اعصاب معده است به ایشان توصیه میشود که عصبانی نشوند (Nervousness) استراحت نمایند و تبدیل محل و مسافرت نمایند به تفریح گاهها بروند اعصاب شان را با ویتامین های مختلف و رژیم غذایی مخصوص وادویه مقوی تقویت نمایند .

چنین نصایح قناعت مریض را فراهم نمیکند و وقتی به مریض که احساس ناراحتی میکند گفته میشود که چیزی موجب تشویش نیست شما کاملاً صحت نورمال دارید، مریض که نزد خود علت و اسباب ناراحتی های خود را جستجو میکند نتیجه میگیرد که طبیب معالج ناراحتی او را تشخیص نداده است و ناچار مریض مرتباً طبیب خود را عوض میکند و از هرطبیبی اظهار نظر های مختلف میشود و در نتیجه اعتماد واطمینان او از طب و طبابت صلب میشود فکر ناراحتی های مختلف و صعب‌العلاج را در ذهن خود می‌پروراند فکر میکند که مبتلا به سرطان شده است، به (B.T) تبر کلوز مصاب شده مریضی نو گریبان گیر او شده است، بدین ترتیب این مریض محکوم میشود که پیوسته در اضطراب و ناراحتی بسر برد و همیشه از ناراحتی های خود بنالد .

ولی وقتی به مریض گفته میشود که تمام ناراحتی های او از اعصاب وی منشأ می‌گیرد، باز تعاونی به مریض نشده است .

از نظر اکثر اطبا و مریضان تقویت اعصاب در مقابل ضعف اعصاب قرار گرفته است و برای تقویت اعصاب حتی بیشتر مریضان یاد گرفته اند که باید کلسیم و ویتامین B تجویز شود، در صورتیکه تشخیص ضعف اعصاب در واقع ارتباطی با معنی لغوی «ضعف» ندارد و کلسیم و ویتامین B نیز اعصاب ضعیف را قوی نخواهد نمود . علل اصلی چنین ناراحتی ها اکثراً اضطراب و هیجان و افسردگی است که رابطه نامی با شخصیت و عوامل خارجی و اجتماعی و فامیل مریض دارد و تا توجه مریض با این علل اصلی جلب نشود و آن علل و فکتورها به طریقی بر طرف یا اصلاح نگردد و اضطراب و افسردگی وی معالجه نشود شکایات مریض باقی خواهد بود. احصائیه بیمه ملی و قایده وی انگلستان قبل از جنگ اخیر نشان داده است که مناصف پانزده ملیون افراد بیمه شده در سال برای معالجات مختلف مراجعه میکنند که ۳۰٪ آنها به علت تشویشات و اختلالات روحی است اطبای عمومی ایالات متحده امریکا تخمین نموده اند که از ۳۰ الی ۶۰٪ مراجعین مبتلا به ناراحتی های مختلف روحی هستند و از هر

پنج نفر جمعیت یک نفر در طول سال یکبار برای یک شکایت روحی به طبیب مراجعه میکند. واضح است چنانکه دو کتور معالج اطلاعات و معلومات پسیکیاتری داشته باشد بطرز موثری میتواند چنین مریضان را معالجه نماید .

پسیکیاتری (Psychiatry) اصطلاح فرانسوی است که از دو کلمه یونانی «فکر» و «معالجه طبی» مشتق شده است هدف پسیکیاتری مطلقاً معالجه امراض روحی است و به همین جهت یکی از ریشه های طب محسوب می‌شود و نایستی آنرا از روان شناسی یا پسیکولوژی Psychology که جنبه معالجه‌وی ندارد مجزاد انست .

هدف روان شناسی مطالعه و تحقیق در فکر است و چون هیچ عمل انسانی بدون دخالت فکر انجام نمی‌گیرد بنابراین دامنه مطالعات روان شناسی بسیار وسیع میباشد .

در روان شناسی (Psychology) تمام فعالیت های ذهنی از قبیل درک و حافظه و قرا آموختن و هم چنین کیفیت و ماهیت هوش و شخصیت و طرز رفتار و کردار افراد و طبقات مورد مطالعه و تحقیق قرار می‌گیرد بطور خلاصه برای تعریف پسیکیاتری میتوان گفت :-

پسیکیاتری (Psychiatry) آن رشته از طب است که هدف اصلی آن مطالعه و وقایه و پیش گیری و معالجه امراض روحی است قسمت وقایه وی آنرا معمولاً وقایه امراض روحی .

Prevention of Psychological Disorders

مینامند .

مریضی روحی مریضی است که از نظر خود مریض در احساس خوش بختی و راحت اختلال کلی و اساسی حس می‌کنند و از نظر دیگران مریضی روحی معادل با بلا اثر شدن شخص در فعالیت های مثبت اجتماعی و یا از دست دادن استعداد و برقرار کردن روابط رضایت بخش اجتماعی میباشد. به این صورت میدان بخت سربری و کلینیکی در پسیکیاتری فوق العاده توسعه یافته و حدود آن بدرجه‌ئی است که در شفاخانه جهت معالجه نیازمند بستری شدن میباشد شروع شده و به مواردی ختم می‌شوند که هر چند اختلالات Confusions آنها ضعیف است ولی با وجود آن میتواند دلیل محکمی برای بدبختی و بی کفایتی و بی لیاقتی آنها در اجتماع بشوند مانند اشخاصی که با محیط توافق و مطابقت نموده‌اند نتوانسته مصاب Maladaptation syndrom میباشند یا اشخاصی که از لحاظ اجتماعی مزاحم بوده و وجود ایشان یک مساله مشکل زندگی اجتماع است و هم چنین معتادین (Addictionest) به مواد مخدره و مسکرات و فواحش. در حقیقت و واقع بسیاری از این مباحث بیشتر یک مساله اجتماعی را تشکیل میدهد تا یک مساله طبی . ولی همه شان محتاج معالجه طبی و تعاون و تساند طبی را ایجاب می‌کنند آیا تا کدام اندازه این مسایل در کشوری یا محلی از لحاظ

پسیکیاتری بررسی و کمک می شود مربوط به ترقی طب روانی و روحی در آن مملکت میباشد .

تعین وسعت طب روانی بحثی عملی است نه نظری ، به این معنی که هر قدر طب روانی انکشاف و ترقی نماید طبیب روحی و روانی مجهز تر و مطلع تر باشد با مسایل اجتماعی بیشتری میتواند روبرو شود ، و هم ایجاد نشود طبیب روحی فکر توسعه حدود عملیات خود را ندارد ولی از آنجائیکه بعضی از مسایل و پرابلم های اجتماعی مانند جنحه و جنایت و اعتیادات با اختلالات شخصیتی و امراض روحی از تباط پیدا می کنند و یا اکثراً قحشاً در نتیجه سازش و تطابق مرضی با محیط و محدودیت های فکری پیش می آید برای تشخیص تکلیف و اظهار نظر در طرز اصلاح و معالجه ایشان از طبیب روانی کمک و مصلحت و مشورت خواسته می شود و درین مورد است که طبیب روانی مجبور است تا موقعیکه مرجع صلاحیت دار دیگر وجود ندارد آنچه قدرت دارد برای بهبود بخشیدن به وضع اجتماعی و فردی بکوشد .

با اینکه حدود طب روانی و روحی بسیار وسیع است معمداً گاهی زیاد بودن تعداد مریضان روحی تعجب آور است مثلاً در انگلستان % ۴۳ تمام بستره های موجود به مریضان روحی اختصاص دارد علاوه بر یک تعداد زیاد مریضان بطور سر پا تحت معالجه قرار می گیرند و یا اصولاً به طبیب مراجعه نمیکنند کذا در طی زمان جنگ جهانی دوم (Second world war) % ۲۵ معلولین معاف از خدمت زیر پرچم را در انگلستان مریضان روحی تشکیل میدادند . « فکتور عمده ناچوری را درین وقت ترس از جنگ ، جدا شدن از اعضای فامیل و خانواده و احساس مواجه شدن به مرگ و جلای وطن (Nostalgia) دانسته اند .» بطور خلاصه رفتار غیر طبیعی را میتوان در اشخاص طبیعی نیز مشاهده کرد و مریض روحی را وقتی مریض یا غیر طبیعی میتوان دانست که بدلیل روحی نتواند خود را با شرایط اجتماعی که در آن زندگی می کند سازش دهد و این عدم توانائی در سازش با محیط بصورت غیر موثر و بی نتیجه بودن کار و فعالیت هایش و یا عدم تامین روابط رضایت بخش یا افراد دیگر تظاهر می کند .

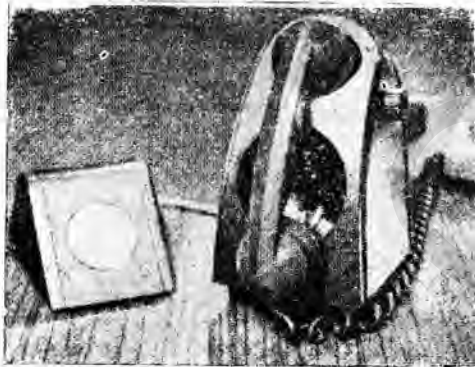
این نکته را خاطر نشان نمود که هر گاه شرایط محیط و اجتماع سخت تر گردد و فشارهای بیش از قدرت شخص و برخلاف معتقدات و استعداد او وارد آید عدم توانائی و نارسائی در مطابقت و سازش با محیط خوبتر آشکارا می گردد مثلاً در زمان جنگ که کار و مسئولیت بیش از قدرت افراد از آنها خواسته می شود و اشخاص ناتوان مطرود می شوند و یا به ناتوانی شان توجهی نمی شود تعداد . نیوروتیک ها (Neurotic Patients) نسبتاً زیادتر می شود .

ولی شرایط دشوار اجتماعی منحصر بزمان جنگ نیست در زمان صلح نیز مسائل و مشکلاتی برای مردم پیش آمد میکند مثلاً احتیاجات و شرایط زندگی مجدد و مدنی (Civilization) اکثراً بر قیود زندگی افزوده امکان رفتار ساده و طبعی را از اشخاص سلب کرده سبب بروز نارضایتی ها و دل سردی های شود و لذا ایشان را بطرف سازش غیر طبعی و منافی اخلاق و مرض سوق میدهد .

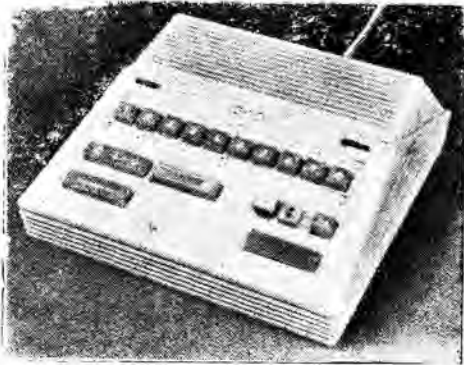
هر چه شرایط اجتماعی پیچیده تر میشود بر تعداد مریضان روحی باالخاصه نیوروتیک ها (Neurotics) افزوده شده می رود « نیوروتیک ها اشخاصی اند که ظاهراً به فعالیت و مساعی روزانه خود دوام میدهند اما در برابر یک عقده یا (Complex) در حال مجادله بسر برده و روحاً محاصره میباشند و هر چه میکوشند از این عقده خود را کشیده نمیتوانند و یک مجادله باطنی نزد شان موجود است »

پسیکو تراپی (Psychotherapy) طب عمومی :
 تداوی روحی : تشخیص رشد و شخصیت در تداوی
 روحی اهمیت فراوان دارد و لازم است که شاگردان طب

امینیر تیلقری ن پیا شنید!



عکس دستگاه مخابراتی « گلوب مستر » ساخت انگلستان



دستگاه مخابراتی « دیر لواکس » مربوط به کمپنی « ایریکسون »

این جمله در یک سمت جاده کمپنی « فونادک انترنشنل لمتد » مربوط انگلستان نوشته شده است . این کمپنی دستگاه های مقبول نوع « گلوب مستر » را تولید میکند (در عکس بالا)

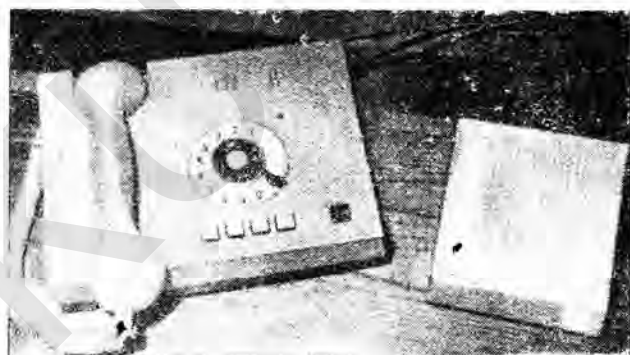
طیبیب مفید است بر اساس « رابطه طیبیب و مریض » قرار دارد .

رابطه طیبیب و مریض :- طیبیب امروز که عادت کرده است بر اساس قواعد انا تو میکس (Anatomique) و سریری (Clinic) که راز تشخیص برای اطبا است طبابت می کند دچار یک خالیگاه شده است و آن اینست که طیبیب به عضو (Organ) توجه کرده و درصدد معالجه اختلالات عضو اقدام میکند و انسانی را که دارای عضو معیوب است فراموش کرده است امروز باید طیبیب این وضع را عوض کرده قبل از همه مریض را یک انسان تصور کند یعنی یک واحد عالی موجود زنده با تمام خصوصیات جسمی و روحی و اجتماعی و فامیلی ، طیبیب باید به آن چیزی که مریض از تووقع دارد توجه داشته باشد .

میدانم که امروز در اغلب مواقع طیبیب قادر است امراض حاد را معالجه نماید ، پیشرفت و انکشاف روش های معالجه وی تکلیف اغلب حالات حاد امراض را روشن کرده روز بروز تعداد آنها را محدود می نماید در نتیجه طیبیب این عصر در برابر امراض مزمن قرار گرفته است اینجاست که باید کردانی خود را نشان دهد باید به امید و انتظاری که مریض از او دارد توجه مخصوص داشته باشد وظیفه طیبیب است که حالات روحی مریض را که زاده احساس نمودن مریضی غیر قابل علاج یا صعب العلاج میباشد درک نماید و از استعمال افراط و بی مورد دواهای نوظهور که بزودی تولید عادت می کند خود داری کند « شاید اغلب همکاران طب به مریضانی برخورد کرده باشند که برای حالات اضطراب و زجرت (Anxiety) و هیجان و یا اختلال نظم دستگاه نیوا و وژتاتیف (Neurovegetatif) انواع دواهای مسکن و آرام کننده را در مدت کوتاه و بطور نامنظم استعمال کرده اند این طرز تجویز دوا علاوه بر اینکه نتیجه مساعد برای مریض ندارد خود طیبیب را در برابر مریض خلع سلاح میکند بر طیبیب است که موقعیت های ناجور مریض را که زاده مریضی اوست کشف و درک نماید .

این موقعیت های ناجور شامل اشکالاتی است که مریضی مزمن در اجتماع و فامیل و شغل ایجاد می کند . هم چنین اثرات نامطلوب و ناگواری را که طیبیب بر مریض می گذارد نیز بحساب آورد یعنی علاوه بر اینکه طیبیب دردی از مریض را دوانمیکند و وقتی هم با طیبیب بدوش مریض گذاشته میشود از اینجا است که اهمیت رابطه طیبیب و مریض و اثرات روحی متقابل بین این دو روشن میشود .

و اطبا از آن اطلاع داشته باشند ولی در آموزش پسیکو تراپی (تداوی روحی) ضرورت ندارد که شاگرد طب و طیبیب عمومی روش های اختصاصی پسیکو تراپی فردی و دسته جمعی را بیاموزند هیچکس چنین انتظاری را از طیبیب عمومی ندارد ولی لازم است بعضی از روش های معالجه روحی را که در پرکتس روزانه طبابت او مفید است فرا گیرد . این روش های پسیکو تراپی شامل فهم و درک حالات و خصوصیات از مریض است که ترجمانی و بیان کننده عقده های درونی و پنهان شده است بطریقی که طیبیب بتواند معانی این حالات را درک کرده مسیر استجواب و سوالات را تعیین کند و از اشتباهات تشخیصی که ناشی از سوال و جواب کوتاه و بررسی سطحی علائیم است حتی المقدور اجتناب کند پسیکو تراپی که در طب عمومی بکار می رود و برای



رادیو تلیفون بسیط

★ دستگاه مذکور را مشاهده کرده می توانید ، هدف این گونه دستگاه عبارت از آزاد ساختن دست انسان در موقع مخا بره میباشد که بدون برداشتن گوشک بتواند جواب دهد با استفاده از چنین آلات انسان بدون موانع میتواند مطالب مختصر قابل توجه را که در حین گفتگو از نفر هم صحبت می شنود به کتاب یاد داشت نوشته کند ، یا این که اسناد و معلومات ضروری را در موقع صحبت تلیفونی جستجو کرده بدون تکلیف ارتباط دوباره قور آبه کار خود جواب دهد . دستگاه « گلوب مستر » بحيث دستگاه عمودی شکل بابر آمدگی قسمت فوقانی ساخته شده که گوشک در قسمت بالای آن نیز آویزان شده میتواند در صورت استفاده از این دستگاه صدای انسان در طرف مقابل توسط میکروفونی که در قسمت فوقانی کاور قرار دارد اخذ گردیده با عبور کردن خود از طریق آله تقویه کننده ترانزیستوری به لود اسپیکر داخل میشود . صاحب این « گلوب مستر » در حالیکه گوشک را بدست خود نگیرد هم میتواند به نفر جانب مقابل جواب بدهد . یعنی انعکاس صدای آن به نسبت آله منعکس کننده مقرر که در قسمت پیشروی « گلوب مستر » قرار دارد بطرف میکروفون داخل میشود .

مطالعات اجمالی در پیرامون

ژئوپولیتیک

GEO POLITIC

در شماره گذشته زیر عنوان (مطالعات اجمالی در پیرامون ژئوپولیتیک یک قسمت از تاریخ آن را توضیح دادیم درین شماره قسمت دوم آن که سیر عمومی ژئوپولیتیک را نشان میدهد بمطالعه خوانندگان محترم میرسد امید است مورد توجه علاقمندان قرار گیرد .
(عاطفی)

علاقه شدید بامور نظامی در آلمان چیز تازه ای نبود. ایالات آلمان خاوری حیات خود را بمنزله دیوارهایی در مقابل گروههای غیر آلمان که در قلب آسیا و اروپا بظرف غرب فشار می آوردند شروع کرد. ایالات مزبور بحیات خود مانند طلایه استقرار و پیشروی آلمان بسوی شرق ادامه دادند. مسئله پیشرفت بسوی خاور را تاریخ نویسان آلمانی گرمی دانسته و شهره ساخته اند. سر انجام قرنهای مادگی هوشیارانه نظامی یک دولت میلتمار پستی ابتدا یک سنت نظامی

غربی معادنی کشف شد که بعد امپراطوری آلمان رهبری صنعتی خود را در آنجا بنا نهاد همچنین فقط در قسمت شمال باختری سواحل مناسبی وجود داشت که تجارت دریائی را تشویق می نمود. راه این تحولات فنی، بر اثر عقاید انقلابی که در سراسر آلمان غربی، در نتیجه فتح ناپلئون پیدا شده بود هموار گردید.

از طرف دیگر «پروس» در برابر عقاید انقلابی شدیداً مقاومت نمود و آنها را تبلیغات خصمانه میدانست. این نکته بسیار مهم است پروس که از نظر ساختمان اجتماعی و طرز فکر بعد افرات ارتجاعی بود، توانست بعد از سقوط ناپلئون مدت نیم قرن خود را حاکم بر آلمان نماید بدین طریق حکومت میلتمار ریست پروس که تحت کنترل ملاکین قیودال بود. وارث مناطقی گردید که در جریان سریع صنعتی شدن مهبهای تغییر نظریات اجتماعی ناشی از آن مینمود مبارزاتی که ناشی از این وضع بود

با خاک محدود است. زیرا دریای (بالتیک) یک دریای داخلی است و در دوران جدید ما به تقویت و پیدایش یک جهان بینی دریائی نشده است از اینرو ایالات آلمانی خاوری فقط بطور غیر مستقیم پیدایش تجارت در اقیانوسها را احساس کردند. در خاک این ایالات کودکی میائی بکار نرفت و تقسیم املاک بزرگ را که از قرون وسطی وارث رسیده بود هرگز نه تشویق کردند و نه عملی ساختند زراعت وسیع اساس حیات اقتصادی باقی ماند و قالبهای سیاسی و اشخاص بدون تغییر به حیات خود ادامه دادند و ایده آلهای قرون وسطائی جامعه همچنان بر افکار عمومی حاکم بودند.

در آلمان غربی بر عکس، در قرن ۱۹ استفاده موثر از علوم در تولید صنایع و حمل و نقل زراعتی دامنه گیر شد. در آنجا خاک بر اثر افزایش مواد صمغی بطریق عملی قابل اصلاح است در قسمت شمال

در افکار مردم (پروس) و سپس در سراسر امپراطوری آلمان بوجود آورد جهان بینی محافظه کارانه سیاسی و علاقه بسلطنت در جوامع زراعتی با یکدیگر پیوند دارند و نکات مزبور خصوصیت حیات تمام اروپا در عصر تکوین قرون وسطائی بود که خاک تنها منبع زندگی مردم محسوب میشد و مردم بلد بودند از آن بدرجات گوناگون بهره برداری نمایند. انقلاب تجارتي و صنعتی و زراعتی که بنای اقتصادی و سیاسی اروپای غربی را مدر نیزه کرد، سر زمین های «باویر» و «پروس» را در آنطرف رودخانه الب تقریباً دست نخورده باقی گذاشت.

این ایالات، جز گوشه انتهائی سیلزی، که از آن نیز بسیار دیر بهره برداری شد تا بتواند بر فکر سیاسی اثر بگذارد، فاقد مواد معدنی بودند و مواد معدنی مایه منابع وسیع معدنی و تولید است. «پروس» نسبت به «باویر» کمتر

سبب پیدایش مصالحه ای شد. در غرب المان تعرفه‌های گمرکی برای حمایت تولیدات صنعتی مقرر گردید و دولت تجارت ماو راه بحارو یک بحریه بزرگ را تقویت نمود. شرق در عوض ازین عوامل بر خور دار گردید.

حمایت زراعت یک ار دوی نیرومند و ادامه وجود هیئت حاکمه اش مرکب از عده زیادی از ملاکین بزرگ، ملاکین بزرگ عامل تعیین کننده در حکومت جدید ملی بودند.

المان بین سال ۱۸۷۱ یعنی سال وحدت آن کشور و آغاز جنگ اول جهانی دو مرحله را گذرانیده یکی از مراحل عبارت از ۲۰ سالی بود که وقف تحکیم و تنظیم سازمان های سیاسی و اقتصادی دوره قبل گردید پس از آن ۲۵ سالی رسید که در آن روحیه تهاجمی روز افزون بصورت خواسته های بسط زمین خاور و بزرگ شدن در محیط اقیانوس اطلس وسایر نقاط جهان، بوسیله قوای دریائی و مستعمرات ظاهر گشت. این جاه طلبیهارا «اتحادیه پان ژرمن» «جامعه نیروی دریائی» و امپراطوری شوشکه کش المان با صدای بلند اعلام میکردند. این هیاهو ها شاید چیزی جز گردابهای روی دریانبود. لیکن گروه ابهای مهم و با معنائی بنظر میرسیدند. زیرا جریان نامرئی و نیرومند حیات المان را که سرانجام بنای سیاسی جامعه غربی را فروریخت فاش میساخت.

آشکار ترین این جریانات ارتقاء المان بدرجه یک قدرت بزرگ جهانی و سپس برهم زدن «تعادل قوا» میان کشور های اروپائی بود اما جریان دیگری که کمتر مشهود بود ولی بهمان اندازه برای آینده اروپا اهمیت داشت سازش میان شرق و غرب المان در مبنای اجتماعی و اقتصادی جامعه

وعادات و نظریه آنها نسبت بز ندگی بود. جریان دیگری که تقریباً هویدا نبود عادت به طرز فکر نظامی در سراسر المان بود این سه نیروی عمده در زندگی المان پس از جنگ اول جهانی دوباره جلوه گر شد.

اندک مدتی المان قادر نبود نقشه جدید اروپا را که تازه ترسیم شده بود عملی کند. اما علایق شدید المانیها برای تمبیه طرح تجدید نظر ارضی، برای استفاده آینده هرگز قطع نشد. موقیت سیاست خارجی

علم نعمت بزرگی است
که در زندگانی تاج افتخار
و پس از مرگ یادگاری
در خشان خواهد بود.

خشم را همچون شربت
گوارا بنوش که من در مدت
عمر شربت بی بدین شیرینی از گلو
فرو نبرده ام.

با دنیا مدارا کن و حوادث
روزگار را بخون سردی و
سنگینی بپذیر، تا بر مراد
خویش پیروز شوی.

هیتلر را که به آن وضاحت در کتاب (نبرد من) توضیح داده شده میتوان بطور عمده در سایه مقاصد تجدید نظر طلبانه و توسعه جویانه وی توجیه کرد.

نیروهای سوسیالیست ها بدنبال سقوط المان در ۱۹۱۸ و پس از آنکه در سال ۱۹۱۹ حکومت بدست احزاب معتدل انقلاب ویمارا افتاد رو بزوالم گذارد این تمایل بسوی راست پس از اشغال ناحیه روهر وسیله فرانسه بیشتر آشکارا گشت. برای اولین بار

در تاریخ جمهوری جوان المانی، صنایع سنگین تجارتنی نقش تعیین کننده را در دولت بدست آورد. پس از آن پیدایش یک سیاست خارجی تهاجمی کاملاً واضح و آشکار بود.

در سال ۱۹۲۵ انتخاب هیندنبورگ بعنوان رئیس جمهور و سببول دولت نشانه ای بود که ملاکین پروس خاوری عنان دولت ملی را بدست گرفته اند.

این ژنرال پیر نیز نشانه میلیتاریسمی بشمار میرفت که مدتی بود از مواضع سنگر بندی شده خود در پروس بسایر نقاط المان انتشار مییافت قبل از پایان ۱۹۱۹ (ستردستیز) دوباره پنهانی تشکیل شد و با نقض قرارداد ورسای مشغول بکارگشت. در سال ۱۹۳۵ ستردستیز آشکارا و رسماً تشکیل شد و استقرار مجدد مکلفیت عمومی رانیز بهمراه داشت. هر قدمیکه حزب نازی بسوی تسلیحات بر می داشت نه تنها در پروس بلکه در سراسر المان مورد استقبال عمومی قرار میگرفت در عین حال اقتصاد ملی دوباره تجدید تشکیلات شد تا بتواند تجهیزات اردو را تدارک کند که می بایست دوباره برای المان موقعیت دولت درجه اول را در قاره اروپا بدست آورد.

جنگ تازمانیکه جنبه عمومی و کلی یابد عده روز افزونی از اهالی جنگجو را بخود جلب میکند. بهمین ترتیب نیز جغرافیای نظامی خیلی بیش از مسائل تاکتیکی زمینهای متفاوت و نقشه های استراتژیکی برای عملیات نظامی رشد می نماید باضافه اکنون جغرافیای نظامی شامل این نکات نیز هست که عبارتند از بررسی منابع طبیعی تمام متخاصمین احتمالی و بیایطرف های مفید طرح تعیین محل کارخانجات سازنده مواد جنگی و یا کارخانه های که میتوان آنها را به کارخانه های سازنده محصولات جنگی

تبدیل کرد. تشویق کشفیات علمی و اختراعات برای بهتر نمودن مصرف فعالیت‌هایی از این نوع را می‌توان استراتژیی - سیاسی خواند و اخیراً استراتژیی سیاسی در کنار استراتژیی نظامی مقامی یافته‌است. امان نخستین کشوری بود که از اهمیت استراتژیی سیاسی بمنزله مباحثات جنگ واقف شد و دانست که ریشه آن در جغرافیا است.

در آلمان اکتشافات و بررسی‌های جغرافیائی معمولاً بوسیله کم‌مالی دولت مورد پشتیبانی قرار می‌گرفت. برای دولتی که از فعالیت‌های جغرافیائی حمایت می‌کرد آسان بود تا با برداشت قدم کوتاهی به استراتژیی سیاسی نیز کمک نماید. «ژئوپولیتیک» کاملاً آماده شده بود که علم جغرافیائی را بخدمت آلمان نظامی در آورد. وظایف جغرافیائی این بود که اطلاعات جغرافیائی جمع آوری نموده و آنها را در جهت خدمت به مقاصد دولت ارائه دهد و نیز قسمتی از آنرا بشکل تبلیغات به مردم عرضه دارد.

دوره شکفتن انگیز تاریخ آلمان که با وحدت سیاسی آن آغاز شد. بمقارن زندگی (کارل هاوس هوفر) بود که خود را سر حلقه علم ژئوپولیتیک آلمان ساخته بود.

اغلب یک نهمضت بایک شخصیت پیوند دارد. اما وحدت کاملی که درین مورد موجود است بین تطابق کامل، میان یک مرد و حرفه اوست. (هاوس هوفر) در موشن اپایتخت باویر در آستانه جنگ پروس و فرانسه بدنیامد عنصر مسلط اقتصاد باویر زراعت بود و علت عمده اش این بود که باویر منابع معدنی نداشت هاوس هوفر عضویک خاندان قدیمی ملکه دار بود که از دوویاسه نسل قبل به پیشه‌های دیگر روی آورده و زندگی طبقه متوسط شهری را اختیار کرده

بود قبل از جنگ ۱۸-۱۹۱۴ باویر ولایتی تجزیه طلب و کاتولیک بود ولی روی هم رفته لیبرال بشمار می‌آمد بدین طریق باویر نقطه مقابل طبقه حاکمه پروس برلن بود که تمایلات ناسیونالیستی پروتستانی و ارتجاعی داشت اما پس از سقوط آلمان در ۱۹۱۸ باویر مرکز سلطنت نهضت ناسیونال سوسیالیزم هیتلر و لانه گروه‌های شورونیست (وطن پرستان افراطی) شد در این محیط پس از جنگ بود که هاوس هوفر خارج از محافل کاملاً نظامی نیز اهمیت ملی یافت و فرصتی بدست آورد تا تاثیر نفوذ خود را در نهضت نازی‌ها نیز مشاهده کند. هاوس هوفر پس از تکمیل تحصیلاتش در لیسه محلی و در سال ۱۸۸۷ وارد اردو گردید و زود استعداد و مهارت خود را در عسکری به ثبوت رساند هاوس هوفر در این سالهای تکوینی علاقه شدیدی بجغرافیا پیدا کرد و از تمام فرصت‌های ممکنه برای شناختن اروپا بوسیله مسافرت استفاده کرد از ابتدای ورود بار دو مکرراً بخدمت در ستر درستیز باویر و به تعلیم در پوهنخی گماشته شد. هنگامیکه به چهل سالگی رسید علاقه و تخصص خود را در امور جنگ و جغرافیا و تعلیمات اکادمیک به ثبوت رساند. وی در سال ۱۹۰۹ به خاورزمین

سکوت هرگز اشتباه نمی‌کند.

ضرب المثل هندی

عموماً اشخاصی که زیاد

میدانند کم حرف میزنند و

کسانیکه کم میدانند پر حرف

هستند. ژان ژاک روسو

سخن گفتن يك نوع احتیاج

است ولی گوش دادن هنر است.

گوته

رفت و چنین نوشت «من برای تدارک سفر دورتری به هند و جنوب شرقی آسیا یک حکم سرخصی و برای مطالعه دوساله در اردوی امپراطوری جاپان فرمانی بدست آوردم» هاوس هوفر از راه دریا بخاور دور رفت و در هندوستان و سایر نقاط توقف نمود. پس از ورود به توکیو نه تنها به وظیفه ارکانجرایی خود یعنی مطالعه در اردوی جاپان پرداخت بلکه تحصیل زبان جاپانی را نیز پیش گرفت قسمتی از سفر خدمتی او در مسافرت های خاور دور گذشت هاوس هوفر در مناطق مرکزی و جنوبی جاپان و کره و منچوری و شمال چین مطالعات صحرائی منظمی کرد بقیه اوقاتش صرف بررسی ساحهای مختلف اردوی جاپان گردید وی در تابستان سال ۱۹۱۰ از راه سیبری به وطن بازگشت. هاوس هوفر پس از ورود به آلمان دوباره به پوهنخی بازگشت تا در باره تجاربی که در خارج بدست آورده بود سخنرانی‌هایی ایراد کند. پس از ماموریتی که با قطعات اردو به وظیفه قوماندانی لواویک بیماری شدید در ماموریت دولتی خارج از کشور مرخصی طولیل المدتی گرفت این سرخصی از ۱۹۱۲ تا شروع جنگ که او را بخدمت باز خواند طول کشید.

وی در این دوسال دو کتاب راجع به جاپان منتشر نمود و نام کتاب اول خود را «دی نایمون» گذاشت. که ترجمه اش «جاپان بزرگ» و یا «جاپان بزرگتر» است.

به نظر میرسد که تشابه نام کتاب مزبور با عبارت (آلمان بزرگ) یا «آلمان بزرگتر» در آن وقت شعار «پان ژرمنیسم» بود عمدی است این کتاب اولین اثر از سلسله طولانی آثاری بود که طی آن هاوس هوفر ترقی جاپان و ممال جاپانی را به نحو مظلومی بررسی کرده است.

هاوس هوفر کتاب دوم را به پوهنمعی فلسفه پوهنتون مونشن بصورت رساله دکترائی تقدیم کرد و درجه دکترائی یا قید ممتاز در سال ۱۹۱۴ در رشته جغرافیا و زمین شناسی و تاریخ باو اعطا گشت .

نام مطول کتاب که بخودی خود مطالب آنرا شرح میکند چنین بود «سهم آلمان در شناساندن جغرافیائی جاپان و فضای ارضی جاپان سفلی و ترقی آن کشور از راه تأثیرات جنگ و سیاستهای دفاعی .»

هاوس هوفر کتابهای مزبور را برای خوانندگان متفاوتی نوشت کتاب «دی ناپهون» را برای خوانندگان معمولی نگاشت و فقط مقدمات جغرافیای نظامی را با جمال در آن ذکر کرد رساله دکترائی وی با این عقیده و ایمان شده بود که «فقط یک خلاصه روشن و علمی از پیشرفتهای فرهنگی من در جغرافیا که غالباً قطع گردید بمن اجازه میدهد تا از تجارب علمی خود در ماموریتهای خارج استفاده کرده و از ارزش کامل آنها بهره داری نمایم .»

در این مجلدات اولیه علاقه وافر هاوس هوفر در امور نظامی و جغرافیا در کانون مشترکی متمرکز شدند وی با تقدیم رساله خود به (رانزل) از استاد نقل قول میکند که آثار جغرافیائی را «مسافران و سیاحان بحری و کشیشان و سربازان و تجار بوجود می آورند .»

هاوس هوفر که مسافر و سرباز بود مطالعه علمی خود را در باره جغرافیای جاپان با این جمله از «هرا کلیت» آغاز میکند که «جنگ پدر همه چیزهاست» وی سپس بایانات روشنی که مبین عتاید هوشمندانه او است ادامه میدهد «سربازی که بمیدان کار علمی جغرافیائی با شیوه

نظامی و جغرافیائی وارد میشود آرزو مند است تا ارزش گفته هرا کلیت را در این میدان نیز بعنوان توجیه ورود خود بدان نشان دهد .»

هاوس هوفر در سالهای بعد هرگز شیوه نظامی را در مطالعات جغرافیائی ترك نكرد بلکه برعکس چهار سال تجربه در جنگ او را در این شیوه راسخ تر ساخت .

باید حتم داشت که جغرافیای نظامی اختراع هاوس هوفر نیست و شاید این علم بهمان قدمت اردو ها باشد زیرا تا کتیک و استراتیژی جنگها از هر نقطه نظر بستگی به محیط طبیعی دارند . این نوع جغرافیائی نظامی همیشه در مدارس عسکری تدریس میشد. خیلی قبل از ایام هوفر ، افسران اردو در جهان المانی زبان به جغرافیا بعنوان درجه جهان ارزش مینهادند «مولتکه» بزرگ این علم را زیر نظر «کارل ریتز» که یکی دوتن از مؤسسين

سکوت

آنچه هستید شما را بهتر معرفی می کند تا آن چه می گوئید . امرسن

کلمات بال و پر دارند . همین که قفسشان یعنی دهن باز می شود ، و در کوچکترین شکاف هاراه می یابند و بعضی اوقات در ضخیم ترین دیوارها نفوذ می کنند . نویل

تنها خاموشی است که میتواند ما را به معرفت برساند .

راما کریشنا

انسان هر چه کمتر سخن

بزند بهتر بسر و سامان میرسد .

لائوتزه

جغرافیای جدید در قرن ۱۹ بودند فرا گرفت پس از آنکه مولتکه رئیس ارکان حریبه عمومی شد و شاید قبل از ریاست وی اردو در باره جغرافیا مخصوصاً برای افسران اردو تا کید میکرد نکته سهم تر نفوذ ریتز بر «رون» با پیشنهاد ریتز یک کتاب درسی پیرامون جغرافیای سیاسی نوشت که که مدارس افسری پروس و همچنین در سراسر لیسه های پروس با دامنه وسیع تدریس می شد .

هاوس هوفر با فرصت های فوق العاده که برای مطالعه مسائل جغرافیائی تا کتیک و استراتیژی داشت . ممکن است مختصری از دانش خود راهنگام انجام وظایف خویش بعنوان یک صاحب منصب توپچی بکار برده باشد اما دوران خدمت عسکری او مقارن باتدوین وظایف ارکانجری بود و مسافرت های مکررش برای انجام ماموریت های منطقه تماسها و تجربه شخصی را باو ارزانی داشت که به دوران بعدی حیات پس از جنگش نیز انتقال یافت .

در پایان جنگ اول جهانی بنا بر شرایط ترك مخاصمه و پیمانهای صلح اردوی آلمان به نیروئی تبدیل شد که اندکی بیش از یک نیروی پلیس بود و مرکز آن نیز منحل گردید . هاوس هوفر مانند بسیاری از افسران ارشد بود که می بایست از خدمت تقاعد میکرد نبض نظامی حیات آلمان بنا بر امر قاتحین پنهانی میزد و بطوریکه اکنون معلوم شده است . ریاست ارکانجریه تحت نظارت ژنرال «فن سکت» بکار ادامه میداد وی هر نوع کمکی را که میتواند برای تغذیه و تقویت آرزو ها و هدف های نظامی که مدت های درازی بود با فکر سرام و حکومت های المانی

پیوند یافته بود میداد از جمله همکاران وی « اسکار فن نیدر مایر » بود که همقطاران هاوس هوفر در مرکز اردوی باویر بشمار می آمد وی نیز در خارج از کشور مخصوصاً در روسیه در ماموریتی نظیر ماموریت هاوس-هوفر درخاور کار کرده بود .

پیش از همه پس از سال ۱۹۱۹ کار یک ریاست ارکانجریه هوشیار عبارت بود از بررسیهایی که طبع جغرافیائی داشت و همه جهان را در برمی گرفت مکانیزه کردن جنگ و وابستگی روز افزون آن به قابلیت تولید کشور، خدمانی را که علم جغرافیا انجام میداد از مسائل تاکتیکی و تدارکات در جبهه جنگ بزمینه مسائل دامنه گستر منطقی و تولید تجهیزات بغرنج و پیچیده در سراسر کشور از منابعی که از چهار گوشه جهان فراهم می شد توسعه داد .

بنأ بر دلائل مشهود هیچ ریاست ارکانی شرح فعالیت های خود را منتشر نمی سازد لکن از مختصر قرائن موجود که بدست آمده چنین برمی آید که ریاست ارکانجریه عموماً میه آلمان توجه فراوانی با دامنه مطالعات جغرافیائی پیرامون تمام منابع بالقوه تدارکاتی برای آلمان و تمام مناطقی که تصور حرب در آنها میرفت مبذول میداشت .

با وسعت گرفتن دامنه جاه طلبی های آلمان این مطالعات میبایست تمام جهان را در برگیرد قسمت مهمی از این مطالعات رانه خود ریاست ارکان بلکه آشکار سایر مؤسساتیکه با آن رابطه نزدیک داشتند بر عهده گرفتند

بسیاری از مؤسسات مزبور اصولاً سازمانهای جغرافیائی بودند .

از جمله کسانی که برای احیای اردوی آلمان کوشیدند، هاوس هوفر سهم بسزای داشت ظاهراً وی فقط یکبار دیگر پیشه افسری را کنار گذاشته و بحرفه جغرافیا پرداخته بود در سال ۱۹۱۹ گماردن هاوس هوفر بعنوان معلم جغرافیا در پوهنخی مونشن و سائلی رادر اختیار وی قرار داد که توانست بر اساس آن علم ژئوپولیتیک را بصورت یک فرضیه عقلائی و روش کشورداری در آورد پیشرفت علمی او به موازات رهبری وی در مجامع و سازمان های جغرافیائی بود . مجامع مزبور که بظار هر سازمانهای علمی بودند و بشکل خصوصی پوهنخی اداره

از آن سوسن آزادی رسید است
که او باده ز بان گنگی گزید است
عطار

روشن تر از خاموشی چراغی
ندیدم و سخن به از بسی سخنی
نشیدم تا ساکن سرای سکوت
شدم . بایزید بسطامی
خاموشی بحراست و گفتن
همچو جو - بحر میجوید ترا
جو رامجو مولوی
آنجا که سخن بازی ماند
موسیقی بیش از همه در عواطف
اتسان تأثیر دارد . یک سنفونی
پر مایه از دست یک استاد بدون
شک بیشتر از یک کتاب
اخلاق ردل اثر میکند .
نا پلنون

میشدند از جمله و سائلی بشمار می آمدند که توسط ریاست ارکان چه درز مانیکه محرمانه و پنهانی بود و چه هنگامیکه آشکارا مشغول بکار شد مورد استفاده قرار میگرفت .

برای هاوس هوفر طبیعی بود که به شهر و پوهنخی خود باز گردد . فقط تصادف نبود که مونشن مرکز تحریکاتی شد که منجر به ماجرای پوچ تالار آبجوفروشی و برسر کار آمدن حزب نازی گردید باویر نسبت بزراعت و سنن پادشاهی آلمان قرون وسطی وقادار ماند زیرا فقدان منابع معدنی مانع روی کار آمدن صاحبان مقتدر صنایع بود .

حفظ حکومت شبه خود مختاری در فدراسیون آلمان و دور بودن باویر از برلین آنرا محل مناسب توطئه علیه حکومت قانونی ملت ساخت لکن باویر همچنین میتواند پایگاهی باشد که بدون جلب سؤظن برای فعالیت های دولت مرکزی که هدفش احیای قوای نظامی آلمان علیه برغم قرار داد های امضاشده بود بکار رود، اردوی باویر با نگهداشتن ریاست ارکان خود چنانکه خدمات و فعالیت های هاوس-هوفر نمایانده است رهبر فعالیت های جغرافیائی تا ابتدا ی جنگ جهانی بود . علل دیگری کمک نمودند تا محیط مساعد فکری برای ژئوپولیتیک در مونشن فراهم آید رانزل جوان جغرافیایار در آنجا تعلیم داده بود «اسوالد شپینگر» با ما فهمیم فلسفی اش در باره سر نوشت نقاط مختلف جهان هنوز در آن شهر زنده بود و کار میکرد .

يك موفقیت جدید علمی

از منابع چینی
مترجم: «غیور»

در یکی از مراکز طبی واقع در حصص غربی جمهوری مردم چین کشف و در معرض استفاده قرار گرفت، دانشمندان مزبور با آنکه در مراحل اول با مشکلات و پروبلم های عدیده مواجه گردیده اند معذالک بر این همه مشکلات غلبه حاصل و پیروز شدند.

در آغاز قرن نوزده و اوایل قرن جاری « بیستم » مسئله تحقق آغاز حیات و اینکه انسانها چگونه و چطور

دانشمندان کشور های غربی گرچه بمنظور بدست آوردن بلورهای پروتین از کرستل های « انسولین » زحمات و عرق ریزی های زیادی را متحمل گردیدند معذالک مساعی شان بجائی نرسیده و آرزوی فوق بصورت بسیار علمی در عرصه مدت خیلی کوتاهی توسط دانشمندان چینی جبر ان وتلافی گردید.

« بلورهای پروتین » بعد از مطالعاتی که بیش از شش سال را در بر گرفت

آخر آ يك عده از دانشمندان جمهوری مردم چین بعد از مطالعات و تحقیقات زیادی موفق گردیدند با استفاده از روش ها و پرنسپ های بیولوژیکی ماده جدید را بنام « کرستالین پروتین » کشف و در معرض عمل بگذارند این ماده که در واقع امر از بلورهای « انسولین » بدست آمده در راه مبارزه علیه قحطی و گرسنگی يك ماده خیلی ارزنده و گران بها محسوب میگردد .



تجزیه و تحلیل امونیا اسید در لابراتوار



از مغاره‌ها و سوراخ‌های شهری
 موردن و مراکز صنعت شتافتند از
 پرابلم‌های پیچیده و متعلق بشمار میرفت
 اینک با کشف این عنصر حیاتی با ب
 جدیدی در ساحه انسان شناسی مفتوح
 گردیده فلسفه واقعی پیدایش کائنات
 وارد اجندای عصر گردید . طبق
 عقاید نوین دانشمندان چینائی گرچه
 دنیا و کائنات در ابتدا توسط قدرت
 (بقیه در صفحه ۶۶)

دوتن از دانشمندان با آلات دست
 داشته شان مصروف تحقیق و بررسی
 یکی از تجارب انسولین هستند ←



از تحقیقات و تجارب علمی برمی آید که بلورهای انسولین طبیعی و مصنوعی به هم شباهت زیادی دارند
 در فوتو ملاحظه میفرمائید که یک‌کعبه از دانشمندان موشی را مورد تجربه و امتحان قرار میدهند

قربانیان اتومی در هیروشیما

(۲)

بمراه من به هیروشیما بیایند ، وقت کم بود با این همه من میبایستی دانشمند مذکور را در هر کجا که هست پیام باین ماموریت بچرم . ساعت سه بعد از ظهر بود که من بمراه سه نفر از صاحبمنصبان وزارت و گروه دانشمندان اتمی جاپان به میدان هوایی عسکری « تاشیکاوا » واقع در سی کیلومتری غرب توکیو وارد شدیم . من و صاحبمنصبان ، سوار یک طیاره و دکتر « نیشینا » همراه با عده دانشمندان سوار طیاره دیگری شدند اما هنوز روی چوکی های خود ننشسته بودیم که آژیر خطر میدان هوایی بصدا در آمد و بلافاصله این پیام واصل شد :

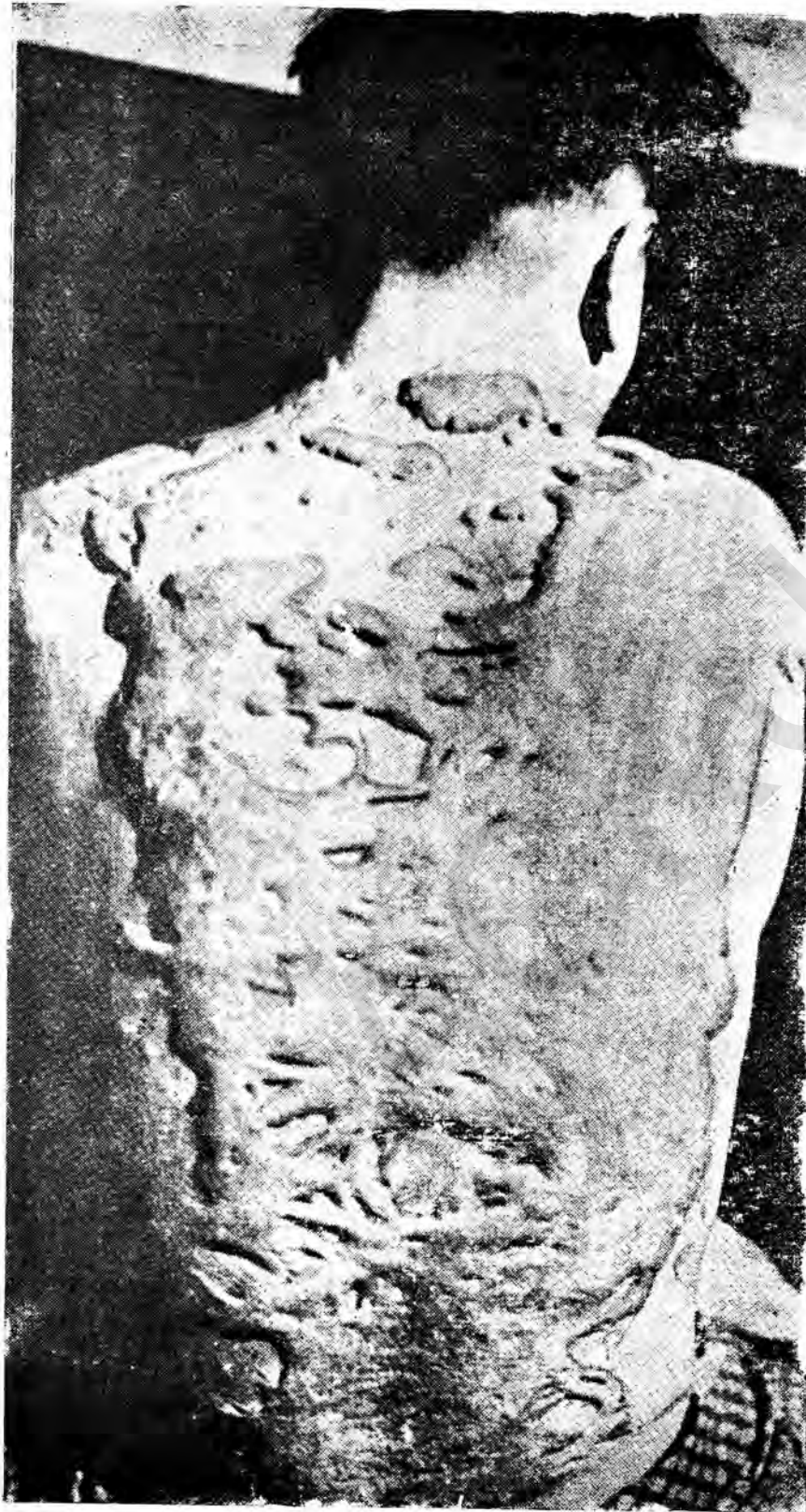
مرکز کنترل یکی از جزایر جاپان که در ۲۰۰ کیلومتری جنوب این میدان هوایی قرار دارد ، یکدسته طیارات نوع « ب-۲۹ » را در آسمان جاپان مشاهده کرده است . . . بنظر میرسد این طیارات عازم شهر « اوزاکا » هستند . . .

من بلافاصله با دکتر « نیشینا » دستور دادم که از حرکت خودداری کند . ولی خود بلافاصله عازم شهر مخروبه هیروشیما شدم . . . طیاره سینه هوارا میشکافت و پیش میرفت در ۲۰۰ کیلومتری شهر توکیو بودیم که آژیر خطر قطع گردید . طیارات بمباردمان دشمن پس از ریختن بمبها

انفجار قطع شده بود . متن این پیام بقدری کوتاه و خلاصه بود که واقعاً بسختی میشد از آن چیزی فهمید . . . روز بعد دستگاه های مخابراتی ما توانستند با دقت کامل تمام ، پیامی از جانب نیروهای دشمن دریافت دارند . این پیام که بوسیله رادیوهای دشمن برای شهرهای اروپا پخش میشد ، حاوی مطالب تازه و نوین بود که ما هرگز نظیر آنرا نشنیده بودیم .

آنان میگفتند که امریکا در شهر هیروشیما اقدام به بمباران عظیمی نموده است که عامل ایجاد آن یک نوع بمب نیرومند و مخرب « بمب اتمی » است . بزودی در مرکز قرارگاه اردوی امپراطوری جلسه ای تشکیل شد عده زیادی از قوماندانان نامی جاپان و متخصصین و دانشمندان در آن شرکت جستند و پیرامون این پیام به بحث و مطالعه پرداختند . چند نفر از صاحبمنصبان متعصب قدیمی این مسئله را بی اهمیت تلقی میکردند و معتقد بودند که اختراع « بمب اتم » صحت ندارد . ولی رای جملگی بر آن بود که دقت بیشتری درین مورد مبذول شود . از اینرو تصمیم گرفتند مرا برای تحقیقات کافی و کسب اطلاعات کامل به شهر ویران شده بفرستند . من پیشنهاد کردم که دکتر « نیشینا » همراه با همکارانش

من بخوبی میدانستم که « توژو » صدراعظم جاپان آدم عصیانی است از اینرو وقتی جواب رد در موضوع ساختن بمب اتم از طرف جاپان شنیدم دیگر قضیه را دنبال نکردم ، بدین ترتیب دکتر « نیشینا » طرح بمب اتمی را رها کرد و آنطوریکه اردو معین کرده بود ، به ساختن سلاحهای دیگری پرداخت ، از جانب دیگر در جنبه وضع ماهر روز بدتر و وخیم تر میگردد در اثر یک سلسله بمباران های پی در پی خساراتی چند برابر بودجه ای که برای ساختن بمب اتمی تخمین زده بودیم ، وارد ساخت . سرانجام دولت مادر ۲۸ ژوئیه پیشنهاد صلح متفقین را که از شهر پستد ام ارائه شده بود ، رد کرد و بدینسان فاجعه عظیم و ناآثر آور هیروشیما در تاریخ ۶ اگست سال ۱۹۴۵ بوقوع پیوست . همان روز در نخستین ساعات بعد از ظهر پیامی از جانب شهر هیروشیما دریافت کردم . درین پیام نوشته شده بود که شهروندان هیروشیما بوسیله بمب جدید و حیرت انگیز بمباران شده و به ویرانه مرگز آمیدل گشته است ، این بمب یک سلاح جدیدی که هرگز در اردوها استعمال نگشته است این پیام از پایگاه دریائی « کوره » واقع در ۲۰ کیلو متری هیروشیما پخش میشد . البته این پیام با آنکه کمی تأخیر بدست من رسید زیرا اکثر سیم های ارتباطی در اثر



یکتن از قربانیان اتمی در هیروشیما

میخوردم . پیلوت طیاره در حالیکه وحشت زده بجانب من بر میگشت ، فریاد زد :
جنرال ، آنجا هیروشیما بود . حالا چه کاری از دست ماساخته است ؟
ما چه باید بکنیم ؟

مراجعت کرده بودند . در مدت
دو نیم ساعت فاصله «هیروشیما» را که
به هفت صد کیلومتر بالغ میگردید
طی کردیم و ساعت شش بعد از ظهر
درست بر فراز شهر «هیروشیما» بودیم
ارتفاع ما به ۱۵۰۰ متر میرسید . هوا
تقریباً صاف و روشن بود ، خورشید
هنوز کاملاً غروب نکرده بود و ما
می توانستیم در روشنایی روز ، جزئیات
شهر را از هم تشخیص دهیم ، من به
طرف پنجره رفته ، خم شدم و بزمین
نگاه کردم از دیدن آن منظره رقت
انگیز ، نفس در سینه ام حبس شدن
به منظره شهرهای بمباران شده عادت
کرده بودم . بارها از فراز آسمان
شهر توکیو را که در اثر بمباران بمب
افکن های آمریکائی گودالهایی تشکیل
داده بود ، دیده بودم . در طول مسافرت
های مختلف و ماموریت های جنگی ،
شهرهای ویرانه و میخروبه را بکرات
مشاهده نموده بودم ... ولی آنچه در
هیروشیما اتم زده دیدم ، با تمام
مشاهدات قبلی من فرق داشت .

در ساحه دید من دشتی گسترده
بود که در آن آثاری از حیات نبود .
آثاری از آبادی و زندگی نبود صحرای
بود پیر از حفرة های کوچک و بزرگ ..
کول های خشک که از سطح
آن دود و خاکستر بهوا بر میخاست
و روی خاکستر آن تصویر بناها ،
درختان و حیوانات نقش بسته بود ...
در شهرهای دیگر معمولاً بعد از هر
بمباران آثاری از تحرک ، دود و آتش
بچشم میخورد . دود نشانه آن بود
که سرانجام افراد زنده باقیمانده اند .
ولی در آن نقطه یک بمباران
با قدرت افسانه ای خود یک شهر آباد
را به صحرای خشک و مرگزابدل
ساخته بود ... و ۳۳۰ هزار نفر را
کشته و زخمی ساخته و یا در بدر نموده
بود من از فرط تعجب بهت زده ،
نشستم نه حرفی می زدم و نه تکانی

من در حالیکه کمی بر اعصاب خود مسلط شده بودم، بیدرنگ فریاد زدم: ما بزمین خواهیم نشست... از میدان هوایی هیروشیما چیزی بر جای نمانده بود ولی پلیوت ما با مهارت بی نظیری طیاره را روی چمن زاری که در کنار میدان هوایی قرار داشت و چمن های آن سوخته بود، بر زمین نشانده. بعد فهمیدم که مادر چهار کیلو متری نقطه صفر، یا نقطه دقیق انفجار قرار داریم. وقتی از طیاره پیاده شدم دیدم که تمام علفها بجانب دریا خم شده و روی هم فشرده شده اند. گویی بایک اطوی فازی چمنها را در یک جهت اطو کشیده اند. ناگهان مشاهده کردم مردی در لباس نظامی از درون یک خندق درحوالی میدان هوایی بیرون جسته بطرف ما میبود. او یک شمشیر «سامورای» بکمربسته بود و وقتی به نزدیکی ما رسید، مراتب احترام عسکری را برجای آورد.

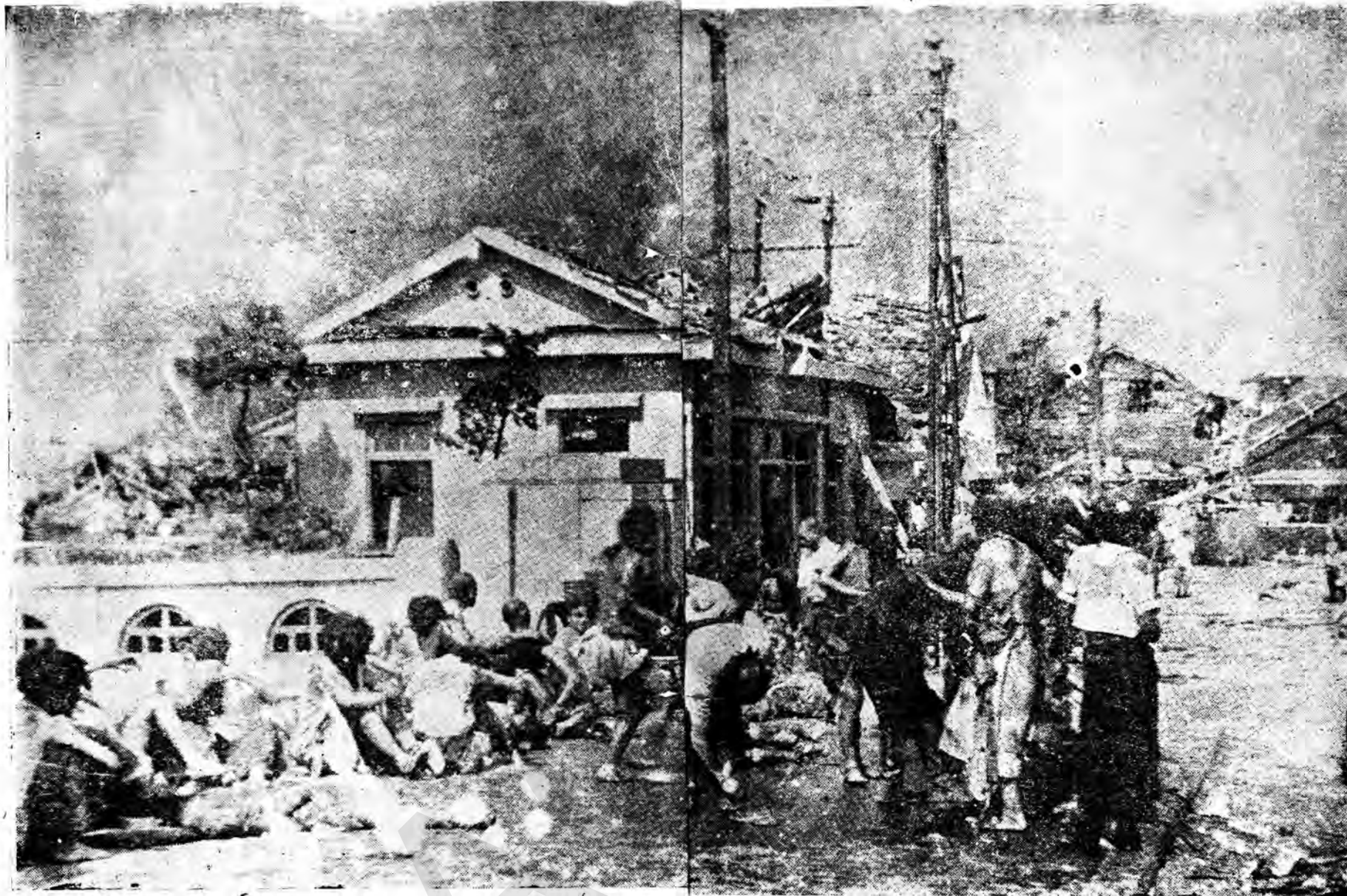
او یک دوهم بریدمن مسئول مراقبت از محل میدان هوایی بود. در حالیکه بمن سلام نظامی میداد، در چهره اش خیره شدم و از آنچه دیدم برخود لرزیدم، نصف صورت او بطرز وحشت انگیز و رقت باری عمیقاً سوخته و چروکیده بود. او گفت یک برق خیره کننده، در بالای سرم من درخشید و ناگهان صدای مهبلی شنیدم و همزمان نیمه از صورت من که بجانب برق نور خیره کننده قرار داشت، تغییر حالت و رنگ داد. بسرعت سوخت جنرال من تصور میکنم که اینک ما بایک سلاح جدید و خطرناک روبرو هستیم.

از او چند سوال مقطع و کوتاه کردم و بطرف قایقی که در ساحل هیروشیما در انتظار ما بود، روانه شدم این قایق مربوط به جزو تام حمل و نقل دریائی اردو بود. در بدر جنرال «هیدلویا» در انتظار من بود. او در

گوشه از تراژدی های اتموم در هیروشیما که یک

صدها و هزارها تن دیگر مانند او قربانی وزنده بگور شده اند. این «بمب» یک سلاح غیر انسانی است. خیلی وحشتناک است. او حق کثرت شروع بگریه کرد و از خجالت دست هایش را مقابل چهره اش گرفت من هرگز صاحب منصب نیرومند و باشهامتی چون او را به آن قد بلند یک متر و هشتاد سانتی و چهره مصمم ندیده بودم که چگونه چون زنان فرزند مرده بگرید. در مقابل من که دوست قدیمی او بودم.

پوهنتون حربی هم دوره من بود. وقتی از «بابا» را حج به حادثه اسفناک هیروشما سوال کردم، گریه کنان و اشک ریزان پاسخ داد. تعداد کشته شدگان متجاوز از صد هزار است. دختر من نیز مرده است. او دیروز صبح خوشحال و خندان به طرف مدرسه رفت. و چند لحظه بعد از انفجار، جسد او را که سوخته و مانند ذغال شده بود، روی پیاده رو جاده پیدا کردم. افسوس فقط دختر من به تنهایی نمرده است.



عده زیادی را از خانه های شان آوره ساخته بود

دوی ما اینستکه دست دشمن را کوتاه کنیم و او را از ارتکاب به اعمال نظیر این باز داریم. «بابا» در حالیکه اشک هایش را پاک میکرد گفت: مرا بخشید ولی این مرگ تنها دخترم نیست که قنیم را بلرزه انداخته بلکه مرگ هزاران جوان نظیر اوس، پس از انفجار شهر منظره جهنمی را داشت که ما اغلب تصویر آنرا روی تابلوهایکه در زمین کودکی بدیوار معابد بود انیان می آویزند، دیده ایم مردان و زنان چون

این جنرال بزرگ جلوهای پدر بخت برگشته ای را داشت که دخترش را از دست داده باشد تشریفات نظامی را کنار گذاشتم و از صمیم قلب با درونی غم آلود، او را در آغوش کشیدم. با کلماتی که در اثر بغض بزحمت از گلویم خارج می شد؛ گفتم: وحشت انگیز است، دردناک است؛ این را میدانم ولی قادر نیستم آنچه را احساس میکنم برایت تشریح کنم. ولی بخاطر داشته باش که ما هر دو صاحب منصب هستیم و وظیفه هر

مگس های بی مقدار درون کوره های آتش فرو می افتادند و دیگر فریادی از آنها بگوش نمی رسید...

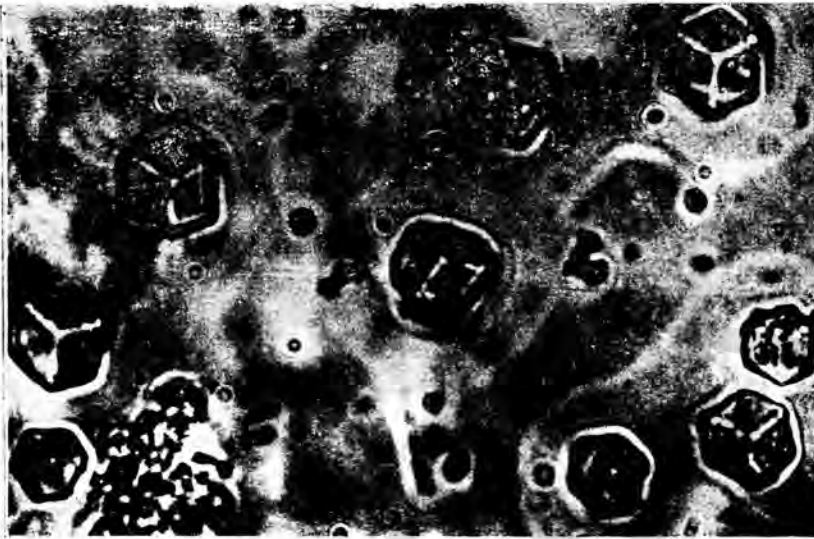
جنرال «بابا» توانسته بود نکات جالب و قابل توجهی از نظر آثار انفجار اتمی در روی اشخاص جمع آوری کند او این نکات را بدین صورت تعریف میکند: «ساکنین جاده های اطراف شهر که درون ساختمان های سمنتی یادر زیر زمین ها زندگی میکردند اغلب زنده مانده بودند؛ همچنین افرادی که لباس سفید برتن داشتند اغلب از اثرات نور خیره کننده و سوزاننده اولیه در امان مانده بودند» در حالیکه افرادی که لباس های رنگی یا سیاه داشتند مرده بودند؛ شمارش مردگان و سوختگان نشان میداد که اغلب شان لباس کیمونو یا لباس های رنگی برتن داشتند، آنان که لباس سیاه پوشیده بودند بسبب جذب کامل اشعه حرارتی دردم جان سیرده بودند. آمار تلفات اینگونه افراد بالا بود...

آنروز غروب فرصت کافی برای گردش در شهر ویران نبود شب را در قوماندانی نقلیات دریائی اردو بصبح آوردیم؛ روز بعد خیلی زود از خواب بیدار شده باتیز رفتار در شهر به گردش پرداختیم، همه جا پرازا اجساد مردگان و کشته شدگان بود، هوای گرم بود و آفتاب تابستان که بر این اجساد میتابید موجب فساد آنها گردیده بود، بوی نامطبوع و تهوع آوری تمام قضا را پر کرده بود... این جا و آن جا جسد متعفن اسب های بچشم می خورد که از پشت بر زمین افتاده دست و پایشان دراز شده و سرشان بجانب آسمان بود... من یک سرباز هستم و این اولین بار نبود که میان لاشه مردگان و کشته شدگان جنگ قدم بگذارم ولی هرگز در عمر خود با منظره نظیر آنچه در هیروشیما دیدم روبرو نگشته بودم؛ تعداد دانشمندان هم اربابان کثره بیشینا بعد از ظهر روز هشتم

واقعیت‌های نوین علمی

(بقیه صفحه ۶۱)

بزرگ خداوند (ج) بوجود آمده
معذالك بایستی ادعا نمود که کلیه
اجسام حیه و ذیروح بعضاً از اجسام
و عناصر ارگونیکی تشکیل یافته است.
پیروزی اخیره دانشمندان مزبور
در حقیقت چنانچ بزرگی برای کلیه
دانشمندان خاصاً آن هائیکه در
کشورهای اروپائی و امریکائی قد علم
نموده اند بشمار رفته باب جدیدی را
در تاریخ تحقیقات مواد ارگونیکی
باز مینماید.



بلورهای پروتین، انسولین که بصورت علمی توسط دانشمندان چینائی ساخته شده است

اوت به هیروشیما رسید زیرا در موقع
پرواز با اشکالات مختلفی روبرو گشته
بودند؛ دکتر «نیشینا» وقتی وارد شهر
شد بیک نظر سلاخی را که بکار رفته
بود شناخت و بالبخند زهر آلودی
بمن گفت: این یک بمب اتمی از نوع
اورانیوم است و نظیر همان بمبی است
که من در نظر داشتم بسازم.

دانشمند مذکور که هنوز به
کار خود امیدوار بود ادامه داد:
جنرال اگر اجازه بدهید من
حاضرم کار خود را شروع کنم در
نزدیکی این شهر معدنی وجود دارد
که دارای مقادیر زیادی اورانیوم
است و ما میتوانیم از آن برای ساختن
بمب اتم استفاده کنیم.

من جوابی ندادم زیرا میدانستم
که دیگر خیلی دیر شده است بعد از خود
«نیشینا» نیز این حقیقت تلخ را فهمید
و از طرفی میدانست که دیگر جاپان،
فاقد آن دستگاه کامل صنعتی است که
بتواند در سایه آن بمب اتمی بسازد
از این رو دیگر در این باره با من حرفی
نزد و سوالی نکرد؛ روز بعد تصمیم به
تشکیل یک کنفرانس در شهر «کوره»
با شرکت نمایندگان نظامی و قوای
دریائی گرفتیم اما همان شب یک خبر
اسف انگیز و ناراحت کننده ای دیگر
شنیدیم و آن اینکه شوروی به جاپان
اعلام جنگ داده و آماده حمله شده بود
بسرعت تصمیم گرفتیم به توکیو
برگردیم از این رو رور یاست جلسه رابه
افسران جانشین خود تفویض کردم
قبل از آنکه بجانب پایتخت پرواز کنم
برای ملاقات مارشال «شونرو کو-هاتا»

قوماندان عمومی قوای مسلح جاپان
غربی رفتم محل سکونت او در حومه
شهر هیروشیما بود او بعد از این فاجعه
دچار تائر و اندوه فراوانی شده بود
او با مراجعت سریع من به توکیو
موافقت کرد و وقتی از او پرسیدم که
سرنوشت جاپان چه خواهد بود بالحن
تأثر انگیزی جواب داد: (**آنانکه
زنده خواهند ماند خواهند دید!**)
این سخن او که قوماندان میلیونها
سرباز جاپانی بود چنان بوی یأس

و ناامیدی میداد که من نیز بی اراده
سست و محنت زده گردیدیم؛ سفر باز گشت
بسیار خسته کننده و ملالت آور بود
چه ناگزیر بودیم ایستگاه به ایستگاه
فرود آئیم و دوباره پرواز کنیم؛ این
بخطرات دشمن بود روز ۱۱ اوت
ساعت ۴ بعد از ظهر به مقصد رسیدم و در
میدان هوائی پیامی از جانب (کواب)
کفیل پیژندوال دریافت داشتم او از
من خواسته بود تا هر چه زودتر خود را
به منزل او برسانم.

«باقی دارد»

گشف عجیب

(۳)

(بعد از مکت چند ثانیه ای که شاید برای یاد آوری خاطرات گذشته در اعماق مغز خود به کاوش و جستجو بود و گذشته را بفر میاورد، در فکر فرو رفت و بعد از اینکه گویا آنچه رامی پالید و می پائید یافت سر بالا کرد) و گفت :



— بسیار خوب گوش دهید :

صبح ساعت پنج طبق روز های دیگر از بستر بلند شدم و بعد از شستن سر و رو تشناب داخل آشپز خانه گردیدم تا به تهیه ناشتائی صبح خانم پردازم . همه اشیا به جای خود قرار داشت و مانند سابق آماده .

خانم نیز بوقت خود از خواب برخاست، تشناب گرفت و به اطاق طعام خوری آمد و به صبحانه پرداخت همینکه ایشان جهت تعویض لباس به اطاق رفت من هم ظروف را جمع نموده به آشپز خانه رفتم .

— میتوانی بگوئی که درینوقت ساعت چند بود؟

— بلی چون خانم در صرف صبحانه

تعویض لباس و تشناب یک پرو گرام معینی دارند، میتوانم بگویم که من هم در طول اینقدر مدتی که نزد او میباشم کوشش دارم همه اموری که بمن سپاریده شده است بوقت وزمانش اجرا گردد و جزئی ترین معطلی رخ ندهد. چه خانم خیلی ها سخت گیر بوده و بسیار زود عصبی میشوند درینوقت ساعت تقریباً (اگر یک دودقیقه فرق پیش نشود) هفت و (۳۰) صبح بوده است .

— بسیار خوب بعد ازین چه شد .

— درحین پائین شدن از زینه ها با پایه فیض محمد که او هم وظیفه

نو کوری این خانه را دارد بر خوردم که بعد از سلام و احوال پرسی از خانم جویا شدند .

— چرا! با خانم چه کار داشتند؟
— او مثل همه روز میخواست تا پول مصارف روزانه را از خانم اخذ بدارند .

— آیا خانم درینکارها خود شخصاً دخالت میکرد؟

— بلی. پول همیشه پیش خودشان بوده و پول مصارف و خرج را نیز خودشان می پردازند .

— بسیار خوب . بعد .

— بعد با به فیض محمد طرف بالا و من به طبقه پائین جانب آشپز خانه

رقتم و سر گرم شستن ظروف و آماده ساختن سامان و لوازم نان چاشت شدم. — شماچه وقت از داخل شدن دزد ها به منزل و جنگ و جدال با آنها مطلع گردیدید ؟

نمیدانم چند دقیقه گذشته بود که برای هدایت به بابه فیض محمد از آشپزخانه خارج شدم تا هدایتی را که خانم برای تهیه نان شب جهت دوسه نفر مهمان داده بودند با او بگویم. همینکه به حال رسیدم دیدم سه نفر اشخاصی که روهایشان با دستمالی پوشیده بود و تنها چشمهایشان معلوم میشد با کار دهانیکه تیغه آنها برق می زدند در حال به گفتگو مشغول بودند.

— پیش از آنکه شما یا آنها بر خوردید و یا از شما سوالی کنند آیا توانستید از حرفهای آنها چیزی بدانید ؟

— نی چیزی نفهمیدم اما صرف همینقدر بگوشم رسید که یکی از آنها گفت: قراریکه سمندر نشانی داده است باید از زینه بالا برویم و در دهلیز طبقه دوم دروازه سوم از طرف چپ همان اطاق است. همینکه آنها از موجودیت من اطلاع یافتند بطرف من رونموده و یکی از آنها گفت:

— اوه... اوه... دختر قشنگ و زیبا خانمت به کدام اطاق میباشد. زود، زود حرف بزن.

— خانم از خانه بیرون رفته اند. — چه وقت؟

— چند دقیقه بیشتر.

— دروغ میگوئی، کذاب.

در حالیکه یکی از نقاب زده گان با سلی برویم نواخت و دیگرش با کارد تهدیدم میکرد، از کشتن می ترسانیدم با صدای بلند و قهقراک و عین زمان از ترس جان به خارج شدن شان از خانه فریاد زدم، بیرون شوید و گرنه فوراً فریاد میکشم تا همسایگان بیایند و شمارا از خانه بیرون برند.

— خیر. خیر. دختر زیبا قهر نکن حرف شنو باش و گوش بده، اگر از قیل و قال بگذری و آهسته تر حرف بزنی شاید بخیر تر باشد.

— نه خیر من نمیخواهم به حرف چند نفر دزد گوش دهم، بیرون شوید فوراً از خانه بیرون بروید، من میخواستم با این حرفها آنها را هم از منزل بیرون بکشم و هم تهدید کنم، اما یکی از آنها که تا این وقت خاموش بوده و حرف نمیزد و آوازش بگوشم خیلی آشنا خورد با قهر فریاد نمود

— جمیله! عمرت به آخر رسیده است و دیگر آب زندگی را نخواهی خورد فراموش نکن که....

چون اعصابم با آخرین درجه خراب گشته بود و قوه فهم و ادراک از من دور شده بود نتوانستم دیگر حرفهای گوینده را بفهمم و با هرچه قدرت داشتم خود را بطرف او پرتاب کردم و دست انداختم تا دستمال رویش را بردارم و او را بشناسم، که این آدم نمک بحرام کدام کسی است که همدست دزد و یار قافله گشته است اما دستهای قوی و نفر دیگر مرا از پهلوها در بغل گرفت و دستی هم بروی دهنم گذاشته شد. هر چند کوشیدم تا خود را خلاص کنم و فریادی بزنم تا بابه فیض محمد و یا خانم بشنود قادر نشدم، در میان همین کش و گیر مشتی بر فرقم کوبیده شد که دیگر هیچ چیزی را نفهمیدم و هیچ جارا نشاختم

— بسیار خوب همشیره عزیز اما میتوانی فکر کنی که آواز این آشنا خودت را به فکر کی انداخت و چه تصور میکنی که گوینده کیست؟ — در بین اشخاصی که در خانه با دارم رفت و آمد دارند آواز مذکور به دونه فراموش شده ساخته است.

یکی از (حمید) خواهر زاده خانم میباشد و دیگرش یکی از رفیق

های اوست که چند دفعه به دروازه ما عقب حمید آمده بود چون در همین چند دفعه که زنگ دروازه را فشار داده است تصادفاً خودم با او مقابل شده ام و به حمید احوال داده ام... — آیا نام او را میدانید ؟

— فعلاً بیاد نیست اما اگر کمی حواسم بجا بیاید شاید بتوانم بچافظه ام رجوع کنم تا نام آنرا بیاد بیآورم در آنوقت بشما خواهم گفت

— خوب خانم مهربان شما شوهر دارید ؟ — نی.

— آیا هیچ ازدواج کرده اید یا خیر؟

— بلی چهار سال پیش بین من و پسر کا کایم عروسی صورت گرفت ولی از بخت بد این عروسی ما دیر نپایید بلکه بعد از هشت ماه به اثر مریضی فوت کرد. چون درین دوره هشت ماه زن و شوهری رنج و شکنجه بسیاری دیده بودم از آن سبب دیگر آرزوی ازدواج نکردم

— خوب جمیله خانم! آیا میتوانی منزل حمید خان را با ما معلومات دهی.

— خیر راجع به منزل آنها نمیدانم زیرا در همین مدت دو سال هیچ وقت میسر نشده است که من راجعت کدام کار و بار با آنها بفرستد، اما اگر شما از بابه فیض محمد پرسان نمائید شاید او بتواند شمارا به خانه آنها راهنمایی کند لیکن اینقدر میتوانم بگویم که خانه آنها در جاده (۲ و ۷) و اب قرار دارد. خانم نگفتی که بیشتر هم کدام وقتی در منزل آقای (ج) دزدی صورت گرفته است.

— خیر خیر، نی، فراموش کردم بلی یکی دو دفعه در روزهای اول ورودم دزدی بعمل آمد که آنها بعضی چیزهای خورد و ریزه بود اما یکدفعه آن یک میل تفنگ شکاری بود که مفقود گردیده و قرار یکه خانم بار بار یاد می نمایند تفنگ مذکور همیشه مورد علاقه آقای (ج)

بوده و عموماً با آن به شکار می رفته است ولی از روزیکه گم گردیده با کوشش فوق العاده که خانم نمود نتیجه بدست نیامد. چنانچه ایشان در مورد بنده و دونفر من متخدم دیگر مشتبه گردیده و هزاران شکنجه و اذیت مارا دادند تا عاقبت بی گناهی ماثبات گردید اما از تنگ آثری بدست نیامد.

خوب دیگر اسباب مزاحمت بیشترتان نگردیده برای تان صحت عاجل می خواهم خدا حافظ .
خدا حافظ .

* * *

بعد از دو ساعت دیگر مهردل به اطاق امیر - داخل شد و از خانم آقای (ج) عیادت نمود در بدایت بر خورد اوضاع عیناً مانند جمیله بود و اسباب تعجب و حیرت خانم و واقف گردید بعد از آنکه چند کلمه در و بدل گردید و مهردل خود را باو معرفی داشت چهره اش کشاده گردید ، غبار تعجب از جبینش پاک شده و گفت .
- آقای مامور هر چیزیکه بخواهید بجواب آن حاضر م . لطف فرموده ضرورت خود را بفرمائید .

- خانم محترم اولتر از همه آرزو دارم تا بدانم که شما در ایجاد این قضیه بالای کدام شخصی و یا اشخاصی اشتباه دارید یا خیر ؟ آیا می توانید که بانی این مرضی شما چه کسی و یا عاملی شده است .

- جناب مامور صاحب قضیه قرار ذیل است : صبح مانند روز های گذشته از خواب بیدار شدم بعد از آنکه تشناب گرفتم تا به صرف صبحانه پرداختم و پس از آن به اطاق خود جهت تعویض لباس آمدم تا پیراهن شب را از خود دور کنم . هنوز چند دقیقه از آن نگذشته بود و مشغول رسیدگی به سروموی خود بودم که ناگهان صدای یک چیغ بلند و فریادهای دلخراش بگوشم رسید . درابتدا فکر کردم که شاید این صدا ها از مردم رهگذر است که در بالای

سرك باهم گفتگو و قال مقال دارند ، چرا که این وضعیت بارها در کوچه روی داده و اسباب مزاحمت خانه های دو جانبه سرك گردیده اند . اما این گفت و شنید در همین جا خاتمه لیافت بلکه زدو خوردی هم صورت گرفت که آواز آن بلند و خلیما نازدیک تر بگوش رسید که با عجله دروازه اطاق سالون را باز کردم و بشنیدن صدای در ا ختم آنوقت فهمیدم که در عقب دروازه دیگر سالون یعنی در دهلیز طبقه دوم جار و جنجال برپاست و صداهای درهم و برهم بگوش و بزنی هر دم زیادتر می شود . در بین آنها آواز بایه فیض محمدرضا که یکی از دونفر نوکر بنده است شنیدم که با قهر و غضب با آنها در جنگ و جدال بود و فریاد لگد و سیلی اوج گرفته بود . دروازه اطاق بهم می خورد و هر دم نزدیک به افتیدن می شد تا از جا کنده شود . مجبوراً از ترس جان به اطاق خواب دویدم و به دایره پولیس تیلیفون نموده امداد و کمک خواستم اما بد بختانه هنوز مذاکره ام به آخر نرسیده بود و نتوانستم معلومات صحیح و مکمل بدهم که سه نفر نقاب پوش که چهره آنها بسکالی نامعلوم بود به اطاق خواب هجوم نهوده و به بسیار سرعت جانب من دویده و کدام چیز سنگین بر فرقم اصابت کرد که از خود رفتم و دیگر چیزی را حس نکردم ، وقتاً که بهوش آمدم

موسیقی از عالیترین هنر
هاست که بسی مطالب نامعلوم
و نفهمیدنی را برای ما توضیح
و تفسیر میکند و ما را در عالمیکه
هنوز برای انسان مجهول است
رهبری مینماید . و اکثر

خود را درین اطاق یافتم که یک
داکتر و یک نفر پرستار مشغول تداوی
من بودند .

- خانم محترم آیا میتوانند که
از هیكل و لباس مهاجمین معلومات
دهند ؟

- خیر آقای محترم من در آنوقت
وضع داشتم که جز از نجات خود
بچیزی فکر نکردم و حتی چشمانم
نتوانست جزئی ترین اثری از لباس
آنها را تماشا کند و یا بفکر قد و قواره
آنها گردد ، چون از یکطرف چهره
آنها پوشیده بود و دوم اینکه تحت
تاثیر ترس و وحشتی قرار داشتم که
به غیر از وجود معجزه و نجاتم به
چیزی فکر نمی کردم . اما اینقدر میتوانم
بگویم که هر سه آنها قوی و بلند قد
بودند .

- خوبست از شما معلومات بخواهم
که آیا شخصی را بنام سمندر
می شناسید یا خیر ؟

- سمندر! بلی یک از نوکرهایم
سمندر نام دارد شما چرا در باره آن
سوال گردید . او از سه روز با اینطرف
رخست گرفته و به نسبتی که برادرش
در دهکده که آنهازندگانی دارند
فوت نموده است بانجا رفته است .

- دعی که آنهازندگانی دارند
کجاست ؟ آیا در شش کر وعی ما
واقع است یا خیر ؟

- بلی در همین قسمت های نزدیک
پروان است و بنام ... یاد می شود .
- بسیار خوب . باز هم سوالی
می خواهم راجع به بایه فیض محمد

تعلمیم که نامبرده چند سال است
در منزل شما خدمت میکند و جمیله
خدمت شما نیز طرف اعتماد شما میباشد
یا خیر ؟

- بلی هر دونفر آنها فوق العاده
با اعتبار ، شیر پاک و صاحب اخلاص
اند . بایه فیض محمد شاید بیش از
بیست سال است که در منزل پدرم
مشغول خدمت بوده و بعد از عروسی ام

با آقای (ج) به منزل آمده است
جمیله از خدمه بودنش گذشته بلکه
یک دوست بسیار گرمی ام در زندگی
حساب میشود.

— شما کدام خواهر و یایرادر
دارید.

— بلی صاحب خواهر هستم اما
بدبختانه برادری ندارم.

— خواهر شما صاحب چند اولاد
است. آیا شوهر ایشان زنده است
یا خیر؟

تخیر شوهر او چهار سال پیش به
رحمت حق رفته ولی دو دختر و یک
پسر دارد. چون دخترها بزرگ

هستند هر دو از لطف خدای بزرگ
صاحب شوهر، خانه و اولاد میباشند

اما حمیدجان خواهر زاده ام که
الحمد لله ۲۲-۲۳ ساله میباشد جوان

رسیده و قوی بوده صاحب زیبایی است
که خداوند باو اعطاء فرموده میباشد.

— چه کار و وظیفه دارند؟ تا چند
وقت پیش که شایه دو سال از آن

میگذرد در یکی از وزارتخانه های مرکز
صاحب وظیفه بود ولی دو سال است

که به نسبت نداشتن سرپرست و اداره
امور خانه و مادر خود کار و وظیفه را
ترک گفته است.

— منزل آنها باشما نزدیک است
یا دور آیرفت و آمدن زیاد دارید و یائیکه

مانند دیگر اقوام موجوده چندان بین تان
خوب نیست؟

خانه آنها به جاده (۷۴۲) واقع
است ولی رفت و آمد بین ما بسیار

خوب است بالخصوص حمیدجان همیشه
خبر گیر من میباشد. زیرا اولادهای

من هر چهار آنها فعلا به خارج هستند
و از من دور میباشند.

— بسیار خوب خانم محترم از معلومات
شما خیلی تشکر میکنم و از خداوند

صحت شمارا می خواهم.

مامور صاحب بی اندازه تشکر
میکنم و آرزو دارم که در ساعات
بیکاری خود مانند دوستی از ما هم
یاد کنید.

— کوشش میکنم تا بعداً نیز به
دیدن تان بیایم. اما راستی چیزیکه

باید بیروسم نزدیک بود فراموشم گردد.
— بفرمائید

— شما پول های خود را در کجا جمع
آوری میکنید؟ آیا حاصل زمین ها،

دکان و سرای که دارید و قرار
معلومات از فضل خدای بزرگ

صاحب یک زندگی مرفح می باشید
در بانک جمع میگردند یا نزد شما

در منزل میباشد؟
— پولیکه از حاصلات زمین

و کرایه ها می آید ما هوار به بانک
میگذارم اما برای خرج روزمره

یکمقدار در منزل است و شما می دانید
که هر لحظه برای اجرای ضرورتی

رفتن به بانک امکان ندارد.
— آیا میتوانم سوال کنم که این

پول که نزد شما در خانه میباشد تا کدام
اندازه خواهد بود؟

— تاده هزار افغانی.
— بیشتر از آنرا نزد خود نگه

نمیدارید؟
خیر اما پولیکه درین ماه از

کرایه ها رسیده است هنوز در منزل
است و به بانک نه فرستاده ام...

— بسیار خوب، بسیار خوب اصل
قضیه در همینجاست آیا این پول بچه

اندازه خواهد بود که فعلا در منزل
دارید؟

— تقریباً شصت هزار افغانی.
— انشاءالله که خانم، صاحب

زیورات و جواهراتی هم خواهند بود
که در منزل جهت ضرورت همیشه

موجود دارند.
— بلی از قبیل گوشواره ها، لاکت

زنجرهای گردن، کمره و انگشتر
و اقسام مروارید هم است که قیمت آنها
شاید تا به یک لک دو لک خواهد رسید.

— خانم محترم از معلومات شما
کمال تشکر میکنم امیدوارم بتوانم
خدمتی بشما و فامیل تان نموده

و رضایت شمارا حاصل کنم.
— مامور صاحب شما همه اش را

از پول و دارائی من سوال کردید ولی
نگفتید که اسباب این همه سوالات

شما چه بوده آیا چیزی از خانه ما گم
شده است و یا چطور.

— نی فعلا کدام خبر مهم نیست
حالا خدا حافظ

* * *

اعضای معتبر محکمه همه در
کرسی های معینه خود جا گرفته اند

و یکتعداد بزرگان از مدعیین و سامعین
نیز در قسمت تعیین شده قرار دارند؟

تالار محکمه در یک سکوت سنگینی
فرورفته جزئی ترین آوازی شنیده

نمیشود. در جایگاه مخصوص که
برای فامیل آقای (ج) در صف اول

ترتیب داده اند. خانم آقای (ج)
خواهرزاده اش حمیدخان، جمیله،

سمندر و دونفر دیگر قرار دارند که
پهلوی هم جا دارند.

بعد از اینکه رئیس محکمه زنگ
روی میزی خود را به صدا در آورد

و حاضرین را متوجه گردانید. از چوکی
بلند شده با زبان فصیح و پر از آهنگ

خودند حاضرین خطاب و آغاز محکمه
را اعلام داشت :-

جوان رسا و بالا بلندی که لباس
سیاه در بر داشت و چین مخصوص

قضات را در شانها انداخته بود از کرسی
ویژه مدعی العموم برخواست و در

بین تالار پیش روی سامعین آمد
و شروع به ذکر قضیه نمود:

اعضای محترم محکمه و سامعین
عزیز:

ساعت ۱۰-۸ صبح روز دوشنبه
تاریخ ۸- ماه جاری در خانه ۱۸

جاده ۳۲۱ توسط سه نفر جوان رشید
باعقل و با فهم یک نقشه ماهرانه ترتیب
یافته بود. دستبردی بعمل آمد که

در اثر این به قتل یکنفر مرد ورزخمی شدن دو نفر زن و مقفودی يك لك و هشتاد هزار انگانی نقد و زیورات صورت گرفته، جوانان با درایت و با به تعبیر دیگر دزدان چیره دست بدون آنکه عاقبت این عمل جسورانه خود را سنجش نمایند و به قانون شرعی و تعلیمات قانونی اندک فکر کنند، بار همنونی یکنفر توکر خائن و نمک بحرام اقدام به چنین عملی زده سر تکب قتل و دزدی گردیدند. - این خادم فتنه انگیز سمندر نامیده می شود. - این رهنمای بدبخت که اکنون نیز در ردیف فامیل آقای (ج) قرار گرفته است یکنفر از دو خادمی است که درین منزل سالیان درازی خدمت نموده و در پایان زندگی با همدستان دیگر خود به ولینعمت اش خیانت کرده است. سمندر در تحت و سواس و تحریکات دونفر دیگر از راه راست منحرف و با کمک و همدستی آنها متفق گردیده صندوق با دار، آقا و صاحب خود را که تمام زندگی و حیاتش مدیون این خاندان است با همدستی دو منحرف دیگر از بین برده و فامیلی را برباد داده است، و سبب قتل یگانه همکار همیشه اش شده میباشد. -

سمندر سه روز پیش از ارتکاب جرم به بهانه فوت برادرش از خانم خود رخصتی گرفته و خود را از منزل دور ساخته است و بایند و بست و ترتیب نقشه ماهرانه در خانه افضل در همین روز ساعت ۷،۳۰ بادو نفر همدستان دیگر به منزل آقای (ج) که راه خروج و دخول آنرا تماماً بلد بوده است داخل و در قدم اولین جمله خدمه باوفای این خاندان را ذریعه ضربه که در فرق مشارالیهها وارد ساخته است بیهوش و به دستبرد خود پرداخته اند در قدم دوم میان دهلیز فوقانی همکار صدیق خود (بابه فیض محمد) را با ضربه چهار کارد که در جا های

مختلف وجود آن بیچاره وارد گردید از پا انداخته و حتی به قتل او منجر گشته است. سپس باین هم اکتفا نمودند و دست به جنایت دیگری زدند که ولینعمت خود را با ضربه مجروح و از هوش رفته ساختند و به دارائی که آنها بیشتر معلومات داشتند رجوع و با همه دیده دارائی آنهمه مکت و ثروت را غارت کردند. - اما قانون و مجرا کنندگان قانون که متهمین از آن غافل بودند با سرعت ممکنه از قضیه مطلع و برای بدست آوردن جنایت کاران در جستجو و تلاش گردیده این دسته غارت گرا

دنبال سعادت برو سعادت
از تو خواهد گریخت، با دل
و جان بکار خودت پرداز،
وقت را برای مقصود بکار بر
از جاده خود بینی و شهوت
یعنی نفس بیرون بیا و دنبال
چیزی برو که از نفس بالاتر است
آنگاه هنگامی که بگذشته ات
فکر میکنی، خواهی دید که تو
خوشبخت بوده ای.
پروفسور وجود

بارئیس آن که موسس نقشه غدارانه بود کشف و اینک در پای محکمه کشانیده اند.

حضار همه به همدیگر متوجه شدند صدای پیچ پیچ و گفت و شنید بالا شده، دیده ها بطرف فامیل آقای (ج) دوخته گردید. پاهای سمندر و افضل لرزید و قلب آنخاندان نجیب و راستکار را به تهیدن افکند بعد از آنهمه دلواپسی و نگرانی خاموشی سنگین تالار محکمه را فرا گرفت و

منتظر شدند تا بانی این دزدی و جنایت واضح گردد و خائن اصلی معرفی شود.

آقای مدعی العموم با انتظاریکه جهت خاموشی ساسعین داشت و خیالات آنهار ادرك کرد، رو بجانب مهردل قهرمان داستان و پلیس با لیاقت و مبتکر گردانید و بادست اشاره کرد که او هم از جا بلند شد و به صدر تالار قدم گذاشت.

چند ثانیه نگذشته بود که صدای رسا و آواز پراز طنین این پولیس با ابتکار و با قدرت بلند شد و بعد از یک مقدمه کوتاه از قیمت و وظیفه، خدمت و قانون روی سخن را به سمندر گشتاند و فرمود:

— سمندر خان آیا به اعتراف چنین عملی که زاده و سواس و تحریک دیگران بوده و خود عامل این جریانات بوده ای معترف و مصدق هستی یاخیر؟ آیا برای تکذیب آن دلائل و براهینی نزدت موجود هست تا در حضور حضرات گرامی عرضه کنی؟
— خیر من حرفی در مقابل قانون و کشفیات پولیس ندارم جز از اینکه پشیمانی و ندامت خود را از عملی که مرتکب گردیده ام اظهار کنم، ولی چیزیکه مرا رنج می دهد و تا حال مسکوت گذاشته شده است اسم سر دسته و یار رئیس این نقشه است که نمی باید قانون بر آن پرده بپوشاند و یا جناب شما که کاشف آئید تحت تاثیر نام و نشان خانوادگی قرار گرفته شخصیت او را معرفی نکنید. - نیسمندر خان قانون برادر ندارد خویش و قوم نمی شناسد، مجرم بهر چهره و تقابلی که باشد مجرم است و با لای او عملی میگردد. ما کوشیدیم تا دلائل مثبت و قوی در زمینه معرفی سر دسته شما بدست آورده و بتوانم نقاب رنگین تقلب را از چهره او برداریم.

(بقیه در صفحه ۶۸)



تبع و نگارش دگروال محمدنعیم «اوری»

(۳)

ایران :

ایران که غربی‌ان آنرا بنام پارس و یا پارسیا بهتر می‌شناسند، از طرف شمال با شوروی‌ها و در جنوب با خلیج فارس و با بحیره عرب، در شرق با افغانستان و در غرب با عراق و ترکیه هم سرحد می‌باشد.

قسمت اعظم ایران که هستانی و بیابانی می‌باشد و تقریباً ۴۰۰۰ فوت از سطح بحر ارتفاع دارد، اما در شمال متصل بحیره کسپین میدانیکه ارتفاع آن از سطح بحریان تراست موجود می‌باشد. سلسله کوه‌های معروف آن در شمال بنام البرز و در جنوب بنام زاگروس یاد می‌شود. اقلیم این مملکت در تابستان گرم، در زمستان سرد و در قسمت‌های مرتفع برف باری صورت می‌گیرد از حیث آب و هوا، شکل طبیعی و اقتصاد تقریباً با افغانستان شباهت دارد.

شهرها :

تهران: این شهر پایتخت مملکت

بوده و باد و مینون نفوس خود در دامنه جنوبی کوه البرز به ارتفاع پنج هزار فوت موقعیت دارد. از شهرهای مشهور دیگر آن تبریز، اصفهان، مشهد، شیراز و آبادان نام برده می‌توانیم.

وضع اقتصادی :

مردم ایران اغلباً زراعت پیشه بوده و مال‌داری نیز ترویج دارد. اما به نسبت قلت آب استفاده قابل ملاحظه از اراضی و زراعت شده نمی‌توانست درین اواخر بندها و نهرهای بزرگ جهت رفع این نواقص در سراسر ایران از طرف حکومت احداث گردید، تا قبل از سال ۱۹۶۳ قسمت عمده اراضی زراعتی بدست ملاکین بزرگ بوده و قسمت عمده دهاقین از داشتن زمین محروم بودند. تا اینکه در اثری ریفرم اجتماعی و زراعتی تمام املاک دولتی و ملاکین در بین دهاقین تقسیم شده و پول قیمت آن با قسط‌طیکه بالای دهاقین تکلیف پیش نکند حاصل گردید.

زراعت عمده این مملکت عبارت است از گندم، جو، جواری، لپا،

برنج، تنباک و انواع میوهات، پنبه، و نباتاتیکه از آن تیل بدست بیاید. از ۱۵- سال باینطرف صنایع نیز درین مملکت روبانکشاف گذاشته. مخصوصاً تولید سگرت، نساجی و شیشه سازی و تولید سمنت شهرت خوبی گرفته است. صنایع دستی نیز درین مملکت شهرت جهانی دارد. یکی از بزرگترین منبع عایداتی این مملکت نفت میباشد. مناطق نفت‌خیز ایران در قسمت جنوبی کشور بفاصله کمی از خلیج فارس وجود دارد تا سیسات نفت این منطقه ابتدا توسط شرکت نفت ایران و انگلیس که یک موسسه بریتانوی بود بوجود آمد. این شرکت کلاً نترین دستگاه تصفیه نفت را در آبادان بنا نمود آبادان در ۴۰ ملی شمال خلیج فارس و در ساحل شط العرب که از تلاقی دجله و فرات و کارون بوجود می‌آید واقع می‌باشد نفت خام از مناطق نفت توسط لوله به تصفیه گاه آبادان رسیده و از آنجا نفت تصفیه شده توسط جهازات نفت کش بخارج ایران فرستاده میشود.

در ۱۹۵۰ ایران بیش از همه ممالک شرق میانه نفت تولید نمود اما در ۱۹۵۱ نسبت نهضت ضد انگلیسها و مجادله برای ملی ساختن نفت، دفعتاً پیمانۀ تولید نفت تنقیص یافت و این موضوع تا سال ۱۹۵۴ ادامه یافت تا اینکه اختلافات راه حل بخود پیدا کرد. از آن تاریخ نفت رول بزرگی در اقتصاد ایران وارد کرد و تعداد فابریکات را در ایران بلند برد.

معارف :

در ایران تعلیمات ابتدائی در سراسر کشور مجانی می باشد قسمت بزرگ عایدات نفت که سالانه به ۲۵۰ میلیون دالر می رسد، در انکشاف و پیشرفت معارف تخصیص داده می شود. درین اواخر مجادله برضد بیسوادی در سراسر مملکت ادامه یافته است.

طرز حکومت :

در ایران حکومت شاهی مشروطه بوده شاه رئیس دولت می باشد قوه مقننه را مجلس شورا و سنا تشکیل می کند نمایندگان مجلس شورای ملی انتخابی می باشد. اما اعضاء سنا قسماً انتخابی و قسماً از طرف شاه تعیین می گردد.

مردم، لسان، مذهب :

نفوس این مملکت بطور تقریبی ۲۰ میلیون بوده لسان فارسی، زبان رسمی مملکت را تشکیل می دهد. ۹۰ فیصد نفوس این کشور پیرو دین مبین اسلام اند. وده فیصد از مذاهب عیسوی، یهودی، زردشتی نیز در آن داخل می باشد.

برما :

برما از طرف شرق با چین، لاوس، و تایلند و از طرف غرب

سیرات

افسوس یگانه سوالیکه هیچکس نمیتواند پاسخی بآن بدهد اینست: سعادت چیست؟ بر ادلی

آه ای اسم بی مسمی سعادت آه، ای سعادت موهوم، نه گدا بر تو دست یافت، نه شه در کجائی، چه هستی نشد معلوم. محمد علی موحد

چه سعادت بیاید و چه نیاید آدمی باید سعی کند خود را از سعادت بی نیاز گرداند. ژرژالیوت

غنچه خوشبختی در جای تاریک و بی صدا و گودی پنهان است که بسیار نزدیک به ماست ولی ما کمتر از آنجا میگذاریم و آن دل خود ماست. مورین مترلینک

دنبال سعادت برو، سعادت از تو خواهد گریخت، بادل و جان بکار خودت پرداز وقت را برای مقصود بکار ببر از جاده خود بینی و شهوت یعنی نفس بیرون بیا و دنبال چیزی برو که از نفس بالاتر است آنگاه هنگامی که بگذشته ات فکر می کنی، خواهی دید که تو خوشبخت بوده ای.

پروفسور جود

بهند و پا کستان شرقی و بحر هند در شمال با چین هم سرحد بوده و در جنوب با بحر هند متصل می باشد.

برما شامل حوضه دریای معروف ابروادی در مرکز و اراضی مرتفع و کوهستانهای محیط بر این حوضه در اطراف است. در داخل این حوضه دو ناحیه مشخص متراکم نفوس واقع شده که مرکبند از ناحیه خشک واقع در اطراف و جنوب مندله دارای نفوس (۱۷۳،۰۰۰) و ناحیه دلنا که در اطراف پایتخت و بندر بزرگ در یای راگون دارای جمعیت ۶۰۰،۰۰۰ می باشد قرار گرفته است.

سلسله کوههای طویل، سرحدات بلند و مرتفع در شمال غرب برما را از هند و پا کستان شرقی و همچنین در شرق از چین و لاوس و تایلند جدایی سازد از نگاه اقلیم بدون مناطق کوهستانی باقی حصص برما دارای آب و هوای استوائی است.

غذا و زراعت :

محصولات عمده زراعت درین سرزمین عبارت است از ارزن، برنج پنبه، لوبیا بادام زمینی، کنجد، برنج خوراک و صادرات عمده این مملکت می باشد خوراک دیگر آنها ماهی خشک سبزیجات است.

و بومیان برمه که غالباً در حوضه ابروادی زندگی می کنند فقط ۷۰ فی صد مجموع جمعیت کشور را تشکیل می دهند، قبل از جنگ جهانی دوم تقریباً یک میلیون هندی (که تقریباً بطور مساوی به هندو و مسلمان

تقسیم شده بود ، در ناحیه دلتا زیست می کردند، و با مور کاری ، تجارت زراعت ، اشتغال داشتند .

برما از ۱۸۲۴ تا ۱۸۸۵ طی سه جنگ از طرف بریتانیا تسخیر شد در ۱۹۴۸ این کشور علائق رسمی خود را با بریتانیا گسست و بصورت یک جمهوری مستقل درآمد .

مردم لسان ، مذهب :

مردم برما که دارای رنگ چلد نسواری هستند از نژاد منگولاید

مشکل میباشند سه ربع مردم را بر مائی و لسان آنها را نیز بر مائی تشکیل می دهد . از نگاه مذهب تمام بر مائی بودائی اند در حدود یک میلیون نفر از اقوام مختلفه هندی ، چینیائی و پاکستانی نیز در سرحدات و مناطق کوهستانی برما زندگی می کنند .

معارف :

تعلیم و تربیه در هر سن و سویه برای هر کس که از عهده آن برآید مجانی است . تعداد مکاتب دولتی

همه ساله زیاد شده می رود . تعلیمات عالی در پوهنتون رنگون و فاکولته های اطراف آن برای اکثر بر مائی میسر است .

پاکستان :

موقعیت و مساحت :

اطراف این مملکت را در غرب

افغانستان و ایران در شرق هندوستان

در جنوب بحیره عرب در شمال ایالت

سنگیانگ چین احاطه نموده است .



نقشه موضعی آسیای جنوب شرقی

خیانت ورزیدید. شما در روز دزدی نا انداختن نقاب بر چهره میخواستید تا قانون را فریب داده و پولیس را در پی بیگناهان دیگر برانید - شما آرزو داشتید با داشتن دستکش از تثبیت نشان انگشت خود مانعت ورزید اما صندوق نمات کار نشان انگشت شمارا باقطره از خون تان برای مدلل ساختن خیانت محفوظ نگه داشت و بر تطبیق آن باقسطی سگرت کمک نمود از پولهای بدست آورده تان طلای پوندی که در بالای میز کافی و رستوران بارفقای گرمی خود ارائه داشتید و با مقصوم شاه رفیق صدیقان خیال آب کردن را مذاکره مینمودید آیا انکار می ورزید. اگر اعتراف نکنید پلیس مجبور است تا صحنه های مکشوفه را یکایک به همان شکل که گذشته تر تیب داده بشمارا ارائه دارد .

نخبر جای انکار باقی نیست ، من به گناه خود معترف بوده و خود را در پیشگاه عدالت ، قانون و پولیس گناهکار و نزد فامیلم جنایت کار میدانم :-

سهردل پیش آمد و دستبندی که در دست داشت به دستهای او وسندرو مقصوم شاه انداخته بیرون از تالار محکمه برد :- (ختم)

فی صد باشندگان این سرزمین پیرو دین سبب اسلام اند اقلیت های مذهبی را در حدود ده میلیون هندو نیم میلیون عیسوی تشکیل میکند .

معارف :

مردم پاکستان باندازه ۲۰ فیصد از نعمت خواندن و نوشتن برخوردارند دوره تحصیلات ابتدائی معانی میباشد فعلا در پاکستان شش یو لئورستی (داکتره ، پنجاب ، سند ، پشاور ، کراچی راجنال) وجود دارد .

برای این میخواهم تا تو با اعتراف درست که خالی از اغراض و چشم پوشی باشد بانی دسته ۲ نفری تا نراه عموم معرفی کنی .

- بسیار خوب : آقای که مرا به وسواس انداخت و تان نشان دادن قصر های طلائی و نوید های میان خالی از راه بدر برد آقای (حمیدخان) خواه روز داده خانم محترم ماست ، که به .. آواز چیغ و فریاد گوشخراش از تالار برخورد و در ظرف کمتر از یک ثانیه که اوضاع بدین شکل چهره کشید حمید بدون اختیار از خود چون توپ از جا جهید و بیا ایستاد چشمها به صف فامیلی آقای (ج) دوخته شد و پچ پچ گفتار از هر گوشه بالا گردید. حمید با قهر و غصب فریاد کشید :

- دروغ می گوئید ، دروغ ... او میخواهد که پرده بر اعمال شنیع خود بکشد ...

- آقای حمید خان خاموش باشید بر اعصاب خود حاکم شوید قانون شمارا بادلانیکه در دست است محکوم مینماید و بجزا می رساند شما بانی این دسته بوده قراریکه سمندر می گوید حقیقتاً از چندی پیش ، خواتراً با همدستی این دونفر در منزل افضل به ترتیب نقشه توطئه مصروف و به خاله خود

عبارت از پنبه ، چای ، کنف میباشد تا کنون چندین فابریکات نخ تابی ، نساجی و صنایع کنف در پاکستان احداث گردیده است .

مردم ، اسان ، مذهب

مردم پاکستان غربی به اردو ، پنجابی ، هندی ، تکلم میکنند ، مردم پاکستان شرقی با العموم بگالی تکلم میکنند ، زبان درسی در تعلیمات عالی انگلیسی می باشد تقریباً ۸۶

مساحت آن در حدود ۳۶۵ هزار میل مربع و نفوس آن به ۹۴ میلیون نفر بالغ می شود ، پاکستان از لحاظ نفوس از جمله پنجمین و یا ششمین ممالک جهان محسوب می شود .

پاکستان که در سال ۱۹۴۷ از هند برطانوی جدا گردید شامل دو قسمت عمده میباشد .

۱ - پاکستان غربی ۲ پاکستان شرقی . این دو قسمت از همدیگر در حدود یک هزار میل فاصله دارند ، و از روی تقسیمات جغرافیائی پاکستان شرقی در جنوب شرق آسیا و پاکستان غربی در شرق میانه واقع گردیده .

پاکستان غربی : نسبت به پاکستان شرقی تقریباً پنج چند بزرگتر میباشد . اما از لحاظ نفوس صرف ۴۵ فی صد جمعیت پاکستان درین منطقه زیست نموده بقیه آن در پاکستان شرقی بود و باش دارند .

پاکستان شرقی : سرزمین نیمه استوائی بوده و اکثر نقاط آن بر نفوسی ترین مناطق جهان است پاکستان شرقی در شمال خلیج بنگال واقع بوده و در جنوب شرق با برما هم سرحد میباشد باقی اطراف آنرا هند احاطه نموده پخته ، برنج ، چای ، در آنجا بکثرت می روید .

شهرها :

از شهر های عمده پاکستان کراچی ، لاهور ، راول پندی نام برده می توانیم کراچی با داشتن دو میلیون نفوس تا سال ۱۵۵۹ پایتخت پاکستان محسوب می شد و از آن به بعد پایتخت به راول پندی انتقال داده شد .

اوضاع اقتصادی :

قسمت عمده اقتصاد پاکستان بروی زراعت استوار می باشد . با آنکه ۷۵ فیصد اراضی سرزوعی به تولید مواد غذایی تخصیص داده شده با آنهم یک مقدار زیاد گندم و غیره مواد خوراکی را از خارج مملکت وارد می کنند صا درات عمده پاکستان

جلوگیری از آتش در انجن طیارات

ترجمه و نگارش شکریره (الف)



۱- ممانعت از احتراق :
برای آنکه از وقوع حریق در دست اول ممانعت بعمل آید بایست منابع مایعات و مواد اشتعال پذیر مثل تیل و نل های هایدریالیک از منابعیکه احتمال بروز آتش از آنها متصور است مثل کامپوننت های برقی و غیره جدا و مجزا باشد و وصول باین هدف را میتوان توسط عملیه (منطقه بندی) حاصل کرد. بتر تیبیکه سوراخ و دریچه های انجن را توسط تیغه های پوشیده شده منقسم نمود یعنی طوریکه بایست منبع تیل و غیره مواد اشتعال انگیز در یک مجرا و رویه های گرم و داغ مثل پایپ های جت در مجرای دیگری وجود داشته باشد که باید

اموری است که بموجب آن چگونه میتوان از حریق ممانعت کرد. در ضمن این تجارب و تتبع مخصوصاً عملیات انجن های دارت (Dart) مورد غور قرار گرفته است زیرا این نوع ماشین های طیاره اغلباً ۲۵ ملیون ساعت از عملیات شان میگذرد.

ایجابات مصعونیت از آتش

حوادث و واقعات حریق در انجن طیارات پرا بلم عمده برای جهانیان بوده چنانچه همه با توافق نظر مجموعی تصمیم گرفتند تا دقیقترین اقداماتی روی دست بگیرند که بموجب آن برای جلوگیری از آفت حریق در پرواز هر گونه جد و جهد بعمل آورده شود.

تحقیقات جامعی در زمینه وقوع آتش در طیارات و جلوگیری از آن اغلباً در حرب عمومی دوم شروع گردید. و تا حال ادامه دارد. تجارب زیادی برای ممانعت حدوث آتش در طیارات کشف حریق قبل از شروع حریق و سیستم خاموش سازی آن بعمل آمده و دانشمندان امروزی در تهیه و ساختمان جهازات حین طرح کردن و دیزاین گذاشتن طیارات بیشتر از همه موضوع جلوگیری از حریق را در طیارات مورد غور و مذاقه قرار میدهند. همین اکنون در شرکت انجن سازی معروف انگلستان یعنی رولز ریس (Rolls, Royce) یک شعبه وسیعی مصروف تجسس در

کامپوننت های برقی درینصورت خود را (شعله پروف) جلوه بدهند. و اگر احياناً از طرف داخل کدام جرعه یاسپارکی رونماگردد این کیفیت را نایست اجازه خروج وسرایت بیرون بدهند بنابراین تا جائیکه اصطلاح به سعی بندگی متعلق است میتوان باتجویز و اجرات دقیق فوق تاحد ممکن از وقوع حریق ممانعت کرد.

۲- کشف وقوع آتش:

علی الرغم مجاهداتیکه برای جلوگیری از آتش بعمل میآید بازهم اشتباهاتی بروز میکند که متأسفانه بعضاً سبب احتراق و امحای کلیه ماشین های یک طیاره میگردد. ضرورت او لبتیکه در چنین موارد احساس میگردد عبارت است از کشف حادثه حریق و نشان دادن علائم آن به پیلوتان قبل از آنکه کار از کار بگذرد و چاره حصر گردد. وصول باین هدف را میتوان توسط آلات مخصوصی مثل (دکتورها) مهیا کرد.

آلات متذکره وقوع آتش را بتوانند از تغیر یا بلند رفتن درجه حرارت درک کنند که از اثر آن مقاومت صوری برق در دکتور تغیر مییابد این تغییرات الاخره چراغ سرخی را که بنام (چراغ اخطار حریق) موسوم است در پیش روی پیلوت روشن خواهد کرد و آنگاه عمل طیارات در پی چاره جوئی خواهند افتاد. چراغ سرخ دکتور هیچ خاموش نخواهد شد مگر آنکه آتش انجن خاموش گردد.

۳- خاموش سازی حریق:

آله آتش خاموش کن که عبارت از اجسام مجوف میتل بروماید (Methyl bromide) میباشد در تحت فشار هوا دارای نیتروجن بوده آنطرف بیرون نزدیک محل وقوع آتش قرار دارد و در موقع ضرورت از طریق نللهای مخصوص بیرون تراوش مینماید انجینی که حریق گرفته لازم

تنها خاموشی بزرگ است
و جز آن همه نشانه ناتوانی
است. (یکی از شعرای فرانسه)
نغمه و وزن موسیقی تأثیر
فوق العاده ای در روح انسان
دارد و اگر درست بکار رود
می تواند زیبایی را در رویای
روح جای گزین کند.

(افلاطون)

است قبل از آنکه عملیه خاموش سازی شروع گردد باید متوقف و خاموش ساخته شود تا بدینوسیله از ورود تیل و غیره مواد اشتعال پذیر (بشمول هوا) جلوگیری شده و در اصطلاح باتش دامن زده نشود. انجن تا وقتیکه کاملاً آتش آن متفی نگردد نباید چالان گردد زیرا احتمال دارد همان منبع آتش سازی با سو را خیکه از آن تیل بروز کرده مجدداً باعث احتراق گردد.

۴- مخاذن تیل:

هدف واقعی عمل طیارات در صورت بروز آتش همانا خاموش کردن حریق و یا تاحد امکان تقلیل خطر آتش است. تانکهای تیرا که در آن تیل وجود دارند دیوارهای اوشان اغلباً از فولاد یا تیتانیوم ساخته شده اند تا بتوانند مقاوم باشند فلز سبکی که در طشت های تیل نقطه ذوب آن ۶۶۰ درجه سانتیگراد میباشد شاید در تحت شرایط ستاتیک نتواند شعله آتش را بداخل طاقت بیاورد. اما اگر از طرف بیرون در مجاورت باد و هوای سرد قرار داشته باشند در آنصورت بسیار ممکن است همین فلز سبک را با کمک هوای سرد (آتش پروف) ساخت.

گذشته از آنکه در انتفای حریق از هر طرف با هر وسیله که مفید باشد

مجاهده بعمل می آید از جانب هم حتمی است تا مقدار تیل و غیره مواد اشتعال پذیر بریرا که در طیاره موجود باشد باید تقلیل داد و مسدود کرد معبداً نخستین مرحله که بیلوت اخطار وقوع حریق را ملاحظه میکنند باید فوراً انجن را متوقف سازد و اجازه ندهد تا تیل بیشتر به انجن جریان پیدا کند علاوه تا تدابیر جدی دیگری اتخاذ گردد تا تیل مابقی که در تانکها مصرف ناشده مانده است بزود ترین فرصت از تانکها بیرون کشیده شده از شر بان مخصوصی به مخزن دیگری دورتر از محل آتش جائیکه در آن خطر حریق کاملاً وجود نداشته باشد انتقال یابد.

وبالآخره کلیه نلله و شرائینیکه در آن تیل و مایع هاید ریالیک جریان دارد باید حتماً در برابر آتش مقاوم باشند. عباره دیگر (آتش پروف) ساخته شوند.

مواد چهارگانه فوق خلص اجرات و مساعی ای میباشد که موسسات طیاره سازی بمنظور حفاظت و مصئونیت و ممانعت از وقوع حریق در انجن ها و مخصوصاً در جهازات مدرن روی دست گرفته میکوشند تا بصرف نیروی اعظمی خویش خطر حریق را تقلیل بکشند معذالک بایجاد طیارات نو و انکشاف فن هوا نوردی پرابلم ها و مشکلات جدیدی عرض اندام میکنند بالخصوص پرواز های طیارات سوپرانیک که پرواز شان هنگام برخاستن از زمین قسم عمودی صورت میگردد و یا وقت نشستن شرایط جداگانه ای ایجاب مینماید اغلباً از لحاظ فشاری که بالای انجن میآید احتمال وقوع حریق میرود با وصف آن فابریکات طیاره سازی مایوس نیستند و ادعا میکنند که در پهلوی این مشکلات تخنیک، نو وجدید نیز بکار برده خواهد شد تا مصئونیت انجن ها را از ناحیه حریق تأمین نماید. (پایان)

آتیلایا بلائی آسمانی



تدخیص و نگارش : میر جمال الدین فخری

بریدمن دافع هوا

وسیلہ ای را کہ بتواند روم شرقی را از شر این بلائی آسمانی خلاصی بخشد فقط دراز بین بردن آتیلایا جستجو می‌کرد چه او میدانست بجز این غول شکست‌ناپذیر شخصیت دومی درهون‌ها نخواهد بود که خط‌مشی اساسی و عقاید و حشیانه او را جامه عمل بپوشاند بناً ویژلیوس یکی از مردان جنگی و باشہامت روم شرقی را وظیفہ داد تا بہ ہر ترتیبی کہ میسر است اتیلایا را بقتل برساند و بہ اینوسیلہ روم را

انتقال یافت و بہ نام گمنامی تحت تربیت قرار گرفت .
ہونوریا پسرش را بہ جز یک مراتبہ ندیدہ بود و تا اخیر عمر نتوانست دوبارہ او را ببیند و یا احوالی از او سراغ کند بجز وقتی کہ خبر مرگش را بدست پدرش آتیلایا شنید .
کریزا فیوس یکی از سیاستمداران زبده و با نفوذ امپراتوری روم شرقی کہ از بقدرت رسیدن آتیلایا و نفوذ روبہ ازدیاد او در ہراس بود یگانہ

ہونوریا کہ در قلمہ بار یولی اسیر و تبعید شدہ بود پسری بدنیا آورد کہ درست شبیہ پدرش اتل بود مگر این راز بر کسی برملا نشدہ بود بجز ہونوریا حتی ندیمہ ہای خاص او نیز ازین موضوع اطلاعی نداشتند .
پس از دو ہفتہ ہونوریا بنا بہ امریہ مادرش ملکہ پلاسیدیا بہ قسطنطنیہ نزد خواہر امپراتور روم شرقی آئو دوز منتقل شد و پسرش در قصر شاہی امپراتور روم غربی

از شر مهلک این مرد بیرحم خلاصی بخشد. گرچه و یژیلیوس شخص مدبری بود مگر بارقه اول اجرای این توطئه آنآ منطقی گشت و گماشته کریزا فیوس با مدارکی که خیانتهش را به اثبات میرسانید دستگیر و به امپراتور روم شرقی فرستاده شد.

سفرای آتیلا که این عمل را از تئودوز میدانستند بنا به اشاره آتیلا به داخل دربار امپراتوری روم شرقی به امپراتور به ناسزا گوئی مبادرت ورزیدند و در بدل این عمل خائنانه او در خواست کردند تا کریزافیوس را زنده و یا مرده با دو چند و زنش طلا به ایشان بفرستد و همچنین و یژیلیوس را خود نگهبان کند و در عوض صدچند وزن آن طلای خالص به امپراتوری هون ها ارسال نمایند.

امپراتور روم شرقی که از این عمل سخت به هيجان آمده بود از شدت جبن دم بر نیامورد و با کمال پستی شرايط غير قابل تحمل آتیلا را پذیرفت.

هونوریا که به وسیله ندیمه هایش از قدرت رسیدن آتیلا اطلاع یافته بود و مطلع شده بود که این آتیلاي خونخوار همان اتل است که او دوازده سال قبل به او علاقه مند شده بود و طفلی نیز از او بدنيا آورده بود سخت مسرور و شادمان گشت و از اینکه سفرای آتیلا به دربار تئودوز به مقصد «جنگ با صلح» وارد شده اند به شدت خورسندیش اضافه شد و خواست تا بوسیله آنها آتیلا را از حال خود خبردار سازد لذا نامه ای عنوانی آتیلا نوشت و توسط ایلدیکویکی از ندیمه های باوقای خود آنرا به فرستادگان آتیلا فرستاد مگر کریزافیوس که مواظب هونوریا و پولکریا خواهر امپراتور در کلیسا بود این نامه را قبل از رسیدن به سفرای آتیلا بچنگ آورد و به ترتیبی که ایلدیکو نیز از این

موضوع مطلع نشود و آنرا با دو نفر از ایلچی های خود آنرا به آتیلا رسانید و در ضمن نامه یاد دهانی کرد که هونوریا نیز در روم غربی عزیمت کرده است. در عین زمان کریزا فیوس به تئودوز پیشنهاد کرد تا مایه اصلی برپادی روم شرقی را از منطقه خود دور سازد و نزد برادرش والتینین امپراتور روم غربی بفرستد تا آتیلا به این وسیله متوجه روم غربی گردد و شر آن از سر روم شرقی کنده شود کریزا فیوس با این نیرنگ دیپلوماسی که به عمل آورد نه تنها جان خود را از مرگ حتمی نجات داد بلکه حیات مردم روم شرقی را نیز دوباره اعاده نمود و حمله سيل آسای هون ها را متوجه روم غربی ساخت.

* * *

در بهار سال ۵۱۴ میلادی حمله هون ها جانب روم غربی آغاز گردید هونها به تأسی از رسوم پارینه ای که داشتند هر جا رسیدند غارت کردند مردم بی دفاع را قتل عام نمودند و روحانیون هشتاد ساله را در محراب

موسیقی حالت درک و کشفی

است که از هر دانش و فلسفه ای برتر است. کسی که با عمق معانی موسیقی من راه یابد از بند تمام بدبختی هائی که مردمان را بدنبال خود میکشاند، آزاد خواهد بود. بتهوون

موسیقی عزیز ترین ولی نامطبوعترین سرو صداهاست حقیقتاً من سکوت را بر دل انگیز ترین نغمه ها تر جیح میدهم. گوته

به قتل رسانیدند زنها و اطفال را ریز سم ستوران خود نابود ساختند.

برای ارضای خواص دومنشانه خود جسد زنانی را که از تیغ بیدریغ شان جانی نیمه جان داشتند بر پشت شوهران شان میبستند و به ناموس شان تجاوز میکردند بعد هر دو را سر میبردند به این ترتیب هر جانی سر رسیدند همان منطقه را بنام های تفریحات ظریفانه با خاک یکسان میساختند و هر آن بقدرت و نفوذ خود میافزودند.

عقلای روم غربی از مدت ها وقوع این حوادث را پیش بینی مینمودند و باز گشت هونوریا را به روم غربی اساس این بدبختی میشمردند.

هونوریا پس از چندی که مخفیانه در قصر زندگی میکرد به میلان اعزام شد و در روز ورود در میلان از دلنگی زیاد اعزام جنوب ایتالیه گردید.

درین رومیان شایع بود که هونوریا با سناتور پیری بنام هرکولا نوسی ازدواج کرده ولی همینکه هیأت خواستگاری هونوریا از طرف آتیلا وارد روم شد و هونوریا را با همزه اش که نصف روم بود درخواست کرد این شایعه از طرف دولت غربی به حقیقت تأیید شد.

قانون روم تصریح کرده بود که انتقال اراضی بوسیله ازدواج ممنوعست این موضوع تا موقعی معطل ماند که رومیان از **قانون آتیلا** مطلع شدند.

تصرف جهان، تسلط یافتن بر همه جای آن و بعد درهم کوبیدن و نابود کردن آن... این بود افکار سیاسی و قانون اساسی آتیلا.

آتیلا پس از اینکه هیأت خواستگاری ناامید باز گشتند با سپاهی قریب پانصد هزار با اتحاد ژوپیدها، استروگوتهها روزها **Ruges** قران ریپویرها

Frans Ripoiros ، سارمات ها و عده زیادی از مردان جنگجو از نژاد ها و اقوام مختلف جانب روم حرکت ورزیدند .

آتیلای قبل از آنکه با قوای سرسام آور خود به شهری وارد شود گروهی از جاسوسان و عاملین او به نواحی نقاط مورد نظر او وارد میشدند و به انواع مختلف شایعاتی منتشر میساختند و مردم آن سرزمین را منقاد میساختند که هون ها مردمانی خوش رفتار و خوبی هستند از قناعت و بی آزاری ، از قدرت و توانائی از قضاوت و مردانگی هون ها داستانها میزدند و به آنها وعده میدادند که اگر هونها وارد این سرزمین شوند ظلم و ستم پاتریسینها (خانواده های اشراف) رشوه خوارها ، استمگرها ، عذاب های محصلین مالیاتهای کمر شکن روم رخت خواهد بست ولی همینکه آتیلا سر میرسید فقط سرمیبرد و پس زنده جانی را که این شایعات پوچ را تکذیب کند زنده نمیگذاشت .

اولین شهر که با سرسختی تمام در برابر یربریت آتیلا مقاومت کرد شهر سانابوم (اورلئان فعلی) بود که آنها تا اندازه ای به مدافعه پرداختند تا قوای عقبی از روم بسر رسید و به حملات و حشیانة هون ها خاتمه داد آتیلا مجبور به عقب نشینی شد و این اولین مرتبه ای بود که هون ها به شکست مواجه میشدند .

آتیلای میخواست خود را بین پشتاره ای از هیزم بسوزاند و این شکست مدهش و ننگین را به چشم نبیند ولی به این عمل دست نزد و از آن صرف نظر کرد . آتیلا به نواحی ژرمن ها برگشت و متحدینش آبیلاز او جدا شدند . در بن نبرد آتیلا از قوای خود (۶۰۰۰۰) کشته داده بود .

ایتالویها این پیروزی را با شادمانی های هیجان انگیزی جشن گرفتند و چندین ماه طبل خوشی در سراسر امپراطوری روم نواخته میشد .

قریب یکسال بعد فرستادگانی از جانب آتیلا وارد دربار روم غربی شدند و ضمن بیانات غرای خود هونوریا را با جهیزیه اش مطالعه کردند . اینبار رومی ها سفر ای آتیلا را

موسیقی برای بیان موضوعات دقیق بوجود نیامده است . ابهام شایسته آنست هر چه موسیقی غیر دقیقتر باشد نیرویش بیشتر است . بیشتر الهام میبخشد . برلیوز موسیقی کشوری است که روح من در آن حرکت میکند .

در اینجا هر چیز گلهای زیبا میدهد و هیچ علف هرزه ای در آن نمیرود . اما کمتر هستند اشخاصی که بفهمند در هر قطعه از موسیقی چه شوری نهفته است .

در همه چیز موسیقی است برای کسانی که گوش شنوا دارند . لرد بایرون

به یاد مسخره گرفتند و به ریشخند و ناسزا از روم بیرون شان کردند . امپراتور روم غربی به سفر ای آتیلا تمسخر آمیز داد زد :

« مگر آتیلا شکست خود را

فراموش کرده است ؟ »

چند هفته بعد خبر رسید که آتیلا در رأس سپاهی عظیمتر از پیش با قتل و غارت و حشیمانہ تر از جبال آلپ

گذشته و جانب روم می تازد شهر آکیله که حصارای نفوذ ناپذیر داشت بوسیله نیرنگهای غارتگرانه آتیلا در هم ریخت سپاه چهل هزاری آتیلا با هجوم سرسام آوری وارد شهر شدند و شهر آکیله را به آتش کشیدند . آتیلا میدید همان قصریکه حاوی آن تابلوی ننگین بود در حال سوختن و از هم پاشیدن است . آتیلا با رضایت خاطر خنده ای و حشیانہ که مظهر احساس دو منشانه و انتقام جویانه این مرد هونی بود سرداد .

آتیلای امر داد تا اهالی شهر آکیله را بجز فرماندهان و طبقه اشراف آنرا که در قصر دستگیر شده بودند از تیغ بکشند و اسرای خاصه اش را نزد خودش بیاورند . در جمله اسرای خاص جوانی بلند بالا که در حدود بیست سال داشت ناسزاگوئی های این مرد وحشی را نتوانست قبول کند . بنابراین جستی زد و کارد یک نفر هونی را از بغلش در آورد و به شاه هونی حمله ور شد مگر قبل از آنکه به مقصد نایل شود به زمین در غلطید این جوان به امر آتیلا به فجیعترین وضعی به قتل رسید بالاخره معلوم شد که این جوان گستاخ فرزند آتیلا بود مگر آتیلا نمیشناخت و نمیدانست این جوان بیچیا کیست .

قوای آتیلا لحظه به لحظه پیش میرفت و هر آن اضافه میگشت خبر ویرانی شهر آکیله بدست آتیلا و خطر یورش او به روم سراسر روم را به واهمه دچار ساخته بود . سیاستمداران و سناتور های رومی این تهلکه را درک کرده بودند و همه در فکر این بودند تا چگونه راهی برای نجات ثروت وافر خود جستجو کنند و از شهر روم به یک نقطه دور دستی متواری شوند و به آسایش خاطر به زندگی ابدالی خود بپردازند و البته امپراطور روم نیز آرزو

داشت با سپاهش به قسطنطنیه فرار کند. برای اجرای این عمل از لئون اول پاپ روم که مردی با تدبیر و پرهیزگار بود مشورت خواست از آنجائیکه لئون مردم مجرب و وطنپرستی بود و بقای ملتش را از بقای خود سر جحتر میدانست در مصلحت امپراتور چنین بیانات داد.

«چشم مردم روم همه بتوست. تو باید برای نجات روم عمل کنی نه برای نجات خود... باید نزد آتیلا برگردی و با او کنار آئی و مردم روم را از شر این تهلکه نجات ببخشی.»

والتیمین از وحشت آتیلا نزدیک بود قالب تمی کند بنا به این مصلحت تن در نداد میخواست به عقیده خود عمل کند مگر پاپ لئون اول به او وعده داد که در غیر اینصورت خود او مجبور جلو این حمله وحشیانه آتیلا را بگیرد. ازین لحاظ آن مرد روحانی به امپراتور چنین گفت:

«من خودم به ملاقات آتیلا خواهم رفت زیرا مرگ وزندگی روم وابسته به این امر است.»

پاپ لئون اول با هیأتی مرکب از دو سناتور و دو مرد روحانی جانب لشکر گاه آتیلا شد بعد از چندی راه بیمائی خود را به آتیلا رسانیدند آتیلا که لئون را بیست سال قبل در شهر آکیله دیده بود و از او خوشش آمده بود شناخت و با پیشانی باز که مغایر خواص او بود این مرد روحانی را پذیرفت و قبل از آنکه لئون به ایراد مطلب پردازد گوشزد کرد که پیشنهادش در مورد عدم تعرض به روم و پشتیبانی از امپراتور پذیرفته نخواهد شد.

لئون از موقعیتی که نزد آتیلا وحشی داشت استفاده کرد و در ضمن صحبت، حملات آتیلا را جانب روم بیموده خواند زیرا آتیلا خودش یسر خود را که از هونوریا بوجود آمده بود به وضع فجیعی کشته بود و

هونوریا نیز که از خبر مرگ فرزندش آگاه شده بود به خود کشتی دست زده بود.

بیان این مطالب آتیلا را منقلب ساخت غیظ و غضبی که در او بوجود آمده بود میخواست تمام ایتالیه و جهان را به آتش بسوزاند مگر همینکه سپیده دمید سناتور ها از خیمه خود نگاه کردند که عون ها همه در حال بند و بار کردن خیمه ها و خرگاه های جنگی خود استند این امر سناتور ها را به لرزه انداخت زیرا آنها فکر میکردند که هم اکنون روم مورد تاخت و تاز این وحشی ها قرار خواهد گرفت و اولین قربانی این حمله ایشان خواهد بود. مگر نه اینطور نبود. هون ها عقب می نشستند و به حملات خود خاتمه داده بودند و آهسته آهسته از پشت دیوار های روم دور میشدند. و قبل از آنکه لئون به روم برگردد خبر عقب نشینی هون ها سراسر روم را فرا گرفت.

* * *

بعد از چندی آتیلا دو باره به تعهداتش پشت پازد و شام یکی از روزهای آفتابی از خیمه اش بیرون شد و به مردمش فرمان داد:

« فردا... فردا دوباره اسپان خود میشینیم...»

هدف و مقصد ما روم است روم!!! مگر این آرزو انداء جامه عمل نپوشید.

آ تیلا شب هنگام در نتیجه نوشیدن شراب وافر که هیچگاه ننوشیده بود به یک خونریزی مغزی مبتلا شد. ریه هایش پر از خون گشته بود و همان شب در خیمه اش در حالیکه در بستر افتیده بود سرد.

امپراتوری آتیلا پس از مرگ او در اثر اختلافات بین سرداران هونی از هم منلاشی شد و در اندک مدت از بین رفت و در اثر از هم باشند این قوم دنیا دو باره نفس را حتی کشید.

(انتها)

هنر موسیقی

موسیقی ابتدا و انتهای زبان است هما نظور که احساسات ابتداء و انتهای عقل و افسانه ابتدا و انتهای تاریخ است. و اگر

موسیقی جز منحنی اصوات چیزی نیست، خط مستقیم در موسیقی جز احداث يك صدا معنی ندارد. علی دشتی

موسیقی بخودی خود پر دامنه ترین هنرهای زیبا بوده و همه طبیعت را شامل میشود و اگر تنها هنرش بنامیم از ارزشش کاسته ایم.

نیکلایویچ سروف

موسیقی برای ادامه حیات بشر ضروری است، موسیقی قوه تدقیق، هوش، حس مشاهده، استنباط و بالاخره عواطف روحی بشر را می افزاید. شما ثقیلترین روح را در اختیار من بگذارید، من قادرم که بنروی موسیقی ثقل و کدورت عارضی را از روان او زدوده، مردی هوشمند و سنجشور بشما تحویل دهم.

افلاطون



هیپنوتیسم

تیپ ریکار در نقش هیپنوتیسم و معلم

وقتی شخص به دردندان مبتلاء میشود ناگزیر نزد داکتر دندان مراجعه میکند. داکتر معالج بعد از یکسلسله معاینات دربی تداوی آن میافند در صورت لزوم دست به پیچکاری زده و در وجود مریض تزریق مینماید. این عمل اغلب دریدن انسان باعث ایجاد ناراحتی میگردد.

شده از وی استفسار نمود چو ابیات اطمینان بخش شاگرد اعضای ممتحنه را بشگفت آورد.

شاگرد بعدی به میثود مذکور علاقه مند گردید کسه بعد از طی چار سال در غیاب دکتور ماریو بیلینی آنرا تکرار و عملی میکرد و وقتی این طریقه مؤثر و مفید ثابت شد تیپ ریکار در نقش متخصص هیپنوتیسم را بعهده گرفت برتیبیکه سخنرانی سه دقیقه‌ئی دو کتور ماریو بیلینی روی نوار تیپ ریکار در ثبت گردیده و شنیدن آن شخص را بخواب هیپنوتیسم فر و میبرد همچنان موضوعی را که میخواست تدریس نماید مشترکاً ثبت میکرد.

کشف نمود. چه، ماریو بیلینی مشاهده کرد که مریضان وی تمام سخنان را که حین خواب هیپنوتیسم به آنها گفته میشد نسبت به حالت عادی بهتر بخاطر می سپرد.

یکی از شاگردان لایق که برای امتحانات آمادگی گرفته بود و کلمه مواد معاونت تدریس نیز در اختیار داشت مورد خطاب دو کتور ماریو بیلینی قرار گرفت و به وی چنین اظهار کرد: «شاگرد عزیز! میخواهم به تو کمکی بنمایم» شاگرد بعد از آنکه بوسیله هیپنوتیسم خوابش برد معلم یکی از مشکلترین مباحث کتاب را برایش قرائت نمود هنگامیکه راجع به موضوع قرائت

یکی از دکتورن حاذق و ماهر ایتالیه موسوم به ماریو بیلینی بیک طریقه کاملاً موثری را بکار برد بنحویکه شخص مصاب را به حالت هیپنوتیسم (خواب مصنوعی) در آورده و مریض بدون احساس اندکترین ناراحتی تحت عملیات قرار گرفت و کشیدن دندان را موقتانه انجام داد دیری نگذشته بود که دکتور مذکور امراض دیگری از قبیل ایندکس، بیخوابی و انحطاط روحی را تحت چنین شرایط تداوی و معالجه کرد. طرز تداوی در حالت هیپنوتیسم آدرجاً توسعه یافت ولی ماریو بیلینی در اثناء تداوی مریض حادثه شگفت انگیز و دلچسپی را

در شهر بر گامو ایتالیا ۱۵ تن از شاگردان تحت چنین آزمایش قرار گرفتند معلم موضوع درس را تشریح داده بعداً آنرا روی نوار تیپ ریکار در ثبت نمود، روز مابعد همه شاگردان به خواب هیپنوتیسم فر و رفتند و آنچه را که روی نوار ثبت گردیده بود شنیدند.

بیدار شو! بیدار شو! صدای ماریو بیلینی همه شاگردان را مجبور ساخت تا سر خود را بلند نمایند. در اینجا وظیفه متخصص هیپنوتیسم خاتمه مییابد و معلم شاگردان را یکی (بقیه در صفحه ۹۳)



تشخیص امراض از روی خطوط کف دست

علمای طب در تشخیص خصوصیات روحی و جسمی افراد سعی می‌ورزند تا اندکترین اشتباهی و لولنه‌ایت جزئی



و قلیل هم باشد دچار نشوند این موضوع مدت مدیدی توجه اطباء متبحر و خبیر سراسر جهان را بخود جلب نموده تحقیقات مزیدی در زمینه بعمل آوردند چنانچه درین اواخر دکتوران مرکز طبی آیالت نیویارک بعد از اجرای یکسلسله مطالعات و معاینات بالای یکعده اطفال نوزاد که مادران ایشان در ماه های اول حاملگی بمرض سرخکان مبتلاء شده بودند موفق بکشف یکتعداد علامات و خطوط غیر طبیعی در کف دست های ایشان شدند به همین علت دکتوران معالج به معاینات دامنه داری متوسل گردیدند و امراض متنوع را در وجود آنها تشخیص کردند این علامات در مورد تشخیص بعضی امراض



باد کتوران مساعدت و معاونت شایانی نموده و در صورت روئیت علامات متذکره بلا تامل بتداوی و معالجه آنها می‌پرداختند . دکتوران اطفال به تعقیب تحقیقات و تجارب علمی اظهار عقیده کردند « مادرانی که در دورانی حاملگی دچار مرض سرخکان گردیده باشند نوع علامت در کف دست های اطفال شان تپارز مینماید . »

۱- شکل غیر طبیعی حلقه ها

در تمام انجام های انگشت ها خطوطی بشکل حلقه وجود داشته بصورت عادی و طبیعی از بالا به پائین توسعه مینماید . مرض سرخکان در دوران حاملگی باعث میگردد که خطوط و یا حلقه های مذکور در اطفال نوزاد بصورت معکوس بوجود آید .

۲- خط سیمیان

در کف دست اشخاص سالم و عادی دو خط عمودی بنظر میخورد که یکی را « خط قلب » و دیگری آنرا « خط عقل »

(بقیه در صفحه ۸۱)



اساسات تكتيكي و تخنيكي حرب گريلا

پر جهن ريت چين گمر نجر ب

گرامي در حال حاضر در مبارزات مليون عدن عربستان مورد برسي و غور قرار داده ميتواند وياد در جنگهاي ویتنام .

الف: تدارك سلاح و مهمات براي نبروهای گريلا

در حال حاضر در يك حرکات کتو انسيونل . سلاح ها و وسايط حربيه که از طرف دشمن مورد استعمال قرار ميگيرد براي پارتي زانها چه از نگاه غايه و چه از نقطه نظر تاثير بسيار وحشتناک و خطير ميباشد ولي اعتراف بايد کرد که در برابر ميتود و تاکتيک که پارتي زانها در ساحه عمل قرار ميدهند به حرکات اوشان يک واسطه نهنائي و قطعي محسوب شده نتوانسته و مؤثر واقع نميگردد تهيه و تدارك خوار و بار و اسلحه براي قوت هاي گريلا بعيد و مشکل نيست . خردن وسايل حربي از اهالي ممکن به نظر ميرسد . جمع کثيري از عايله هاي مردم به منظور استعمال ، در حال ايجاب مالک اسلحه به چاپهاي مختلف ميباشند همچنان در قرار گاه هاي قوت هاي آسايش و امنيت حکومتي نيز سلاح موجود است . علاوه برين براي قوتهاي پارتي زانهاي محلي در اعمال تخانه هاييکه در محلات مختلف تاسيس و انشا کرده خواهد شد تفکک پياده از قبيل قره بين وغيره اعمال شده ميتواند .

کشتن و ترور ، افراد نظامي و سياسي دشمن در يك منطقه و يا چند منطقه براي خسته کردن و عصياناي نمودن دشمن .
۳ - مرحله حملات علني يا مرحله حملات مقابل بدشمن يا نبروي منظم نظامي .

ماتودر سال ۱۹۴۶ تا سال ۱۹۴۹ در جنگهاي داخلي چين مراحل سه گانه آن را با موفقيت آزمايش کرد چنانکه مي دانيم تعداد سر بازان مارشال چيانکا شنيک در جنگ هاي داخلي در حدود ۴ ميليون نفر بود يعني پنج برابر نبروهای مائو ، ولي در همان ايام نبروهای مائو ۱۶ ايالت چين را باحد ۴ ميليون جمعيت آن کنترل ميکرد و به مجرد آنکه جنگهاي داخلي چين در مرحله سوم شد يعني حملات علني نبروهای انقلابي مائو شروع گرديد قوت هاي منظم چيانکا شنيک از ۴ ميليون نبريه يك ميليون و يا ۹ صد هزار نفر رسيد و در همان حال نبروهای کوچک مائو بعد از سه سال جنگ تعداد اش به ۱۰۶۰۰۰۰۰ نفر افزايش يافت .

يعني به همان طريق که حدود نبروهای منظم چيانکا شنيک بطور منظم کاهش مي يافت نبروهای مائو هم بطور تصاعدي افزايش مي يافت همچنان اين سه مرحله را خواننده گان

در فصل گذشته در مورد اهميت جنگ هاي پارتي زاني تفصيلات داده شده است در اینجا ميخواهم چند مثال ديگر را به خواننده عزيز عرضه نمائيم .
«يك گروه کوچک با يك ايده لوزي واحد ميتواند با کمک و حمايه مردم به مقابله دشمن چند برابر قوي تر از خود برخاسته و او را شکست دهد»
در سال ۱۹۶۲ قوت هاي پارتي زاني الجزائر در برابر نبروهای اضافه از نيم مليوني فرانسه که بامدرن ترين اسلحه و تجهيزات عصر مجهز بودند مقاومت هايي نمودند تا که به آزادي کامل نائل آمدند باز همين قوت هاي گريلا بودند که قوت هاي (۵۰۰۰۰۰۰) نفري فرانسه را از هند چين رانند . مبارزه و مقاومت پارتي زانهاي يوگوسلا و يانوانستند که ۲۰ فرقه مجهز نازيها را آنقدر معطل نمايند تا که اردوي سرخ اتحاد شوروي مانند قيچي بزرگ عظيم از پشت سر آنها را دو نيمه کرد . مائو رهبر چين کمونست جنگ هاي گريلا را به سه مرحله تصنيف نموده است .

۱ - مرحله عرض اندام يا مرحله جنگ و گريزو و خرابکاري در يك ناحيه و يا چند ناحيه از يك منطقه جغرافيايي معين .
۲ - مرحله تعادل قوا يا مرحله

ب: نامین مهمات نیروهای گریلائی به اصول های زیر صورت پذیر میگردد.

۱- از قطعات قدمه های بزرگ قوت های دوست اكمال نمودن.

۲- خریدن از مردم و یا بیک شکل مناسب و معقول از اهالی نامین کردن.

۳- به قطارهای نقلیات اكمال دشمن باصقین اجرا کرده و بدست آوردن.

۴- از مهمات که دشمن ترك و از خود باقی گذاشته استفاده کردن.

۵- از مواد اكمال که از ساحه محاربه نجات داده شده استفاده نمودن.

۶- مهماتی که بالذات از طرف سازمان تشکیلات گریلا اعمال میگردد.

(از قبیل بم دستی و دیگر مواد منفجره) استفاده کردن.

۷- موادی که توسط خود پرسونل اعمال میشود.

۸- در اواییکه عملیات جنگی پارتی زان ها در جریان است از ساحه محاربه بدست آوردن.

۴: سازمان و تشکیلات نیروهای گریلا

الف: قوت های گریلا مانند قطعات اردوی نورمال مشکل نمیگردد.

خصوصیات کرکتر ستیک قطعات پارتیزانی، از قبیل بزرگی و جسامت

مخلف اجرای حرکت مستقل، قابلیت تعدیل و تبدیل سریع در تشکیلات

آن ها، میباشد. از اینجاست که خصوصیات اساسی قطعات گریلا را

از نقطه نظر تشکیلات و حرکات الاستیکی تشکیل میدهد. بر اساس

این اصل در مورد سازمان و تشکیلات قوت های گریلا پرنسب های آتی

الذکر در نظر گرفته شده میتواند.

۱- لزوم احتیاج به موجودیت رهبران سیاسی که اینها که میسرهای

سیاسی شده میتوانند.

۲- لازم است که قوت های گریلا طور مشکل ساخته شود که قطعات

خوردترین آن قابلیت انجام حین های حربی را دارا بوده و بشکل که خود بخود وظیفه را انجام داده توانسته تکمیل باید باشند (یک دلگی گریلا را یک قوماندن دلگی و یک معاون قوماندان دلگی و از ۱۲۰۹ نفر گریلاجی تشکیل شده میتواند).

هر قوماندان و یا قطعه محارب باید بخود اعتماد داشته و حائز خصوصیت حاکمیت و مکملیت بوده

من دیده ام که درجه سعادت

اشخاص مربوط باراده و میل

خود آنهاست. لیسنگان

فرق بین سعادت و خود

مندی اینست که آنکه خود

را خوشبخت میانگارد از

همه نادانتر است.

گولتون

سعادت نتیجه يك زندگی

عقلانی است. اسپسی نورا

بمحض اینکه از خود

سوال کردی: «خوشبختم

یا نه» سعادت ترا ترك خواهد

گفت. جان استوارت میل

و قطعه میبایست سوق و اداره مستقل را مالک و هم چنان در حرکات محاربه قابلیت حرکت مستقل در آن ها وجود داشته باشد. خاصاً در عملیات مقاومت بطور عمومی آزادانه و مستقل فعالیت هایی را انجام داده بتواند.

ب: در بنیه عمومی تشکیلات گریلا (یا قوت های دایره) اقسام آتی موجود شده میتواند.

- قطعات صحیه.

- مفرزه های تخریب.

- قطعات کشف.

صنعت کاران که سلاح اعمال کرده میتوانند و دیگر صنعت کاران اما نقضه مورد نظر در اینجا اینست

که هر قطعه به داخل تشکیل مخصوص خود جای داده شده و فعالیت های خویش را بخودی خود پیشبرده بسر رسانیده بتوانند در بعضی احوالات يك قسمی از قطعات گریلا (پارتیزان) نظر به عوامل و امکان فعالیت ها و محلات که در آنجا جاگزین و به عملیات می پردازند سلاح های مفرزه های هاوان و ماشیندارهای ثقیل رانیز صاحب و در اختیار داشته میتوانند. ج- در سازمان و تشکیلات قطعات پارتیزان، منسوبین از نقطه نظر سن و سال و جنسیت های شان تصنیف شده میتواند از زنان جوان (بجال مفرزه های زنان) متشکل ساخته شده میتواند. ولی از کلان سالان و ضعیف تر های اوشان (بشکل قطعات تعمیر و ترمیم و تطهیر و تصفیه بوجود آوردن ممکن است) از اطفال کمتر از ۱۶ سال (قول های جوانان و از آننیکه ۱۶ الی ۴۰ سال عمر دارند بحال (قطعات محافظ) نور مال و از کهن سالانیکه از سن ۴۰ سال متجاوز و زیاد تراند طوری متشکل میگردد که در امور ایقاظ خبر و پیره داری و نوبت چینی محلی از آنها استفاده گردد روسیه شوروی بنام (قطعات انقره مویها) تشکیلات کلان سالان پارتیزانی را بوجود آورده اند که در محاربات اشتراك می ورزند.

امور صحی و مواد اكمال برای قطعات گریلائی

الف: از جمله انواع مختلف احتیاجات مورد نیاز قطعات گریلا امور اكمال و صحیه شان دارای اهمیت مطلق حیاتی میباشد مسلم است که اگر از حرکات پارتیزانی در بالای مقدرات حرب رول عنصر مؤثر آرزو برده شود پس لازم و ضرور است که امور اكمال غذا و آب قطعات گریلا تهیه و تامین شده و هم به مسایل مانند تدای زخمیان و مریضان و تخلیه آنها بطور صحیح و منظم عمل کرده باید شد. به همان اندازه و مقیاسیکه در موجود حجم قطعات پارتیزانی افزایش و تصاعد بعمل می آید به عین تناسب در حل مسایل امور اكمال.

وصحیه آنها نیز مشکلات عظیم و بسیار بزرگ به بار می آید.

ب: پارتیزان ها به منظور تأمین و تدارك مواد اكامل و اعاشه خودها بر مردم و اهالی غیر نظامی منطقه که در آن حرکات اجرا میدارند مطمئن بوده و اعتماد داشته باشند. مگر با وجود آنها درین مورد بعضی مسایل اساسی وجود دارد که نباید از نظر کنار گذاشته شوند اینست که به ذکر بعضی از آنها می پردازیم.

۱- مناطقی که پارتیزان ها در آن مبارزه و عملیات اجرا میدارند از هر نقطه نظر فقیر و ضعیف شده میتواند درین گونه احوالات پارتیزان ها بدرجه کافی مواد اعاشه را دریافت کرده نتوانسته و یا گفته شده میتواند که با وجود موجودیت اهالی در منطقه قلت مواد مذکور حکم فرماست.

۲- پارتیزانها در بعضی احوالات نسبت رویداد های اوضاع تخلیه دیوها و از دست دادن مواد غذایی موجوده اهالی غیر نظامی منطقه بنابر عمل تضیق و تحدید دوامدار و روز افزون دشمن روبرو شده میتوانند.

۳- در مناطق تحت کنترل قوت های طرفدار دشمن و خائین چون مردم برقوت های پارتیزان اعتماد نمیداشته باشد مواد اكامل و خوراکی خود را از آنها پنهان و هم احتمال ندادن مواد مذکور به پارتیزان ها موجود شده میتواند کذا احوالات هم روی داده میتواند که مواد اكامل خود را پارتیزانها از مردم خریداری کرده و یا خود اوشان زرع نموده بهره برداری میدارند....

فقط بصورت عمومی قوت های گریلا باید از مناطقی که به آنها تخصیص داده شده بسیار زیاد بعید نگردند زیرا در صورت بعید شدن در هر کیلومتری که جدیداً دوری بسته اند بر مشکلات امورا اكمان يك مشکلی نوینی را افزود ساخته اند.

ج: دشمن از نقطه نظر مواد خوراکی و چه از نگاه تدارك و تهیه اسلحه یکی از جمله منابع مهم اكامل

بشمار میرود يك قسم فاضله این مواد خوراکی و جبهه خانه که از دشمن بدست آمده حالات هم موجود شده میتراوند که بر مردم غیر نظامی حمایه کننده دوست توزیع شود ...

د: نقطه حیاتی و مهم که دایماً در حافظه نگاه داشتن آن لازم است اینست که در اکثری احوالات كهك و معاونت كتله های مردم برای پارتی زانها يك احتیاج و ضرورت مطلق و قاطع را تشکیل میدهد. يك سیاست مؤثر و اجرای تشریک مساعی جمعیت های خلقی مناطق با همراه پارتیزانها از ضروریات بسیار مهم است...

ه: احوالات موجود شده میتراوند که در داخل پارتیزانها مخصوصاً قطعات صحیه وجود نمیداشته باشد. در اینصورت بطور شاید و باید در امور صحی پارتیزانها امکان رسیدگی موجود شده نمیتواند. مالز مه طبی و یا ادویه که در زمان محاربه از دشمن بطور غنیمت بدست آورده شده است استعمال شده میتواند، در بسیاری احوالات دریافت همشیره ها، دوكتور، سامورین صحیه ازده و کسبات نزدیک و جوار و یابرسنلیکه به طبابت مشغول میباشند ممکن شده میتراوند اگر بدخل تشکیلات پارتیزانها قطعات صحیه داخل کرده شده باشد اینها تهامی امور طب و قایوسی، معاونت نخستین و خصوصیات تداوی را انجام میدهند.

پایگاه ها (موضع) برای قوت های پارتیزان

الف: وجود پایگاه برای نیروهای گریلا یکی از ضروریات است، طبیعاً این پایگاهها تسهیلات سترواخفا را حاوی بوده مانند مناطق کوهستانی که به آسانی مدافعه شده بتراوند در محلات لازم از همدیگر بمسافات بعید تأسیس میگردد اما با وجود این هم در صورتیکه وضعیت و شرایط ایجاب نماید در محلات تا مساعدتر نیز ضرورت تأسیس مواضع و پایگاه برای پارتیزانها حاصل شده میتراوند مثلاً در بعضی احوال مجبوریت تأسیس پایگاه در مناطق هموار به اوشان حاصل میشود.

ب: پایگاه های پارتیزانها به انواع و تیب های آتی الذکر جدا میشود.

۱- پایگاه های اساسی اصلی.

۲- « معاونه.

۳- « احتیاطی.

۴- « ساختگی.

محل و وضعیت پایگاه اصلی به صورت مطلق مخفی و سترواخفا کرده شود، در برابر موجودیت احتمال کشف و تثبیت پایگاه اصلی، از پایگاه های معاونه متعدد و زیاد کار گرفته باید شد، کار گرفتن ازین پایگاه های معاونه خواه به مقصد دفاعی و خواه به منظور امنیت باشد در امور تدابیر و اتخاذ امنیت اینها کدام فرق وجود نداشته و بطور مساوات ادامه داده باید شد.

از پایگاه احتیاطی. در زمان کار گرفته میشود که پایگاه اصلی استعمال نشود و یا از حالت استعمال خارج شده باشد یعنی درین گونه احوالات موضع احتیاطی بحیث موضع اصلی استعمال میگردد ...

موضع ساخته گی به مقصد و منظور فریب دادن دشمن و توجه ساختن دقت و فعالیت پالیدن آن بیک استقامت غلط تاسیس کرده میشود. در بسیاری دفعات مواضع ساختگی. تضیق دشمن را از بالای موضع اصلی و اساسی تیت ساخته و خفیف کرده و اینگونه فواید مهم را تأمین میدارد.

قوت های پارتیزان تا زمانیکه دشمن به منظور تصنیه و ازین بردن آنها به فعالیت و عملیات آغاز نکرده باشند از عقب نشینی به استقامت مواضع اصلی و یا معاونه بطور قطعی اجتناب ورزند امثال این گونه مواضع پارتیزانها از کتله های مردم باید تجرید کرده شده باشند با مردم برای حاصل کردن تماس به منظور رفع احتیاجات مورد ضرورت تأسیس نمودن نقاط متوسط لازم است.

زمانه مطالبو خو تکی ...

آقا محمد (بیغرض)

- ۷ -

د وجود د غښتلتیا نوری لیاری :-

جمناسټک په دوه یادری ډوله ده یو داچه سپورت مین په مستقل ډول یی له کوم اتکائی امبابه څخه په دو پښودریږی او دا حرکت اجرا کوی چه (دیو) او (دوه) په شمیر پورته کیږی او کښینی بل دوم حرکت دی، دا حرکت داسی اجرا کیږی چه سپورت مین دیو لرگی په استناد په دی ترتیب چه دلرگی له یوسر څخه اخستل کیږی او بل سرئی

پیمبران او هغه لوی اشخاص چه
تیر شویدی فقط نه یواځی داچه د دوی اعمال او کردار د آینده نسل سر مشق گرځیدلی دی بلکه د سوژن د وړک کولو او له مینځه وړلوله کیله دهر کار او هر عمل په باره ډیر غور او تعمق نه پس دا اجرا مشوره ور کړیدی او همدا وجه ؤ چه هغوی ډیر لیر داشتباهاتو په او بوډوب شویدی ځکه کوم عمل چه ډیر لیر شاتته اشتباه پکښی موندل نه اجرا کولئی او کوم خبری چه د حقیقت څخه لری والی درلود نه ئی له خولی څخه ویستل؛ انسان باید ډیر کوشش و کړی چه دبد گمانی او اشتباه په تیارو کی سر گردان نشی چه دا بد گمانی نه یواځی د انسان موقعیت متزلزل کوی بلکه د وقت د ضیاع سبب هم گرځی او د ډیرو نورو بد بختیو او دکورنیو او قبیلو دهلا کولو لار پرانیزی . . .

که انسان وغواړی چه داشتباهگانو څخه ځان وژغوری او دهغه له کبله څرنگه چه وموویل په ډیرو بد بختیو اخته نشی باید په هر کار کښی دغور او تعمق او ډیر تعقل او تفکر او مشوری

او نور شاقه کارونه . . . او دجمناسټک د سپورت په اثر د وجود ټول غړی ډیر متناسب او شایسته کیږی او د انسان د ژوندانه د ډیرو خوشیو او نشاط یواځنی سبب گرځی .

اشتباه او دهغه ناوړه عواقب :-

انسان پخپل ژوند کښی د بعضی اشتباهاتو مرتکب کیږی او کله کله داهم ممکن کیدای شی چه اشتباهگانی د بشر لپاره د وقت، مال، آبرو او پت او حتی د ځان د ضیاع سبب وگرځی . اشتباه او سوژن د اعتماد د نشت والی او په امورو کښی د تحقیق او تحقیق څخه کار نه اخستل له کبله سینڅ ته راځی او هغه کسان چه هر شی ته په آفاقی او سطحی نظر گوری او آفاقی قضاوت کوی او ډیر زړ په قهر کیږی او عصیانئ سپری وی ډیر زر د اشتباه مرتکب کیږی .

دهوش او ذکاوت خاوندان او هغه کسان چه متین او ارثی حوصلی ولری د سوژن څخه ځان ساتی؛ د حقایقو په برخه کښی ایمان لرل، بصیرت په امورو او په کارو کښی دښه او معقول فکر څخه کار اخستل د خپل احساسات او هیجانات کنترول کول د سوژن په لاره کښی هم دلو یو خنډو اسباب گرځی .

په منځه ایښودل کیږی خپل سپورت شروع کوی دا حرکت د لرگی په استناد صرف دا گټه لری چه د سپورت مین موازنه ښه ساتی او د وړنو او غاړی دحر کاتو شرایط ښه سمبالیری دریم حرکت دجمناسټک دادی چه سپورت مین د کوتی په کنج کښی دا حرکت شروع کوی هغه په دی ترتیب چه سپورت مین د خونئ له کنجه څخه ۸۰ سانتی لری دریری پس له هغه چه د (یو) په حرکت کښی ناست د (دوه) په حرکت ولاړیږی او خپل لاسونه د کوتی د دیوال په دو وجناحو ژدی او د سینی په فشار خپل وجود د دو لاسونو مینځ کی چه د کوتی په کنج کی یوه خالیگاه تشکیلوی مخکښی بیانی دا حرکت دا گټه لری چه دشا کړپوالی له منځه ځی دورنو، ځنگلو، متیو او بالاخر د ټولو اندامو د غښتلتیا سبب گرځی .

دجمناسټک گټه ډیره زیاته ده او داسپورت د ثقیلو سپورتوله جملی څخه شمیرل کیږی - څوک چه داسپورت محالته عادت و گرځوی کولای شی چه په ډیر وسختو کړو و لاس پوری کړی، لکه پیاده تگ په غرو اولمنو کی دسلاح سره تعلیمات

څخه کارواخلي ځکه چه نه يواځي ديو جزئي يا کلي اشتباه په اثر ټول اعصاب متشنج کيږي بلکه ددی قهر او غضب به اثر ډير ناوړ او خطرناک کارونه له انسان څخه صادر يږي چه چيران ئي ناممکن وي .

که دجنائسي حوادثو دو سيوته سراجعه شي، که د کورنيو دناسباتو دخرايو او ويجاړتيا علت العلل ته ئي وکتل شي - که دشخو او نرو په مينځ کښي د طلاق او بيلتون اسباب وڅپړل شي فقط په سلو کي اتيا دسؤظن ناوړه اغيزه شميره کيږي او دهمدي له کبله دي چه اسلامي مذهب اشتباه او بد گماني ته دمنبت په نظر گوري او سومانوته دپه گمان لرل تلقين کړي دي .

په ژوندانه کښي د اشتباه دلته مينځه وړلو يواځني عامل د اعتماد حسن ته تقويه ور کول دي او په تيره اطمينان او اعتماد دسپره او شخي په مينځ ، د دو همکارو په مينځ ، د دو گاوناه يواوحتي د کورنيو افرادو په مينځ دژوندانه له لمر يو شرايطو څخه شعيرل کيږي او داهم بايد وويل شي چه اعتماد ذاتا د اعتماد او خوش باوري يواځني عامل دي څرنگه چه همدا اشتباه ده چه دسؤظن سبب گرځي اوسني عصر اوزمان دا ايجابوي

چه هرڅوک په متفق ډول کار وکړي مگر په شرط ددي چه په ټولو اشخاصو کښي د اعتماد حسن په ښه شان موجود وي ځکه چه په يواځي هيڅ څوک نشي کولاي چه خپل خصوصي او يارسمي اړتياوي تر سره کړي مگر يواځي د اعتماد دشرايطو په ستبالولو ممکن کيداي شي .

د اعتماد قدرت د اشتباه بنسټ چه دضعف نفس او دارادي توانائي د نه لرو له کبله په انسانانو کښي پيدا کيږي ويجاړوي اوله مينځه ئي وړي .

هغو و گرو په مينځ کښي چه اشتباه ډيروی او اعتماد لږ او يو او بل ته په شکوک او بد گماني و گوري، هغو وکړو کښي هيڅکله خوشحالتيا او دائمي عافيت نه موندل کيږي داسي وگړي هرکله بايد ديو او بل سره په نزاع اخته وي او په دي ترتيب دټولو ښو او گټورو کارو له قدرته څخه محروم او خپل گرانېها وقت دخپل ځان په دفاع او نورو ته په څرر رسولو صرف کړي .

څرنگه چه که د داسي وگړو په ژوندانه کښي داخلېرو فقط يواځي بد بختي او فلاکت بل شي نشو ليداي او افسوس هغه ژوندانه ته چه همه واړه په شکو کو او ظنونو کي اخته وي .

ننني خلک چه غواړي طبيعي عناصرو ته شکست ور کړي او دخپل فرمان لاندی راوړي دا مجبوريت هم لاري چه خپلو مينځو کښي اعتمادی حسن ته پرورش ور کړي او په متحد ډول دژوندانه چاري پرمخ بوزي او که دا وحدت او اعتماد موجود نه وي هيڅکله د کارو د بشپړتيا توفيق دوي کښي نه پيدا کيږي ځکه د ژوندانه ننني شرايط يواځي د اعتماد ترسيوري ښه تامينيداي شي .

څرنگه دژوندانه غمونه له مينځه وړلای شو ؟

اگر که دا آرزو هر چا سره موجود دي چه خپل ژوند په خوشي او آرامي تيره کړي او دژوندانه له ټولو مزايو څخه برخوردار وي مگر دا يوه نابيونکي خبره ده څوک دي چه دژوند په لارو کښي به په هغه غم تکليف يا مشکلات نه وي راغلي ، څوک دي چه دژوند په دي کړو وړو لارو کښي به پردغم دروند بارنه وي پريوتی ژوند او غم يوشي دي او سکون او اطمينان نه بالکل بهر .

ننني انسان تعليم يافته گڼلې شي او دا حقيقت دي ځکه چه د انسان پخوانی ژوند نه دننني انسان ژوند ډيره ترقي کړيده او ډير وړاندي تللي دي ، دنن انسانان د ځنگل په ځاي کورو او بنگلو کښي اوسيږي او دخراب خوراک او مخپاک پځاي ښه اومزه دار خوراک خوري او يوازي په خوراک او مخپاک نه بلکه دژوند په هراړخ ئي ترقي کړيده او دا ترقي اوږد مختگونه خواوس هم تردي حده ورسيدی چه مصنوعي سپوږمي ئي هم جوړي کړي او برسیره پردی کاميابي دغم او ژوند هغه زوړ تړون هم هغسي لاقايم دي او تراوسه پوري ژوند کښي اطمينان ، خوشحالي او قناعت يواځي نه کړي شول ځکه دننني انسان زړه دتعصب، بي دردی او بي رحمی نه ډک دي او څومره چه دنيا ترقي کوي په هماغه اندازه دميني جذبه ، محبت او وروړ گلوي دژوندونه فنا کيږي ددي لويه وجه اوسبب داهم ده چه دژوند دپيادې او غم په حقله زمونږ افکار او تصور څه عجيبه غوندي شي .

په دنيا ئي ژوند کښي که انسان وغواړي زړه ته دغم سره آشنا کيدل مطلب وي نو انساني فطرت داسي کمزوري دي چه هر څومره په ژوند کښي دخوشحالي منتظر وي نو هغسي دژوند نا کاميو او رڼو نو توان هم نه لري او که ښه فکر او تعمق وکړي شي نو دادنيا يوه تجربه گاه محسو بيدي شي او ژوند يوه تجربه ده ، دژوند لاري چه څومره ښکلي دي نو هغو مړه مشکلي هم دي او دژوند مشکلو لارو کښي دځان واقف کولو دپاره دلور همت او ډير فکر او عقل ضرورت وي او هم د ژوند په مشکلا تو کښي

په لوړ همت او پخه عقل له فکر د واقعیت حاصلولونه پس انسان په ژوندپوهه او بیا چیرته د کامیابی او کسارانی په لوړولو وروستاړوختلی شی کومی چه نه فنا کیدونکی لاری دی ، چیرته چه انسان بقامومی که دغه دپښتنو لارولد خورشی نو دغه ښه ژوند دی ، هغه به خد ژوندوی چه پکښی غم نه وی ، هغه به خد ژوندوی چه دغم سره آشنا نه وی هغه به خد ژوند وی چه دیر وتونه پس بیا دختو احساس نه وی لکه که په ژوند کښی کامیابی شته نو کامی هم شته او چه دنا کامی نه پس کومه کامیابی یوانسان حاصله کړی نو بیا دغه ژوند دی ، په ژوند کښی بیانا با به تحمل او قناعت وی ، دیر خلک شته چه د هغوی نه د ژوند مقصد هیر شوی وی مگر هغه وقت چه پری مصیبتونه راشی نو بیا راویشی شی د غفلت د خوبه پاخی او خپله سترگه وغړوی ، او دانا کامی بیادهغه ژوند عوض کړی .

افسوس چه په مونږ کښی دومره تمیزوی چه د ژوند مصیبت مومصیبت نه گڼلی بلکه د خپل کامیابی راز موگڼلی ، لکه چه د ژوند مصیبت انسان ته دښه ژوند لوی سبق ورکوی که چیری انسان خندا په او ښکوکی بدلولی شی نو همدغسی انسان اوشکی په خندا کښی بدلولی شی ، ولی مصیبت چه دلجان سره کوم ازغی راوړی نو هغه دانسان زړه لکه غلبیل سوری سوری کړی او د ژوند خونده لاهو کړی لکه چه زړه او دماغ پدانسائی وجود کښی دپادشاه او وزیر حیثیت لری نو که چیری پادشاه او وزیر بیکاره شی نو بیا حالات یقیناً خرابیدی شی او کله چه دغم او مصیبت په هکله ژوند کښی تلخی پیداشی نو بیا لکه هم د ژوند هغه آرامی په فریادونو کښی بدل شی .

زړه خود غم اسیرشی مگر دماغ په هغو لارو د تگ کوشش کوی کومی لاری چه د داسی ازغونه پاکی وی او هغی لاری نوم دی « خوشحالی » خوشحالی یو داسی شایسته گل دی کوم چه همیشه زړه ته فرحت اوراحت وربخښی - دنیا کښی داسی خلک کوم دی چه د ژوند د حقیقت نه خبروی او ښه پری پوهیږی او هغوی ته د ژوند په مسکا کښی هم ژوند ښکاری او د ژوند په ژړا کښی ورته هم د مسکا غوندي د ژوند عکس ښکاری - هغوی ته ژړا او فریاد د ژوند په لویه خوشحالی او خندا کښی بدلوی او بیا لکه د هغوی ژوند د نورو نه بیل وی د هغوی په ژوند کښی دغسی حقیقی آرامی او سعادت ښکاری .

انسان د مختلفو خواهشاتو پناه وکوی دی او بیا دغه لامحدود خواهشات دخپل ژوند دپاره دپراهم اوضروری گڼی - خواهشات د ژوند سره سره زیاتیری او بدلیری هم .

د خواهشاتو دزیاتی او یا کمی مسئله دانسان به ما حول ده - لیکن انسان دخپل طاقت ته هم مجبوره وی هغه دخپل تغر سره پشی او بدوی او دا خبره ورکښی د « صبر » او « قربانی » غندی جذبی پیدا کړی او که انسان داسی ونکړی او داسی ونه شی نو چه غومره ئی خواهشات زیاتیری نو دغه هو مره ئی د صبر او قربانی جذبی کمیری او بیا ورته په ژوند کښی هیڅ سکون او آرام نه ښکاری او د ژوند بی شیره خواهشاتو په کش مکش کښی ورته هر خوا مایوسی ، ناکامی او بیقراری ښکاری او دغم توری توری ورخی ئی د زړه په دنیا خوری شی ! انسان نه په ژوند کښی حقیقی آرامی او سکون کم ښکاری لکه چه یو خواهش ئی پوره شی بله تمنائی د محکښی خپل لمن

همواره وی او دغسی زړه ئی چیری نه مطمئن کیږی نو که چیری د صبر او استقامت جذبه نه وی نو بیا په زړه تل د اضطراب او ناامیدی ورخی گریخی او ژوند ورته گران شی .

ژوند یوه عجیبه ننداره ده غوک ژاری او غوک خاندی خو ولی په ژوند کښی حقیقی سکون هله موندی شی چه انسان د ژوند د مشکلاتو سره خپل جان آموخته کړی او د ژوند په کارونو کښی دایثار او قربانی نه کار واخلی دبل انسان سره انصاف کوی ، دخپلی خوشی دپاره دبل خوشحالی نه خرابوی دغریبانو او یتیمانو او بی کسوا مداد دخپل ژوند فرض عین وگنږی دانه چه خپل ژوند خو شحاله کړی دنورو په حق خپل ژوند په آرام کړی او دبل انسان ژوند په غم اخنه کړی .

د داسی انسان په ژوند کی چیری هم حقیقی آرامی او سکون او خوشحالی نشی پیدا کیدی لکه چه بیادهغه په زړه کی داویره پیداشی چه دبل سره بد کول دلجان سره بد کول دی او داسی دغه کار یا حرکت بیا دهغه د پاره د ذلت یوالحنی سبب وگرغی .

د خپل خوشحالی دپاره د بل آرام پایمال کول لو په گناه ده په دنیا کی دی نه لوی ذلت کسار بل نشته - لکن به ښه وی که چیری مونږ خپل ټول دروغژن او کاذبانه خواهشات یعنی حرص تعصب او بدی د زړونونه وباسو او په زړونو کښی دانسان دپاره هغه چه د جاندار دپاره دهمدردی ایتار او مینی جذبی پیدا کړو - که چیری داسی وشی نو یقیناً به د ژوند هرازغی خپله مات شی - د ژوند گرانی لاری په آسانی پرانستل شی - خوشحالی خپله لمونږ قدم ښکولو دپاره لیواله شی .

ژوند په خندا خندا شی او په ژوند کښی به حقیقی آرامی او سعادت پیدا شی .

صنعت و تاثیر آن در تمدن امروزی

تبع و نگارش : دوهم بریدمن رحمت الله

—۲—

حمل و نقل های هوایی :

بشر در سایه خواص قوه برق موفق شده علاوه بر حمل و نقل بری و بحری حمل و نقل هوایی را هم معمول داشته و جو عالم را تحت اختیار خویش قرار دهد. هوا نوردی در تعقیب دو نظریه مخالف که هر یک به نتیجه

خاصی رسیده بوجود آمد. یعنی از یک طرف برای صعود و توقف در هوا تجاری بعمل آمد که اسبابی سبکتر از هوا ساخته شود و این تجارب موجب پیدایش فن صعود به هوا گردید. از طرف دیگر تهیه و صعود اسبابی که سنگین تر از هوا ساخته شده و دارای قوه محرکه ای باشد که هم آن را بالا برده و هم بجلو براند هوا نوردی را تولید نمود. در ابتدای امر تحقیقات فقط متوجه مسئله صعود گشت.

این تحقیقات در اواخر قرن هجدهم مولد شد و مهد آن ممالک فرانسه بوده است نخست برادران مون گلفیه *Montgolfier* در ۱۷۸۳ در شهر انونای *Annonay* اولین بالون کروی شکل را که بنام خود آنها معروف گردید اختراع و با بخار گرم آنرا صعود دادند، سفینه هوایی آنها تقریباً شبیه به سفینه های هوایی دوره معاصر بود این بالون را از بخار هیدروژن پرمی کردند، جنس بالون ابریشمی و لعابی روی آن میزدند که رطوبت از آن نفوذ نکند، دور آنرا نوار تورمانندی گرفته و منتهی به کابین سبکی می شد. بعلاوه دارای دریچه بود که گاز از آن خارج شده پائین آمدن را تسهیل می نمود، هم چنین بارمتری برای بدست آوردن درجه ارتفاع و لنگری مخصوص داشت.



این اختراع جدید را در دوره انقلاب کبیرار دوی جمهوری مورد استفاده قرار داده و در یوران در جنگ فلوروس *Fleurus* خدمات شایانی نمود صعود بسهوا با وجود آغاز درخشانش در قرن نوزدهم در حال رکود بود و جز در موارد جشن های عمومی و صعود های خطرناک برای مطالعات علمی مورد استعمال واقع نمیگردید.

عیب عمده این سقینه ها این بود که در هوا دستخوش وزش بادی شد و اراده کسیکه جلوان دستش بود در حرکت آن دخالت و تأثیری نداشت لهذا مشکل بزرگ عملی شدن هوا نوردی حل این مسئله گشت که راندن طیاره باختیار پیلوت باشد و برای رسیدن به این مقصد لازم بود بالون دارای سرعتی زیاد تری از سرعت شدید ترین باد هوا باشد دانشمندان با قوه برق محرکه ای جهت بالون ها ساختند که کاملاً می تواند با سرعت هرگونه بادی مقاومت ورزد.

کاملترین سفاین هوایی در ابتدای قرن بیستم در آلمان ساخته شده، موفقیت مذکور در نتیجه عملیات و تجربیات « کنت زیپلین »

Conte Zeppelin بود که آلمان تفوق خود را ۱۹۱۴ درین رشته از هوانوردی مدیون او میباشد.

تجسسات دایمی در اطراف هوا نوردی با اسباب سنگین تر از هوانمتهی بساختن آبیرو پلان در اولین سال قرن بیستم شد. فکر پرش با اسباب دارای محرکه از فرانسه تراوش کرد، اما عملاً پریدن در هوا را اولین دفعه برادران رایت در ۱۹۰۳ در آمریکا بعمل آوردند معذالک فرانسه توانسته است در قلمرو جو تقدم خود را حفظ نماید.

در ظرف چند سال هوانمتهای بحد کمال رسید و اکنون هم تقریباً بهمان

حال باقی است طیارات کاملاً بر اوضاع جو تسلط یافتند بطوریکه دریای مانش و مدیترانه و سر تاسر اروپا را در نور دیدند و انتظار می رود که از اقیانوس ها و سایر قطعات عالم هم بگذرند.

هوانوردی و هوا پیمائی دیگر از اختراعات مخصوصه عسکری بشمار نرفته بلکه برای نقل اخبار و حمل مراسلات نیز بکار می رود، ولی برای مسافرت و حمل مال التجاره تا ۱۹۲۰ با اندازه طرق بری و بحری کسب اهمیت اقتصادی نموده بود.

قوه برق :- قوه برق هم مانند قوه بخار عامل عمده تبدیل وضعیت تجارب بوده. در آخر قرن نوزدهم قوه برق منبع صنعتی نور و حرارت و آلات محرکه و نه تنها مدد قوه بخار بلکه رقیب آن بوده است و امروزه

تشخیص امراض از ...

(بقیه صفحه ۸۳)

مینا مند اطفالی که مادران شان در معرض خطر سرخکان واقع گردیده باشند خطوط موصوف بشکل یک خط مرکب موسوم به سیمیان آشکار میگردد.

۳- موقعیت نادرست تری ادیوس

اکثرآ کف دست دارای خط شبه

اپسیلون «*l*» میباشد که آنرا تری ادیوس

گویند. تری ادیوس ها در اطفال نوزاد

در صورت بقایای علائم سرخکان موقعیت

اصلی خود را از دست داده در قسمت

فوقانی کف دست به سمت انگشت ها

قرار دارد شرح عکسها از چپ پر است :-

دست کودک کاملاً نورسل است.

عکس دوم نشان میدهد که حلقه های

انجام انگشت ها و خطوط کف دست

منظم است مع الوصف تری ادیوس

در جای خود نیست مادران که

مرض سرخکان را در مدت حاملگی

گذشته انده باشد کودکان آنها مصاب

به نقص قلبی و امور ویس بوده است

در شرف آنست که عالم صنعت را منقلب سازد چنانکه فنز کاری بوسیله کوره برقی و صنایع مکانیکی و حمل و نقل بوسیله دینامو بعمل می آید که سرعت سیر و ساینده را بساعتی ۲۰۰ کیلو متر رسانیده و قوه ای را که از سقوط آب تولید شده به صدها کیلو متر فاصله می رساند. علاوه بر این الکتريسته وسیله جدید ارتباطیه ای بوجود آورده مانند تلگراف و تلفون که بیک لحظه فکر و سخن را بقواصل بسیار بعیده میرساند.

اصول تلگراف الکتريکی را در سال ۱۸۳۳ «گوس» آلمانی در نتیجه کشفیات آمپر و آرا گو فرانسوی اختراع نمود و اولین اسباب علمی آن را مرس نقاش امریکائی دو سال بعد ساخت (۱۸۳۵) و اسباب اختراعی او و الفبای تلگرافی که تهیه نمود با وجود اینکه مفصل و بیش از ساعتی هفصد کلمه نمیتوان مخابره کرد امروز رواج عمومی دارد.

از ۱۸۳۶ انگلستان و ممالک متحده امریکا شروع بکشیدن خطوط تلگرافی خود نمودند سرعت روابط تلگرافی بوسیله تکاملات دایمی که در فن تلگراف بعمل می آید افزایش یافت. تکامل مزبور بحدی رسیده است که فعلاً میتوان ساعتی ۱۸ الی ۲۰ هزار کلمه مخابره نمود. ترقی حقیقی آن در پیدایش تلگراف بی سیم در اواخر قرن نوزدهم است که سیم نقله را که تا آنوقت برای نقل علامت ضروری بود از بین برد.

این اکتشاف نتیجه کار های براملی عالم فرانسوی بود که مار کونی مهندس ایتالیائی توانسته است از آن وسیله عجیب عملی اختراع کند، پراگندن امواج الکتريکی در فضا در موقع تصادم براده آهن را هادی ساخته و الکتريسته را بجریان می اندازد.

ازین بعد کشتی‌هایکه در اقیانوس راه‌ها را گم میکنند یا آسیبی می‌بینند یا مأمورین مستعمرات در وسط صحاری آسیایا آفریقا در ظرف چند ثانیه اخبار عالم متمدن را می‌گیرند در صورتیکه هفته‌های متمادی راه‌پیمائی و یا هزاران فرسنگ دریائی آنها را از عالم مزبور جدا ساخته. از ۱۸۶۹ بین دول اتحاد تلگرافی عمومی بسنه شده و تعرفه‌های مخابرات را متحدالشکل نمود اتحاد مزبور در نوامبر ۱۹۰۶ بوسیله اتحاد تلگرافی بین‌المللی تکمیل گردید.

بسط صنعت: تکمیل وسایل ارتباطیه هم از علل وهم از نتایج ترقی شگفت صنعت در قرن اخیر می باشد. تمام صنایع قدیمه از قبیل پارچه بافی، فلزکاری، چاپ و غیره بکلی تبدیل یافته و بطور خارق العاده ای تکمیل شده است.

صنایع ریسنده گی و بافندگی بوسیله اعمال قوه بخار در ماشین‌های نخ‌ریسی و بافندگی در فلزکاری بوسیله استعمال ذغال سنگ در موقع ذوب سنگ آهن اختراع بسمه *Bessemer* انگلیسی در ۱۸۵۳ ساختن فولاد را که تا آنوقت خیلی گران تمام می شد بمقدار زیاد و بقیمت ارزان تسهیل کرد.

بوسیله اختراع چکش جسمی مارتوپیلن *Marteau - Pilon* که بوردن مهندس در کارخانه کروزو *Creusot* ساخت ۱۸۴۱ بزرگترین قطعات فلزی را می توان حدادی کرد بالاخره در سایه کشف طریقه‌های جدید برای ساختن کاغذ و اختراع ماشین دوری که مربوط به ماری‌نی فرانسوی است ۱۸۶۷ می‌تواند در ظرف یکساعت بیش از آنچه که در قرن هیجدهم در صد روز چاپ می شد از طبع بیرون بدهد صنعت چاپ تکمیل گردید. در ردیف صنایع قدیمه صنایع جدیدی

نیز ظاهر و تکمیل شدند که قسمت اعظم آنها در نتیجه ترقیات علم شیمی بوده است از قبیل: صنایع عدیده مشتق از ذغال سنگ مانند گاز روشنائی که لبون فرانسوی آنرا کشف کرده است ۱۸۰۰ و رنگ‌های آنیلین که اساس رنگ ریزی را بکلی تغییر داده و اقسام ادویه جات طبی و عطریات و همچنین صنعت ساختن کودهای شیمیائی که در امر زراعت تأثیر عمیقی کرده است و قندسازی از چغندر

آرزوی پادشاه فرانسوی

• برای اینکه خوب زندگی کنی، باید خودت را بالای زندگی نگاه‌داری، پس بیاموز که همیشه بالاروی - بیاموز که همیشه بیائین نگاه کنی. اگر بت‌ها را واژگون کرده باشی، کساری نسکرده‌ای وقتی واقعاً شهامت خواهی داشت که خوی بت پرستی را در درون خویش از میان برده باشی. اراده موجب آزادی است. ریزا خواستن آفریدن است: اینست تعلیم من و تنها کار شما آموختن فن آفریدن خواهد بود.

که در ۱۸۱۰ در فرانسه بوجود آمد و قند را که از اجناس تفتنی بود در ردیف معمولترین مواد غذایی مثل: نان و نمک قرار داد.

این شواهد امثله‌ای بیش نیستند، زیرا صفحات بسیاری لازم است تا بتوان گفت در قرن نوزدهم چه صنایعی تولد یافته و بسیاری چیزها که استعمال آنها برای ما امروزه

خیلی عادی است و نمیتوان تصور کرد که بشر در اعصار قبل فاقد آنها بوده مثلاً کپیریت، از اختراعات قرن اخیر است.

صنعت کلی: صفات اصلی صنعت جدید که آنرا صنعت کلی مینامند از این قرارند: یکی آنست که صنعت کاملاً علمی گردیده، زیرا در نتیجه تخصص و تجسسات علماً است که فعالیت صنعتی ظهور نموده، آزمایشگاه‌های علمی از اجزای لازم کارخانه‌ها شده‌اند و این امر مخصوصاً در صنایع شیمیائی و برق قطعیت یافته وحدت بین صنعت و علم در آلمان بهتر عملی شد و میتوان گفت این مملکت عظمت اقتصادی خویش را در ابتدای قرن بیستم باین وحدت مفروض است.

ولی در باره ممالک مثل فرانسه رابطه بین علم و صنعت همیشه بطوریکه باید محکم نبوده است امروزه هر قدر ممکن است کار مکانیکی را جانشین کار دستی می‌کنند بطوریکه ماشین و اسباب در قسمت تولید قائم مقام بشر شده ماشین‌های بسیار عظیم و جسیم بوجود آمده، بعضی ماشین‌های فلز ویزی که قوه ۱۲۰۰ اسب بخار دارند صفحات فلزی بقطر ۴۰ سانتی متر بیرون می‌دهند. بناهای عظیم برای جا دادن آن‌ها لازم است باین ترتیب کارخانه‌های بزرگ جای کارخانه‌های کوچک را گرفتند.

چون تکمیل وسایل ارتباطیه حمل مصنوعات را بمراکز مصرف آنها سهل و سریع کرده است کارخانه‌های بزرگ در مراکز تولید یا محل‌های ورود مواد اولیه یعنی اطراف معادن و با در گردمی آیند و بهین واسطه است که بعضی شهرها خیلی به سرعت حیات یافته‌اند شهبورسنت اتین و تورکوانک که اجتماعی از چندین کارخانه و یا مثل کروزو در فرانسه و این در آلمان که

کارخانه‌ای بیش نیست و بنابر این سراسر صنعتی و تمرکز صنایع بوجود آمده. کارخانجات در این طریقند که مختلط شده و در مؤسسات عظیمی تمرکز یابند و اساس توسعه خود را پیش از پیش استوار سازند. مؤسسات بزرگ که در نتیجه توحید چند مؤسسه بوجود می‌آید لایتنقطع توسعه می‌یابند زیرا این ترتیب صرفه‌جویی‌های عمده را در ساختمان و عده اعضاء و مخارج نگاهداری مؤسسه موجب میشود مثلاً مصرف ذوغال یک ماشین بخار خیلی قوی کمتر از ده ماشین که هر کدام ده مرتبه کوچکتر از آن است بوده و میزان عواید هر دو مساوی است بهمین علت است که هزاران دولاک نخ‌ریسی و صد هاشمین های کوچک نساجی در یک کارخانه تمرکز داده شده، کارخانه‌های امروز توده‌ای از کارگران را در خدمت داشته و دارای عظمتی فوق العاده شده اند برای مثال میتوان مؤسسات کروزو را در فرانسه ذکر کرد که دارای بیست هزار کارگر میباشد در ۱۹۱۳ کوره‌های ذوغال کولک که برای تهیه سوخت جهت کوره‌های ذوب فلزات تخصیص داده شده روزانه ۳۶۰،۰۰۰ کیلو ذغال کولک بیرون میداد و پنج کوره ذوب فلز که سوخت شان از ذغال فوق بود روزانه ۱۰۰ الی ۲۰۰ تن فلز مذاب حاضر می‌کردند و معدالک این محصول نسبت به ۴۰۰ و ۵۰۰ و حتی ۶۰۰ تن فلز مذاب که روزانه از کارخانه‌های فلز ذوب کنی معدالک متحده امریکا خارج می‌شد مقداری ناچیز بود.

علاوه بر تمرکز تکمیل صنایع هم عملی می‌شود این معنی که هر کارخانه لوازم و اسباب مربوط باحتیاجات محصولات مخصوصه خود

را نیز خود تهیه میکنند و این نوع کارخانه‌ها روز بروز زیادتر می‌شوند
تولید محصولات صنعتی بطور کلی: کارخانه‌های جدید بپرکت قوای مادی خود اشیاء را بمقدار زیاد و نامحدود تهیه می‌کنند بطوریکه تولید کلی یکی از صفات مشخصه صنعت معاصر می باشد این طرز تولید برای تکمیل خود احتیاج بتولید اجناس خوب دارد یعنی ماشین‌ها برای اینکه مقدار نامحدود دی نمونه در یک نوع جنس و حتی بعضی مواقع یک جزء از یک اشی را بیرون بدهند بکار می‌افتند مثلاً یک کارخانه نخ‌ریسی بجای اینکه چندین قسم

هیپنوتیسم؟

(بقیه صفحه ۸۲)

بعدی دیگری مورد آزمایش و امتحان قرار داد و نتیجه قناعت بخش را حاصل کرد. این بودیکی از مثال‌های برجسته و حقیقی.

بالخره معلم خواست تا شاگردان یک شعر پنجاه بیتی را فرا گیرند. قبلاً تدریس آن ۱۴ الی ۱۵ هفته را در بر میگرفت و اگر گمان میرفت که بجزء از سه الی چهار شاگرد آنرا بخوبی حفظ نمیکرد ولی در صورت عملی نمودن طریق هیپنوتیسم این کار صرف در دو روز امکان پذیرفت ولی گفته نمیتوانیم که برای چقدر مدت آنرا در حافظه خویش نگاه خواهند نمود.

دانشمندان اصول تعلیم و تربیت این طریقه و کتور مارکو بیلمنی را اثبات نموده و معتقد اند که این عمل روحیه عدم ثبات و مقاومت و بی ارادگی را در شاگردان تقویت می‌بخشد.

نخ برسد فقط برای یک نمره نخ بکار برده می‌شود و تهیه اجناس نمره به نمره مسئله تخصص را به منتها درجه رسانیده مثلاً در صنعت کفاشی بعضی کارخانه‌ها مخصوص تهیه کفش‌های لوکس برای خانم‌ها و بعضی دیگر مخصوص تهیه کفش‌های کارگران هستند.

در تولید کلی کارخانه تعطیل نمی‌شود و دائماً جنس تولید می‌گردد سابقاً مقدار محصول کارخانه‌ها مربوط به تقاضا بود و امروز وجود آلات و ادوات صنعتی آنرا اداره می‌کنند این معنی که چون برای ماشین‌ها و عمارات آنها سرمایه هنگفت را عاقل بگذارند و بهر قیمتی هست باید آنرا بکار انداخته تا منافع سرمایه‌ای که بکار رفته بیرون بیاید از این ترتیب اینطور نتیجه گرفته می‌شود که کارخانه عصر جدید که دائماً در کار است محصولات خود را خیلی سریع‌تر از افزایش عده مصرف کنندگان مضاعف می‌سازد و تولید زیادتر از میزان احتیاج یکی از صفات مشخصه صنعت جدید میباشد و در بعضی ممالک مانند آلمان که در آنجا ترقی صنعت کلی فوق العاده است این صنعت بسیار نمایان است.

استعمال ماشین‌هایی که در مدت کم بمقادیر زیاد محصول میدهند بکار بستن کشفیات مختلفه علمی در صنعت، سهولت جلب مواد اولیه برای کارخانه‌ها موجب تنزل فوق العاده‌ای در قیمت اجناس شده است مثلاً یک شیشه سه متر مربعی در قرن هجدهم هزار فرانک بفروش میرفت در ۱۹۱۰ نود فرانک نمی‌ارزید خلاصه انقلاب صنعتی در پیشرفت تمدن‌های امروزی نه تنها یک رشته اول رل بازی نموده بلکه در تمام شئون حیات اجتماعی تاثیرات زیادی را وارد نموده است « ختم »

تعرض در اراضی کوهسار

(بقیه صفحه ۸)

تعرض متعاقب داده میشود . عطف فعالیت مطابق وظیفه بچندین کیلومتر رسیده میتواند .

قوماندان جزو تانک متعرض حین قیمت دادن دشمن به سیستم آتش خود توجه خاصی مبذول میدارد تقسیم وسایط آتشدار هم با متداد جبهه و در اراضی مرتفع ، وضعیت متقابلته حمله آتش در بین محلات مقاومت وسایط آتشدار و مواضع آتش غرض وارد آوردن ضربه بالای دشمن ؛ فراخی خالیگاه ها در بین محلات مقاومت دشمن ؛ حمله محتمله این خالیگاه ها با آتش از محلات مقاومت و از عمق سیستم مدافعه دشمن مناطق محتمله تجمع احتیاط ها و راههای ممکنه تقرب از این مناطق بخطوط انبساط .

دراثتای مطالعه اراضی قوماندان منطقه میته * و ستره های اراضی را در پیشروی خط اصلی مقاومت دشمن با متداد جناحها و در عقب محلات مقاومت تعیین مینماید . قوماندان باید تعیین نماید که از آنها چطور بصورت مؤثر غرض تقرب بخط اصلی دشمن برای اجرای احاطه وسیع و مانور دور خوردن از جناح محلات مقاومت استفاده نماید .

* منطقه میته - ساحه عقب ستره میباشد که در داخل منزل سلاح بوده و توسط انداخت از یک موضع بالای آن اصابات صورت گرفته نمیتواند . اندازه این ساحه به بلندی ستره ، ارتفاع هدف و محرك سلاح مربوط میباشد .

قوماندان حین دادن امر محاربوی شفاهی بر علاوه دادن معلومات به مادونانش راجع به خصوصیت مدافعه دشمن ، سیستم آتش و مدافعه آن ؛ باید راههای مستور تقرب را یجناح و عقب دشمن نشان داده خصوصیت موانع کوهی و طرق فایق آمدن بر آن را تصریح نماید .

قوماندان علاوه نقاط بارز مهم را در هدف تعرض و آزمون استقامت تعرض را نشان میدهد . ترتیب کوردینه کردن فعالیت در بین جز و تانک پیاده موتور دار و تشریک مساعی با جز و تانکهای تحت امر صنوف خصوصی با وظیفه یکجا تصریح میگردد . توجه خصوصی غرض تاسیس تشریک مساعی با مفرزه تانک مانور احاطه را اجرا مینماید بذل میگردد . اگر چنین مفرزه ها متعدد باشند لازم است که در بین آنها نیز تشریک مساعی تاسیس گردد .

تحت شرایط مساعد ، تعرض بخط اصلی ترجیحاً از حال ارکاب شده صورت میگیرد ، مثلاً بالای وسایط زره پوش ، و یا اگر این امر غیر ممکن باشد از آنها غرض حمله حین هجوم پیاده استفاده شود . قاعدتاً تانکها قبل از پیاده به تعرض میگردد در اراضی صعب المرور تانکها در نظام محاربوی پیاده فعالیت نموده و یا آنها را تعقیب مینماید که در اینصورت پیاده ها را از مواضع موقتی حمله مینماید .

بمجردیکه جز و تانکهای پیاده موتور دار اراضی صعب المرور را ضبط نماید ، تانکها دوباره بطرف پیشرو حرکت نموده تا در پیشروی پیاده

دراثتای هجوم واقع شوند . در وادیها و دره های گود اگر تعرض با متداد هر دو کنار وادیها و دره ها صورت گرفته و از هر فرصت غرض نفوذ به عقب دشمنی که اراضی مرتفع مجاور را مدافعه مینماید ، استفاده شود ، قاعدتاً نتایج خوبی بدست میآید . در جریان محاربوی غرض خنثی ساختن وسایط آتشدار دشمن در مباحثهای عقبی کوهها و تپهها هر نوع سعی بعمل میآید .

بمجردیکه رجعت دشمن تشخیص شود ، جز و تانکهای پیاده موتور دار فوراً با متداد سرکها و وادیها ، هکذا با متداد خطوط بالای ارتفاعهای مساعدی که با استقامت عقب نشینی موازی واقع باشند به تعقیب میپردازند در این حال پیاده موتور دار از نظام محاربوی به نظام رفتار میگذرند .

در اراضی کوهسار سوق و اداره جز و تانکها بسیار مشکل است . از این جهت معقول است که یک سیستم خوب پوسته های درصد نه تنها با متداد جبهه بلکه در عمق و ارتفاعات تاسیس شود . بی سیم و وسیله اصلی ارتباط در اراضی کوهستانی میباشد . لکن به نسبت تاثیر ممانعت کوهها بمقابل امواج ، همیشه ممکن نیست که ارتباط بی سیم اطمینان بخش محافظه شود . در این صورت تدابیر و وسایل اشاره استعمال خواهد شد .

اینچنین است خصوصیات فعالیت تعرضی که توسط جز و تانکهای پیاده موتور دار در اراضی کوهی اجرا میشود .

دَاوُدُ حَرَوِی



نظری به اکادمی تخنیک

ع، ش تورن جنرال میر علی احمد مودودی که از همکاران سابقه دار این نشریه میباشد ضمن نامه جداگانه مضمون پرارزشی را بدفعر مجله اردو فرستاده اند که با کسب استیذان از ایشان روس مطالب آن نامه را در اینجا بملاحظه خوانندگان خویش میرسانیم و از لطف و توجه تورن جنرال موصوف در مورد مجله اردو صمیمانه تشکر می کنیم بناغلی مودودی هنگام معرفی به اکادمی تخنیک جریان آن را شرح داده و در ضمن چنین مینویسند :

تورن جنرال محترم قوماندان ح. پ و کافه منسوبین ریاست خدمات تخنیکی اشتراک ورزیده و سپس از طرف تورن جنرال سراج و تورن جنرال میوند بقرار گاه قوماندانیت اکادمی معرفی و اینک رویدادهای مشهوده برشته قلم آورده میشود .

گرچه من تا اکنون به کنهیت این رشته علمی و تخنیکی داخل نشده ام فقط چیزیکه در قدم اول اسباب مسرت

از تعاطی بیانات مقدماتی و ایقاظ معلمین ، منسوبین و طلاب برای نیل به هدف مقدسیکه در آن استرضای خدای پاک جل علی شانه استحصال و رضائیت اعلیحضرت معظم همایونی سر قوماندان اردوی شاهانه ، آرامی و جیدان و کسب احقاق حقوق ما در وطن مضمهر و مرتبط است در دعوتیکه به مناسبت شناسائی ترتیب داده شده بود با همراهی تورن جنرال سراج و

اینجانب که بقوماندانی اکادمی تخنیک عزتقرر حاصل کرده ام ساعت ۹ بجه قبل از ظهر روز ۸ ثور ۱۳۴۶ در قرار گاه ریاست خدمات تخنیکی اردو با ع، ش تورن جنرال عبدالواحد سراج رئیس خدمات تخنیکی ملاقات و در حوالی ساعت ۱۰ بجه همان روز از طرف تورن جنرال سراج در محضر متخصصین ، معلمین ، منسوبین و طلاب اکادمی تخنیک معرفی و بعد



تورن جنرال میر علی احمد مودودی حین معرفی با عبدالرزاق میوند قوماندان ح، پ و عبدالواحد سراج رئیس خدمت تخنیک اردو

واختصاصی و تقدیم کردن آنها به اردو و جامعه که نیاز مندی مبرمی به همچہ سرویس های تخنیکی و اختصاصی دارد احضارات درست و مکملی اتخاذ کرده اند .

من برای احقاق این پندار برخوردارم بیک سلسله اقدامات و تشبثات علمی و عملی که هر یک شاهد عرق ریزیها و دل چسپی این گروپ معلمین و منسویین اکادمی دانسته می شود . من چیزی که می گویم جملات و گذارشات تظاهری و واضحتر بگویم خود فریبی نیست . من برای تحقق بخشیدن این مقال دعوت می نمایم از دوستان مسلکی و ارباب دانش و اهل صنعت اردو که بیایند و باری از این موسسه علمی و تخنیکی اردو دیدن نمایند آن وقت متیقن خواهند شد که برای بوجود آوردن این دستگاه عالی چه زحماتی کشیده شده

و تخصصی شان می باشد از قوه به فعل آورده و بحث نمونه مثال نشان میدهند که اولاد افغان در اجرای هر گونه خدمت و تحت هر گونه شرایط قادر بوده و با هر نوع ایثار و از خود گذری حاضر و آماده می باشد .

این دسته پرسونلی که بنام معلمین و اداره چپی در این اکادمی گرد آمده است علی الاکثر جوانانی می باشند که مدتها در اکادمی های خارج برای اجرای همین خدمت تحصیل کرده علما مجرب و به عناوین انجنیر متخصصین و غیره دیپلومه حاصل و اکنون بایک جهان عزم و اداره متین بطوریکه در مقتضی مادر وطن حب و شایسته و ار شادات شاه محبوب و شایسته اولاد صالح افغان است همت گماشته و برای رسانیدن جوانان محصل در رشته های مختلفه تخنیکی

و امیدواری مرا در راه نیل به هدف این وظیفه مقدسه یعنی تربیه یک تعداد اولاد وطن برای انجام خدمات تخنیکی اجتماعی و عسکری می باشد فراهم می نماید

همانا حس وظیفه شناسی ، احترام متقابل و انسجام پلان های وظیفه هیئت متخصصین ، معلمین و منسویین اداری قوماندانی اکادمی و بذل مساعی ریاست خدمات تخنیکی است که با روح برادری و صمیمیت در برابر اجرای وظیفه آمادگی خود را ابراز و بصورت یک واحد مشترک به تشریک مساعی پرداخته و موانع وارده را بدون تعجیز و مزاحمت قدمه های ما فوق ازین برداشته با صنعت علمی و کمر کتر افغانیت با در نظر گرفتن نظم و نسق عسکری دوش بدوش هم استاده و آنچه درخور و توان مسلکی

و چه بناهای زیبا، مودرن و آموزش گاه
عظیمی که در حقیقت پیکر اردو به
آن استوار و مستقبل اطمینان بخشی
را به اردو و انمود می کند نیا
استند شده است .

من گرچه تخنیکر نیستم و قاعدتاً
مكلف نخواهم بود از نگاه فورمول های
تخنیکی این موسسه راریگلام نمایم
اما از اینکه از جمله منسوبین تا کتیک
اردو بوده و در دوران وظیفه داری
از رهگذر علم موجودیت چنین
دستگاه حیاتی اردو به مجروریت

و مشکلاتی روبرو گردیده ام و جود
چنین دستگاه بزرگ علمی ، تخصصی
و تخنیکی را در بنیه اردوی شاهانه
فال نیکی برای انجام و انصرام وظائف
راجع اردو که با این پرسونل
اختصاصی و تخنیکی تقویه می گردد
گرفته و مراتب سپاس گذاری خود
را در این مورد به پیش گاه مبارک
اعلی حضرت معظم همایونی تقدیم
و همچنین از توجه مستدام سردار
عالی ستر جنرال وزیر صاحب دفاع
ملی و دگر جنرال لوی درستیز صاحب

و کافه رو سای محترم وزارت دفاع
ملی و تمام دوستانیکه در بکار انداختن
این دستگاه عظیم تخنیکی بذل مساعی
نموده اند و هکذا از همکاری ریاست
ساختمانی صمیمانه تشکر نموده اخیراً
از خداوند میخو اهم بمن توفیق
عنایت فرماید آنچه برای بر آورده
ساختن تمنیات و آرزوهای قلبی و
مسلمکی بخاطر می پرورانم خدمتی را
بحیث قوماندان اکادمی انجام داده
به آرامی وجدان نایل گردم .



تورن جنرال میرعلی احمد مودودی قوماندان اکادمی تخنیک

پوهنځی زره دار بحیث قهرمان و الیبال

حربی پوهنتون شناخته شد

در مسابقه که ساعت چهارونیم بعد از ظهر یکشنبه ۳۰ ثور ۱۳۴۶ به حکمت بناغلی فتح محمد لمړی بریدمن استحکام درین پوهنځی پیاده و پوهنځی زره دار صورت گرفته بود که در آن تورن جنرال عبدالرزاق میوند

قوماندان حربی پوهنتون بریدجنرال گل محمد منگل مرستیال و رئیس تدریسات، استادان و هیئت اداری با محصلین ح، پ اشتراک ورزیده بودند قبل از شروع مسابقه دگروال محمد شاه پور احمدزی بیانیه مفصلی را که مابتن آنرا در اخیر این راپورتاژ نشر مینماییم ایراد نمودند و بعداً هردو تیم تحت قومانده های لمړی بریدمن محمد امین و لمړی بریدمن خلیل الله بازی را آغاز نمودند .



دگروال شاه پور احمدزی حین ایراد بیانیه قبل از شروع مسابقه

این مسابقه از جالبترین مسابقات

حربی پوهنتون محسوب میگردد مخصوصاً احساسات گرم محصلین و کف زدن های ممد و تشویق آنها از بازیکنان منظره خاصی را تمثیل نموده بود. در میدان اول هردو تیم با مهارت عالی بازی نموده و سعی

میکردند تا بریکدیگر خویش پیروزی حاصل کنند بازی هردو تیم فوق العاده دلچسپ بود .



محصلین هردو تیم با هیئت اداری، و تدریسی ح، پ

در میدان اول تیم پوهنځی زره دار بعد از لحظه به فعالیت بیشتری پرداخته و مسابقه را با داشتن ۱۴ پاینت مقابل ۹ پاینت به نفع خود خاتمه دادند . در میدان دوم گرچه ابتدا تیم پوهنځی پیاده بر تیم حریف خود خوبتر فعالیت می نمود ولی لحظه بعد بازیکنان تیم پوهنځی زره دار در نتیجه عرق ریزی زیاد توانستند که

قرار داده است که مشمولین این کلب مصروف سپورت‌های بکسنگ، وزنه برداری و زیبائی اندام و پهلووانی بوده مطابق به پروگرام‌های مرتبه آمريت ورزشی تمرينات آن‌ها نیز ادامه داشته و امیدواریم که اعضای این کلب نیز در آینده قریب حاضر به مسابقات تورنمنتی گردند .

تیم‌های اجتماعی بفعالیت آغاز کرده و در حوضیکه در قسمت غربی ح، پ موجود است به مشق و تمرین خویش ادامه داده و آمادگی لازم را جهت اشتراک در مسابقات تورنمنتی میگیرند. ۴- تیم‌های تینس و تیم‌های مگ پانگ که شاملین آنرا قسماً اعضا تدریسی و اداری ح، پ و قسماً محصلین ح، پ تشکیل گردیده است



شاه پور احمدزی آموزشی ح، پ

تاسیس سپورت‌های اجتماعی و سپورت‌های ثقيله بداخل پوهنخی‌های مختلفه ح، پ آمريت ورزشی ح، پ جهت از دیاد علاقه مندی محصلین و تشویق و ترغیب محصلین در هر پوهنخی تیم‌های ذیل را تاسیس و بفعالیت انداخته است .

۱- تیم فوتبال، هاکی، هندبال، والیبال و علا و تا تاسیس تیم‌های متعدد باسکتبال در نظر بوده و عنقریب فعالیت آغاز خواهند کرد.



صالح محمدخوشبین معلم ورزشی ح، پ

۲- تیم‌های اتن ملی به مقصد احیا عنعنات ملی تاسیس گردیده است . شاملین آن مانند سایر تیم‌های سپورتی ح، پ همه روزه در اوقات معین به مشق و تمرین می پردازند.

۳- تیم‌های آب بازی :- از قبیل واترپولو مسابقات صدمتری و سایر تعریفات مربوط آب بازی مانند سایر

تیم پوهنخی پیاده با معلم

ورزشی شان ←



محصلین هر دو تیم با مربیان ورزشی ح، پ

در ختم مسابقه قوماندان حربی پوهنتون اعضای هر دو تیم را مورد تقدیر و نوازش قرار داده و کپ قهرمانی را به تیم پوهنخی زرهدار اهدا فرمودند و مسابقه در حوالی ساعت ۶ - در میان ابراز احساسات شور انگیز و زاید الوصف تماشاچیان پایان پذیرفت .

نیز در حال فعالیت بوده مصروف کسب قدرت اشتراک در مسابقات میباشد .

۵- سپورت‌های ثقيله به مقصد تقویه و انکشاف این بازی آسرتین ورزشی در ح، پ به تاسیس کلب منظم سپورت‌های ثقيله اقدام ورزیده و آنرا با تمام وسایل عصری آن در معرض استفادۀ محصلین علاقمند آن





چند پاینت نسبت به تیم پوهنخی پیاده
جلو بروند
در این مسابقه بازی حمیدالله
«علوی» که بایک مهارت بی نظیری
فعالیت می نمود فوق العاده دلچسپ
بود و هم چنان بازی محمد آصف و
محمدحفیظ از پوهنخی زره دار، غلام رسول
میرزا گل و جمعه گل از پوهنخی
پیاده هم قابل توصیف و تجید بود.
بالاخره در میدان دوم اعضای تیم
پوهنخی زره دار با فعالیت و جدیت خود
توانست که با داشتن ۱۶ پاینت مقابل
۶ پاینت بر تیم پوهنخی پیاده غالب
شده و باین ترتیب تیم پوهنخی زره دار
قهرمان مدال ۴۶ ح، پ در مسابقات

منظره از فعالیت و شطارت های محصلین در جریان مسابقه

نمودند آمریت ورزشی ح، پ مصمم
است با همکاری هیئت اداری و تدریسی
ح، پ سپورت های اجتماعی و انفرادی
را موازی با پیشبرد پروگرام های
تعلیمی و تربیتی حربی پوهنتون در
جریان انداخته و در مورد انکشاف و
علاقمندی زیاد به آن دقت هر چه
تمامتر رابه خرج داده و سپورت های
حربی پوهنتون را مطابق به ایجابات
عصری و موافق به جنبش های
سپورتی سایر موسسات و طن عزیز
خود تقویه و به اساس این آمریت
ورزشی ح، پ در تنظیم و ترتیب سپورت
های اجتماعی و انفرادی اقدامات
آتی الذکر را بعمل آورده است.



تیم پوهنخی زره دار با معلم و ورزشی شان

نالك اوت شناخته شد.

مساله ورزش در حربی پوهنتون
تحت رهنمائی های قیمت دار تورن
جنرال عبدالرزاق میوند قوماندان
حربی پوهنتون روز بروز مراحل
انکشافی خود را می پیماید و امروز
تیم های مختلفی را در هر رشته بکار
اداخنه اند.

شاغلی صالح محمد خوشبین معلم
ورزشی ح، پ ضمن سوالی اظهار

اعضای تیم والیبال
پوهنخی زره دار.



د ح ، پ د تدریساتو دریاست د معاون

شاه پور احمد زی دیپانینی هټن

محترم قوماندان صاحب گرانو او درندو حاضرینو !

په دی موقع کی چه د والیبال د تورنمنت فاینل مسابقه اجرا کیری لازم بولم چه په حربی پوهنتون کی دغو احرینو کلونو په سپورتی نهضت باندی رڼا واچوم او دهغو ښاغلو د فعالیت اوزحمت کشی لمانځنه وکړم چه په دی لاره کی ئی دپوهنتون دورزی شی آمریت سره په مستقیم او یا غیر مستقیم ډول مرسته کړی ده .

په دی وخت کی خپله وظیفه گنیم چه د حربی پوهنتون دورزی آمریت تشکرات د حربی پوهنتون د محترم قوماندان صاحب حضور ته چه د پوهنتون د سپورتنو د نهضت حامی دی او د سپورت دانکشاف د پاره ئی په ډیره مینه او علاقه زمینه برابره کړی ده تقدیم کړم او د پوهنتون د محترم معاون صاحب هغه رهنمائی گانی چه د سپورت کمیټی ته ئی وقتاً فوقتاً کړی دی یادونه اومنه وکړم د حربی پوهنتون د سپورتی نهضتو په انکشاف او موفقیتونو کی د پوهنتونو د محترم قوماندان صاحبانو او د دوی د اداری هیئتونو فعالیت اوزیارخورا لویه برخه لری چه زه دوی ته کورو دانی وایم ، دقرار گاه د دواړو په تیره بیا دلوژ ستیک د مدیریت همکاری چه د سپورت دالسو او سامانونو په تهیه کولو اود سپورت مینانو داعاشی په باره کی ئی دورزی آمریت سره کړی ده د یادوړ بولم . دازلمی ، محوانان او فدا کار محصلین چه د پوهنتون د ټولو فعالیتونو محور گڼل کیری په دی ښه پوه دی چه قوی مت ، غښتلی اندامونه د دینم داورمیر د ماتولو دپاره ډیر ضروری او لازمی دی او قوی بازوگان او غښتلی اندامونه د سپورت او ورزشی تمریناتو په سیوری کی روزل کیدای شی نو لځکه دوی په ډیره علاقه او مینه دخپل پوهنتون سپورتنو نه مخ پر وړاندی بیلی او د سپورتی انکشاف اوموفقیتونو لوی عامل پخپله همدا غښتلی او مټرنی محوانان دی . په پای کی وایم ژوندی دی وی دارود ټولو نهضتونو موسس او حامی عسکر بالونکی اعلیحضرت

شو دور کثاپونو دچکوسلوا کیانو تیم ئی وکاته او د معارف له تبعونو سره مساوی پاتی شو دهنه بال دلوبو نتیجه هم مایوس کونکی نه وه . دثقله سپورتنو کلب هم له هره حیثه مجهز اومکمل شوی دی اوهیله ده چه ژر به دوزن برداری ، پهلوانی باډی بلانک او بوکسنگ ورزشکاران په دی کلب کی وروزل شی اواوید دی چه په اوچتسو په د تیمونه د مسابقاتو دپاره چمتو کړای شی . دپوهنځیو دملی اتن تیمونه هم تشکیل شوی دی اولکه څرنگه چه ئی وینی د دوی تمرینات په موفقیت سره دوام لری هیله ده چه پوهنتون به بو ډیر غښتلی داتن تیم میدان ته راوباسی . - حربی پوهنتون داوولخل دپاره موفق شوچه ددوه کاله دخپلواکی د جشن په دریمه ورځ د سپورت مینانو په رسم گذشت کی په ډیره آبرومندانه قیافه اشتراک وکړی . د سپورت مینانو د سپورتی لوازمو سامانو او کالیو اود دوی د کالوری دتامین په باره کی د حربی پوهنتون د قوماندانی له خوا خاصه پاملرنه شوی ده ، په دی وروستیو وختو کی د حربی پوهنتون د محترم قوماندان صاحب په لارښونه اواستیدان د سپورت مینانو د تشویق او په پوهنتون کی د سپورتی روح د ژوندی ساتلو په غرض د والیبال مسابقی په پوهنځیو کی شروع شوی چه د ټولو پوهنځیو د تبعونو فعالیت دستاینی وړدی ، نن ددی مسابقو د فاینل لوبه د گرانو حاضرینو په حضور کی اجرا کیری ، ورزشی آمریت په نظر کی لری چه داراز مسابقی د سپورتنو دنورو تیمونو په مینځ کی هم وروسته تردی دوام ولری .

په څلور څلویښتم کال کی دپوهنتون د سپورتی فعالیتونو دانکشاف دپاره یوه کمیټه جوړه شوه ، دی کمیټی په کار پیل وکړ او په اوله مرحله کی ئی د فټبال او هاکی تیمونه تشکیل کړل ، په نتیجه کی حربی پوهنتون وکړای شول چه د فټبال او هاکی دوه غښتلی تیمونه وروزی اوالمیک ته ئی د مسابقو دپاره معرفی کړی دادوه تیمونه د څلور څلویښتم کال په ټورنمنت کی داخل شول اود حربی پوهنتون د فټبال تیم د افغانستان د څلور څلویښتم کال د قهرمان تیم وپیژندل شو اود دخپلواکی په دریمه ورځ په داسی حال کی چه د ملی دفاع جلالتماب محترم وزیر ، محترم لوی درستیز د کابینی غړی او په زرگونو تماشاچیان په غازی ستودیم کی حاضر وو د نقره ئی لوی کپ د پښلسو کالونونه وروسته یو لځل بیا د حربی پوهنتون په نصیب شو . دپوهنتون دها کی تیم هم په ټولو تیمونو کی دریم نمبر شو . د پښخه څلویښتم کال دخپلواکی په جشن کی د حربی پوهنتون د فټبال تیم د پاکستان د فټبال په تیم غالب شو ، همدا راز نظروهغه لیاقت ته چه د حربی پوهنتون د فټبال د تیم اعضاو درلود موفق شول چه څلور تنه په هغه منتخب تیم کی چه شوروی اتحاد ته په پنځه څلویښتم کال کی ولاړ انتخاب شی - د کابل دپوهنتون سهمیه عم په دی ټیم کی څلور تنه وو . حربی پوهنتون موفق شوچه یو دوالی بال او یو دهنه بال تیم وروزی تیر کال په هغو مسابقاتو کی چه د حربی پوهنتون د والیبال تیم شامل

م و خواراندگان

سناغلی تورن غلام یحیی :

شماره موضوع تاریخچه تلگراف و تلیفون معلومات خواسته اید . در روز گاران قدیم موضوع مهمیکه مورد توجه زیاد دولت ها و مخصوصاً جهان عسکری بود اطلاع سریع و خبر یافتن فوری از اطراف مملکت ، در محاربات و حتی نقاط مختلف جهان بود . روی همین اصل با افروختن مشعلهای متعدد در فواصل معین و دادن علامتهای مخصوص خبری را از نقطه ای دور دست بجای معینی مخابره میکردند همچنین از برخی قرائین و نشانه ها که در دست است بر میآید یکنوع مخابره وجود داشت که به وسیله لوله های صوتی از مفرغ یا گلی این عمل را صورت میدادند و اخبار بدین طریق از یک میل بیک میل بسربازان اطلاع داده می شد .

در قرن شانزدهم شیوه مخابره قدیم زنده شد . حتی در سال ۱۶۸۴ رسید هوک عالم بزرگ با اعلاماتی

که جانشین حروف الفبا ساخت که یکی را بعد از دیگر در هوا بلند میکردند عمل مخابره صورت میگرفت ۴۰ سال پس از وی دانشمندی بنام «آموتون» روش هوک را اصلاح کرد اگر ضرورت اقتصادی و اجتماعی ایجاد میکرد . دنباله این کار گرفته میشد . اما افسوس که حدود ۸۰ سال این جنبش و اختراع و ابلاغ بزرگ و پر ارزش متروک ماند . تا اینکه لراژ سوئسی در سال ۱۷۷۴ از نوعی تلگراف ساخت . هم چنین وسیله کلود شاب فرانسوی وسیله کاملتری در سال ۱۷۹۰ اختراع شد که بعداً باز در سال ۱۷۹۳ آنرا کاملتر کرد و در خصوص برخی از اعضا کنوانسیون فرانسه آزمایش گردید و اعضا از این وسیله حسن استقبال کردند بطوریکه خطوط متعددی از پاریس بمرکز مهم فرانسه ایجاد شد و حتی مخترع آنرا (کلود شاپ ۱۷۶۷ - ۱۸۰۵) بسمت مهندس تلگراف منصوب و مبلغی حقوق

برایش معین کردند .

در سال ۱۸۰۰ سه خط تلگرام مجموعاً بطول ۱۲۳۵ کیلومتر نصب گردید و طول این خطوط ۴۴ سال بعد به ۵۰۰۰ کیلومتر رسید و خبری که هفته ها طول میکشید از تولون پاریس برسد در مدت ۲۰ دقیقه از صد ایستگاه راه میگذشت و بمقصد میرسید از این نوع تلگراف در کشورهای دیگر از قبیل اسپانیا، مصر، ایتالیا استفاده شد .

پس از موفقیتی که کلو د شاپ و سیستم تلگرافش بدست آورد سایر مخترعان نه نامید شدند و نه دست از کار کشیدند . بلکه همواره به تلاش و کوشش پیگیر خود ادامه دادند از جمله میتوان ژرژ کزائز سوئسی (۱۷۲۴ - ۱۸۰۳) را نام برد این مخترع بعضی حروف الفبا در دستگاه اختراعی خود سیم بکار برد دیگران نیز شیوه های کم و بیش نظیر کزائز را اختیار کردند که

دستگاه‌های ابداعی آنان چندان مهم و جالب نبود.

در سال ۱۸۱۱ یکنفر فزیکدان بنام زولرینگ از اهالی باویر دستگانه شبیه تلگراف کزاز ساخت به تعداد حروف الفبا سیم داشت اما باز کامل نبود.

با اکتشاف الکترو دینامیک توسط آمپر، فارادی، اورستد کار ساختن تلگراف بر مبنای صحیحی قرار گرفت و از مقناطیس الکتریک استفاده شد.

در سال ۱۸۳۳ دستگاه تلگرافی توسط وبر و کالوس اختراع شد که پیشرفته و کاملتر از دستگاه‌های پیشین بود. اما در همین زمان ازین نوع دستگاه‌ها در روسیه توسط شیلینگ و در انگلستان بوسیله کولک - ویستون تلگراف الکتریکی صمغه داری اختراع شد. درین دستگاه حروف توسط ۵ عقربه به گالوانومتر معین و عقربه‌ها با پنج سیم بدستگاه انتقال اخبار متصل میشدند و ازین اختراع در انگلستان مشغول بهره برداری شدند.

در ایالت متحده امریکا ساموئل مورس فرزند ارشد کشیشی که در آغاز نقاش بود و ازین راه شهرت فراوان رسیده بود پس از اینکه بفرانسه آمد در باز گشتن با جوانی که رشته شیمی تحصیل کرده بود و این جوان یک مقناطیس الکتریکی با خود داشت آشنا شد. پس از مشاهده آن دستگاه دچار تعجب شد و بفکر فرورفت پس از ورود با امریکا مدت‌ها کوشید تا توانست دستگاه تلگرافی کاملی اختراع کند، این دستگاه بر سائر دستگاه‌های اختراعی در آلمان و انگلستان و سایر جاها رجحان داشت پس از اینکه در امریکا مورد استفاده قرار گرفت سایر کشورها از جمله فرانسه که سخت در دستگاه تلگرافی شاپ چسپیده بود از دستگاه‌های نو ظهور تمهیه کرد

هم‌چنین در ایتالیا و هلند هم که دستگاه ویستون مورد استفاده بود نفوذ کرد و تاروزیکه سرگ مخترع نامی فرارسید عمه جای دنیادر زیر شبکه‌های تلگراف مورس قرار گرفت.

تلفن :

سابقه ایجاد تلفن نیز بس دل‌انگیز و افسانه‌ای می‌باشد اما فقط از تاریخی که واقعاً تلفن براه تکامل و استفاده افتاد سخن می‌گوئیم. اینطور معروف است، میگویند هوک دانشمند عالی‌مقام تلفنی بانخ اختراع کرد. همچنین معروف است که در سال ۱۷۸۲ یکنفر کشیش بوسیله لوله صوتی تلفن را بوجود آورد و تا فاصله ۸۰۰ متری کلام گوینده ارسال میداشت.

در سال ۱۸۳۲ فیزیک دان مشهور آمریکائی چارلز بیچ (۱۸۱۲-۱۸۶۸) با مقناطیسی کردن پی‌درپی سیم‌های از آهن خالص تولید اصواتی میکرد. این دستگاه توسط اوگوست دلاریو (۱۸۷۳-۱۸۰۱) اصلاح گردید و صداهای خوش‌آهنگی را از آن دستگاه بوجود آورد.

در سال ۱۸۶۱ توسط فزیکدان آلمانی فیلیپ رایس یک تلفن بدوی و مقدماتی اما بمعنای واقعی آن ساخته شد.

تا اینکه گراهام بل (۱۸۴۷-۱۹۲۲) که فرزند مرد خطیبی بود و خود نیز در موضوع کران ولان مطامعه میکرد توانست با کوششهای فراوان در سال ۱۸۷۵ تلفن را اختراع کند. ولی صنعت گری هم‌زمان با اختراع بل تلفنی ساخت که فقط ۲ ساعت دیرتر تقاضای ثبت آنرا کرد ولی بل که زودتر مراجعه و تقاضای ثبت کرد بدو موفق شد در محکمه نیز به نفع او رای دادند در حال تلفنی را که اختراع کرده بود کامل نبود تا بوسیله ادیسون کامل گردید و این

دستگاه که ابتدا محدود بوسعت کمی بود و وقتی ادیسون آنرا اصلاح کرد تا شعاع خیلی زیادی مکالمه صورت میگرفت.

تلفن بقدری باستقبال عمومی مواجه شد که در سال ۱۹۲۲ که مخترع آن درگذشت بیش از ۱۸ میلیون مشترک تلفون در ایالات متحده و کانادا یکدقیقه بخاطر سرگ وی تلفن را قطع کردند.

بناغلی غلام‌علی بریدمن!
اینک طبق وعده قبلی بجواب قسمت دوم سوالات شما در خصوص علاج مرض چاقی و بیدار خوابی پرداخته میشود.
چاقی بصورت عموم چهار علت دارد.

- ۱- علل عصبی.
- ۲- علل غدد مترشحه داخلی.
- ۳- علل روانی.
- ۴- علل موروثی.

درین علل فوق بیشتر علت چاقی علل روانی و پر خوری می‌باشد، چاقی در ذات خود زیانی نیست بلکه یک بیماری است برای اینکه بمهمیم چاقی چیست باید در نظر داشته باشیم که وزن بدن که معیار سنجش چاقی است همیشه تناسب دارد با طول و قد بدن مثلاً طول قد را بسانتی متر بگیرند و از آن مقداری متناسب با ۱۰۰ سانتی متر کم بکنند باقی مانده عبارت خواهد بود از وزنیکه اجازه دارند داشته باشند عبارت دیگر آنچه که بین مردم هست میگویند اگر که یک شخص که ۱۷۰ سانتی متر قدش میباشد ۱۰۰ سانتی متر از آن کم شود عدد ۷۰ که میماند مقدار وزنی است که اجازه دارد داشته باشد بدون اینکه میشود در باره اش از چاقی یا لاغری صحبت کرد.

مهمترین خطرات چاقی آنچه که از همه مهمتر است ناراحتی‌ها قلب

وعروق است که این بطور قطع ثابت شده که اگر اشخاص چاقی که مبتلا باین ناراحتی‌های قلبی و عروق از نوع شرائین یا نارسائی عروق قلب یا فشار خون میشوند این نوع اشخاص اگر وزنشان را پائین بیاورند بحدود وزن ایده آشان برسند در ناراحتی‌شان تخفیف زیادی حاصل می‌شود علتش هم واضح است برای اینکه اگر مادون‌فر را فرض بکنیم که هر دو ۶۰ سال داشته باشند و یکی از اینها مثلاً ۳۰ کیلو نسبت به آن یکی اضافه وزن داشته باشد قلب اینها حجمش تقریباً مساویست ولی آنکه ۲۰ کیلو اضافه وزن دارد قلبش باید ۳۰ کیلو را حمل بکند نتیجتاً زودتر خسته میشود و اگر این مرد یا این خانم ۲۰ کیلو وزن را پائین بیاورد طبیعتاً بهمان اندازه بقلبش کمک کرده. و هم بارها دیده شده که سنگ‌های نوع کیسه صفرا هم از اشخاص چاق بیشتر دیده میشود بدین ترتیب ما فهمیده می‌توانیم که چاقی خودش خطرناکترین مرضی است که باید در نظر گرفته شود. قبل از همه برای جلوگیری و اجازه ندادن بوجود یک رژیم غذایی متعادل نظریه مصرف انرژی و شرایط کار روزمره در نظر گرفته مخصوصاً تحت یک پروگرام سیورت روزانه خود را معتاد بسازند فراموش نشود در موضوع علاج چاقی مریضان بیاد داشته باشند که هرچه وزن بتدریج پائین بیاید بهتر است اگر چه آن مقصد انتهائی دور است ولی نتیجه اش فوق العاده بهتر است تا وزن سریع‌تر پائین بیاید زیرا در مان مرض چاقی متأسفانه آنقدرها که ما تصور میکنیم آسان نیست بلکه یک درمانی

است نسبتاً مشکل و لازم است برای کم‌ساختن وزن خود از صبر و حوصله کار گرفته سپورت و خطرات پر خوری را فراموش نکنیم.

بیدار خوابی :

بطور کلی خواب به منظور ترمیم ناراحتی‌های روز و بمنظور تجدید قوای فرد واقعاً لازم و ضروریست دانشمندان میگویند هر فردی احتیاج به ۸ ساعت خواب دارد که البته مقدار این خواب در افراد مختلف کم و زیاد میشود و در افراد مختلف تفاوت دارد در بعضی‌ها بیشتر و در بعضی‌ها کمتر است.

و اگر کسی از خواب خودش برای مقصد دیگری استفاده بکند نه تنها بخودش ضرر زده است بلکه از انجام آن منظور و مقصود هم کاملاً بر نمی‌آید.

بیخوابی اثرات بسیار شدیدی نه تنها روی جسم فرد بلکه روی روان خیلی زیاد تاثیر میگذارد فردیکه بعللی نتواند بخوابد روز بعد انواع نارا حتی‌ها، عصبانیت، بدخمی و همچنین ناسازگاری با محیط در او ایجاد میشود. به همه چیز بیعلاقه میشود، همیشه در حالت عصبانیت بسر میرود.

علل بیخوابی متعدد است یکی از مهمترین علل جسمی است که بواسطه خوردن قهوه، چای و ادویه جات و غیره که با خوردن مقدار زیاد از آنها مسلماً اشخاص نمیتوانند خوب بخوابند.

یکی دیگر از علل بیخوابی پر خوری زیاد است که اگر اشخاص در دعوت‌ها غذای زید و نوشیدنی‌های دیگری بخورند و سگرت زیاد

بکشند دچار بیخوابی میشوند و یا ترمیم این عوارض خوابشان مرتب می‌شود.

ولی افرادی هستند که اصولاً خواب خوبی ندارند و اینها قاعدتاً دارای یک ناراحتی جسمی یا روانی هستند از بیماری‌هایی که خواب را کم میکنند یا از میان میبرد اصولاً درد‌های شدیدی انواع مختلف امراض میباشد.

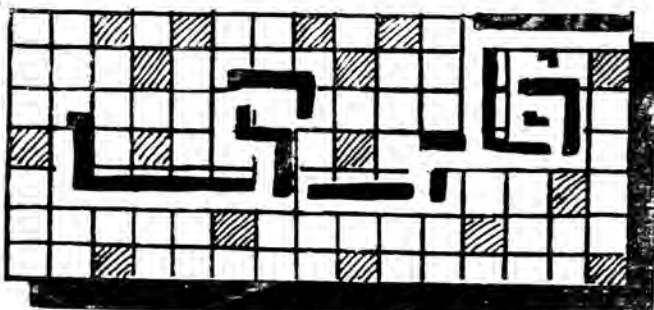
علل دیگر: بیماری‌های روانی هستند بطور کلی هر بیمار روانی چه بیمار خفیف و چه بیدار شدید دچار بیخوابی میشود.

بهترین معالجه چنین بیخوابی‌ها هرچه زودتر رفتن پیش طبیب است که طبق هدایت آن تداوی گردد. گرچه متدهای کوچک دیگری هست مثل حمام قبل از خواب، ماست خوردن و حتی یک قرص اسپرین میتواند عده‌ای خوب بخوابند و البته چیزی که درین قسمت بیشتر اهمیت دارد پرهیز از بعضی چیزهایی است قهوه چای، ادویه سگرت و غیره. البته بسیار موثر است و در خوابیدن تا حدودی کمک میکند.

برای خوب خوابیدن شرایط دیگری هم لازم است و حتماً باید این شرایط فراهم باشد یکی از آنها، غذای سبک و ساده در شب است. و از همه مهمتر کسانی که دارای مشاغلی که خستگی‌های فکری و روانی در طول روز در آنها ایجاد میکنند، شب قبل از خوابیدن و بعد از غذا حتماً پانزده، بیست و یازده ساعت پیاده روی بکنند تا بدین ترتیب خواب خوش و عمیقی داشته باشند.

رابور تاژ تشریف فرمایی مهمان گرامی اعلیحضرت معظم همایونی جلالت‌آب
نیکولای پود گورنی صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی در شماره آینده
مفصلاً نشر می‌شود

مشغولیت‌های



از قضایای پلیسی :

دو مرمی بفاصله پنج دقیقه

پلیس دوم به جستجو برآمد تا اینکه به پیرزن زمین گیر که در همسایه گئی مقتول زندگی داشت مقابل شد، پیرزن گفت: درحالی ساعت هشت دیشب صدای فیر دو گلوله بگوش رسید، اما باید این را علاوه کنم که بین هر دو فاصله تقریباً پنج دقیقه ریا بیشتر صورت گرفت . وقتیکه پلیس اولی موضوع را شنید تکرار خواهش کرد تا جستجوی بیشتر بعمل بیاید.

بالاخره پس از تحقیقات و جستجوی دامنه دار، پلیس به مقامات مربوطه خود نوشت که بطور قطع این دو نفر توسط شخص ثالث بقتل رسیده، قاتل او لارا مون را کشته و بعد با تفنگچه رامون الفرد را از پای در آورده است. اکنون پلیس روی کدام دلیل بطور قطع باین نتیجه رسید که پای شخص ثالث درین قتل داخل است؟ اگر بحل آن موفق نشدید جواب مارادر شماره آینده مطالعه کنید.

یکی از منسوبین پلیس از طرف مقامات مربوطه موظف ساخته شد تا به موضوع یک قتل رسیدگی نماید. قضیه ازینقرار بود :

دریکی از اپارتمانهای شهر نیویارک دو نفر کشته شده . بطرزیکه مرمی تفنگچه الفرد در بدن رامون و از تفنگچه رامون در بدن الفرد پیدا گردید، پلیس در ضمن جستجوی یک مکتوب پیدا کرد که در آن نوشته شده بود .

«پلیس و محکمه محترم عدلی! چون الفرد تصمیم گرفته است مرا بکشد، من از خود دفاع خواهم کرد و اگر روزی جسد مرا پیدا کردید بدانید بدست الفرد کشته شده ام. (امضای رامون) پلیس بعد از مطالعه این مکتوب به فیک خود گشت: خواهش میکنم معلومات بکنی و ببین که کدام کس ازین واقعه چیزی معلومات داده می تواند، یاخیر

هفت اختلاف

این دو عکس باهم مشابه‌اند، اما با وجود آن هفت اختلاف کوچک در آن مشاهده می‌شود اگر موفق شدید بما بنویسد تا بنام شما درج شود.

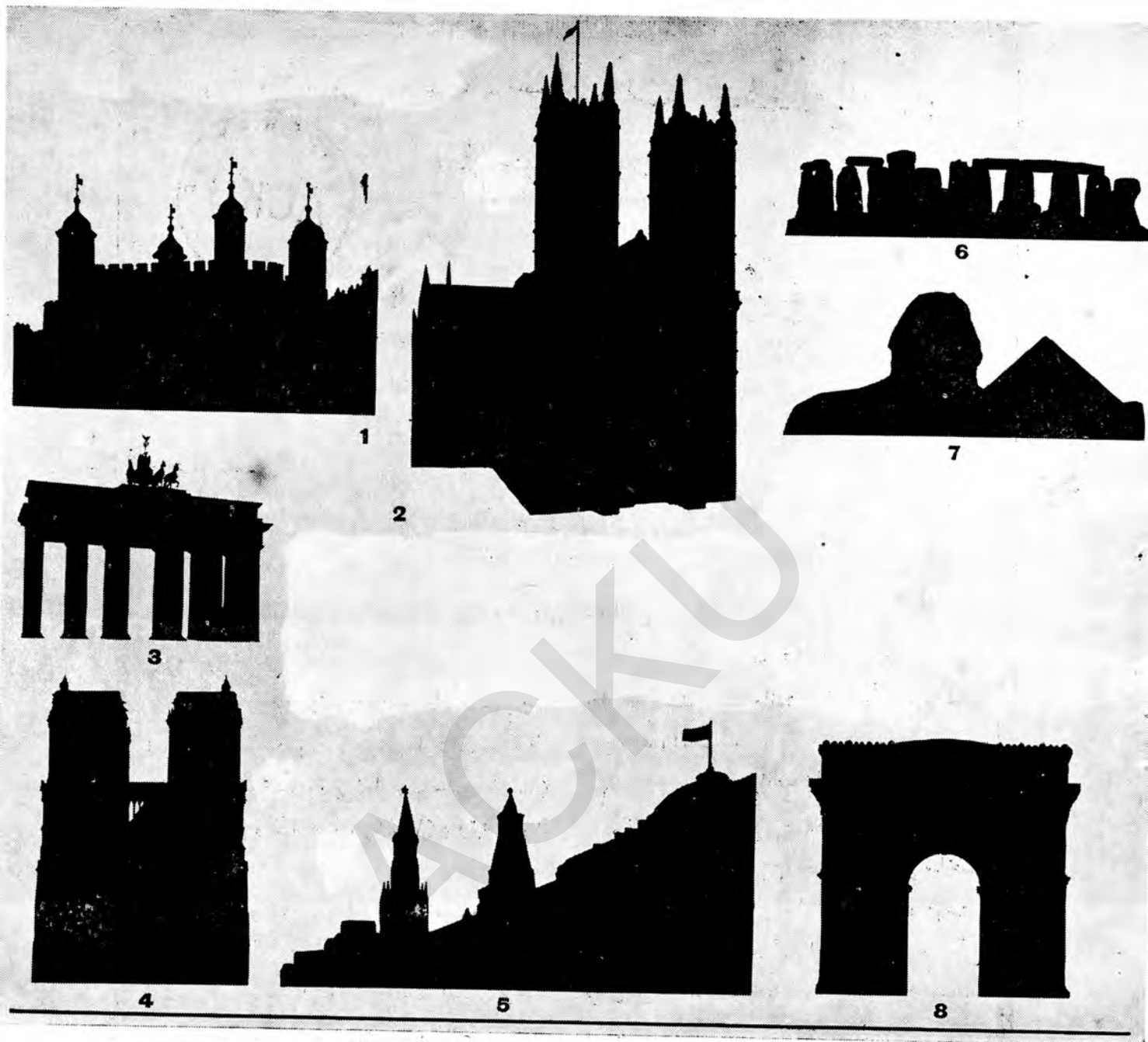
دقت کنید

در یک سبد پنج دانه سیب وجود دارد سیب هارا این پنج نفر تقسیم کنید که یک سیب در سبد باقی بماند آیا این تقسیم امکان دارد؟

جواب ده اختلاف

- ۱ - تعداد خط‌های علامه آستین چپ.
- ۲ - شکل ابر
- ۳ - ساختمان بیرغ
- ۴ - حرف در *Bangs* (G)
- ۵ - روی الا شه عسکر یک کوبه بدست دارد
- ۶ - ارتفاع چوکات زنگک
- ۷ - قسمت پائین لوحه (*Twice daily*)
- ۸ - طول دسته کوبه
- ۹ - عرض دروازه خیمه
- ۱۰ - سایز جیب پتلون عسکر





جواب (پیدا کنید)

- ۱ - لعل قلعه دهلی، ۲ - پارلمان انگلستان، ۳ - بالشوتیا تر، ۴ - تاوربریج لندن، ۵ - قصر کریملین،
 ۶ - خرابه های روم، ۷ - هرم مصر، ۸ - طاق ظفر پاریس

وفات مرحوم جگرن عبدالکریم

معلم حربی بنوونخی



مرحوم عبدالکریم

عبدالکریم متخلص به ریاض ولد محمد رحیم در سال (۱۳۰۵) ه در قریه فاقدان حکومت غوریان متولد و به سال (۱۳۱۵) شامل مکتب ابتدائیه غوریان گردیده به سال (۱۳۲۲) از انجا بطوریک شاگرد ممتاز فارغ و به قوس (۱) همان سال به حربی بنوونخی انتخاب شد. و پس از اكمال دوره تحصیل ح، ش در سال (۱۳۲۹) به فاکولته سیانس شامل گردیده دوره فاکولته را نیز موفقانه بپایان رسانید و به سال (۱۳۳۶) بحیث معلم در حربی بنوونخی مقرر گردید.

نقل داده شده محترم مانده در پهلوی والد بزرگوار خود مدفون شدند.

(انالله وانا الیه راجعون)

وفات جگرن مرحوم همه دوستان و مخصوصاً شاگردان شانرا قرین حسرت و تأثر ساخت مرحوم بااخلاق عالی و لیاقت و وظیفه دوستی شهرت نیک داشتند و مرگ ایشان ضایعه بزرگی برای اردو و مخصوصاً در ح. س محسوب می شود.

وزارت دفاع ملی از فقدان این استاد مرحوم که یکن از صاحب منصبان زحمت کش و صادق اردو بوده و دوران حیات خود را در راه خدمت بوطن وقف نموده متأثر و متألم گردیده از خدای متعال برای ایشان طلب مغفرت و به بازماندگان صبر جمیل می طلبد.

مرحوم تارتبه (۷) بحیث معلم ملکی بود اما بعد از طی دوره کورس احتیاط در سال (۱۳۳۹) به رتبه تورنی نائل و در سال (۱۳۴۲) به جگتونی و کذا به سال (۱۳۴۴) به رتبه جگرن ارتقاء یافت.

مرحوم در دوره ملاموریت خود مفتخر به اخذ یک بریال مطلا و دومدال ورتیا گردیده است و مدت (۱۴) سال بحیث استاد فزیک حربی بنوونخی به کمال جدیت و دیانت صادقانه اجرای وظیفه نموده و شاگردان لایقی به ح، پ تقدیم نموده است.

جگرن مرحوم در ۶ برج قوس (۱۳۴۵) نسبت به مریضی نیکه داشت چشم از جهان پوشید به پاس قدردانی از خدمات او به مصرف وزارت جلیله دفاع ملی، میت شان به غوریان

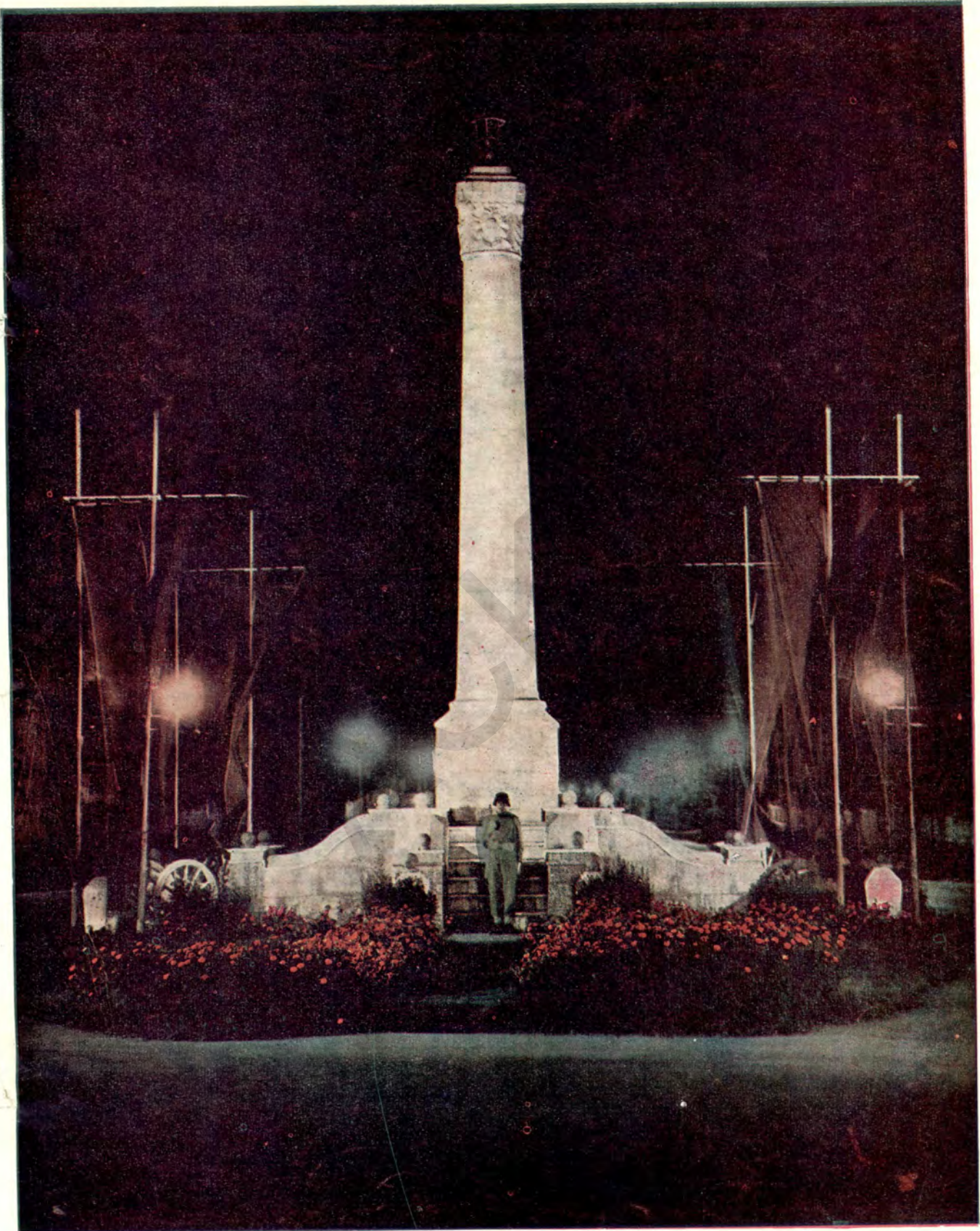
وطنمان

وطنمان . وطنمان ، وطن مادری ما
بد که نامش چه دلپذیر است
عبیح کودی که سر آسمان میساید
عبیح دره شاداب و عبیح ساحل دریای جوشانی
بقدر مبین مقدس ما محبوب نیست
این آب و خاک کی که پدران مان آنرا دوست میداشت

کشور ما فقیر است والبته در نظر کسانی که
در پی زروسیم هستند فقیر مینماید
بیگانگان به نگاه تحقیر در آن مینگرند
و وقتی آن نمیکذارند اما ما خودمان
آنها با تخته سنگهایش و با قلعه های بلندش و با سواحل و کرانه هایش
دوست میداریم . وطن طلائی ماست .

ما جوش و خروش نشاط انگیز رودخانه هایمان را دوست میداریم
امواج جهنده جویبارها
جنگلهای تیره و تار با آن همه سرو صدا های مبهم
شبهای پرستاره و انوار تابستانی
هر آنچه در اینجاده میشود و بگوش میاید
جمله قلب ما را روزی بلرزش آورده است

اینجاست که دنیا کان ما چنگیده اند
باغز شان و با شمشیر شان و با بیل و کلمه گ و خیش
چه در روزهای تاریک و چه در ایام روشن و بر آفتاب
چه در سعادت و چه در بد بختی
قلب ملت فنلاند طپیده
تا صاحب آنچه امروز مال ماست شده ایم



آبده آزادی سمبول استقلال طلبی ملت افغان یا تجلیگاه روح دلیر اردوی شاهانه